

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه تقرب

سال هشتم، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۰



صاحب امتیاز: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
زیر نظر: آیت الله محمدعلی تسخیری
مدیر مسئول: علی اصغر اوحدی
شورای سردبیری: سید حسین هاشمی، عزالدین رضانژاد، مرتضی محمدی

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر علیرضا اعرافی (دانشیار جامعه المصطفی العالمیه)، سید احمد رضا حسینی (مدرس حوزه و دانشگاه)،
دکتر سید منذر حکیم (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)، دکتر سید هادی خسروشاهی،
دکتر عزالدین رضانژاد (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)، دکتر محمدحسن زمانی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)،
دکتر ناصر قرباننیا (استادیار دانشگاه مفید)، دکتر نجف لکزایی (دانشیار دانشگاه باقرالعلوم)،
دکتر محمدهادی یوسفی غروی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)، دکتر مرتضی محمدی (استادیار دانشگاه مفید)،
دکتر سید حسین هاشمی (استادیار دانشگاه مفید)

مدیر اجرایی: محمدعلی ملاهاشم
ویراستار: احمد اکرمی
حروف چینی و صفحه آرایی: سید محمود حسینی



✓ فصلنامه «اندیشه تقرب» با هدف استحکام بخشیدن به وحدت میان مسلمانان و نیز طرح مباحث اندیشه‌ای در زمینه مشکلات و چالش‌های فراروی جهان اسلام، در حوزه‌های گوناگون فقهی، حقوقی، کلامی، فلسفی، تاریخی و... انتشار می‌یابد.
✓ فصلنامه در جهت اهداف یادشده، از مقالاتی که دارای موازین علمی باشند، استقبال می‌کند.
✓ فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.
✓ نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.



نشانی: تهران، خ آیت‌الله طالقانی، نرسیده به چهارراه شهیدمفتح، شماره ۳۵۷، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی و پژوهشی

تلفن: ۳-۸۸۳۲۱۴۱۱ / ۸۸۲۲۵۳۲ / دورنگار: ۸۸۳۲۱۴۱۴ - ۸۸۳۲۱۶۱۶ - ۲۱ - ۰۰۹۸

قم: خیابان ساحلی، نبش لوسانی ۱۷، پلاک ۱۶۱ / کد پستی: ۳۷۱۳۶۶۳۶۵۷ / تلفن فاکس: ۷۷۵۵۴۶۴ / تلفن: ۷۷۵۵۴۴۵ - ۲۵۱ - ۰۰۹۸

پست الکترونیک: andisheh@taghrib.org

فهرست مندرجات

سرمقاله..... ۵

♦ مقالات اندیشه‌ای

- ♦ اجتهاد و نواندیشی / آیت الله تسخیری..... ۱۱
- ♦ راهبرد پیامبر اعظم ﷺ در فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی / دکتر سید علاءالدین شاهرخی..... ۱۷
- ♦ بررسی نظریه ابن تیمیّه در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی ؑ، و نقد آن با تکیه بر منابع اهل سنت / دکتر محسن رفیعی؛ دکتر معصومه شریفی..... ۳۳
- ♦ راه کارهای قرآنی وحدت و تقریب راه کارها و سیاست‌ها جهت عملی کردن تقریب و حرکت به سوی وحدت با رویکرد قرآنی / فاطمه ناصر معدلی..... ۴۷
- ♦ وحدت و انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه / سید حنّان رضوی..... ۷۱

♦ پیشگامان تقریب

- ♦ ابن شهر آشوب عالم تقریبی قرن ششم / امان‌الله شفایبی..... ۸۷

♦ سرزمین‌های جهان اسلام

- ♦ کشورشناسی تانزانیا / لیلا قلندر لکی سلطانی؛ آمنه قلندر لکی سلطانی..... ۹۹

♦ گزارشی از یک کتاب

- ♦ اندیشه اتحاد در رساله «تنبيه الامه و تنزیه المله» میرزای نایینی / بهنام دارابی..... ۱۲۵

♦ اخبار فرهنگی..... ۱۳۷

♦ مأخذشناسی اندیشه تقریب / سلمان حبیبی

- ♦ ا. آثار منتشر شده به وسیله مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی..... ۱۵۹
- ♦ ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقریب..... ۱۶۴
- ♦ نمایه مجله از شماره ۶ تا ۲۸..... ۱۷۰

♦ چکیده مقالات به زبان عربی / دکتر انور رصافی..... ۱۸۱

♦ چکیده مقالات به زبان انگلیسی / محمد اخوی پور..... ۱۹۶

سر مقاله

ضرورت همراهی بیداری اسلامی با وحدت اسلامی

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی جهت نجات انسان‌ها از جهالت و رذالت، توسط پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جامعه بشریت هدیه شده است. تمام تلاش‌های آن شخصیت بزرگوار در جامعه عربی آن زمان، به‌کارگیری تمام عوامل سیاسی، اجتماعی و اعتقادی برای زمینه‌سازی‌های لازم در مسیر ترسیم دورنمای امت واحده بوده است. نتایج این تلاش‌ها ایجاد فضای رشد فکری و ارتقای فرهنگی مردم نسبت به مسئولیت‌های خود جهت ایجاد یک جامعه اسلامی بالنده است؛ از این‌رو، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اولین حرکت خود در آغاز ورود به مدینه، پیمان‌نامه‌ای عمومی را منعقد کرد که در درجه اول مانع هرگونه قومیت‌گرایی می‌شد تا وحدت در جامعه اسلامی آن زمان محقق شود و در درجه دوم، زمینه‌ساز یک زندگی همراه با صلح و آرامش با ادیان دیگر بود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسیر تثبیت هم‌بستگی و وحدت بین مسلمین بارها بر این موضوع تأکید فرمود. پس از فتح مکه و در مسجدالحرام فرمود: «المسلم اخ المسلم والمسلمون هم ید واحدة علی من سواهم تتكافوا دماءهم یسعی بذنبهم ادناهم» (علامه هندی، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۱۴۹).

جامعه مطلوب آن بزرگوار، جامعه‌ای است که تمامی اعضای آن بر محور توحیدی، پیوند اخوت با یک‌دیگر دارند و مکلف هستند آن را استوار نگه دارند تا خدای متعال نیز زمینه‌های الفت و وحدت دل‌ها را (به قدرت خود) پایدار سازد و بدین‌سان پایه‌های تفاهم اجتماعی جامعه اسلامی محکم گردد. برای دوام این نهال وحدت، پیامبر بزرگوار اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حتی در آخرین توصیه‌های خود به امت اسلامی نیز چنین می‌گوید: «ایها الناس، ان دماءکم و اموالکم علیکم حرام الی ان تلقوا ربکم، کحرمة یومکم هذا، و کحرمة شهرکم هذا...» و نیز در آخر خطبه می‌فرماید: «... ایها الناس اسمعوا

قولی و اعقلوه، اعلموا ان كل مسلم اخ للمسلم و ان المسلمین اخوة» (ابن هشام، ۱۳۶۳ ش، ج ۴، ص ۲۵۰).

از آنجا که استراتژی آن حضرت در روشن‌گری و ایجاد وحدت اسلامی عزت اسلامی و رهایی مردم از بردگی را در پی داشت، همواره دشمنان قسم خورده اسلام برای از بین بردن این وحدت و عزت اسلامی تلاش کرده و با انواع حيله‌ها، از آغاز نبوت تا امروز قصد داشتند با ایجاد تفرقه میان مسلمین از رشد قدرت اسلام جلوگیری نمایند. در این میان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دست‌آویز مخالفان حقیقت، بحث شیعه و سنی و اختلاف میان این دو مذهب عمده از مسلمانان بوده است. بنابراین، لزوم حفظ وحدت میان مسلمین از جمله اموری است که همواره از سوی بزرگان و رهبران مذهبی مسلمانان مورد توجه قرار گرفته است.

ایجاد وحدت اسلامی و بازگشت به دوران عزت اسلامی نیازمند به کارگیری تمام ظرفیت‌های موجود در هر مقطع زمانی و مکانی می‌باشد. از این رو شناسایی عوامل و موانع ایجاد وحدت از اساسی‌ترین مسائل وحدت اسلامی است.

یکی از چالش‌های موجود، فاصله معرفتی میان شیعه و سنی است که دشواری‌هایی را در داشتن یک تصور درست نسبت به یک‌دیگر فراهم نموده است. به طور قطع حذف یکی از دو طایفه راه حل فراهم آوردن وحدت نخواهد بود. حقیقت مفهوم «وحدت» آن است که با حفظ عقاید قطعی و مسلم خود، در مقابل دشمن مشترک موضع واحدی داشته باشیم و به قول مرحوم شهید مطهری رحمته الله وحدت اسلامی متوقف بر این نیست که فرق و مذاهب از میان برود. (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۱) به تعبیر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و منادی وحدت در دهه‌های معاصر، اساساً تعدد مذاهب دلیلی بر تفرقه و اختلاف نیست. حضرت امام خمینی می‌فرماید: «یک‌دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک‌دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک‌دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند. اصولاً طرح این معنا از اول درست نبود. در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم، منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید، شدید حنفی، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک‌دسته دیگر حضرت صادق را عمل کردند این‌ها شدند شیعه. این‌ها دلیل اختلاف نیست.» (صحیفه امام، ج ۱۳،

۱۳۵۹/۰۴/۳۰)

راه حل قرآنی نیز آن است که این تفاوت را زمینه‌هایی برای معرفت متقابل میان آنان قرار دهیم. این زمینه‌ها با تبلیغ جنبه‌های مثبت دین‌مدارانه از طرف هر یک نسبت به دیگری به دست می‌آید تا تصور نشود که طرف دیگر کافر است و یا اصلاً توجهی به دین ندارد. این معرفت را می‌توان با نشست‌های علمی مشترک، در قشر تحصیل‌کرده و تبادل نمادهای مذهبی که به نوعی با هنر نیز آمیخته باشد، مانند فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی و یا دیگر پدیده‌های هنری، در سایر اقشار، فراهم نمود.

یکی دیگر از گام‌های مهم، زمینه‌سازی وحدت است که می‌تواند به وسیله رهبران هر مذهبی در دو مرحله انجام می‌گیرد: مرحله اول، ایجاد زمینه‌های فکری و ذهنی که دانشمندان و اندیشمندان مذهبی باید آن را فراهم کنند و مرحله دوم، توصیه‌های عملی و راهبردی است که باید از سوی علما و مراجع طراز اول و بالاترین مقامات مذهبی که مورد اعتماد مسلمانان‌اند، اعلام شود.

یکی از عوامل تشدیدکننده تفرقه، تعصبات مذهبی و افراط‌گری است که از ناحیه اقلیتی از جامعه بدان دامن زده می‌شود. رفتارهای خشونت‌باری که امروز در برخی کشورهای اسلامی مانند پاکستان، افغانستان و عراق به پهانه این نوع تعصبات مذهبی صورت می‌گیرد، از نقشه‌های استکبار و صهیونیست می‌باشد که باید از سوی رهبران مذهبی و دولت‌های اسلامی محکوم شود. مقام معظم رهبری در سالروز میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (۱۳۸۷) در تبیین عوامل تفرقه میان مسلمانان، عامل درونی و تعصب بی‌جا بر عقاید را یکی از آنها برشمردند و بر لزوم اهتمام شیعه و سنی به حفظ حرمت افکار و عقاید یک‌دیگر تأکید کرده و گفتند: مباحثات علمی درباره این افکار و عقاید، نباید به بدگویی در سطح افکار عمومی تبدیل شود.

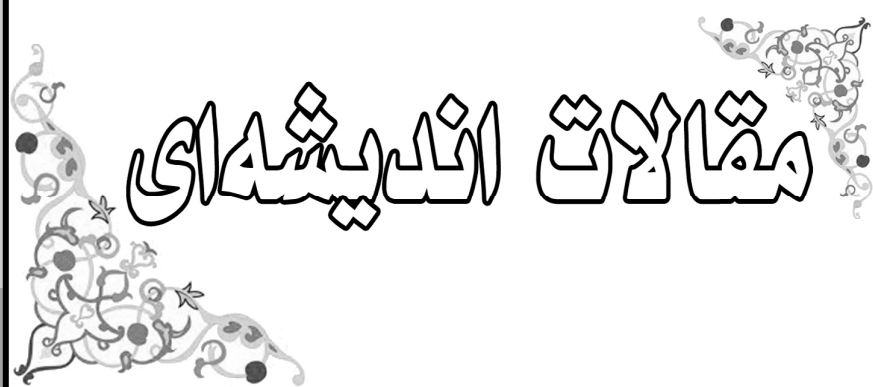
مهم‌ترین گام در این خصوص، باور دولت‌های مسلمان نسبت به ضرورت وحدت اسلامی دنبال نمودن آن به عنوان یک سیاست عمومی در سطح کشورهای اسلامی و جهان اسلام می‌باشد. شاید بتوان گفت که کاراترین عامل جهت تحقق چنین سیاستی استفاده از سازمان کنفرانس اسلامی به منظور وادار کردن دولت‌ها برای خنثی کردن تمام توطئه‌های دشمنان قسم خورده اسلام می‌باشد. متأسفانه نفوذ صهیونیست‌ها در برخی از کشورهای اسلامی و اجرایی شدن نقشه‌های استکبار مانع عملی شدن این راهبرد گردیده است. با این حال، حرکت ملت‌های اسلامی برای قطع استبداد و صهیونیسم در سال‌های اخیر که «بیداری اسلامی» نام گرفته است، بارقه‌ای از امید در میان مسلمانان به وجود آورده است که می‌تواند به عنوان حرکت در جهت دستیابی به عزت و اقتدار اسلامی ارزیابی

گردد. بهار بیداری اسلامی زمانی می‌تواند به مقصد خودش نزدیک گردد که با بهار وحدت اسلامی همراه شود.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، *السيرة النبوية*، انتشارات ایران، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ۳- *صحیفه امام*، نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ج ۱۳، ۱۳۵۹/۴/۳۰.
- ۴- علامه هندی، علاءالدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۸۵ م.
- ۵- مطهری، مرتضی، حج، صدرا، تهران، ۱۳۸۰ ش.





مقالات انجمن‌های

اجتهاد و نواندیشی^۱

آیت الله تسخیری^۲

چکیده:

رشد و تحولات سریع زندگی بشر و بروز مسائل مستحدثه و نوظهور در زندگی اجتماعی، پیامدهای فقهی و حقوقی خاص و پیچیده‌ای به دنبال دارد. اسلام به عنوان مکتب جامع، جاودان و جهان‌شمول باید پاسخ‌گوی این مسائل در تمام عرصه‌ها باشد.

این نوشتار با تأکید بر نواندیشی دینی، ضمن رد نظریه‌های لیبرال دموکراسی و پای‌بندی به اصول اسلام، به نظریه‌های اجتهاد متناسب با مقتضیات زمان و مکان (نظریه حضرت امام علیه السلام)، اجتهاد شورایی (نظریه آیت الله هاشمی رفسنجانی) و تجربه موفق آن در مجمع بین‌المللی فقه اسلامی و نظریه منطقه الفراق اشاره دارد.

واژگان کلیدی: مسائل مستحدثه، اجتهاد و نواندیشی، پیامدها، نظریه منطقه الفراغ، مجمع بین‌المللی فقه اسلامی، اجتهاد شورایی.

«اجتهاد و نواندیشی» که در زبان عربی به آن «الاجتهاد والتجدید» می‌گویند به معنای تلاش علمی و فکری برای همراهی با تحولات زندگی فردی و اجتماعی بشر در سایه کتاب و سنت و با بهره‌گیری از اصل مترقی اجتهاد اسلامی است.

زندگی بشر همواره در حال پیشرفت، تحول و هرچه بیشتر پیچیده‌تر شدن است و هر روز موضوع‌های جدید و نوظهوری پدید می‌آید که در گذشته سابقه نداشته است. در همین صد سال اخیر در عرصه‌های نظری و عملی، بشریت با مسائلی روبه‌رو شده که در صدر اسلام وجود نداشته است؛ مسائلی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، پزشکی، پولی و مالی و مانند آن، مثل: آلودگی

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۳/۱۵؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۸/۱۹.

۲- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

محیط زیست، سوارخ شدن لایه اوزون، سفر به فضا، پیوند اعضا، مرگ مغزی، لقاح مصنوعی، انتقال خون، شبیه‌سازی، بانک، بیمه، تجارت الکترونیک، انواع معاملات جدید و... که همگی پیامدهای حقوقی خاص داشته و پیرامون آنها پرسش‌هایی وجود دارد که پاسخ مناسب می‌طلبد، و نیز در جنبه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی موضوعاتی مثل: قومیت‌گرایی و ناسیونالیسم، آزادی‌های مدنی، سکولاریسم، گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، نهادهای بین‌المللی، حقوق بشر و... وجود دارد که تمامی از مسائل مستحدثه فکری، فقهی، اخلاقی و حقوقی زمان ما می‌باشد.

در زمینه علم کلام هم به نوبه خود پرسش‌های تازه‌ای مطرح است که در گذشته سابقه نداشته و علم کلام جدید را شکل می‌دهد.

اسلام به عنوان مکتبی پیشرو و پاسخ‌گو با ویژگی انعطاف‌پذیری، جامعیت، جهان‌شمولی و جاودانگی که اداره‌کننده جوامع بشری در تمامی عرصه‌های زندگی از آغاز تا پایان جهان است، برای تمامی این موضوعات و پرسش‌های نو پاسخ‌های مناسب و مطابق با فطرت دارد که هم تأمین‌کننده عدالت فردی و اجتماعی است و هم تضمین‌کننده رشد و تکامل بشر و حرکت او به سوی معنویت و سعادت دنیوی و اخروی.

اصل مترقی و مهمی که عهده‌دار استخراج پاسخ‌های اسلام از کتاب و سنت و عرضه آن به جامعه بشری است، اصل اجتهاد است. دانشمندان و متفکران اسلامی در مذاهب مختلف با بهره‌گیری از این اصل مهم به نوآوری و تجدید در اندیشه دینی دست زده پاسخ‌گویی اسلام را به مسائل نوظهور متبلور می‌سازند. این نواندیشی یا نوآوری و تجدید همواره در مسیر تکامل و بهینه‌سازی زندگی انسانها است؛ همان که در زبان قرآن مجید با کلمه تغییر از آن، تعبیر شده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ هَمَانَا خَدَاوَنَد حَال قَوْمِي رَا تَغْيِيرُ نَمِي دَهْد تَا أَنَان حَال خُود رَا تَغْيِيرُ دَهْنَد» (رعد/ ۱۳).

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ این بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته است تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آن‌چه را در دل دارند تغییر دهند» (انفال/ ۵۳).

مسئله تجدید و نوآوری در روایات به گونه‌ای روشن‌تر مطرح شده است؛ «ان الله يبعث على رأس كل مائة عام من يجدد لها دينها» خداوند در آغاز هر قرن فردی را بر می‌انگیزد که دین او را تجدید نماید. (ابی داوود، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲ ص ۱۹۳).

تجدید در دین یعنی چه؟ آیا همان‌گونه که برخی افراد می‌گویند، یعنی تطبیق اسلام با آرا و نظرات برگرفته از هرمنوتیک زمانه؟ تفسیر به رأی برای تحقق خواسته‌ها، افکار و آرای وارداتی بشر؟ همان‌گونه که یک فرد کم‌سواد در مصاحبه با روزنامه‌ای آلمانی گفته است که اسلام باید دست و پایش را جمع کند و خودش را بازمانه تطبیق دهد! عمق این سخن چنین است که خداوند متعال باید خودش را با علوم انسانی ناقص و رایج در زمانه تطبیق دهد! این افراد که توسط دوایر غربی به عنوان

اندیشمند مسلمان معرفی می‌شوند نظرشان تطبیق اسلام با اندیشه لیبرال دموکراسی حاکم بر غرب است.

این تفسیر از نواندیشی دینی صحیح نیست. صحیح آن است که ما در همه زمان‌ها ضمن پای‌بندی به اصول، اسلام را زنده، بالنده، پویا و پاسخ‌گو نگه داریم، از علوم و معارف بشری استفاده کنیم برای آن‌که حقیقت اسلام را بهتر بفهمیم، مقصود مولا را درک کنیم و هدفمان حاکمیت ارزش‌های الهی و تحقق مولویت حق در جامعه بشری باشد. معنای حقیقی تجدید که در روایات اسلامی، بیان ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و نظرات ائمه اهل سنت آمده است، همین است؛ نوآوری در دین با بهره‌گیری از درون‌مایه‌های غنی دینی در سایه اجتهاد قانونمند و منضبط اسلامی به منظور پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه فقهی و فکری.

در این‌جا اشاره به چند نکته ضروری است:

۱- استحسان از اصول مورد اختلاف اندیشمندان اسلامی است و در تعریف آن گفته‌اند: «ما يستحسنه المجتهد بعقله؛ (ابن مصلح، ج ۴، ص ۱۴۶۳، اللع، ص ۲۴۴، التبصره، ص ۴۹۲).

أئمة أهل بیت علیهم‌السلام استحسان را در استنباط احکام شرعی مردود شمرده‌اند. یک فقیه نمی‌تواند بر طبق آن چه به نظرش مستحسن است فتوا صادر کند. امام محمد بن ادریس شافعی هم گفته: «من استحسنت فقد شرع؛ هر کس بر اساس استحسان عقلی خود فتوا دهد تشریح نموده است (المغنی، ج ۷، ص ۲۴)؛ یعنی دریافت‌های ناقص انسانی خود را جزء مطالب مقدس اسلامی قرار داده است و این بدعت می‌باشد. ولی در مقابل، امام مالک بن انس از استحسان تعریف و تمجید کرده و گفته است: «الاستحسان تسعة اعشار العلم؛ نود درصد مطالب علمی و اجتهادی از روی استحسان است (ذکی عنه فی الاصول العامة للفقهاء المقارن، ص ۳۶۳). اگر به سخنان این بزرگان مراجعه کنیم درمی‌یابیم که منظور مخالفان استحسان همان ما يستحسنه المجتهد بعقله و تحمیل آرا و ذوقیات بشری بر نصوص شرعی از آیات و روایات است. ولی منظور مالک بن انس از استحسان تقدیم اقوی الدلیلین است؛ دو دلیلی که هر یک در جای خود معتبرند ولی به ظاهر با هم مغایرت دارند. در این‌جا فقیه دلیلی را که به نظرش اقوی است مقدم می‌دارد و این غیر از عمل به استحسنات ظنی است که «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (یونس/۳۶ و نجم/۲۸).

۲- اجماع علمای مسلمان آن است که تجدید و نوآوری امری است که باید ریشه در درون دین داشته باشد و در چارچوب قواعد اجتهاد انجام پذیرد نه از خارج دین و با تکیه بر قرائات سطحی و بی‌ریشه. به عبارت دیگر، یگانه راه تجدید در اجتهاد، خود اجتهاد است. تنها مجتهد می‌تواند در دین تجدید و نواندیشی کند و با احیای معالم دین و برگرداندن احکام اسلام به جامعه متناسب با مقتضیات زمان و پاسخ‌گو به نیازهای آن، چهره تابناک اسلام را بهتر و روشن‌تر عرضه نماید.

امام راحل رحمته‌الله نمونه کامل مجتهد اسلامی و مجدد قرن بود و تجدید در اجتهاد را به زیباترین شکل خود به نمایش گذاشت. وی با تکیه بر فقه جواهری و با بهره‌گیری از اجتهادی که مرحوم

صاحب جواهر آن را در موسوعه فقهی عظیم خود به جوامع علمی نشان داده است، نوآوری‌های بسیار در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و حکومتی از خود به یادگار گذاشته و اجتهاد را تنها راه شناخت اسلام و تجدید و نواندیشی معرفی کرد.

۳- نکته مهم و قابل توجه آن است که هرگونه نوآوری دینی باید از علم اصول فقه شروع شود. باید در علم اصول فقه تجدید نظر کرده آن را توسعه دهیم. باید نحوه استفاده بهینه از آیات و روایات را مد نظر قرار داده و به دنبال آن به تجدید در آرای فقهی بپردازیم. هرگونه نواندیشی در علم اصول فقه و ضوابط آن، فهم و نواندیشی عمیق‌تری را در علم فقه که علم زندگی است در پی خواهد داشت. برای نمونه، تحول عظیم از اخباری‌گری به اصولی‌گری، علم اصول را به قله رساند و به دنبال آن جوامع علمی شاهد پیدایش ایده‌های زیبای فقهی و اصولی شیخ انصاری، آخوند خراسانی، شهید آیت الله محمدباقر صدر و مرحوم امام راحل (قده) گردید. برای نمونه، شهید محمدباقر صدر یکی از قواعد مسلم علم اصول، یعنی برائت عقلی، را منکر شد و با رد قاعده قبح عقاب بلا بیان مولویت خداوند متعال را شامل تکالیف احتمالی هم دانست و فرمود اگر احتمال هم بدهیم که در موردی خاص امری از جانب حضرت حق متوجه بنده است، تکلیف منجز و ادای حق مولا واجب است و جایی برای اجرای برائت عقلی نیست (صدر، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸ به بعد). به نظر این‌جانب شهید صدر مجدد بزرگی است که در علم اصول مکتب جدیدی برای نوآوری بنیان نهاده است.

در بحث انسداد باب علم هم اصولیون تحولی عظیم ایجاد کردند و با مناقشه در آن و قول به انفتاح باب علم و علمی اثرات بزرگی در ابواب مختلف فقه ایجاد نمودند.

۴- از نکاتی که قابل توجه اندیشمندان است و می‌تواند آثار زیادی در نواندیشی دینی داشته باشد موضوع مقاصد الشریعه است. این موضوع را یکی از علمای بزرگ اهل سنت به نام شاطبی در کتاب خود «الموافقات» مطرح کرده و به خوبی آن را شرح داده است (شاطبی، ۱۴۴۸ق، ج ۲). از علمای متأخر هم شیخ محمد طاهر بن عاشور تونسوی آن را توسعه داده است. موضوع مقاصد الشریعه می‌تواند آثار بزرگی بر استنباط‌های فقهی داشته باشد. شهید محمدباقر صدر هم در مسئله فروش دین قبل از فرارسیدن سررسید آن، به این موضوع اشاره می‌کند. وی در این مسئله که خریدار دین را به مبلغ کمتری می‌خرد تا در سررسید آن مبلغ بیشتری دریافت نماید و برخی آن را ربای معکوس دانسته و دو روایت هم در این خصوص نقل می‌کنند، می‌فرماید: من هر چند در عدم جواز این امر اشکال دارم ولی از آن‌جا که مضمون این دو روایت با ذوق فقهی من (یعنی شناختی که از مقاصد الشریعه دارم) هماهنگ است، این دو روایت را می‌پذیرم و بر طبق آن فتوا می‌دهم. بر این اساس خریدار دین باید در سررسید دین همان مبلغی را بپردازد که از فروشنده دین گرفته است و لا غیر.

۵- شهید صدر در اوایل جلد دوم «اقتصادنا» یکی از عوامل تأثیرگذار بر فتوای مجتهد را وضعیت فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جامعه‌ای می‌داند که فقیه در آن زندگی می‌کند (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۴۰۰ به بعد). این وضعیت که فقیه آن را روال طبیعی می‌پندارد به‌طور ناخودآگاه بر درک علمی او مؤثر

است. شهید مطهری هم می‌گوید: فقیه دهاتی فقهش هم دهاتی است و فقیه شهری هم فقهش شهری است. یک فقیه دیدگاه فردی دارد و فقیه دیگر دیدگاه اجتماعی و جهانی. اینها عواملی است که بر دیدگاه فقیه و اجتهاد او تأثیرگذار است. این‌جا است که باید این عوامل را کنار زده به اجتهادی صاف و دقیق دست یابیم. پیشنهاد آیت الله هاشمی رفسنجانی یکی از راه‌های دستیابی به این طرز استنباط فارغ از این عوامل است و آن اجتهاد شورایی است که امروز در جهان اسلام به آن بسیار توجه می‌شود.

مجمع بین‌المللی فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی که مرکز آن در جده است یکی از نمونه‌های موفق اجتهاد شورایی است که در آن فقها و مجتهدان مذاهب مختلف گرد هم می‌آیند، کارشناسان امر هم با آنها همراهی می‌کنند و موضوعات جدید را پس از حل‌الجی بسیار از نظر کارشناسی و موضوعی مورد بررسی فقهی قرار می‌دهند و فتوای مربوطه را صادر می‌نمایند. این اجتهاد همه جنبه‌های مسئله را در نظر می‌گیرد.

بنابراین یکی از راه‌های دستیابی به فقه ناب اسلامی کنار زدن عوامل غیر علمی‌ای است که ناخودآگاه بر استنباط فقیه تأثیر می‌گذارد. مشهور است که یکی از فقهای گذشته هنگام بررسی حکم آب چاهی که در آن نجاست افتاده باشد، دستور داده بود که چاه آب منزلش را پر کنند تا ناخودآگاه تحت تأثیر شرایط قرار نگیرد!

۶- منطقه الفراغ یعنی جاهایی که حکم الزامی و جویی یا تحریمی از سوی شارع مقدس وارد نشده است و قلمرو آزادی است که ولی امر مسلمانان می‌تواند طبق مصالح در آن قانون‌گذاری کند. این مسئله مهمی است که از ابتکارات شهید محمد باقر صدر می‌باشد (پیشین، ص ۴۰۰).

أهل سنت اصلی دارند به نام مصالح مرسله؛ یعنی مصلحت‌های فردی و اجتماعی که از جانب شارع مقدس نصی بر آن وارد نشده ولی عقل بشر به مصلحت بودن آن حکم می‌کند. فقه شیعه این اصل را نپذیرفته و به فقیه حق قانون‌گذاری در مصالح ظنی نداده است ولی در جمهوری اسلامی ایران امام راحل (قده) با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام دست به ابتکار جالبی زد. در این شورا که مجمعی از فقها و کارشناسان است مصالحی که در گذر زمان برای جامعه اسلامی پیش می‌آید و نصی شرعی در آن وجود ندارد، توسط فقها و اندیشمندان کارشناس و برجسته بررسی گردیده سپس به صورت پیشنهاد به ولی امر مسلمانان ارائه می‌شود و ولی امر مسلمین نه به عنوان یک حکم فقهی بلکه به عنوان حکمی حکومتی، دستور اجرای آن را صادر می‌کند و ممکن است مجمع از طرف ولی امر، خود دستور اجرای آن را بدهد. بنابراین پر کردن خلأ قانون‌گذاری در منطقه مباحات شرعی نه در اختیار فقها بلکه در اختیار ولی امر مسلمانان و قلمرو آزاد قانون‌گذاری اوست.

۷- گسترش قواعد فقهی: قواعد فقهی، قواعدی است که نص صریح بر حجیت آن وارد نشده ولی فقها و مجتهدان با بررسی آیات، روایات و احکام مختلف به قواعدی دست یافته‌اند که از مجموع آنها استنباط می‌شود. این قواعد به نوبه خود نقش مهمی در استنباط احکام شرعی ایفا می‌کند. تعداد این

قواعد که تا به حال توسط فقهای بزرگوار ارائه شده است تا ۱۲۰۰ قاعده هم شمارش شده است. تلاش علمی برای گسترش این قواعد تلاشی مبارک و پرثمر است. ما هر چه بتوانیم قواعد بیشتری را کشف کنیم استنباطمان از نصوص شرعی قوی تر و جامع تر خواهد شد. فقهای اسلام می‌توانند در تمامی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی، با استفاده از آیات، روایات، احکام جزئی، مفاهیم ارزشی و مقاصد الشریعه تئوری‌های عمومی وضع نمایند و در پرتو آنها به پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه بپردازند. شهید محمد باقر صدر در «اقتصادنا» با استفاده از همین منابع تئوری، «کار اساس مالکیت است» را استنباط کرده است (پیشین، ص ۳۶۰). این راه برای همه فقها باز است تا در این زمینه به نظریه‌پردازی بپردازند و قواعد بیشتری را وضع نمایند.

به هر حال مسائل مستحدثه در زندگی بشر بسیار است و روابط و مناسبات فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و مسائل نوظهوری پدید می‌آورد که باید متناسب با آن در علوم اسلامی دست به نوآوری زد، ولی هرگونه نوآوری باید از منطق علمی خاص خود پیروی کرده در همان چارچوب به سامان برسد تا مرضی خداوند متعال باشد و گرنه بدعت و ادخال ما لیس من الدین فی الدین است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابی‌داود، سلیمان بن الاشعث، سنن ابی‌داود، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن مفلح، محمد، عقیق د. فهد السدحان، مکتبه العبیکان، ریاض، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۵. فیروزآبادی، ابراهیم بن علی، تحقیق: محیی الدین دیبی و یوسف علی بدیوی، دار ابن کثیر، بیروت، و دار الکلم الطیب، دمشق، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۶. فیروزآبادی، ابراهیم بن علی، تحقیق: د. محمد حسن هیتو، دار الفکر، دمشق، ۱۴۰۳ق.
۷. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، دار الکتاب العربی، بیروت.
۸. غزالی، محمد بن محمد، المنحول، تحقیق: محمد حسن هیتو، دار الفکر، دمشق، و دار الفکر المعاصر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۹. تاسیم، محمدتقی، الاصول العامه للفقہ المقارن، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ دوم، ۱۹۷۹م.
۱۰. صدر، محمدباقر، دروس فی علم الاصول (الحلقه الثالثه)، دار الکتاب اللبنانی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۱. صدر، محمدباقر، اقتصادنا، المجمع العلمی للشهید الصدر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۱۲. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات، تحقیق: محمد عبدالقادر الفاضلی، المکتبه العصریه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۴۸ق.



راهبرد پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی^۱

دکتر سید علاء‌الدین شاه‌رخی^۲

چکیده

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که مسئولیت بسیار مهم ختم نبوت و ابلاغ دین اسلام را عهده‌دار بود تعالیم جامع و انسان‌ساز اسلام، از جمله موضوع وحدت امت اسلامی، را به گونه‌ای ملموس و با استفاده از ظرفیت‌های فکری و اجتماعی جوامع بشری بر آنان ابلاغ نمود. در نتیجه، برخی از این راهبردها در مدتی نه چندان طولانی در قالب فرهنگ اسلامی نمایان گشت. قابلیت‌ها و خصوصیات فرهنگ اسلامی سبب شد تا در محدودیت مکانی و زمانی خاص قرار نگیرد، از این رو انتظار می‌رفت با گسترش فرهنگ اسلامی، وحدت امت نیز به عنوان یکی از ارکان این فرهنگ توسعه و استحکام یابد، حال آن‌که به محض رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بخش از فرهنگ اسلامی هم‌چون اجزای دیگر مورد غفلت قرار گرفت.

این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - تاریخی ضمن بررسی موضوع وحدت اسلامی در سیره نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به بیان محورهای مهم اقدامات آن حضرت در بسترسازی زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری اتحاد در فرهنگ اسلامی می‌پردازد. آگاهی‌بخشی به جامعه، مبارزه با تعصبات غیرمنطقی جاهلانه، طرد قومیت‌گرایی افراطی، رایه اعتقاد به توحید به عنوان محور وحدت، طرح حقوق مشترک انسانی و به کارگیری اخلاق اسلامی مهم‌ترین محورهای راهبرد پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی بود.

واژگان کلیدی: پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اتحاد اسلامی، راهبرد، فرهنگ، جهان اسلام، قرآن، سنت.

مقدمه

فرهنگ واژه‌ای است که از جانب بسیاری از متفکران مورد توجه قرار گرفته و از آن تعریف‌های متعددی ارائه شده است. با توجه به این تعریف‌ها، فرهنگ را می‌توان حیات فکری و اجتماعی هر

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۴/۸؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۰/۲۵.

۲- استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان

جامعه دانست؛ مجموعه‌ای از سنت‌های زنده و تاریخی و اعتقادات که در بردارنده کل زندگی جمعی و ارزش‌های موجود در حیات یک ملت است و در هر عصر فرهنگی نوعی تفکر شاخص زندگی فرهنگی آن عصر می‌باشد.

در هنگام بعثت حضرت محمد ﷺ، در شبه‌جزیره عربستان فرهنگ جاهلی حکم‌فرما بود. اجزای مهم این فرهنگ مواردی هم‌چون زور، شمشیر، جنگ، خون‌ریزی، انتقام، ارزش نهادن به حَسَب و نَسَب، عدم رواج خواندن و نوشتن، فساد، ظلم، اختلاف طبقاتی، پای‌بندی به پیمان‌های قومی و برخی دیگر از ردائل اخلاقی و رفتاری بود که در قرآن به برخی از آنها اشاره شده و مورد نکوهش قرار گرفته است.

یکی از بارزترین خصوصیات فرهنگی این جامعه اختلافات عمیق میان مردم و قبایل مختلف بوده است. البته در نگاه عام، این واقعیت دردناک در همه اعصار و در جوامع مختلف دیده می‌شود. با وجود این، به سبب عدم وجود حکومت مرکزی و نبود کشوری واحد، ظهور اختلافات، درگیری و جنگ در این جامعه تبلور بیشتری یافته است به گونه‌ای که تنها ملاک بسیار مهم برای قبیله‌های مختلف که عموماً به صورت پراکنده و تقریباً مستقل زندگی می‌کردند و بیسواد و ناآگاه بودند تعصبات قومی و نژادی بود. زندگی مبتنی بر پرورش دام و کمبود مراتع نیز مزید بر علت بود. برتری‌طلبی، کسب افتخار و شرافت، گاه و بیگاه آتش‌جنگی را میان آنان شعله‌ور می‌ساخت (ابن‌عبدربه، ۱۹۸۶م، ج ۵، ص ۱۵۱) که در برخی موارد به علت عصبیت و یک‌دندگی آنها سال‌های متمادی به طول می‌انجامید.

رسالت جهانی پیامبر اعظم ﷺ نجات و سعادت همه انسان‌ها از جهالت و انحراف و رستگاری همگی آنان بود. اولین چیزی که اسلام و قرآن از مردم زمان جاهلی گرفت تشتت آرا و عقاید مذهبی بود که به جای آن وحدت عقیده بر مبنای توحید را مطرح نمود. تا قبل از آن، فرهنگ بت‌پرستی در حجاز، فرهنگ موبدی در ایران و فرهنگ تثلیث در روم نتوانسته بود چنین وحدتی را ایجاد نماید (مطهری، ۱۳۵۹ش، ص ۲۶۹).

این‌که رسول گرامی اسلام چگونه توانست در جامعه‌ای که اختلاف و تشتت همه ارکان زندگی آنان را فرا گرفته بود و در واقع بخشی از فرهنگشان بود برای اقامه وحدت میان آنان تلاش نماید و حتی به گونه‌ای طراحی نماید که از طریق بیان الگویی اجتماعی - فرهنگی، آن را به جامعه عصر خود و همه اعصار آینده بیاوراند، موضوعی است که به بررسی و مطالعه جدی نیاز دارد. خوشبختانه با تلاش علمای متعهد و بیدار اسلامی در قرون اخیر گام‌هایی جدی و استوار برای احیای این سنت

نبوی برداشته شده است و از این رو بسیاری از دسیسه‌ها و تلاش‌های مذبحخانه استعمار بی‌نتیجه مانده است. با وجود این، تردیدی وجود ندارد که در این راستا می‌بایست اهتمام بیشتری نمود. طرح مطالعات عمیق به منظور شناخت و آگاهی یافتن از راهبرد حضرت ختمی‌مرتبت در بنیان وحدت و انسجام اسلامی علاوه بر آگاه کردن مسلمانان از این مهم می‌تواند دریچه‌ای در جهت الگوگیری از سنت آن حضرت برای همگان بگشاید.

این پژوهش با استفاده از روش پژوهش تاریخی - تحلیلی به مطالعه رهیافت‌های پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در گذر دادن جوامع پراکنده و متفرق به امت واحده اسلامی می‌پردازد. نتایج این قبیل پژوهش‌ها می‌تواند طرح‌های نوینی فراروی جوامع اسلامی در تاسی به سنت حسنه آن آخرین فرستاده الهی بگشاید.

مبانی نظری پژوهش

ابتدا ضرورت دارد برخی واژگان این پژوهش به منظور درک بهتر مباحث تبیین شود. راهبرد، معادل واژه لاتین (strategy) و به مفهوم هنر راه بردن و قصد موفقیت می‌باشد. این واژه را اصطلاحاً بر خطمشی‌های نسبتاً بلندمدت نظامی، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی دولت‌ها اطلاق کرده‌اند. گاهی نیز آن را هنر علم و فن و هدایت و رهبری یک مجموعه و نظامات مربوط به امری خاص تعریف کرده‌اند (آراسته‌خو، ۱۳۷۰ش، ص ۴۱) این واژه در پژوهش حاضر به معنای هنر طرح‌ریزی و دانش ترکیب و تلفیق عملیات کارکردها و کنش‌های مختلف برای دستیابی به اهدافی مشخص با تجهیز همه امکانات انسانی، سیاسی، نظامی و معنوی می‌باشد.

واژه فرهنگ نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته و از آن تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. پیچیدگی این واژه تنها به سبب دلالت بر پدیده‌های مختلف و متعدد نیست بلکه به نظر می‌رسد که چون موضوع فرهنگ، انسان می‌باشد این پیچیدگی به عرصه فرهنگ نیز راه یافته است. از آن‌جا که رکن اصلی بشر را عقل و تفکر وی شکل می‌دهد و از این طریق وی حیات فردی و اجتماعی را نیز شکل می‌دهد، بنابراین فرهنگ عبارت است از تفکر (اندیشه) و احساسات و عمل و همان‌گونه که در مقدمه ذکر گردید، فرهنگ، حیات فکری و اجتماعی هر جامعه است.

ممکن است چنین تصور شود که فرهنگ‌ها برای حفظ خود در مقابل تغییر، پایداری و مقاومت نشان می‌دهند ولی واقعیت آن است که جذب و دفع فرهنگی ویژگی مستمر فرهنگ‌ها می‌باشد. در

تغییر و تحول فرهنگی پدیده‌هایی مانند معرفت، عقاید، آیین‌های دینی و اخلاقی، هنرها، بینش‌ها و جز اینها دخالت دارد (باتامور، ۱۳۵۷ش، ص ۳۳۹).

چنین به نظر می‌رسد که وقتی بنا بر شرایط و ضرورت‌های زندگی اجتماعی پدیده‌ای فرهنگی، همچون قانون ایترسی (مانند) در فیزیک و یا مفهوم نیروی عادت (force of habit) که ما را وامی‌دارد تا راه‌های رفته را ادامه دهیم و از گزینش راه‌های جدید دوری گزینیم و مفهوم اصطلاح خودمختاری کنشی (Functional Autonomy) یعنی تداوم یک رفتار در غیاب انگیزش ابتدایی و اصلی در روان‌شناسی (لمان، ۱۳۵۲ش، ج ۱، ص ۴۶۶-۴۶۷)، زاییده می‌شود تمایل دارد که تا حد امکان به حیات خود ادامه دهد.

با این حال، عناصر فرهنگی هر جامعه در عین تمایل به بقا بر اثر عواملی مختلف دچار تغییر و تحول نیز شده است. مواردی از قبیل مهاجرت اقوام بیگانه، نبردها، ارتباطات اجتماعی و بازرگانی و ظهور و گسترش افکار و ادیان جدید از عوامل تأثیرگذار در روند تغییر و تحول فرهنگی می‌باشد. قابل ذکر است که شدت و مقدار تحول‌پذیری فرهنگی، به میزان نوع جذب عناصر مفید و سازگار و دفع عناصر غیرمفید و ناسازگار از دیگر فرهنگ‌ها بستگی دارد (گرانپایه، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۶۰).

الف - اختلاف و تفرقه جوامع بشری هم‌زمان با بعثت پیامبر اسلام ﷺ

شناختی هرچند اجمالی از اختلافات عمیق در شبه‌جزیره عربستان و برخی از امپراتوری‌های همسایه آن مقارن با بعثت رسول اعظم ﷺ می‌تواند بخشی از تأثیرات عظیم فرهنگی اسلام را در این راستا تبیین نماید. آنچه در آن هنگام بر عربستان کاملاً تسلط داشته، جاهلیت بوده است. با این‌که معنای مشهور جهل، نداشتن علم است معانی دیگر آن سفاهت، حماقت، حقارت، خشم و تسلیم‌ناپذیری در برابر اسلام و احکام آن ذکر شده است (جوادعلی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۴۰) و از نظر اسلام به برخی روحیات اعراب از قبیل مزاج جنگی، حساسیت عربی، قساوت در انتقام و مسائلی همچون شرب خمر، قماربازی و آنچه در ردیف آن است صفت جاهلی اطلاق شده است (بلاشر، ۱۳۶۳ش، ص ۴۷). از نظر راغب اصفهانی این واژه در قرآن به سه معنا به کار رفته است: ۱- نادانی؛ ۲- اعتقاد به آنچه خلاف واقع است؛ ۳- انجام عملی برخلاف آنچه حق است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۰۲).

شاخصه اصلی جامعه جاهلی عرب، تشمت و پراکندگی بود. بت‌پرستی نه تنها موجب وحدت آنان نشده بود بلکه وجود بت‌های متعدد، عامل تفرقه بیشتر بود. قبیله هم تنها سبب اجتماع مردم وابسته به خود می‌شد. در یک قبیله وحدت خونی پایه‌های آن را استوار می‌کرد. بر همین اساس، نسب در میان عرب ارزش یافته و در واقع ارزش‌های هر فرد را موقعیت قبیله او معین می‌کرد (آلوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۰). در نتیجه محور حیات اجتماعی و حتی فردی آنان را تعصبات قومی و خونی تشکیل می‌داد. خداوند متعال در مورد این ویژگی آنان می‌فرماید: «هنگامی که کفار در قلب‌هایشان تعصب جاهلیت قرار دادند» (قرآن کریم، سوره ۴۸، آیه ۲۶). البته این جامعه با مشکلات دیگری نیز روبه‌رو بود، چنان‌که بنا بر گفته امیرالمؤمنین علی (ع) خداوند حضرت محمد (ص) را زمانی برانگیخت که هیچ کدام از اعراب کتاب نمی‌خواندند (ابن‌کثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۱۴).

در سایر جوامع از جمله روم و ایران نیز با این‌که از تمدن‌های بزرگ عصر خود محسوب می‌شدند، مشکلات مختلف از جمله تفرقه حکم‌فرما بود. برای مثال، در امپراتوری ساسانیان که نظام حکومتی آنها بر تقویت حکومت مرکزی مبتنی بود و قرن‌ها نیز حاکمیت آنها به طول انجامید، فاصله عمیق طبقاتی موجب رشد اختلافات گسترده‌ای میان عامه مردم با حکومت و طبقه حاکم گردید. این نکته که تنها هفده سال پس از پادشاهی اردشیر، جنبش مانویان به اوج خود رسید دلیلی آشکار بر ناخرسندی توده‌های مردم است. بعدها در اوایل سلطنت قباد، نهضت مزدک نیز نشانه‌ای از نارضایتی‌هایی بود که دوام حکومت مبتنی بر قشربندی اجتماعی را تحمل‌ناپذیر نشان می‌داد (زرین‌کوب، ۱۳۶۴ش، ص ۵۳۶).

موبدان و روحانیون زردشتی نه تنها به جمع‌آوری ثروت‌های کلان پرداختند بلکه خود توجیه‌گر تبعیض‌ها و فاصله طبقاتی شدند. در نامه‌ای منسوب به تنسر که موبد بزرگ دوران اردشیر بود، چنین آمده است: «شهنشاه... میان اهل در حیات و عامه تمیزی ظاهر و تمام با دید آورد به مرکب و لباس و سرای و بستان و زن و خدمتکار. بعد از این میان ارباب درجات هم تفاوت نهاد...» (نامه تنسر، ۱۳۱۱ش، ص ۱۹). موبدان از مقدسات دینی و ملی محسوب شده و در کنار ایزدان و فرشتگان ستوده می‌شدند و در نماز و نیایش دینی از آنان یاد می‌شد، چنان‌که در متون دینی آنان آمده است: «موبد پاک و سرور پاکی را که در داخل مملکت در خدمت است می‌ستاییم، موبد فرخنده پاک و سرور پاکی را که در خارج در گردش است ما می‌ستاییم» (پورداد، بی‌تا، ص ۱۶۸).

در کنار تشکیلات اداری کارآمد و برخی دست‌آوردها و پیشرفت‌های فنی و نظامی ساسانیان نمی‌توان از اختلاف شدید طبقاتی، نارضایتی عامه مردم، سخت‌گیری بر پیروان مذاهب غیرزردشتی، تحقیر و تضعیف طبقات محروم و برخی مشکلات دیگر که آثار آن بر جامعه ایرانی نامطلوب بود و موجب تفرقه بیشتر میان مردم شده بود صرف‌نظر نمود.

ب - اقدامات پیامبر ﷺ در ایجاد فرهنگ وحدت و انسجام اسلامی

البته بررسی برنامه‌های عمیق فرهنگی پیامبر ﷺ به فرصتی جداگانه و مفصل نیاز دارد به‌ویژه آن‌که راه‌حل‌های مناسب، جامع و اصولی دین اسلام برای محدوده زمانی و مکانی خاصی طراحی نشده است بلکه برای سعادت بشریت می‌باشد که یکی از مقدمات و لوازم ضروری آن، وحدت و انسجام می‌باشد. به چالش کشیدن فرهنگ مبتنی بر خودگرایی و تفرقه که در میان مردم ریشه دوانده و به عنوان یکی از خصلت‌های آنان درآمده بود امری دشوار و شاید غیرممکن به نظر می‌رسید.

به طور قطع تنها با چند توصیه اخلاقی آن حضرت، وضعیت مذکور به شرایط مطلوب تبدیل نمی‌شد. فرایندی که ایشان برای مبارزه با این آفت عمیق اجتماعی برگزید و توانست در تمام جوامع در آن زمان و اعصار بعد همواره رهنمودی برای رهایی آنان از کشمکش‌های همیشگی قلمداد گردد در قالب راهبرد فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی در سیره پیامبر اکرم ﷺ مطرح می‌شود.

امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه راه کارهای پیامبر ﷺ را در ایجاد فرهنگ وحدت این‌گونه بیان می‌کند: «دل‌های نیکوکاران شیفته او گشت. نگاه‌ها به او دوخته شد، خداوند به وسیله او کینه‌های دیرینه را دفن کرد، شعله‌های فروزان دشمنی و عداوت را خاموش نمود. دل‌ها را با هم الفت داد و مردم را با هم برادر ساخت و دوستان را (در کفر و جهالت) از هم جدا کرد، ذلت‌ها را به عزت و عزت‌ها را به ذلت تبدیل کرد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵ش، ص ۲۰۸). در شرایط کنونی دشمنان با بهره‌گیری از تجارب گذشته و به‌ویژه ضرباتی که از جانب بیداری اسلامی و اتحاد میان مسلمانان دریافت نموده‌اند از برخی زمینه‌های موجود و عوامل نفوذی خود استفاده کرده به گسترش اختلافات و ایجاد تضاد و درگیری بین مسلمانان پرداخته‌اند، از این رو ضرورت دارد راهبردهای کارآمد آن حضرت با دقت شناسایی و اجرایی گردد. مهم‌ترین این راه‌کارها در مواردی که ذکر می‌گردد قابل مطالعه و بررسی است:

۱- ارائه تعالیم اعتقادی توحیدی

بررسی وضعیت اجتماعی جوامع مختلف گویای این واقعیت است که بخش مهمی از اختلافات بشری به علت عدم گرایش و آگاهی نسبت به خداوند متعال بوده است. تسلیم و اظهار عبودیت در برابر انواع بت‌ها و یا برخی موجودات و اشخاص از قبیل پادشاهان سبب ظهور مرزهایی جاهلانه در میان انسان‌ها شده است، در نتیجه، به بهانه‌های واهی آتش اختلافات در بین آنها زبانه کشیده و به جان یک‌دیگر افتاده‌اند. همگی پیامبران تشریحی و به تبع آنان پیامبران تبلیغی دعوت خود را بر محور توحید بنا نهاده‌اند اما پیروانشان دعوت آنها را تحریف نموده و خود سبب اختلافات دیگری گشتند.

توحید به بهترین و کامل‌ترین شکل در دین اسلام بیان گردید. آیات متعدد قرآن و کلام گویای پیامبر ﷺ در این راستا نیازمند فرصتی جداگانه است. از جمله در کتاب آسمانی اسلام چنین آمده است: «خدای شما، خدایی یکتاست و هیچ خدایی نیست جز او که بخشاینده و مهربان است» (قرآن کریم، سوره ۲، آیه ۱۶۳). تیلور راستین این باور در جامعه، ترک فردگرایی و غفلت از جهان اسلام است که در نتیجه، انسجام و وحدت همه موحدان با یک‌دیگر عمیق می‌شود. اهتمام پیامبر ﷺ به رواج فرهنگ توحیدی علاوه بر ابعاد مهم و معنوی آن، از نظر اجتماعی نیز موجب وحدت و هم‌دلی گردید.

بر مبنای توحید در خلقت و یگانگی خالق، انسان‌ها چون از منشأ واحدی هستند در خلقت و فطرت مشترک، برابر و یکسان می‌باشند. جامعه انسانی باید در راستای همین وحدت نوعی، انسانی و فطری سازمان یافته و میان افراد تبعیضی نباشد. خداوند، خالق، معبود و مدبر امور همگان است و همه افراد از اصل و ریشه واحدی آفریده شده‌اند. بین آنها در آفرینش، امتیاز و مزیتی که منشأ برخورداری‌های حقوقی باشد، وجود ندارد و تنها به واسطه تلاش‌ها و مجاهدات خود می‌توانند از مواهب طبیعی و نعمت‌های خدادادی بهره‌مند گردند. (موتقی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۵۰).

مهم‌ترین چالش استعمار در قرون اخیر در تسلط کامل بر ملت‌های مسلمان وجود حس مشترک و عمیق خداپرستی در میان آنان بوده است. این حس هرگاه در پرتو شناخت و درک عمیق در بین مسلمانان استحکام یافته است، راهبردهای شیطانی استعمارگران در جهت ایجاد نفاق، تجزیه، قومیت‌گرایی افراطی و مانند آن، بی‌اثر مانده است.

۲- طرح امت واحد

یکی دیگر از مؤلفه‌های بنای فرهنگ وحدت در میان مسلمان طرح امت واحد در اجتماع است. از جمله معانی این واژه، گروهی از افراد است که در جهتی مانند عقیده، زمان، مکان و... مشترک باشند (رازینی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۶). امت هم به عنوان امت بشری و هم به عنوان امت اسلامی مورد توجه قرآن است، زیرا امت بشری همان امت واحد است، همان‌گونه که دین تمام بشر یکی است. در اندیشه توحیدی جنسیت، رنگ، نژاد، قبیله و دیگر خصوصیات مانع تشکیل امت نمی‌شود، همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «همانا این امت شما، امت واحده است و من پروردگار شمایم پس مرا عبادت کنید» (قرآن کریم، سوره ۲۱، آیه ۹۲).

به نظر راغب اصفهانی، این که خداوند متعال در آیه ۱۲۰ سوره نحل، ابراهیم را به تنهایی یک امت قلمداد می‌کند به این خاطر است که او در عبادت خدا در مقام یک جماعت بود (راغب اصفهانی، پیشین، ص ۲۳). در همین خصوص هم‌چنین گفته‌اند ابراهیم امتی بود که فقط یک فرد داشت، زیرا آن روز فقط او موحد بود (قرشی، ۱۳۵۲ش، ج ۱، ص ۱۱۸). در نتیجه، وحدت در رهنمودهایی که پیامبر ﷺ به بشریت ارائه نمود فرایندی راهبردی بود که نزدیکی دل‌ها و اندیشه‌ها را به یک‌دیگر در حد یک ضرورت تعقیب می‌نمود. این وحدت در نمودهایی چون وحدت در جهان بینی، فرهنگ، بینش، معتقدات مذهبی، پرستش، آداب و سنن اجتماعی پدیدار می‌شود.

وجود برخی سوء تفاهات در بین جوامع مسلمانان در کنار وسوسه‌هایی که به ویژه در چند قرن اخیر معمولاً از جانب بیگانگان در میان آنها رواج یافته به دردی ویرانگر مبدل شده است. بیداری اسلامی و وحدت تحت لوای امت اسلامی با وجود برخی اختلاف نظرهای موجود، مسلمانان را به قدرتی شکست‌ناپذیر تبدیل خواهد نمود به گونه‌ای که هیچ نیرویی جرأت جسارت به مقدسات اسلامی و مسلمانان را پیدا نکند.

۳- اجتماع و اتحاد در انجام برخی مناسک دینی

دین اسلام عالی‌ترین راه کمال را برای سعادت بشر در قالب آموزه‌هایی جامع در قرآن مجید و سنت در برابر انسان‌ها قرار داده است. عبادات نقش بسیار مهمی برای رسیدن به این هدف ارزشمند دارد و جالب این که برخی از این عبادات به گرد آمدن چند نفر مشروط است و یا این که فضیلت آن در

صورت حضور اجتماع بیشتر است. نماز جمعه، نماز جماعت و حج از جمله این عبادات محسوب می‌شود.

ایده‌ها، تصورات و مفاهیم مذهبی در پیوند با علایق به عنوان ارزش‌ها، انگیزه‌ها، اهداف و جهان‌بینی‌های عاملین اجتماعی در ضمن کنش‌های آنان بروز می‌یابد و بر مسیر تاریخ تأثیر می‌گذارد. معمولاً مذاهب، پیروان خود را در خلوت و به گونه‌ای فردی و شخصی تحت تأثیر قرار می‌دهند اما برگزاری عبادات دسته‌جمعی مسلمانان به شکل پویا و در متن جامعه به طور مؤثری نهادهای اجتماعی را به خود جلب نموده و قدرت آرمانی اندیشه‌های دینی را برمی‌انگیزاند. تحکیم علایق اجتماعی با این ارزش‌های مذهبی موجب گردید تا به تدریج نه تنها باورهای دینی بلکه برخی اجزای مربوط به آنها از قبیل روح وحدت و هم‌دلی نیز در میان جامعه اسلامی تقویت گردد.

در فرهنگ‌سازی انجام عبادات به طور دسته‌جمعی و بیان برخی از فضایل و دستاوردهای آن در کنار رهنمودهای قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عترتش نقش بسیار مهمی داشتند؛ چنان‌که حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اوایل بعثت به همراه خدیجه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلِيٌّ نماز را با جماعت می‌خواند (طبری، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۲۱۳). در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که توسط صحابی فاضل ایشان هشام بن حکم نقل شده آثار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اجتماع مسلمانان در حج بیان شده است. امام می‌فرماید:

«همانا خداوند مردم را آفرید... و آنان را به اموری که مصلحت دین و دنیای آنها در آن است فرمان داد که از جمله آنها تشکیل یک اجتماع بزرگ با حضور مسلمانان از شرق و غرب عالم - در فریضه حج - بود تا یک‌دیگر را بشناسند. همچنین با آثار و اخبار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آشنا شده همواره آنها را در خاطره‌ها زنده بدارند... و اگر هر ملتی به شهرها و امکاناتی که در آنها دارند بسنده و تکیه می‌کردند، نابود می‌گشتند، شهرها ویران می‌شد و جذب سود و کالا از بین می‌رفت و از خبرها نیز آگاه نمی‌شدند...» (حر عاملی، ۱۳۸۲ش، ج ۱۱، ص ۱۴).

شکل‌گیری روحیه معنوی و هم‌بستگی در انجام مناسک عبادی به تدریج فرهنگ اتحاد و هم‌دلی را در میان مسلمانان گسترش داد، در غیر این صورت با وجود اختلافات قومی و برخی تنگ‌نظری‌ها، در مدتی کوتاه هیچ نشانه‌ای از محبت مسلمانان نسبت به یک‌دیگر باقی نمی‌ماند. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در کلامی عمیق به برکات گسترده این مناسک اشاره نموده و می‌فرماید: «منفعت حج به کسانی که در شرق و غرب و در خشکی و دریا و به کسانی که حج به جای آورده‌اند و یا موفق به انجام حج نشده‌اند خواهد رسید» (صدوق، ۱۳۷۴ش، ص ۴۰۴).

۴- طرح حقوق مشترک انسانی

یکی از مهم‌ترین محورهایی که در ذیل آن امکان همراهی و هم‌دلی انسان‌ها با یک‌دیگر فراهم می‌شود طرح حقوق مشترک برای آنها می‌باشد. در آیات متعددی از قرآن به حقوق انسان‌ها، از قبیل حفظ حیات انسان‌ها، حق برخورداری از نعمت‌های الهی، حق امنیت و آرامش، حق برابری در برابر قوانین و مقررات و موارد دیگر اشاره شده است و حتی به صراحت هر گونه امتیاز نژادی، قومی و قبیله‌ای طرد شده و بر حفظ عزت و کرامت انسانی تأکید گردیده است.

پیامبر اسلام ﷺ در گفتار و عمل خود اهمیت به حقوق انسانی را در بالاترین حد رعایت نموده است. ایشان پس از ورود فاتحانه به مکه ضمن جلوگیری از هر گونه انتقام و کشتار، خطاب به مسلمانان و مردم شهر مکه فرمود: «ای گروه قریش! خدا در پرتو اسلام نخوت و غرور و فخرفروشی جاهلیت به آباء و اجداد را از بین برد، انسان‌ها همگی از آدم‌اند و آدم نیز از خاک برگرفته شده است» (سقا - ایبازی - شلبی، ۱۳۶۳ ش، ص ۸۸۴).

پیمان‌هایی که آن حضرت با اهل کتاب منعقد نمود در این راستا ارزیابی می‌شود. نکته جالب، پای‌بندی کامل آن حضرت به این قراردادها بود مگر این‌که از جانب طرف مقابل خلف پیمان انجام می‌گرفت. در بخشی از پیمان ایشان با مسیحیان چنین آمده است: «... به هر حال من متعهدم که دورترین افراد مسیحی را در مرزهای خودم با سواران و پیادگان و تمام نیرو و سلاح و پیروان مسلمان خودم... حفظ کنم و ایشان را مورد حمایت قرار دهم... و آنان را در ذمه و میثاق و امان خود قرار دهم، از هر آزار و رنج و سختی و ناخوشایندی حفظ کنم و ایشان را یاری دهم و هرگاه دشمنی آهنگ من و ایشان کرد به تن خویش و همراه یاران و پیروانم و مسلمانان از آنان حمایت کنم و چون من دارای سلطنت بر ایشانم از همین جهت رعایت ایشان بر من لازم است...» (حمیدالله، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳۷ - ۲۳۹).

پیامبر اکرم ﷺ هم‌چنین پس از ورود به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، با یهودیان بر اساس تعهد آنان به عدم خیانت به مسلمانان، پیمانی در چند بند منعقد نمود که بر اساس برخی مفاد آن امنیت جان و مال و دیگر حقوق آنان تضمین گردید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۹، ص ۱۱۰). آن حضرت به موازات این قبیل پیمان‌ها، قراردادهای بین قبایل را که در اصطلاح، «حلف قبایل» خوانده می‌شد باطل نمود، زیرا این قراردادها یکی از عوامل مهم اختلافات بین آنان بود.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با ارائه طرح‌های مختلف، به تحکیم راهبرد گسترش وحدت در جامعه اسلامی پرداخت؛ برای مثال، با وجود رقابت و دشمنی دیرینه میان اعراب جنوبی (قحطانی)، شمالی (عدناتی) جریان عقد برادری (مؤاخات) میان مهاجرین - که از اعراب عدناتی بودند - و انصار - که از اعراب قحطانی - بودند در مدتی کوتاه و به نحو شگرفی کینه‌های دیرینه را از بین برد. روند این تحولات با رهنمود رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود: «در راه خدا دو تا دو تا با هم برادری کنید» (بلاذری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۱۸) و نفوذ معنوی وی در بین آنان ادامه یافت. این تحولات فرهنگی وحدت‌بخش در حالی حاصل شد که اجزای تفرقه یکی پس از دیگری در جامعه کنار می‌رفت، از جمله دشمنی دیرینه اوس و خزرج که با ورود آن حضرت به مدینه از میان رفت.

این رویکرد بسیار کارآمد نیاز کنونی همه جوامع اسلامی است تا بتوانند با تمرکز بر حقوق مشترک میان همه انسان‌ها که خداوند در خلقت آنها لحاظ کرده و در تمام ادیان الهی و به خصوص در شرع مقدس اسلام بر آن تأکید نموده است گرد هم آیند. گسترش این راهبرد که بنی‌آدم از یک خانواده بوده و در شادی و غم یک‌دیگر سهیم می‌باشند. به صورت فزاینده‌ای تمامی جوامع به ویژه ملل اسلامی را که دارای مشترکات متعدد دیگری نیز می‌باشند به یک‌دیگر نزدیک می‌کند و بسیاری از تنش‌ها را از بین می‌برد.

۵ - مبارزه با افکار و باورهای اختلاف‌برانگیز

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برنامه‌های کارآمد و منسجم خود جهت ایجاد تحول بنیادین در فرهنگ جامعه، علاوه بر طرح راه‌کارهای مناسب در ایجاد و تقویت وحدت در میان مردم به مبارزه قاطع با برخی افکار متحجرانه و رسوم جاهلی که از عوامل مهم تفرقه و دشمنی میان آنان بود برخاست. ارائه آموزش‌های مناسب در همه ابعاد از جمله عدم مجادله و اختلاف برای کوچک‌ترین واحد اجتماعی، یعنی خانواده، تا کل جامعه همواره از جانب ایشان تعقیب گردید.

این نکته مهم از نظر برخی نویسندگان غربی دور نمانده است، چنان‌که توماس کارلایل محقق انگلیسی می‌گوید: «محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قوانین مدنی و اخلاقی را عرضه کرد تا وحشی‌گری و ددمنشی را براندازد و بی‌قانونی و هرج و مرج را با نظم و تمدن جای‌گزین سازد» (صمیمی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۴۸). ویل دورانت نیز با تأکید بر تلاش‌های بسیار زیاد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ایجاد تحولات عمیق در جوامع مسلمان شده، وضعیت آنان را این‌گونه ارزیابی می‌کند: «طی پنج قرن از لحاظ نیرو، نظم،

بسط قلمرو حکومت، تصفیه اخلاق و رفتار، سطح زندگانی، وضع قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی، ادبیات، دانشوری، علم، طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بودند» (دورانت، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۴۳۲).

تحصیل این تحولات در نتیجه فرایندی اعتقادی - تربیتی بود که قادر گردید ابعاد از برخی باورها، ارزش‌ها و رفتارهای نامناسب فرهنگی این جوامع را دچار چالش نماید. اهتمام فداکارانه پیامبر ﷺ و رهنمودهای مستمر ایشان در تبیین و تفسیر آیات الهی نتایج خود را آشکار نمود. البته بخش عمده جهت‌گیری ایشان برای دست‌یابی به وحدت، در راستای از بین بردن ریشه‌های اختلاف بود، چنان‌که در بخشی از سخنان خود در فتح مکه فرمود: «هیچ عربی را بر عجمی و هیچ عجمی را بر عربی جز پرهیزکاری برتری نیست» (یعقوبی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۱۱۰). آن حضرت حتی در آخرین لحظات عمرش نیز بر وحدت تأکید نمود؛ در حال بیماری با کمک علی رضی الله عنه و فضل بن عباس به مسجد وارد شد و در بخشی از سخنان خود چنین فرمود: «شما بر من وارد می‌شوید و من از این نگران نیستم که شما مشرک شوید ولی نگران دنیای شما هستم که بر سر آن با هم رقابت و کشمکش کنید» (ابن‌سعد، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۳۹).

برخورد قاطعانه پیامبر ﷺ با هر گونه نگرش و عوامل تفرقه به ویژه پس از استقرار در مدینه موجب گردید تا زمینه‌های بروز اختلاف به حداقل خود برسد. با این حال، عناصر تفرقه‌افکن و در رأس آنها منافقان و یهودیان هر بار به طریقی برای دست‌یابی به اهدافشان تلاش نمودند. البته پیامبر ﷺ نیز بلافاصله در برابر حرکت آنان اقدام می‌نمود. دستور آن حضرت به تخریب مسجد ضرار در شهر مدینه از جمله این اقدامات بود.

در دوران حساس کنونی که ندای اسلام با وجود تمامی مخالفت‌ها در سراسر جهان طنین‌انداز شده است نقشه‌هایی شیطانی به برخی اختلاف نظرها دامن می‌زند، از این رو بر تمامی علمای اسلامی و همه روشن‌فکران و جوانان است که در برابر این فتنه‌ها هوشیار بوده و از تکرار اتهامات ناروا نسبت به یک‌دیگر خودداری نمایند.

۶- جذب حداکثری با اخلاق اسلامی

از عرصه‌هایی که معمولاً موجب پراکندگی و تفرقه در میان مردم می‌شود نداشتن تحمل اخلاقی، تنگ‌نظری، عبوس بودن و نداشتن جاذبه اخلاقی نسبت به یک‌دیگر است. بخش مهمی از اتحاد امت

اسلامی در ذیل رهبریت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرهون جاذبه اخلاقی و رفتاری ایشان بود. در قرآن چنین آمده است: «رحمت خداوند تو را با مردم خوش‌خوی گردانید و اگر سخت‌دل بودی مردم از اطراف تو متفرق می‌شدند پس چون امت بد کنند از آنان درگذر و از خدا برای آنها طلب آمرزش کن» (قرآن کریم، سوره ۳، آیه ۱۵۹).

ذکر ابعاد مهربانی و آثار گذشت آن حضرت در اجتماع مردم اطراف ایشان در این مختصر نمی‌گنجد، از این رو تنها به نقل چند مورد مختصر اکتفا می‌شود. از جمله، آن حضرت پس از فتح مکه، از دشمنان بی‌رحم خود انتقام نگرفت، حتی به «هند» مادر معاویه و «وحشی» که عمویش حمزه را تکه تکه کرده بودند، هیچ آسیبی نرساند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۵۲). تحمل، محبت، گذشت و دلسوزی وی چنان بود که وقتی یارانش تقاضا کردند قبیله ثقیف را نفرین کند، فرمود: «خدایا ثقیف را هدایت فرما و آنان را در زمره ما درآور (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۳۷). می‌فرمود: «اسلام دینی متعادل است در انجام دستورات آن با مدارا رفتار کنید» (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۸). خطاب به مشرکان نیز فرمود: «من تنها برای رحمت مبعوث شده‌ام» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۴۹۴).

این سیره اخلاقی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که الگویی برای تمام امت‌های اسلامی و به ویژه دولت‌مردان و صاحب‌منصبان است تنش‌ها و اختلافات را به حداقل رسانده و موجب هم‌دلی و اجتماع آنان با یک‌دیگر خواهد شد و در نتیجه، دشمنان از بسیاری نقشه‌ها و برنامه‌های خود مأیوس خواهند شد. نقل شده که عروه بن مسعود سفیر قریش، نزد آن حضرت گفت: «هرگز پادشاهی را ندیده‌ام که در میان یاران خود این‌قدر محبوبیت داشته باشد که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان اطرافیان خود دارد. صدای خود را در حضور وی بلند نمی‌کنند و به هر کاری فرمان دهد فوراً انجام می‌دهند» (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۳۷).

نتیجه

یکی از مهم‌ترین محورهای دعوت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پی‌ریزی و مستحکم نمودن بنیان‌های وحدت در میان مسلمانان بود. با توجه به این‌که فرهنگ به مثابه فضایی برای حیات فرد و جامعه است که در آن حیات و فعالیت همگان جریان داشته و در واقع به عنوان هدایت‌گر اصلی مادی و معنوی فرد و جامعه ایفای نقش می‌نماید، آن حضرت بخش مهمی از فعالیت خود را مصروف فرهنگ‌سازی در این خصوص نمود. استفاده از پیمان‌های ارزشی که با شناخت دقیق ظرفیت‌های

اجتماعی حاکم بر جامعه انجام پذیرفت نقش مهمی در گرایش عمومی به سوی ایجاد اتحاد عمومی داشت.

از آن جا که دعوت جهانی پیامبر ﷺ برای همه زمان ها و مکان ها بود، آرمان ها و اهداف ایشان در تمامی ابعاد، از جمله وحدت اسلامی، در ظرف محدود زمانی و مکانی خاص قرار نمی گیرد. در فرهنگ همه جوامع اسلامی به رغم اختلافات و پراکندگی های موجود در طول تاریخ، بن مایه های وحدت به شکلی کاملاً ملموس وجود دارد. برخی از متفکران و دلسوزان جهان اسلام در قرون اخیر با استناد به همین موضوع و با توجه به اهتمام پیامبر ﷺ در حفظ وحدت مسلمین قضیه وحدت جهان اسلام را به عنوان اولین و مهم ترین مسئله ملل اسلامی پی گیری کرده اند. چنان چه استراتژی پیامبر ﷺ در پی ریزی مناسب وحدت در فرهنگ اسلامی انجام نمی پذیرفت به طور قطع اکنون هیچ نشانه و حتی زمینه ای برای آن در جوامع کنونی مسلمان قابل تصور نبود. به بیان دیگر، چنان چه مسلمانان به حقیقت وجودی و فرهنگ غنی اسلامی خویش توجه نمایند از فاصله های نژادی، فرقه ای، منطقه ای، حزبی و غیره فاصله گرفته و تحت راهبردهای این فرهنگ به یکدیگر نزدیک می شوند.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، تحقیق و ترجمه: محمد دشتی، پیام عدالت، قم، ۱۳۸۵ ش.
- ۳- آراسته خو، محمد، فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، نشر گسترده، تهران.
- ۴- آلوسی، محمد، بلوغ الادب فی عرفه احوال العرب، بی نا، بی جا، بی تا.
- ۵- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- ۶- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ۷- _____، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.
- ۸- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
- ۹- ابن عبدربه، شهاب الدین احمد، تقدیم خلیل شرف الدین، دار و مکتبه الهلال، بی جا، ۱۹۸۶ م.
- ۱۰- ابن کثیر، ابوالفداء (۱۴۰۹ ق)، البدایه و النهایه، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- ۱۱- باتامور، تی بی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن منصور، حسن حسین کلجاهی و دیگران، کتاب حبیبی، تهران، ۱۳۵۷ ش.
- ۱۲- بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
- ۱۳- بلاشر، رژی، *تاریخ ادبیات عرب*، ترجمه: آذرتاش آذرنوش، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۴- پورداود، ابراهیم، (گزارش) *خرده اوستا*، انجمن زرتشتیان ایران و انجمن ایرانی لیگ، بی تا.
- ۱۵- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۶- حمیدالله، محمد، *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اسناد صدر اسلام*، ترجمه: محمد حسینی، سروش، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۷- دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه: ابوطالب صارمی و دیگران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۸- رازینی، علی، *پژوهشی پیرامون مفردات قرآن*، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب الفاظ القرآن*، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- ۲۰- زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ مردم ایران قبل از اسلام*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- ۲۱- سقا، مصطفی، ایباری، ابراهیم - شلبی، عبدالحفطی، *سیره النبویه لابن هشام*، مهر، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ۲۲- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، الخصال، مطبعه الشفیعی، بی جا، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۳- صمیمی، مینو، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اروپا، ترجمه: عباس مهرپویا، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۲۴- طبری، محمد بن حریر، *تاریخ الامم و الملوک* (تاریخ طبری)، عزالدین، بیروت، ۱۹۸۷ م.
- ۲۵- علی، جواد، *تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام*، ترجمه: محمدحسین زمانی، کتابسرای باب بابل، بابل، ۱۳۶۷ ش.
- ۲۶- قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ ش.

- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
- ۲۸- گرانیپیه، بهروز، *فرهنگ و جامعه*، شریف، تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۲۹- لمان، نرمان، *اصول روان‌شناسی*، ترجمه: محمود ساعتچی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲ش.
- ۳۰- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ۳۱- مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۵۹ش.
- ۳۲- موثقی، احمد، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۰ش.
- ۳۳- *نامه تنسر*، تصحیح: مجتبی مینوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۱۱ش.
- ۳۴- واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، تحقیق: مارسدن جونز، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۳۵- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۳ش.



بررسی نظریه ابن تیمیه در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، و نقد آن با تکیه بر منابع اهل سنت^۱

دکتر محسن رفیعی^۲

دکتر معصومه شریفی^۳

چکیده

مرجعیت علمی امام علی علیه السلام، از جمله مسائل مطرح در جامعه اسلامی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است، به گونه‌ای که از دیرباز، اذهان بسیاری از محدثان، مفسران، متکلمان، فقیهان و تاریخ‌نگاران را به خود معطوف نموده است. برجستگی علم امام علی علیه السلام تا به اندازه‌ای بوده که بزرگانی از صحابه هم‌چون ابن عباس - که خود، مشهور به «حبر الأمة»، «بحر»، «ترجمان القرآن»، «رئیس المفسرین» و «فقیه العصر» است - از تربیت یافتگان آن حضرت بوده و به شاگردی خویش، افتخار کرده‌اند.

ابن تیمیه، رابطه شاگردی و استادی را میان ابن عباس و امام علی علیه السلام انکار می‌کند. این در حالی است که بنا به اعتراف منابع اهل سنت، ابن عباس همواره تصریح کرده که سرچشمه دانش وی در تفسیر، امام علی علیه السلام بوده و آن حضرت را برترین استاد خویش پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده است.

ابن تیمیه، در رویارویی با اهل بیت علیهم السلام، با اهدافی هم‌چون مرجعیت‌زدایی از ایشان و مرجعیت‌سازی برای دیگران، همواره روش تکذیب، تضعیف و توجیه در پیش گرفته، بسیاری از

۱- تاریخ ورود: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۵/۱۴.

۲- عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (تربیت معلم آیت الله طالقانی رحمته الله علیه - قم).

۳- عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (تربیت معلم حضرت معصومه علیها السلام - قم).

حقایق مسلم روایی و تاریخی را نادیده گرفته است. دیدگاه وی در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، به دلیل تعارض با این حقایق، پذیرفتنی نبوده و قابل نقد می‌باشد. واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، امام علی علیه السلام، ابن عباس، ابن تیمیه، اهل سنت.

بیان مسئله

مسئله مرجعیت - به طور عام - و مرجعیت علمی امام علی علیه السلام - به طور خاص - در میان امت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دیرباز از جمله مسائل مطرح در میان مسلمانان بوده و آذهان محدثان، مفسران، متکلمان، فقیهان و تاریخ‌نگاران را به خود معطوف داشته است. بسیاری از مسلمانان، امیر مؤمنان امام علی علیه السلام را شاگرد اول مکتب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آگاه‌ترین فرد به سنت آن حضرت و فقه و تفسیر و قضاوت دانسته‌اند، ولی افرادی چون ابن تیمیه، مرجعیت علمی امام علیه السلام را قبول ندارند و شاگردی صحابه‌هایی چون ابن عباس را در زمینه‌های تفسیر و فقه در نزد آن حضرت، انکار می‌کنند.

مسئله مرجعیت علمی امام علی علیه السلام را از زوایای گوناگون می‌توان بررسی کرد. این نوشتار، تنها عهده‌دار بررسی و نقد نظریه ابن تیمیه در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، البته با تکیه بر منابع اهل سنت و دیدگاه سنّیان در این باره است. شرط موقفیت در تبیین این مسئله، آن است که معلوم شود آیا ابن عباس نزد امام علی علیه السلام شاگردی کرده است یا نه؟ منابع اهل سنت در این باره چه می‌گویند؟ نظریه ابن تیمیه در این باره، تا چه اندازه با واقعیت، مطابقت دارد؟ و نقدهای وارد بر ابن تیمیه چیست؟

پاسخ مثبت یا منفی به پرسش‌های یاد شده، افزون بر این که میزان درستی یا نادرستی نظریه ابن تیمیه را هویدا می‌سازد، گوشه‌ای از جایگاه امام علی علیه السلام را نیز در مرجعیت علمی امت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روشن خواهد کرد.

سیری در دیدگاه ابن تیمیه

ابن تیمیه، افزون بر این که نمی‌پذیرد مالک با چند واسطه نزد ابن عباس، و ابن عباس نزد امیر مؤمنان امام علی علیه السلام شاگردی کرده باشد، این گونه می‌نویسد: «و این سخن که ابن عباس شاگرد علی است، باطل است. روایت ابن عباس از علی اندک است و بیشترین دریافت‌های او از عمر و زید بن ثابت و ابوهریره و سایر صحابه است. وی به قول ابوبکر و عمر، فتوا می‌داد و در برخی از مسائل، با علی منازعه داشت.» (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۲۵).

هم‌چنین ابن تیمیّه، نمی‌پذیرد که علم تفسیر از امام علی علیه السلام جوشش گرفته است. وی دربارهٔ این‌که ابن عباس، شاگرد امام علی بوده و گفته «حدّثنی أمير المؤمنين فی تفسیر الباء من بسم الله الرحمن الرحيم من أوّل اللیل إلى آخره» می‌نویسد: «به مجرد نقل منقولات در کتاب‌ها، جوازی برای استدلال به آن نیست با این‌که در آن چیزهای بسیار از کذب هست و ثانیاً گفته می‌شود که حدیث‌شناسان می‌دانند که این دروغ است. همانا این اثری که از ابن عباس نقل شده، دروغ بر او است و اسنادی که شناخته شود ندارد... و همین ابن عباس، بسیار از او در تفسیر با اسانید ثابت نقل شده و در هیچ‌یک از آنها نامی از علی نیست. ابن عباس از عمر، أبوهیره، عبدالرحمن بن عوف، زید بن ثابت، ابی بن کعب، أسامة بن زید و ... روایت‌ها نقل کرده و روایتش از علی بسیار اندک است» (پیشین، ص ۲۴۱ و ۲۴۲).

بررسی و نقد نظریهٔ ابن تیمیّه

نگاهی گذرا بر دیدگاه ابن تیمیّه، روشن نمود که وی اصرار دارد رابطهٔ شاگردی و استادی میان ابن عباس و امیر مؤمنان امام علی علیه السلام را انکار نماید و حتی وی را در منازعه با آن حضرت نشان دهد. برای روشن شدن این مسئله، ابتدا نیم‌نگاهی به دیدگاه ابن تیمیّه دربارهٔ اهل بیت علیهم السلام - به ویژه امام علی علیه السلام - انداخته، سپس به بررسی و نقد نظریهٔ وی مبنی بر انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، با تکیه بر منابع اهل سنت، می‌پردازیم.

از جمله کسانی که بر خلاف قاطبهٔ مسلمانان، دشمنی‌های سرسخت با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشته - و به همین دلیل، قرن‌ها است مورد توجه ویژهٔ وهابیان قرار گرفته، ارزشی فراوان نزد آنان یافته و افکارشان از وی سرچشمه می‌گیرد - تقی‌الدین أحمد بن عبدالحلیم حرّانی دمشقی حنبلی، معروف به «ابن تیمیّه» است.

از ویژگی‌های ابن تیمیّه، دشمنی با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. وی با تکذیب یا تضعیف یا توجیه روایات، ادعای اجماعات وهمی، انکار حقایق مسلم تاریخی، نسبت دادن دروغ به مخالفان خویش، نسبت دادن دروغ به اهل بیت علیهم السلام و دفاع از مخالفان اهل بیت علیهم السلام، تلاش می‌کند جایگاه فرازمند ایشان را در قرآن و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان، نادیده گرفته و آن را تنزل بدهد. بر همین اساس، وی هر آن‌چه را که مربوط به تفضیل اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، سخاوتمندانه ریشه‌کن می‌کند.

بررسی نظریهٔ ابن تیمیّه در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، و نقد...

بیشترین هجمه‌ها را ابن تیمیّه در کتاب «منهاج السنّة النبویّة فی نقض کلام الشیعة و القدریّة» دارد که در پاسخ به کتاب «منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه» اثر علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (۶۴۸-۷۲۶ ق) نگاشته است. شاید بتوان گفت که تنها با مطالعه کتاب «منهاج السنّة»، به خوبی می‌توان به منطق، فرهنگ، اعتقاد، فقه و روش وی با منابع تشریح اسلامی و تاریخی نویسنده‌اش پی برد. وی کتاب را با هدفی خاص نگاشته است.

او انبوهی از خبرهای مستند و معتبر در منابع اهل سنّت را بدون دلیل نمی‌پذیرد و - سخاوتمندانه آنها را تضعیف، تکذیب و توجیه می‌کند؛ برای نمونه، وی آیه «تطهیر» و شأن نزول آن را توجیه می‌کند (پیشین، ص ۳۱-۳۸؛ نیز رک: محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۶۳ و ۶۴)؛ نزول آیه «مباهله» را در خصوص اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌پذیرد (ابن تیمیّه حرانی، پیشین، ج ۴، ص ۵۲-۵۵)؛ حدیث «ثقلین» را تضعیف و توجیه می‌کند (پیشین، ج ۴، ص ۱۶۵)؛ حدیث «سفینه» را تضعیف نموده و ادّعا می‌کند که هیچ اسناد صحیحی برای آن شناخته نمی‌شود (پیشین، ص ۱۶۵ و ۱۶۶)؛ حدیث «باب» را تکذیب می‌کند (پیشین، ص ۲۱۶ و ۲۱۷)؛ حدیث «أفضاکم علی» را تضعیف می‌کند (پیشین، ص ۲۱۶-۲۵۲)؛ حدیث «سلونی» را توجیه می‌کند (پیشین، ص ۲۴۸-۲۵۰)؛ ماجرای مشهور «مجنونه» (پیشین، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۳) و «زنی که شش‌ماهه زاییده بود» (پیشین، ص ۲۳۸ و ۲۳۹) و رجم آنها توسط عمر را توجیه می‌کند و برای این سخن خلیفه دوم: «لو لا علی لهلک عمر» - که بارها در پی قضاوت‌های شگفت امام علی علیه‌السلام به زبان آورده است - توجیه‌های بدتر می‌آورد. (پیشین، ص ۲۲۱-۲۲۳ و ۲۳۹).

ابن تیمیّه در میان مسلمانان، مخالفان بسیار دارد و نقدهای فراوان بر او وارد شده است.^۱ بررسی‌های بیشتر و ژرف‌تر درباره چپستی، چرایی و چگونگی افکار ابن تیمیّه، مجالی دیگر می‌طلبند و

۱- برای آگاهی بیشتر از افکار و عقاید ابن تیمیّه و نقدهای وارد بر وی، رک: کاشف الغطاء، محمدحسین، نقض فتاوی الوهابیّه؛ دحلان، أحمد بن زینی، فتنه الوهابیّه؛ محمدعلی، سید عبدالله، معجم ما ألقه علماء الأئمة الإسلامیّة ضد الوهابیّة؛ الکتیری، السید محمد، السلفیّة بین أهل السنّة و الإمامیّة؛ عبدالسلام، عمر، مخالفة الوهابیّة للقرآن و السنّة؛ حلمی بن سعید اسلامبولی، حسین، علماء المسلمین و الوهابیون؛ زیندی، عبدالرحمن بن زید، السلفیّة و قضايا العصر؛ بلاغی، محمدجواد، الردّ علی الوهابیّة؛ کاردان، غلامحسین، الردّ علی شبهات الوهابیّة؛ کورانی، علی، الوهابیّة و التوحید؛ رضوی، سید مرتضی، صفحة عن آل سعود الوهابیین و آراء علماء السنّة فی الوهابیّة؛ حسینی میلانی، سید علی، دراسات فی منهاج السنّة لمعرفة ابن تیمیّه؛ حسینی میلانی، سید علی، ابن تیمیّه و إمامة علی علیه‌السلام؛ سنقری، محمدعلی، الوهابیون و البيوت المرفوعة؛ عبدالحمید، صائب، ←

از عهده این نوشتار خارج است. اکنون باید دید منابع اهل سنت درباره ابن عباس و رابطه شاگردی او با امام علی علیه السلام چه می‌گویند، تا از این مسیر، به میزان درستی یا نادرستی نظریه ابن تیمیّه دست یابیم.

ابن عباس و جایگاه علمی امام علی علیه السلام

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب قرشی هاشمی، صحابی گرانقدر و پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. مشهور است که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم درباره اش این گونه دعا کرده: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التأویل؛ خداوندا! در دین، فقیهش گردان و تأویلش بیاموز»^۱.

→ ابن تیمیّه فی صورته الحقیقیّه؛ طاهری خرم آبادی، سید حسن، پاسخ شبهات وهابیت؛ سقاف، حسن بن علی، سلفی‌گری وهابی؛ قزوینی، سید محمدحسن، فرقه وهابی و پاسخ به شبهات آنها؛ موسوی قزوینی، سید حسن، نقدی بر اندیشه وهابیان؛ حسن بن فرحان مالکی، مبلغ، نه پیامبر (قرائتی انتقادی بر مسلک شیخ محمد بن عبدالوهاب)؛ اسلامی، حسن، چهره حقیقی ابن تیمیّه پایه‌گذار افکار وهابیت؛ بوطی، محمد سعید رمضان، سلفیّه بدعت یا مذهب (نقدی بر مبانی وهابیت)؛ میردامادی، سید حسن، جنایت وهابیت؛ امین، سید محسن، تاریخ و نقد وهابیت؛ سید علوی، سید ابراهیم، تاریخچه، نقد و بررسی وهابی‌ها؛ سبحانی، جعفر، وهابیت، مبانی فکر و کارنامه عملی؛ رضوانی، علی اصغر، ابن تیمیّه، مؤسس افکار وهابیت؛ رضوانی، علی اصغر، شناخت سلفی‌ها (وهابیان)؛ رضوانی، علی اصغر، مبانی اعتقادی وهابیان؛ رضوانی، علی اصغر، سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات.

۱- أحمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۶ و ۳۱۴ و ۳۲۸ و ۳۳۵ (ابن عباس يقول: وضع رسول الله صلى الله عليه وسلم يده بين منكبى أو قال على منكبى فقال: «اللهم فقهه في الدين و علمه التأويل»); حاكم نيشابورى، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۵۳۴؛ هيثمى، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۷۶؛ ابن حجر، فتح البارى: ج ۱، ص ۱۵۵؛ ج ۷، ص ۷۸؛ ج ۱۱، ص ۱۱۶؛ ابن أبى شيبه، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۵۲۰؛ ابن راهويه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۳۰؛ هيثمى، بی‌تا، ص ۳۰۱؛ ضحاک، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۵۳۱؛ طبرانى لخمى، المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۹۷؛ همو، المعجم الأوسط: ج ۲، ص ۱۱۳؛ ج ۴، ص ۲۷۳؛ همو، المعجم الكبير: ج ۱۰، ص ۲۶۳؛ ج ۱۱، ص ۹۱؛ ج ۱۲، ص ۵۵؛ نووى، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۹؛ متقى هندی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۴۵۹؛ مناوى، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۴۸؛ عجلونى جراحى، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۲؛ مجاهد، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰ و ۱۹ و ۲۰؛ سفیان ثورى، بی‌تا، ص ۵؛ نخاس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۵۴؛ راغب اصفهانى، ۱۴۰۴ق، ص ۲۵۵؛ قرطبى، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۸؛ ابن قیم جوزى، ۱۴۰۶ق، ص ۲۲؛ ابن کثیر دمشقى، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶ و ۳۵۵؛ زرکشى، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ثعالبى مالکى، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۶ و ۱۴۱؛ کردى، خطاط، ۱۳۶۵ق، ص ۱۸؛ ابن سعد، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۵؛ خطیب بغدادى، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ ج ۱۴، ص ۴۳۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۶۹، ص ۱۷۱؛ ذهبى، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۳۷ و ۳۳۹؛ ابن حجر عسقلانى، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۴۴؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۹؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ابن کثیر دمشقى، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۱۸۳؛ ج ۸، ص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ مبارکفورى، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۲۶ و ۲۰۸.

بررسی نظریه ابن تیمیّه در انکار شاگردی ابن عباس علیه السلام و نقد...

به دلیل گستره دانشی که داشته، وی را «حبر الأمة»^۱، «بحر» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۴۲؛ مزّی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۴۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۳۱)، «ترجمان القرآن» (أحمد بن حنبل، پیشین، ص ۲۳؛ نسائی، پیشین، ج ۵، ص ۵۱؛ مبارکفوری، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ج ۹، ص ۹۱؛ حاجی خلیفه، پیشین، ج ۱، ص ۴۲۹)، «إمام التفسیر» (ذهبی، پیشین، ج ۳، ص ۳۳۱)، «رئیس المفسرین» (حاجی خلیفه، پیشین) و «فقیه العصر» (ذهبی، پیشین) نامیده‌اند.

ابن عباس درباره گستره میراثی که رسول خدا ﷺ نزد امیر مؤمنان امام علی علیه السلام نهاده می‌گوید: «كُنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَهَدَ إِلَى عَلِيٍّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ سَعِينَ عَهْدًا لَمْ يَعْهَدُهُ إِلَى غَيْرِهِ؛ مَا دَرَّ فِيهِ بَارَةٌ غَفَّتْ وَوَجَّوْهُ مِثْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ هَفْتَادَ بِيَمَانٍ رَأَى نَزْدَ عَلِيٍّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ بِهِ وَدَيْعَهُ نَهَادَ، بِهِ كَوْنَهُ أَيُّ كَسَّ نَزْدَ هَيْجٍ كَسَّ جِزْ أَوْ بِهِ وَدَيْعَهُ نَهَادَهُ اسْت»^۲.

نیز ابن عباس، درباره سرچشمه دانش رسول خدا ﷺ، امام علی علیه السلام و خودش - از یک سو - و مقایسه دانش خود و صحابه، با دانش امام علی علیه السلام - از دیگر سو - می‌گوید:

«عَلِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَعَلِمَ عَلِيٌّ مِنْ عِلْمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَا عَلِمِيَّ وَعَلِمَ الصَّحَابَةُ فِي عِلْمِ عَلِيٍّ إِلَّا كَقَطْرَةٍ فِي سَبْعَةِ أْبْحُرٍ؛ دَانَشَ بِيَامِرِ ﷺ مِنْ دَانَشِ خَدَاوَنْدَ وَدَانَشِ عَلِيٍّ مِنْ دَانَشِ بِيَامِرِ ﷺ وَدَانَشِ مِنْ دَانَشِ عَلِيٍّ أَسْتُ وَ[لِي] دَانَشِ مِنْ دَانَشِ [هَمَّة] صَحَابَهُ، دَرَّ بَرَابَرِ دَانَشِ عَلِيٍّ، چِيزِي جِزْ قَطْرَهُ أَيُّ دَرَّ هَفْتِ أَقْيَانُوسٍ نَيْسْت»^۳.

۱- أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة: ص ۲۳؛ نووی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵؛ مبارکفوری، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ج ۹، ص ۹۱؛ عظیم‌آبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۹۹؛ ابن راهویه، پیشین، ج ۲، ص ۴۸؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۵۱؛ ألبانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۷؛ حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱؛ قرطبی، پیشین، ج ۴، ص ۱۴۱؛ ابن عساکر، پیشین، ج ۵۳، ص ۳۱۱؛ ذهبی، پیشین، ج ۳، ص ۳۳۱؛ مزّی، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۱؛ حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲- مناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۳، ص ۶۰ (مناوی می‌گوید: و الأخبار فی هذا الباب لاتکاد تحصی)؛ ج ۴، ص ۴۷۱؛ هیثمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۱۳؛ ضحاک، ۱۴۱۱ق، ص ۵۵۰؛ طبرانی لخمی، المعجم الصغير: ج ۲، ص ۶۹؛ أحمد بن صدیق مغربی، بی‌تا، ص ۶۹؛ حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۴۳۴؛ ابن عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۳۹۱؛ مزّی، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۷۳؛ أبونعیم إصبهانی، ۱۹۳۴م، ج ۲، ص ۲۵۵؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۳۳.

۳- قندوزی حنفی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۵ و ۲۱۶. نیز رک: حویزی عروسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۹۰، ص ۷۴ (امام صادق علیه السلام درباره علم کسی که خداوند درباره او فرمود: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» [نمل/۴۰] می‌فرماید: «قدر قطرة من الماء في البحر الأخضر، فما يكون ذلك من علم»). نیز رک: پیشین، ج ۴، ص ۸۹ و ۹۰، ش ۷۲.

او که خود، معروف به «ترجمان القرآن»، «إمام التفسیر» و «رئیس المفسرین» است؛ دربارهٔ سرچشمهٔ دانش تفسیر خویش، این گونه اعتراف می‌کند:

«ما أخذتُ من تفسیرِ فَعْنِ عَلِيٍّ؛ هر آن چه از تفسیر فرا گرفتیم، همه اش علی است»^۱.

نیز می‌گوید:

«قرأتُ عليَّ رسولَ اللهِ ﷺ سبعينَ سورةً، و ختمتُ القرآنَ عليَّ خيرَ الناسِ عليَّ بنِ أبي طالبٍ؛ هفتاد سوره را نزد رسول خدا ﷺ قرائت کردم، و [همه] قرآن را نزد بهترین مردم علی بن ابی طالب ختم کردم» (ایربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۵).

حاکم حسکانی، با ذکر سند، از طارق بن شهاب نقل می‌کند که گفت: «نزد عبدالله بن عباس بودم که تعدادی از [پسران] مهاجرین آمدند و به او گفتند: ای پسر عباس! علی بن ابی طالب چگونه مردی بود؟ گفت:

مُلِيَّ جَوْفُهُ حُكْمًا و عِلْمًا و بَأْسًا و نَجْدَةً و قَرَابَةً من رسولِ اللهِ؛ باطن او از حکمت، دانش، قدرت، ابهت و نزدیکی به رسول خدا ﷺ سرشار بود»^۲.

سعید بن عمرو بن عاص می‌گوید: «به عبدالله بن عباس گفتیم: عمو جانم! چرا مردم به علی گرایش پیدا کرده بودند؟ گفت: یابن اخی، إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَهُ مَا شَتَّى مِنْ ضَرَسٍ قَاطِعٍ فِي الْعِلْمِ وَ كَانَ لَهُ الْبَسْطَةُ فِي الْعَشِيرَةِ، وَ الْقَدَمُ فِي الْإِسْلَامِ، وَ الصُّهْرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ، وَ الْفَقْهُ فِي السُّنَّةِ، وَ النُّجْدَةُ فِي الْحَرْبِ، وَ الْجُودُ بِالْمَاعُونِ؛ ای برادرزاده‌ام! همانا علی عليه السلام، هر اندازه از قطعیت در دانش را که بخواهی داشت، و جایگاهی ویژه نزد بستگان، تقدم در اسلام، دامادی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، شناخت عمیق از سنت، شجاعت در نبرد و بخشش نسبت به نیازمندی‌های مردم داشت»^۳.

۱- قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵؛ مناوی، پیشین، ج ۴، ص ۴۷۰؛ ثعالبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۰. نیز، ر.ک: ابن جبر، نهج الإيمان، ص ۲۷۴ (با این لفظ: «جَلَّ مَا تَعَلَّمْتُ مِنَ التَّفْسِيرِ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»).

۲- حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۹؛ قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵؛ مناوی، پیشین، ج ۴، ص ۴۷۰؛ ابن‌دمشقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۴ (با این لفظ: «كَانَ مُلِيَّ جَوْفِهِ عِلْمًا وَ حُكْمًا وَ بَأْسًا وَ نَجْدَةً مَعَ قَرَابَتِهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ»); أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۲.

۳- علوی، بی‌تا، ص ۱۷؛ أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۴ (و قول سعید بن عمرو بن العاص لم كان صغو الناس إلى علي مما فيه الأخبار بأن الجميع كان يرجع إليه لشهرته بالعلم بينهم); ابن‌أثير، پیشین، ج ۴، ص ۲۲؛ ابن‌عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۴۱۷ (با اختلاف در ألفاظ).

از ابن عباس نقل کرده‌اند که می‌گوید:

«العلم عشرة أجزاء أُعطيَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ منها تسعة، و الجزء العاشرُ بينَ جميعِ الناسِ؛ و هو بذلك الجزء أعلمُ منهم؛ دانش ده جزء است که نه جزء از آن به علی بن ابی طالب داده شده و جزء دهم در میان مردم [تقسیم شده] است؛ و [باز هم] او نسبت به آن یک جزء، داناتر از آنان است.»^۱ و می‌گوید:

«و الله لقد أُعطيَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ تسعةَ أعشارِ العلمِ و أيمُّ الله لقد شارككم في العشر العاشر: به خدا سوگند، نه دهم از دانش به علی بن ابی طالب داده شده و به خدا سوگند که در آن یک دهم نیز با شما مشارکت کرده است.»^۲

نیز می‌گوید:

«العلم ستّة أسداسٍ و لعلّيُّ من ذلك خمسةُ أسداسٍ و للناسِ سُدُسٌ و لقد شاركنا في سُدُسنا حتّى لهُوَ أعلمُ به منّا؛ دانش، شش جزء است و بهره‌ علی از آن، پنج ششم، و بهره مردم، یک ششم است و همانا در آن یک جزء نیز با ما مشارکت کرده، به گونه‌ای که نسبت به آن یک جزء نیز بی‌تردید داناتر از ما است.»^۳

هم چنین می‌گوید:

«قُسِّمَ علمُ الناسِ خمسةَ أجزاءٍ فكانَ لعلّيٍّ منها أربعةُ أجزاءٍ و لسائرِ الناسِ جزءٌ و شاركهم عليٌّ في الجزء فكانَ أعلمُ به منهم؛ دانش مردم به پنج جزء تقسیم شده و بهره علی از آن، چهار جزء، و بهره سایر مردم، یک جزء است و علی در آن یک جزء با آنان مشارکت نموده و در آن نیز داناتر از آنان است.» (ابن عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۴۰۷).

ابن عساکر، با اسناد خویش از ابن عباس نقل می‌کند که گفت:

۱- حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۰؛ قندوزی حنفی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۶ (با این لفظ: «العلم عشرة أجزاء، لعلّي تسعة أجزاء و للناس عشر الباقي و هو أعلمهم به».)

۲- حاکم حسکانی، پیشین؛ إربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن اثیر، پیشین؛ بری، ۱۴۰۲ق، ص ۷۲؛ ابن دمشقی، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۴ (با این لفظ: «...شاركهم...»); أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۲.

۳- زرنندی حنفی، ۱۳۷۷ق، ص ۱۲۸؛ إربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۲۸۹ (با این لفظ: «أعطى علي تسعة أعشار العلم، و والله لقد شاركهم في العشر الباقي»); قندوزی حنفی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۳؛ ج ۳، ص ۲۱۰ و ۲۲۱ (با این لفظ: «أعطى الامام علي رضي الله عنه تسعة أعشار العلم و إنه لأعلمهم بالعشر الباقي»); ج ۲، ص ۱۷۱ و ج ۳، ص ۱۴۴.

«إِذَا بَلَّغْنَا شَيْءًا تَكَلَّمْ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ أَوْ قَضَاءٌ وَثَبَّتَ، لَمْ نُجَاوِزْهُ إِلَى غَيْرِهِ؛ إِنْ كَانَ مِنْ بَرِّهِ»^۱
 علی درباره چیزی فتوایی داده یا قضاوتی کرده، و به اثبات رسیده باشد، آن را نزد دیگری
 نمی‌بریم» (همان).

نیز ابن‌عساکر، با اسناد خویش از ابن‌عبّاس نقل می‌کند که گفت:
 «إِنَّا إِذَا ثَبَّتْنَا لَنَا الشَّيْءَ عَنْ عَلِيٍّ، لَمْ نَعْدِلْ بِهِ إِلَى غَيْرِهِ؛ هَمَانَا إِنْ كَانَ مِنْ بَرِّهِ»^۲
 شود، از وی به دیگری عدول نمی‌کنیم»^۱.

ابن‌سعد با اسناد خویش، از ابن‌عبّاس نقل کرده است که گفت:
 «إِذَا حَدَّثْنَا ثَقَّةً عَنْ عَلِيٍّ بِفَتْيَا، لَا نَعْدُوها؛ إِنْ كَانَ مِنْ بَرِّهِ، فَتَوَابِي رَأَى عَلِيٌّ مَا نَقَلَ، مِنْ
 أَنْ تَجَاوِزَ نَمِي كُنْمِي»^۳.

ابن‌حجر می‌گوید: ابن‌سعد با اسناد صحیح از ابن‌عبّاس نقل کرده که گفت:
 «إِذَا حَدَّثْنَا ثَقَّةً عَنْ عَلِيٍّ بِفَتْيَا، لَمْ نَتَجَاوِزْها؛ إِنْ كَانَ مِنْ بَرِّهِ، فَتَوَابِي رَأَى عَلِيٌّ مَا نَقَلَ، مِنْ
 أَنْ نَمِي كُنْمِي»^۳.

ارادت ابن‌عبّاس، تنها به امیر مؤمنان عليه السلام محدود نمی‌شود. وی ارادتی ویژه به همه اهل بیت
 رسول خدا عليه السلام داشته است. خطیب بغدادی، از مدرک بن‌زیاد نقل می‌کند که درباره ارادت ابن‌عبّاس
 به امام حسن و امام حسین عليه السلام گفت:

«وَقَدْ يُرَوَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَمْسَكَ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ رُكْبَتَيْهِمَا حِينَ خَرَجَا مِنْ عِنْدِهِ، فَقَالَ لَهُ
 بَعْضُ مَنْ حَضَرَهُ أَتَمْسِكُ لِهَذَيْنِ الْحَدِيثَيْنِ رُكْبَتَيْهِمَا وَأَنْتَ أَسْنُ مِنْهُمَا؟ قَالَ لَهُ أَسَكْتُ يَا جَاهِلُ، لَا

۱- ابن‌عساکر، پیشین؛ ابن‌اثیر، پیشین، ص ۲۳؛ قندوزی حنفی، پیشین، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مزّی، پیشین، ج ۲۰،
 ص ۴۸۶؛ ابن‌حجر عسقلانی، پیشین، ج ۷، ص ۲۹۷؛ أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۳ و ۷۴ (با این
 لفظ: «كُنَّا إِذَا أَتَانَا الثَّبِتَ عَنْ عَلِيٍّ لَمْ نَعْدِلْ بِهِ»); ابن‌حجر عسقلانی، الإصابه: ج ۴، ص ۴۶۷ (با این لفظ: «إِذَا
 جَاءَنَا الثَّبِتُ عَنْ عَلِيٍّ لَمْ نَعْدِلْ بِهِ»); صالحی شامی، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۸۹ (با این لفظ: «فَإِذَا ثَبَّتْنَا لَنَا الشَّيْءَ
 الْبَاقِيَ عَنْ عَلِيٍّ لَمْ نَعْدِلْ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ»).

۲- ابن‌سعد، پیشین، ج ۲، ص ۳۳۸؛ ابن‌عساکر، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۶؛ متقی هندی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۶۶
 (به نقل از ابن‌سعد)؛ بلاذری، پیشین، ص ۱۰۰؛ ابن‌عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۴۰۷.

۳- ابن‌حجر عسقلانی، فتح‌الباری، ج ۷، ص ۶۰؛ ابن‌عساکر، پیشین، (با این لفظ: «إِذَا بَلَّغْنَا شَيْءًا تَكَلَّمْ بِهِ عَلِيٌّ
 مِنْ فِتْيَا أَوْ قَضَاءٍ وَثَبَّتَ لَمْ نُجَاوِزْهُ إِلَى غَيْرِهِ»); علوی، پیشین، ص ۱۶ (با این لفظ: «إِذَا صَحَّ الْأَمْرُ عَنْ عَلِيٍّ فَلَا
 نَتَجَاوِزُهُ»).

يَعْرِفُ الْفَضْلَ لِأَهْلِ الْفَضْلِ إِلَّا ذُو الْفَضْلِ؛ از ابن عباس نقل می‌کنند هنگامی که حسن و حسین از نزد او می‌رفته‌اند، رکاب ایشان را نگه داشته است، یکی از کسانی که نزد ابن عباس بوده، به وی می‌گوید: آیا تو رکاب این دو جوان را می‌گیری در حالی که سن تو از آنان بیشتر است؟ ابن عباس به وی می‌گوید: ساکت باش ای جاهل! فضیلت را برای اهل فضیلت، تنها صاحب فضیلت می‌شناسد.^۱

جمع بندی و نتیجه گیری

از آن چه در این نوشتار بیان شد، مطالب و نتایج زیر به دست می‌آید:

- ۱- ابن عباس، دانشمندی بزرگ و مفسری عالی مقام است و جایگاهی ویژه نزد رسول خدا ﷺ، اهل بیت رسول خدا ﷺ - به ویژه امام علی ﷺ - و مسلمانان دارد؛
- ۲- با توجه به اعتراف ابن عباس و با استناد به منابع معتبر نزد اهل سنت، بزرگ‌ترین استاد وی پس از رسول خدا ﷺ، امیرمؤمنان امام علی ﷺ بوده است؛
- ۳- ابن عساکر، ابن سعد، ابن حجر، ابن اثیر، مزّی و دیگران، از ابن عباس نقل کرده‌اند که وی و سایر صحابه، هر گاه قضاوت یا فتوایی از امام علی ﷺ به دستشان می‌رسید، با دیده تکریم و اعتبار به آن می‌نگریستند و به سراغ دیگران نمی‌رفتند. این دیدگاه صحابه، نشان دهنده گستره مرجعیت علمی و اعتبار سنت امیر مؤمنان ﷺ نزد ایشان است.
- ۴- با تصریح ابن عباس به فراگیری همه تفسیرها از امیرمؤمنان ﷺ و ختم همه قرآن نزد آن حضرت، آیا باز هم می‌توان ادعا کرد «این سخن که ابن عباس شاگرد علی است، باطل است»؟! نتیجه آن‌که: نظریه ابن تیمیّه مبنی بر انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی ﷺ، به دلیل تعارض با مسلمات روایی و تاریخی، پذیرفتنی نبوده و قابل نقد می‌باشد؛ بلکه با استناد به منابع معتبر نزد اهل سنت، این مطلب استفاده می‌شود که بزرگ‌ترین استاد ابن عباس پس از رسول خدا ﷺ، امیر مؤمنان امام علی ﷺ است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.

۱- ر.ک: خطیب بغدادی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۵ و ۱۵۶. این ماجرا را ابن شهر آشوب در «مناقب آل أبي طالب»، ج ۳، ص ۱۶۸ و مجلسی در «بحار الأنوار»، ج ۴۳، ص ۳۱۹ با ألفاظ گوناگون آورده‌اند. نیز ر.ک: ابن کثیر، پیشین، ج ۸، ص ۴۱ و ۴۲؛ صالحی شامی، پیشین، ج ۱۱، ص ۷۰.

- ٢- ابن أبي شبيهه كوفي، المصنّف، تحقيق: سعيد محمّد اللحام، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٩ق.
- ٣- ابن أثير، عزّالدين أبو الحسن عليّ بن أبي الكرم محمّد بن محمّد بن كريم بن عبدالواحد شيباني، أسد الغابة في معرفة الصحابة، إسماعيليان، تهران، بي تا.
- ٤- ابن تيميه حرّاني، منهاج السنّة النبويّة في نقض كلام الشيعة و القدريّة (منهاج الاعتدال في نقض كلام أهل الرّفص و الاعتزال)، تحشيه و تخريج: عبدالله محمود محمّد عمر، دارالكتب العلميّه، بيروت، ١٤٢٠ ق.
- ٥- ابن حبان، محمّد بن حبان بن أحمد أبوحاتم تيميمي بُستي، علاءالدين علي بن بلبان الفارسي، صحيح بن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق: نشعيب الأرنؤوط، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤١٤ق.
- ٦- ابن حجر عسقلاني، تهذيب التهذيب، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٤ق.
- ٧- _____، الإصابه في تمييز الصحابة، تحقيق: شيخ عادل أحمد عبدالموجود، دارالكتب العلميّه، بيروت، ١٤١٥ق.
- ٨- ابن دمشق، شمس الدين أبو البركات محمّد بن أحمد دمشقي باعوني شافعي، جواهر المطالب في مناقب الإمام عليّ بن أبي طالب عليه السلام، تحقيق: علامه شيخ محمّد باقر محمودي، مجمع إحياء الثقافة الإسلاميّه، قم، ١٤١٥ق.
- ٩- ابن راهويه، إسحاق بن إبراهيم بن مخلد حنظلي مروزي، مسند ابن راهويه، تحقيق: دكتور عبدالغفور عبدالحق حسين بردالبوسى، مكتبة الإيمان، مدينة منوره، ١٤٢٢ق.
- ١٠- ابن سعد، الطبقات الكبرى، دار صادر، بيروت، بي تا.
- ١١- ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، الحيدريه، نجف، ١٣٧٦ق.
- ١٢- ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: علي شيرى، دارالفكر، بيروت، ١٤١٥ق.
- ١٣- ابن قديم جوزى، شمس الدين محمّد بن أبي بكر ذرعى دمشقي، الأمثال في القرآن الكريم، مكتبة الصحابه، بطنطا، ١٤٠٦ق.
- ١٤- ابن كثير دمشقي، حافظ أبو الفداء إسماعيل بن كثير، البداية و النهاية، تحقيق: علي شيرى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٨ق.
- ١٥- أبونعيم إصفهاني، أحمد بن عبدالله، ذكر أخبار إصبهان، چاپ: بريل، ١٩٣٤م.

- ١٦- أحمد بن صديق مغربي، فتح الملك العلي بصحة حديث باب مدينة العلم على عليه السلام، تحقيق: محمد هادي أميني، مكتبة أمير المؤمنين، اصفهان، بي.تا.
- ١٧- أحمد بن حنبل، مسند أحمد، دارصادر، بيروت، بي.تا.
- ١٨- _____، فضائل الصحابة، دارالكتب العلمية، بيروت، بي.تا.
- ١٩- إربلي، علي بن عيسى بن أبي الفتح، كشف الغمة في معرفة الأئمة، دارالأضواء، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٥ق.
- ٢٠- ألباني، محمدناصرالدين، تمام المنّة. (تمام المنّة في التعليق على «فقه السنّة»، المكتبة الاسلاميّة، دار الراية، عمان - رياض، چاپ سوم، ١٤٠٩ق.
- ٢١- برى، محمد بن أبي بكر أنصاري تاهساني، الجوهرة في نسب الإمام علي و آله، تحقيق: دكتور محمد تونجي، مؤسّسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٢ق.
- ٢٢- ثالبي مالكي، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف أبوزيد، تفسير الثعالبي معروف به: الجواهر الحسان في تفسير القرآن، تحقيق: دكتور عبدالفتاح أبوسنّه - شيخ علي محمد معوض - شيخ عادل أحمد عبدال موجود، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ١٤١٨ق.
- ٢٣- حاجي خليفه، كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون، دارإحياء التراث العربي، بيروت، بي.تا.
- ٢٤- حاكم حسكاني، عبيدالله بن أحمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النازلة في أهل البيت، تحقيق: شيخ محمد باقر محمودي، مجمع إحياء الثقافة الإسلاميّة (التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى)، ١٤١١ق.
- ٢٥- حاكم نيشابوري، محمد بن محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: دكتور يوسف مرعشلي، دارالمعرفة، بيروت، ١٤٠٦ق.
- ٢٦- حويزي عروسي، عبد علي بن جمعه، تفسير نور الثقلين، تحقيق: سيدهاشم رسولى محلاتي، إسماعيليان، قم، چاپ چهارم، ١٤١٢ق.
- ٢٧- خطيب بغدادى، أبوبكر أحمد بن علي، تاريخ بغداد أو مدينة السلام، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٧ق.
- ٢٨- ذهبى، أبو عبدالله شمس الدين محمد بن أحمد، سير أعلام النبلاء، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - حسن الأسد، مؤسّسة الرساله، بيروت، چاپ پنجم، ١٤١٣ق.
- ٢٩- راغب اصفهاني، المفردات في غريب القرآن، دفتر نشر الكتاب، ١٤٠٤ق.

- ۳۰- روحانی، سید محمد، توضیح المسائل، بی نا، بی جا، بی تا.
- ۳۱- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار احیاء الکتب العربیہ، قاهره، ۱۳۷۶ق.
- ۳۲- زرندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف بن حسن بن محمد، نظم دُرر السمطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین، چاپ: از مخطوطات کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۷ق.
- ۳۳- سفیان ثوری، أبو عبدالله سفیان بن سعید بن مسروق ثوری کوفی، تفسیر سفیان الثوری. تحقیق: لجنة من العلماء، دارالکتب العلمیہ، بیروت، بی تا.
- ۳۴- صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد (سبل الهدی فی سیرة خیر العباد). تحقیق: عادل أحمد عبدالموجود، دارالکتب العلمیہ، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۳۵- ضحاک، عمرو بن أبی عاصم، الآحاد و المثانی، تحقیق: باسم فیصل أحمد الجوابره، دارالدراية، ۱۴۱۱ق.
- ۳۶- _____، کتاب السنّة، تحقیق: محمد ناصرالدین ألبانی، المكتب الإسلامي، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
- ۳۷- طبرانی لخمی، سلیمان بن أحمد بن أيوب، المعجم الكبير، تحقیق: حمدي عبدالمجيد السلفی، مكتبة ابن تيمية، قاهره، چاپ دوم، بی تا.
- ۳۸- _____، المعجم الأوسط، تحقیق: إبراهيم حسینی، دار الحرمین، بی تا.
- ۳۹- _____، المعجم الصغير، دارالکتب العلمیہ، بیروت، بی تا.
- ۴۰- عجلونی جراحی، إسماعیل بن محمد، كشف الخفاء و مزيل الالباس، دارالکتب العلمیہ، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- ۴۱- عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن أبی داود، دارالکتب العلمیہ، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- ۴۲- علوی، سید علی بن محمد، دفع الارتیاب عن حدیث الباب، دار القرآن الکریم، بی تا.
- ۴۳- قرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد أنصاری، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، مؤسسه التاريخ العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.

- ٤٤- قندوزى حنفى، سليمان بن إبراهيم، ينابيع المودة لذوى القربى، تحقيق: سيد على جمال أشرف حسيني، دارالأسوه، ١٤١٦ق.
- ٤٥- كردى خطاط، محمد طاهر، تاريخ القرآن الكريم، مصطفى محمد يغمور، مكه، ١٣٦٥ق.
- ٤٦- مباركفورى، تحفة الأحوذى فى شرح الترمذى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٠ق.
- ٤٧- متقى هندی، كنز العمال، تحقيق: شيخ بكرى حيانى، شيخ صفوة الصفا، مؤسسه الرساله، بيروت، بى تا.
- ٤٨- مجاهد بن جبر تابعى مكى مخزومى، ابن المصباح، تفسير مجاهد، تحقيق: عبدالرحمن طاهر بن محمد سورتى، مجمع البحوث الإسلاميه، اسلام آباد، بى تا.
- ٤٩- محمد بن عبدالوهاب، المسائل التى لخصها شيخ الإسلام محمد بن عبدالوهاب من فتاوى ابن تيميه، دار عالم الكتب، رياض، ١٤٠٨ق.
- ٥٠- مزى، أبوالحجاج يوسف، تهذيب الكمال. تحقيق: دكتور بشار عواد معروف، مؤسسه الرساله، بيروت، چاپ سوم، ١٤٠٨ق.
- ٥١- نخاس، أبو جعفر، معانى القرآن، تحقيق: شيخ محمد على صابونى، جامعه أم القرى، عربستان، ١٤٠٩ق.
- ٥٢- نسائى، أبو عبدالرحمن أحمد بن شعيب، السنن الكبرى، تحقيق: دكتور عبدالغفار سليمان البندارى - سيد كسروى حسن، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١١ق.
- ٥٣- نووى، محيى الدين أبودكرى يحيى بن شرف، الأذكار النوويه، دارالفكر، بيروت، ١٤١٤ق.
- ٥٤- _____، صحيح مسلم بشرح النووى، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٧ق.
- ٥٥- هيثمى، نورالدين على بن أبى بكر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٨ق.
- ٥٦- _____، بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث، تحقيق: مسعد عبدالحميد محمد سعدنى، دارالطلائع، بى تا.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راه کارهای قرآنی وحدت و تقریب

راه کارها و سیاست‌ها جهت عملی کردن تقریب و حرکت به سوی وحدت با رویکرد قرآنی^۱

فاطمه ناصر معدلی^۲

چکیده

این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی به این مسئله می‌پردازد که برای ایجاد تقریب و نزدیکی بین پیروان مذاهب اسلامی و رسیدن به امت واحده، راه کارهای عملی و روشنی در زمینه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیش روی ما قرار دارد و امید است با تحقق بخشیدن به این راه کارها، گام‌های بلندی در ایجاد وحدت بین مسلمانان برداشته شود. بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که مقصود ما از مذاهب اسلامی، مکاتب معروف فقهی مستند به کتاب و سنت است و هر جا نامی از مذاهب اسلامی به میان می‌آوریم، منظورمان مذاهب شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی از اهل سنت و زیدی و اثنی عشری از شیعیان و مذهب اباضی است. **واژگان کلیدی:** راه کارهای تقریب، مذاهب اسلامی، میثاق وحدت، بیداری اسلامی، اتحاد جماهیر اسلامی، وحدت رهبری.

طرح مسئله

قبل از ظهور اسلام، مردم در جهل و اختلافات ریشه دار و عمیقی به سر می‌بردند و زندگی پر تنشی داشتند. خداوند با بعثت پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آرامش را بر مردم حجاز حکم فرما نمود. اسلام با

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۴/۸؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۰/۲۲.

۲- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (با گرایش تفسیر قرآن).

تربیت خود کسانی را که از نظر تمدن زیبون بودند، به اوج رساند و آنها را به افرادی خداشناس تبدیل کرد و الفت و برادری را جایگزین اختلافات کینه‌ای نمود.

در طول سالیانی که از مبعث می‌گذرد، مسلمانان دوران مختلفی را پشت سر گذاشته‌اند؛ گاهی در اوج مهربانی و برادری، زمانی در نهایت دشمنی و برادرکشی و در مواقع دیگری نیز در وضعیتی میان این دو قرار داشتند. تقریباً پس از دوران حضور نبی ﷺ، چنین آرامشی به جامعه بازنگشت و فرو افتادن در چاه اختلافات، تا کنون مشکلات فراوان و بزرگی را برای مسلمانان ایجاد کرده است.

همان کسی که قرآن را نازل کرده و ما را به پیروی از شریعت جاودانه اسلام امر نموده است، از ما می‌خواهد که با یکدیگر تعاون داشته باشیم و به منازعه و مجادله نپردازیم. ما برای رفع تمام تاریکی‌هایی که در طول این سال‌ها اصل اخوت اسلامی را در بر گرفته است، باید همت واقعی خود را به کار گیریم و با دیدی سرشار از ایمان و حسن نیت به زدودن این تاریکی‌ها اقدام و حقیقت را جایگزین آن کنیم و جامعه را به سمت وحدت اسلامی سوق دهیم.

وحدت اسلامی در حقیقت، تعاون و همکاری بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی است، به صورتی که امت اسلامی، موضع واحدی را برای تحقق مصالح عالی‌ه اسلام و مسلمین در برابر دشمنان در پیش گیرد و در قلب و عمل خود، همه پیروان مذاهب اسلامی را محترم بشمارد.

تقریب مذاهب، یکی از راه‌های فکری برای رسیدن به وحدت اسلامی است. در این راه روشن، پیروان مذاهب اسلامی با تأکید بر مشترکات و تحمل اختلافات، به یکدیگر نزدیک می‌شوند و به دنبال شناخت یکدیگر برای رسیدن به برادری ناب و یاری در امور مشترک هستند.

مهم‌ترین مسئله‌ای که در ظاهر، گسستگی و عدم اتحاد را نشان می‌دهد، اختلافات مذهبی است و آنچه در این مجال به آن اهتمام شده، اشاره به کوچک بودن این اختلافات در برابر عظمت اشتراکات است و این که بسیاری از عالمان مذاهب، تلاش‌های بسیاری انجام دادند ولی متأسفانه بسیاری از بدخواهان و عده‌ای از ناآگاهان، کارشکنی‌هایی انجام دادند و مسیر این حرکت را مسدود نمودند.

اصلی‌ترین راه حل این است که ما حقیقت و عظمت تعالیم اسلام را درک کرده و باور کنیم که اختلافات ما جدی نیست و مسلمانان را در هر صورت برادر بدانیم. ما باید مسائل خود را به ترتیب دسته‌بندی نماییم و در ابتدا به آنهایی پردازیم که در راستای مصلحت مسلمانان می‌باشد. با چنین باوری تا رسیدن به اتحاد حقیقی، راه کوتاه و روشنی را پیش رو خواهیم داشت.

متن مقاله

خداوند متعال در سوره شوری پس از بیان تحقق اختلاف بین مردم به سبب سرکشی پس از علم آنان، چندین راه کار وحدت بخش را به ما ارائه می دهد که بدین شرح است:

«فَلذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (شوری / ۱۵).

اولین راه کار، دعوت به سوی خداوند است. پروردگاران از ما خواسته است تا به بزرگترین عامل وحدت که همان ایمان به خدای واحد و پس از آن کتب آسمانی (دربرگیرنده شرایع نورانی الهی) است، (اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ) روی آوریم و در حقیقت بهره گیری از این روش، سبب اتحاد تمام پیروان ادیان آسمانی خواهد شد.

دومین راه، عمل به آنچه خداوند فرموده، بدون کم و زیاد، است و این که در این مسیر نباید کج رفته و از هوای نفس خودمان و یا دیگری پیروی کنیم؛ «لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ».

اجرای عدالت و منصف بودن، عامل دیگری است که برای رسیدن به وحدت ضروری است؛ «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ».

عامل دیگر این است که هیچ کدام به خاطر عمل دیگران مؤاخذه نمی شویم؛ «لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ»، این مطلب در جایی اهمیت خود را نشان می دهد که ما به خاطر عقاید پیروان مذهب دیگر، دچار ناراحتی و عصبانیت می شویم و بر تغییر اعتقاد آنها اصرار داریم و این در حالی است که پیروان آن مذهب، عقیده خود را صحیح می دانند. در این جا خداوند از ما می خواهد که به مجادله و دعوا نپردازیم و به دنبال غالب کردن نظر خود و تحمیل آن بر دیگران نباشیم بلکه اشتراکات را محکم بگیریم و اختلافات را رها کرده و آن را به خدا بسپاریم؛ «لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ». زیرا همه به سمت خدا برمی گردیم و او بین ما قضاوت خواهد کرد و حق را بر کرسی خواهد نشاند. (بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۱۵-۱۷).

۱- پس به سوی همان (شریعت، مردم را) دعوت کن و همان گونه که مأموری پایداری نما و از هوا و هوس های آنان (کفار و مشرکان) پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا فرو فرستاده ایمان آوردم و مأمورم که میان شما عادلانه رفتار کنم، خداوند پروردگار ما و شماست، (نتایج) عمل های ما از آن ما و عمل های شما از آن شماست، دیگر محاجه و استدلالی میان ما و شما (پس از روشن شدن حقایق و ظهور عناد شما) نیست، خداوند میان همه ما (در روز واپسین) جمع خواهد نمود و بازگشت همه به سوی اوست.

آنچه که در این جا قصد پرداختن به آن را داریم، بیان مهم‌ترین راه‌کار در مسیر تحقق وحدت است و بهتر است قبل از پرداختن جداگانه به هر دسته از راه‌کارها، به برخی مباحث مشترک اشاره کنیم.

قرآن دوست ندارد که مسلمانان به چیزی که گفتن آن فایده‌ای در بر ندارد و در اصلاح حال دیگران بی‌تأثیر است، مشغول گردند و از همه بدتر، بحث و گفت‌وگویی است که به تفرقه و پراکندگی در دین و تشکیک در قضایا منجر گردد. (حسنین، ص ۱۴۵).

ما باید با یاری گرفتن از خداوند و تمسک به حبل‌الطریق و تحقق و حفظ وحدت کوشا باشیم و باور کنیم که رسیدن به آن امکان‌پذیر است، زیرا همین که «خداوند ما را گوناگون آفرید و به وحدت امر کرد و از تفرقه باز داشت، نشانگر این حقیقت است که رسیدن به وحدت، میسر و پرهیز از تفرقه ممکن است.» (برگرفته از: جوادی آملی، سخنرانی در دومین کنفرانس وحدت اسلامی، منشور هم‌بستگی، ص ۲۸).

حال با مورد توجه قرار دادن نکات بالا به بیان مهم‌ترین راه‌کارهای تقریب مذاهب اسلامی در زمینه‌های مختلف می‌پردازیم:

۱- راه‌کارهای علمی- فرهنگی

یکی از مسئولیت‌های ما مواظبت از وحدت امت اسلامی از طریق تقریب و وحدت فکری و تفاهم بین علما و کارگزاران و حفظ اهداف با روش‌های متناسب با جامعه امروزی است. با این کار، از آینده امت اسلامی پاسداری می‌کنیم.

در غیر این صورت نمی‌توانیم انتظار خیر و نیکی داشته باشیم و همه باید مسئولیت نابودی، هدر رفتن تلاش‌ها و توانمندی‌ها و سودجویی دشمن از ضعف و تفرقه ما را بر عهده بگیرند.

بنابراین، جا دارد که مسئولیت خطیر علما، اندیشمندان، دعوت‌کنندگان و اصلاح‌گران را در قبال اقدام به موقع و مقتدرانه ایشان در خصوص وظایفی که از آنها انتظار می‌رود یادآور شویم تا امت اسلامی را از وضعیت تلخ موجود نجات دهند و در مقابل چالش‌های خطرناکی که فراروی آن قرار دارد، محافظت نمایند (برگرفته از: عدنان، مقاله بیداری اسلامی و نیازهای فکری معاصر آن، ص ۳۸۴).

در این قسمت به بیان مهم‌ترین راه‌کارهای مؤثر که در پیشبرد کیفی حرکت تقریب می‌پردازیم تا با تقویت محتوای این دعوت و جلوگیری از تحقق موانع پیش روی آن، راه را برای رسیدن به امت واحده هموار کنیم:

الف) شناخت اسلام حقیقی

اگر بخواهیم راهی مستقیم و روشن به سوی نجات، اصلاح و سربلندی خود بیماییم، باید به دین و شریعتی که خداوند به ما عنایت فرموده ایمان واقعی پیدا کنیم و افکار ناصحیح را از ذهن برخی از متفکران خود دور سازیم که می‌گویند اسلام مانند سایر ادیان با زندگی ارتباطی ندارد و صلاحیت ندارد که پایه نظام و سیاست ملت‌ها باشد، زیرا این افکار خطرناک‌ترین اندیشه برای مسلمانان و پلیدترین ایده‌ای است که دشمنان اسلام توانسته‌اند بر مغز فرهنگیان و زمامداران فرو ببرند. تنها راه دور ساختن این افکار، این است که علم و آگاهی صحیح به آیین اسلام پیدا کرده و نیکی و اعتلا و عظمت اسلام را بیان نماییم و به مصادر اولیه‌ای که به صفا و آسانی و روشنی ممتاز است، مراجعه کنیم.

اقبال معتقد بود «خود» حقیقی این جامعه و «خویشتن» اصیل آن، اسلام و فرهنگ اسلامی می‌باشد که جامعه اسلامی در عصر حاضر در رویارویی با تمدن و فرهنگ غربی دچار گم‌گشتگی، تزلزل شخصیت و بی‌هویتی شده است. از این رو وی نخستین اقدام ضروری برای مصلحان را بازگرداندن ایمان و اعتقاد این جامعه به «خود» حقیقی او، یعنی به فرهنگ و معنویت اسلامی، می‌دانست (برگرفته از: مطهری، ۱۳۸۳ش، ص ۵۰-۵۴).

ب) ایجاد و تعمیق موج بیداری اسلامی

در کنار کلمه وحدت باید کلمه بیداری را بگذاریم، زیرا در طی چهارده قرن، اسلام هرگاه حرکتی را آغاز نموده، قبل از دعوت مردم به وحدت، آنان را بیدار و آگاه کرده و یا در کنار دعوت به وحدت کلمه، آنها را متوجه خودشان و متوجه وضعیت، ظرفیت‌ها و سرنوشتشان نموده است، چون وحدت بدون بیداری و اتحاد بدون آگاهی، چندان مفهومی ندارد و پایدار نمی‌ماند (ولایتی، سخنرانی در سومین کنفرانس وحدت اسلامی، منشور هم‌بستگی، ص ۱۶۷).

«دشمنان اسلام اجازه نمی‌دهند که ما متحد شویم، زیرا زمام امور تمام امت‌های اسلامی را در دست دارند و از این رو نمی‌پذیرند که ما مسلمانان همگی بر سر سفره اسلام جمع شویم، چرا که پایان چپاولگری و استعمار خویش را در اجتماع و اتحاد ما می‌بینند.

از این رو چاره خلاصی این است که هر مملکتی عجالتاً در حدود دایره خود بپا خیزد و خود را از سلطه اجانب نجات بخشد. آن‌گاه که همه خود را از استعمار رهانیدند، می‌توانند بنا بر عزت و آزادی خود جمع آیند و از امور زندگانی و دینی خود بدان سان که باید و شاید، چاره‌اندیشی نمایند و به ندای حق که آنان را جاودانه به روز قیامت فرا می‌خواند، گوش فرا دهند.» (ابوزهره، ۱۳۷۶ش، ص ۱۳۰).

اولین کار مهم این است که باید موج بیداری ایجاد کنیم و مردم را هوشیار و آگاه سازیم، ارزش استقلال دنیای اسلام و خطر و ضرر سلطه کفر را برای آنها بیان نماییم و خسارت‌هایی را که در طول

دوران استعمارگری به دنیای اسلام زده‌اند، برایشان بازگو کنیم. مثال و نمونه‌های فراوانی هم در طول تاریخ برای آن وجود دارد که در سال‌های اخیر در فلسطین، افغانستان، پاکستان، عراق، بحرین، یمن، لیبی و امثال آن به وقوع پیوسته و درک عمق فاجعه آنها برای ما ملموس است. پس وظیفه ما، تقویت این حرکت در دنیای اسلام است و نیروهای علمی و فرهنگی جهان اسلام، از طلیعه‌داران این حرکت هستند.

ج) شورای فتوای جهانی اسلام

اسلامی که به عنوان خاتم ادیان آمده و باید تا قیامت حاکم باشد، بدون اجتهاد زنده و به روز نمی‌تواند جوابگو باشد. فقها باید مسائل دنیا و اسلام را بررسی کنند و با مبنای شرع و عقل تصمیم بگیرند و راه‌کار ارائه دهند و از تعصب‌ها و لجاجت‌ها جلوگیری کنند و اصولی را به مردم معرفی نمایند که با زمان ما و آینده تاریخ تناسب داشته باشد.

باید گروهی از چهره‌های شناخته شده و موّجه، این کار را برعهده بگیرند که فداکاری و شجاعت داشته باشند و از دشمنان خارجی و مخالفان داخلی نترسند و به هیچ جریان سیاسی وابسته نباشند، زیرا «این کار از عهده چند نفر مجتهد بر نمی‌آید، نیاز به شورای فتوای جهانی اسلام دارد. نیاز به شورای فتوای داخل حکومت‌های اسلامی دارد. باید تخصص‌های فراوانی به کار گرفته شود تا اسلام را بشناسیم و به فراخور زمان، اجتهاد و استنباط کنیم و تصمیمات مناسب روز بگیریم. اگر این‌گونه عمل کنیم، حق هدایت قطار جهانی شدن و جهان‌شمولی را داریم... اسلام واقعی و فطری با همان مبانی و اجتهاد زنده است و با آن اصولی که همیشه باید محفوظ باشد، امروز مترقی‌ترین مبنا و بهترین راه‌کارها را دارد که باید با اجتهاد زنده به روز شود که این امر به دانشمندان (علما) مربوط می‌شود و مسئولیت آنها را زیاد می‌کند.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۴۵).

د) میثاق وحدت اسلامی

ما باید میثاق و عهدنامه‌ای بین اقشار و مذاهب مختلف داشته باشیم و البته آن میثاق و عهدنامه باید به گونه‌ای تدوین شود که همه مذاهب پذیرای آن بوده و در عمل به آن متعهد باشند. مواد مرتبط در زمینه فرهنگی و اجتماعی آن به شرح زیر است:

۱) حسن تفاهم و شناخت طرفین

خراب کردن دیوارهای سوء تفاهم، مهم‌ترین وظیفه‌ای است که در راه تقویت دین به واسطه محکم کردن اتحاد مسلمانان باید انجام داد (مطهری، ۱۳۸۶ش، ص ۸۱). باید کلیه فرقه‌ها و مذاهب

مختلف امت اسلامی بر مبنای آیه «لَوْ لَا... ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا»^۱ (نور/ ۱۲) نسبت به عقاید و افکار و اعمال یکدیگر با حسن ظن برخورد کنند (مدنی، منشور هم‌بستگی، ص ۲۵۸) و شکاف‌هایی که ناشی از خوب درک نکردن یکدیگر است باید از میان برود و مذاهب اسلامی باید یکدیگر را آن‌طور که هستند بشناسند و تصور نکنند و تصورات دروغ و موهوم نسبت به برادران خود را از خود دور کنند (مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری ۲، ص ۲۰۷).

اقدامات مربوط به حسن تفاهم را باید در دو قسمت انجام داد: بخش اول، بررسی سوء تفاهمات و توهماتی که دیگران در مورد شیعیان و به خصوص ایرانیان دارند.

در این زمینه یک روش آن است که بگوییم همه مردم بدانند ما به دلیل عمل به توصیه پیامبر ﷺ از خلیفه منصوب او پیروی کردیم. تجربه نشان داده است که چون این روش مستلزم تحقیر و تخطئه طرف مقابل است، هر چه قدر هم مستدل باشد، اثربخش نیست (پیشین، ص ۴۱۴).

روش دوم آن است که هر کدام از ما محاسن مذهب خود را به جهانیان عرضه کنیم؛ مثلاً شیعه تفاسیر، فقه، ادعیه و کتاب‌های اخلاقی خود را به پیروان سایر مذاهب معرفی کند و از شخصیت‌های برجسته تاریخ خود بگوید. ما در عمل مشاهده می‌کنیم که «مختصرالنافع» علامه حلی، چه اثر خوبی از خود به جا گذاشته است.

بخش دیگری از این اقدامات، مربوط به بررسی توهمات و سوء تفاهماتی است که ما درباره برادران اهل سنت خود داریم. باید از نزدیک با عقاید و کتاب‌های آنها آشنا شویم و خالصانه به دنبال یافتن راه حلی برای کم کردن این اختلافات باشیم (عرفانی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۷).

علامه محمد تقی قمی در اولین جلسه دارالتقرب قاهره به برادران اهل سنت خود در مورد همین اقدامات می‌گوید: «آقایان! تنها راه علاج و دفع اختلاف معرفی و شناخت طرفین است. این‌جانب خواسته‌ای ندارم جز آن که سوء تفاهمات با معرفی عقایدمان از اذهان رفع شود... البته این کاری است بسیار مهم که در حیطة وظیفه رجال دین و شخصیت‌های بانفوذ و دور از تعصب عالم تسنن است و بحمدالله شما از بزرگان بانفوذ و شخصیت‌های مهم این دین مبین هستید.» (به نقل از: بی‌آزار شیرازی، پیشین، ص ۱۳۱).

۱- چرا درباره یکدیگر گمان نیک نبرند.

۲) حمایت همه فرقه‌های اسلامی از اوامر ولی امر مسلمین

مولوی اسحاق مدنی از برادران اهل سنت در کلامی نغز می‌گوید: «تا برطرف شدن همه موانع تقریب مذاهب اسلامی، تمام فرقه‌ها و مذاهب اسلامی باید از اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های ولی امر مسلمین (که با ملاحظه منافع امت اسلامی است) حمایت نمایند و ضمن این‌که آنها تابعیت کشورهای مختلف را دارند، ثابت کنند که از یک رهبری پیروی می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان ماجرای سلمان رشدی را مطرح کرد.» (مدنی، پیشین، ص ۲۵۸).

این روش اوج اقتدار مسلمانان را به جهانیان نشان می‌دهد. از نمونه‌های دیگر این تبعیت عملی، می‌توان به فرمان دیگر رهبر کبیر انقلاب اسلامی در مورد راهپیمایی جهانی روز قدس اشاره نمود.

۳) ایجاد و تقویت حسن سلوک در میان مسلمانان

هر یک از مسلمانان باید طبق دستور آیه «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ...» (آل عمران / ۲۸) خود را ملزم به داشتن حسن سلوک و روابط خوب با برادران مسلمانان خود که پیرو مذهب دیگری هستند، بدانند. نباید اهل ایمان را رها کرده و کفار را دوست خود انتخاب کنند و در این میان باید به تعمیق روابط وحدت‌آفرین در میان خود پردازند.

اگر گروه یا حکومتی از امت اسلامی چنین کنند، همان‌گونه که به استناد آیه «مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» رابطه آنها با خداوند قطع شده است، دیگر مسلمانان نیز باید با آنها قطع رابطه کنند، مگر در مواردی که استثنا شده است؛ «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ»؛ یعنی گروهی که برای محفوظ ماندن از شر کفار، به این کار ناچار شوند (مدنی، پیشین، ص ۲۵۹).

۴) نهادینه کردن تقوا و اخلاص

ملاک ارزش یک فرد از اعضای امت اسلامی نزد تمام مسلمانان تقواست و این ملاک، باید بدون احتساب مذهب و مسلک او در نظر گرفته شود.

۱- مؤمنان نباید کفار را به جای مؤمنان دوست و یاور و سرپرست بگیرند و هر کس چنین کند در هیچ رابطه‌ای با خدا نیست، مگر آن‌که بخواهید از آنان به نحوی تقیه نمایید و خدا شما را از (عذاب) خود بر حذر می‌دارد و بازگشت (همه زنده‌ها) به سوی خداست.

خداوند می‌فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۱ (طلاق/۲ و ۳)؛ «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»^۲ (طلاق/ ۴)؛ «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا»^۳ (طلاق/ ۵) و «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۴ (حجرات/ ۱۳).

بدون شک تقوا، انسان مسلمان را از آفات زندگی و بیماری‌های دوران حفظ می‌نماید و اگر تقوا نباشد، دعوت انسان مسلمان تا شب هم ادامه پیدا نمی‌کند، مردم نیز سخن وی را نمی‌پذیرند، زیرا ارتکاب گناه و نافرمانی برای بیداری امت اسلامی خطرناک‌تر از تیرهای دشمنان اسلام است (موسی ابوالصل، ص ۴۷۸).

در راستای همین اوامر الهی، امام صادق علیه السلام به یارانش فرمود: «تقوای خدا را پیشه کنید و در راه خدا برادران خوبی برای یکدیگر باشید و نسبت به هم‌دیگر صله رحم داشته باشید و نیکی نمایید و به ملاقات یکدیگر بروید.»^۵

اخلاص نیز سرلوحه هرکاری است؛ «ما أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ»^۶ (بینه/ ۵). ما موظف هستیم که در دعوت خود خالصانه عمل کنیم و به تمام شعایر الهی پای‌بند باشیم.

۵) معذور دانستن در امور اختلافی

همه پیروان مذاهب اسلامی در عمل به احکام اسلامی از قبیل: حج، زکات، خمس، روزه و غیره مطابق فتوای علمای مذاهب خود آزادند و هیچ‌کس حق سلب این آزادی را ندارد و نباید آن را خارج از

۱- کسی که از خدا پروا کند برای او راه خروجی (از مشکلات) قرار می‌دهد و او را از راهی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد.

۲- هر که از خدا پروا کند خدا برای او در کارهایش آسانی قرار می‌دهد.

۳- هر که از خدا پروا کند خدا گناهان او را می‌زداید و پاداش او را بزرگ می‌دارد.

۴- (پس در میان شما برتری نژادی نیست بلکه) مسلماً گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

۵- قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ تَرَاوَرُوا وَتَلَأَقُوا (كليني، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۱۷۵).

۶- با آن‌که آنها (در این کتاب آسمانی) مأمور نشده‌اند جز به آن‌که خدا را پرستند در حالی که اعتقاد و دین و طاعت خود را برای او خالص نمایند و حق‌گرا باشند و نماز را برپا دارند و زکات بدهند و این است دین ثابت و پایدار.

چارچوب اسلام تلقی کرد (مدنی، پیشین، ص ۲۶۱). بلکه باید برداشت‌های گوناگون از اسلام را در محدوده اجازه شرع پذیرفت و به پیروان مذاهب در اعمال شخصیه خود، آزادی داد.

برداشت‌های گوناگونی از اسلام وجود دارد و چندین فرقه اسلامی که در هر یک از آنها، جریان‌های مختلف فکری مانند معتدل، خشک، متعصب، اخباری، اصولی و ... قرار دارند. ما باید بر این گونه اختلافات فائق آییم، باید جامعه مان را رشد دهیم. تفکر آزاد در این جاها مهم است. افراد باید عادت کنند و منطقی برخورد کنند. به فهم غالب بها دهند و تضارب آرا را جدی بگیرند. این چنین روحیه آزاداندیشی با توجه به خرد، اجتهاد و حفظ اصول اسلام در مسلمانان ایجاد می‌شود.

زمانی که دو طرف گفت‌وگو به یک حقیقت واحد نمی‌رسند که بر آن متفق باشند، باید همان‌گونه که آرام و بدون جنجال بحث را آغاز کردند، آن را به پایان برسانند و فضا را ملتهب نکنند. از نمونه‌های این گونه رفتار می‌توان به آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرْتَهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلِيَّ اجْرَامِي وَ أَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ» (هود/۳۵) اشاره کرد.

هنگامی که حضرت نوح حرف ناحق قوم خود را نمی‌پذیرد و آنها نیز حقیقت را قبول نمی‌کنند، ایشان با بیان این که عمل و بازتاب عمل هرکس برای خودش است و کسی برای دیگری مؤاخذه نمی‌شود بحث را تمام می‌کند.

یا در آیه «وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلِكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَأُ نَبِّئَنِيَ الْجَاهِلِينَ» (قصص/۵۵) بیان می‌شود که زمانی که گفت‌وگو به مرحله بیهودگی و اتلاف وقت تبدیل می‌شود و یا جاهلان یاهه‌گویی می‌کنند، شما نه مقابله به مثل کنید و نه در آن محیط آلوده باقی بمانید، بلکه خروجی ستوده با رعایت ادب داشته باشید.

وقتی قرآن بر گفت‌وگوی میان مسلمانان و پیروان سایر ادیان تأکید می‌کند و ما را به مناظره‌ای با بهترین شیوه دعوت می‌کند (لَا تَجْدُلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) (عنکبوت/۴۶) پس به طریق اولی از ما می‌خواهد تا با برادران خود گفت‌وگو کنیم و از مشترکات خودمان که همان کلمه سواء است «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ» (آل عمران/۶۴) بحث به میان آوریم و در نتیجه آن بهترین تصمیمات را اتخاذ کنیم.

موضع‌گیری امام علی علیه السلام نسبت به خلیفه اول، بهترین مثال تاریخی بر پذیرش رأی مخالف است. شیخ عبدالمتعال صعیدی پس از نقل کلام امام علی علیه السلام در هنگام بیعت با ابوبکر، می‌گوید: «این کلام صراحت دارد در این که علی هنگامی که با ابوبکر بیعت کرد تا آخر بر عقیده خود بود که نسبت

به خلافت سزاوارتر است، اما نظرش آن بود که نسبت به بیعت با ابوبکر، وحدت کلمه حفظ شود و رأی خود را سبب تفرقه میان مسلمانان قرار ندهد تا آن که با ابوبکر بیعت کرد و رأی خویش را در این که نسبت به خلافت سزاوارتر است مخفی نمود. از این رو علی علیه السلام در باطن و ظاهر با ابوبکر خالصانه برخورد کرد.» (صعیدی، ص ۳۹).

ما باید در گردهمایی‌های خود با کنار گذاشتن اختلافات مذهبی و کشمکش‌های حاشیه‌ای و رقابت‌های سلطه‌جویانه و وسوسه‌های دشمنان، محیطی را پدید بیاوریم تا از همه امکانات خود برای ایده‌هایی که در این گردهمایی‌ها مطرح می‌شود، استفاده کنیم و بتوانیم نتیجه مطلوبی را از آن به دست بیاوریم.

در حقیقت ما نمی‌توانیم به حد نهایی تفاهم برسیم، از این رو در زمانی که ضرر مخالفت برای امت اسلام بیشتر و سخت‌تر از پذیرش رأی دیگری باشد باید به هنگام عدم تفاهم، نظر مخاطب خود را محترم بشماریم؛ به این صورت که ما در عین این که نظر خود را حق می‌دانیم ولی به دلیل نتیجه نگرفتن در بحث و مناظره، از مخاطب خود می‌پذیریم که بر نظر خود باقی بماند و ما هم بر نظر خود باقی می‌مانیم. در این حالت هر کدام دیگری را از پذیرش نظر خود معذور دانسته و او را سرزنش نمی‌کند.

۶ دوری از اقدامات تحریک‌آمیز و اتهامات بی‌پایه و اساس

کلیه پیروان فرقه‌های اسلامی، ضمن این که بحث و تحقیق و حقیقت‌جویی را با حسن نیت، پیرامون مسایل اختلافی خود ادامه می‌دهند از مطرح نمودن مسایل تحریک کننده و فتنه‌انگیز و اهانت به مقدسات یک‌دیگر دوری جویند و به دنبال تکفیر و تفسیق و تبذیر یک‌دیگر نباشند.

مسلمانان نباید یک‌دیگر را به چیزهایی متهم کنند که خود آن مذهب هم به آنها اعتقاد ندارد. خداوند به مسلمانان خطاب می‌کند که در تبلیغات، نصیحت و ارشاداتان، به کفار بد نگویید: «و لا تَسُبُّوا الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فِیْسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَیْرِ عِلْمٍ» (انعام / ۱۰۸)، زیرا آنان نیز به خداوندی که قبولش دارند ولی برایش شریک قائل‌اند، بد می‌گویند، بدون این که بفهمند چه کار

۱- و آنها را که کفار به جای خدا می‌خوانند (مانند بت‌ها و اجنه) دشنام ندهید که آنها نیز از روی عداوت و نادانی به خدا دشنام دهند.

می‌کنند. «وقتی که ما نمی‌توانیم به یک مشرک اهانت کنیم و بد بگوییم از ترس این که او گمراه‌تر شود، چه طور جایز است که امت اسلامی، یعنی یک مذهب به مذهب دیگر توهین کند.» (مدنی، پیشین، ص ۲۶۳).

علاوه بر مقدسات مشترک میان همه مسلمانان، برخی از پیروان مذاهب، دارای مقدساتی مخصوص به خود می‌باشند. مسلمانان نباید این مقدسات را مورد بی‌حرمتی قرار دهند. اگر ما چنین کنیم، دشمنان اسلام به مقدسات مشترک ما بی‌احترامی خواهند کرد، همان‌گونه که تاکنون چندین مرتبه در کشورهای مختلف، شاهد این حرکات توهین‌آمیز بوده‌ایم.

«خداوند حرمت مسلمانان را بر همه حرمت‌ها برتری داد و حقوق مسلمانان را هنگام بستن آنها با اخلاص و توحید محکم گردانید، پس مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دستش در آسایش باشند و این آسایش جز با حق برطرف نشود و اذیت کردن مسلمانی حلال نیست مگر در مواردی که واجب شمره شده است.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۹، ص ۲۸۸).

ما باید از اهانت و بی‌احترامی اجتناب کنیم. «اگر ما اهانت بکنیم، همه استدلال‌هایمان را ضایع خواهیم کرد؛ یعنی از یک زبان و قلم اهانت‌گر، هیچ کس استدلال درست را هم قبول نمی‌کند.» (هاشمی رفسنجانی، پیشین، ص ۶۹).

۵) تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام

برافراشتن پرچم اهل بیت علیهم‌السلام در دنیای اسلام، می‌تواند مسلمانان را گرد هم جمع کند. در عصر کنونی این فرصت بزرگ در اختیار همه مسلمانان است، به خصوص آنهایی که مکتب اهل بیت را در عمل تحقق بخشیده و در باور و عمل به آن متصل شده‌اند.

«امروز در ایران اسلامی که حاکمیت اسلام و قرآن در آن، امیدی به همه مسلمانان عالم داده و بحمدالله پرچم اهل بیت در اهتزاز است، ما می‌بینیم که همه مسلمانان گوشه و کنار عالم، به این نظام و به این جمهوری و به این پرچم متعالی اسلام که در این‌جا به اهتزاز درآمده است، احترام می‌گذارند و از آن احساس عزت می‌کنند. بموالاتکم تمت الکلمة و عظمت النعمة و ائتلفت الفرقة» (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با میهمانان و شرکت‌کنندگان در کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۴).

دنیای اسلام می‌تواند در مورد اهل بیت، در دو محور اتفاق و اتحاد داشته باشد:

محور اول محبت است که یک امر عاطفی و عقیدتی بوده و همه مسلمانان به محبت اهل بیت علیهم السلام امر شده‌اند: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۱ (شوری/۲۳). این نکته می‌تواند نقطه تمرکز عواطف و احساسات همه مسلمانان باشد.

محور دوم، آموزش دین، معارف و احکام الهی توسط آنان می‌باشد که به موجب حدیث ثقلین، به مثابه قرآن هستند. این حدیث را شیعه و سنی و فرقه‌های مختلف اسلامی روایت کرده‌اند و مورد اتفاق همه مسلمانان است.

«آیت الله بروجردی در راه تقریب مذاهب اسلامی، معتقد بود که شیعه در قرن حاضر بر مرجعیت علمی اهل بیت تأکید کند و از طرح کردن مسئله خلافت امام علی علیه السلام و خاندانش سکوت نماید. وی می‌فرمود که مسئله خلافت فعلاً مورد نیاز مسلمانان نیست تا درباره آن بحث کنند، بلکه امری تاریخی و مربوط به گذشته است.

ایشان عقیده داشت اگر شیعه در اثبات مذهب خود، به مفاد همین حدیث ثقلین و به مرجعیت علمی اهل بیت اکتفا کند (در زمان حاضر که خلافت از بین رفته و حساسیتی از این لحاظ در بین اهل سنت وجود ندارد) قادر خواهد بود تا حرف خود را به کرسی بنشاند و دیگران را قانع سازد که با تمسک به اقوال و فتاوی عترت، می‌توان مسلمانان‌ها را دور هم گرد آورد و از اختلاف مذاهب آنان جلوگیری کند.» (به نقل از: واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۷۵-۲۷۷).

(و) تعاون

ما امروزه نیازمند آن هستیم که به سخن اکتفا نکنیم و بین همه مسلمانان همکاری عملی ایجاد نماییم، چون با تعاون و همکاری، امت اسلامی به تکامل می‌رسد و رنج‌هایش کاهش پیدا می‌کند و قدرت و توان آن افزایش می‌یابد و نتایج مفیدی را به دست می‌آورد. مسئولیم تا با هم متحد و یک‌پارچه شویم و با روحیه‌ای سرشار از تفاهم فکری، با یک‌دیگر گفت‌وگوی منطقی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم و از منابع عظیم فرهنگی و فکری جهان اسلام بهره‌مند شویم.

مسلمانان باید هم‌دلی متقابل و احساس تعلق مشترک خود را دوباره به دست آورند و خود را به هم‌گرایی نزدیک کنند. ما باید در زمینه منافع و مضار مشترک، با یک‌دیگر همکاری کنیم و با

۱- بگو از شما در مقابل این (ابلاغ رسالت خود) جز محبت (قلبی و عملی) درباره خویشاوندانم مزدی طلب نمی‌کنم.

هم‌فکری حاصل از آن، بنیادهای تقرب را محکم نماییم، تا جایی که هرگاه برادر مسلمانان از ما یاری خواست، بدون در نظر گرفتن مسائل فرقه‌ای، به او یاری برسانیم و در نیکی و تقوا، یار و یاور یک‌دیگر باشیم، همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مانده/۲) و اگر چنین معاشرت برادرانه‌ای شکل نگیرد و به یاری او نشتابیم، مصداق حدیث نبوی می‌شویم که می‌فرماید: «هر کس روزی را بگذراند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد از آنان نیست و کسی که صدای فردی را بشنود که ندا درمی‌دهد ای مسلمانان به فریادم برسید، اما کسی پاسخش را ندهد آن کس مسلمان نیست.» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۴)

«در این برهه زمانی لازم است که پیروان مکتب اهل بیت، دو کار اساسی را وجهه همت خود قرار بدهند: در مرتبه اول، با هم آشنا بشوند، همکاری و هم‌فکری بکنند، معضلات را حل کنند، گره‌ها را باز کنند، احساس خویشاوندی نمایند و در هر نقطه‌ای از دنیا که هستند، بدانند که تعارف آنها با هم و تشکشان به شکل صحیح، قلب مقدس ولی عصر(عج) را شاد می‌کند.

دوم این که مجموعه پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، در هر جای دنیا که هستند، با همه وجود باور کنند که جزئی از عائله بزرگ مسلمانان هستند، نه به زبان، بلکه با همه احساس. اگر غیر از این باشد، دشمنان اسلام و اهل بیت، حداکثر خشنودی و خوشحالی را پیدا خواهند کرد.

«از مدت‌ها پیش دشمنان اسلام، علاج کار خود و نیت‌های خبیثشان در منطقه اسلامی را در این دیدند که مسلمانان را متفرق و شعبه شعبه نموده، مشترکاتشان را تضعیف و یا کم‌رنگ کنند و به چیزهایی که آنها را از هم جدا می‌کند، تکیه نمایند. بحمدالله انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی نگذاشت و بسیاری از خواسته‌ها و اهداف آنها را خنثی کرد.» (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با میهمانان و شرکت کنندگان در کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۴).

ز) تعلیم و تعلم و بهره‌برداری از تجارب علمی یک‌دیگر به دور از تعصب

جهان اسلام اگر بخواهد از رخوت و رکودی که بر جسم و جان مسلمانان سنگینی می‌نماید، رها شود، بایستی همراه و همگام با علوم جدید، طرح‌هایی نو در عرصه معرفت قرآنی و دینی خویش درافکند. روی آوردن به علوم و دستاوردهای آن، نه تنها دوری از تفکر اسلامی نیست بلکه حتی به نوعی بازسازی و احیای فرهنگ قرآنی و اسلامی است(شاه‌محمدی، تابستان ۱۳۸۴ش، ص ۳).

۱- و در هر کار خیر و تقوا یک‌دیگر را یاری دهید.

تعلیم و فراگیری علم و دانش، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است تا جاهلان در صدر امور قرار نگیرند و حادثه نکبت‌باری روی ندهد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ يَنْتَزِعُهُ مِنَ صُدُورِ الْعُلَمَاءِ وَلَكِنْ يَقْبِضُهُ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ إِذَا الْمِ بِيَقِ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُؤَسَاءَ جَهَالًا فَسَأَلُوهُمْ فَأُفْتُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۸۳).

خروج از بحران بزرگی که اکنون امت اسلامی در آن به سر می‌برد، جز با اعاده عقل به حوزه پژوهش و تحقیق و استنتاج افکار و دیدگاه‌های علمی درست و متناسب با نیازهای فرایند اصلاحی، پیشبرد و مدرنیته امروزی و به دور از تقلید کورکورانه و پیروزی از افکار دیگران و بدون دقت نظر و پالایش عملی آنها امکان‌پذیر نیست. بنابراین، برای انجام پژوهش‌های علمی و مطالعات نوین اسلامی نیازمند ایجاد مؤسسات و به کارگیری تکنولوژی مدرن در خدمت دعوت اسلامی هستیم.

علامه اقبال معتقد بود وحدت باید به دو شکل تأمین شود؛ یکی از طریق هم‌گرایی حاکمان و حکومت‌های کشورهای اسلامی و دیگری با افزایش آگاهی مردم و «تنها راهی که برای ما باز می‌باشد، این است که به علم جدید با وضعی احترام‌آمیز ولی مستقل نزدیک شویم و تعلیمات اسلام را در روشنی این علم ارزشیابی کنیم، حتی اگر این سبب شود که با کسانی که پیش از ما بوده‌اند اختلاف پیدا کنیم» (اقبال لاهوری، بی‌تا، ص ۱۱۳).

در سایه دین بدون علم چیزی جز خرافات رشد نمی‌کند. علم بدون دین چیزی جز هرج و مرج به بار نمی‌آورد. رجال قدیم چه بسیار دانا بودند که مدارس را در کنار مسجد بنا می‌کردند، زیرا همگامی میان دین و جامعه باید از دوره تعلیم شروع شود و تنها راه نجات ما از سیاست‌های تفرقه‌جویانه، پیروی از دین و از بین بردن فاصله و جدایی میان علم و دین است (قمی، ص ۲۴۲).

نباید تعصبات مذهبی باعث شود تا فرقه‌های اسلامی از تجربیات و ذخایر علمی و روش‌های خوب یک‌دیگر (فقط به علت این که شهرت و نسبت این گونه مسائل در مذهب دیگری بیشتر است) دوری جویند؛ «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/۸).

ح) تربیت

امروزه تربیت اسلامی با کوتاهی مسلمانان در تهاجم غربیان قرار گرفته و نیازمند توجهی جدی و دلسوزانه است.

ما به تربیت انسان‌های مخلص و مؤمن نیاز داریم تا روابط صحیحی بین مسلمانان در جوامع مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای ایجاد کنند و با روحیه تساهل و پرهیز از تعصبات قومی و نژادی، با

گفت‌وگوی آرام و منطقی و ایجاد روش‌های جذاب مبتنی بر فهم عمیق اسلامی، یک‌بار دیگر تمدن عظیم و با شکوه اسلامی را به نمایش بگذارند.

ط) سازمان‌دهی فعالیت‌های تبلیغی سنجیده و استفاده از تکنولوژی روز

باید پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جامع و سازمان‌یافته‌ای را در زمینه دستاوردهای پژوهشی جهان اسلام تقویت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی مختلفی را به منظور گردش آزاد اطلاعات دانش و ایده‌ها ایجاد کنیم و با ارائه ایده‌های مفید و حفظ هوشیاری خود، با جریان‌های وارداتی و تهاجم فرهنگی دشمنان مقابله کنیم و مراقب باشیم تا در ما شیفتگی نسبت به تعالیم غربی به وجود نیاید. یکی از پیشنهادات مطرح در این خصوص، طرح ماهواره (شبکه جهانی) اسلامی است تا کانونی فعالی برای نشر اطلاعات صحیح، جامع و به روز باشد و باید امکانات لازم برای ایجاد این رسانه در معرفی اسلام، فراهم شود (تسخیری، ۱۳۸۳ش، ص ۸۲) تا بتواند مسلمانان را از تبلیغات سوء دشمنان و اهدافی که در پشت پرده الفاظ دهکده جهانی، خاورمیانه بزرگ و امثال آن دارند، آگاه کند و تحقق این برنامه‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای اسلامی در جهت منافع تمامی امت اسلامی است.

۲- راه‌کارهای سیاسی - اقتصادی

در دوران صدر اسلام، مسلمانان حکومت واحدی داشتند و به صورت شگفت‌انگیزی در مدتی کوتاه، مردم سرزمین‌های بسیاری را تحت تأثیر خود قرار دادند. آنها با پرچم اسلام و ثروت‌های فراوان خدادادی و اکتسابی بسیاری که در دست داشتند، در اوج اقتدار و درخشش بودند. از زمانی که حاکمان آنان به دنیاگرایی و جدایی از موازین اسلامی رو آوردند، این عزت کم‌کم رنگ دلت به خود گرفت تا جایی که حتی در باور خودشان نیز امید بازگشت به آن شکوه و عزتی که خداوند برای مؤمنان رقم زده است، نداشتند. آن هنگام، دلیرمردانی به پا خاسته و ندای اسلام سر دادند و مردم را به قیام علیه مستکبران فرا خواندند و نهضت تا به آن‌جا رسید که ما اکنون در آن قرار داریم. اینک مسلمانان تا حدودی از غفلت بیدار شده و مسیر عزت را پیموده‌اند ولی متأسفانه هنوز در زیر سلطه استکبار قرار دارند. البته شاید نام بسیاری از کشورها از لیست مستعمرات بیرون آمده و تاریخ

انقلابی برای آنها ثبت شده است، اما در حقیقت، استکبار با روش دیگری آنها را فریفته و برای اهداف پلید خود از آنها بهره‌برداری می‌کند.

در این بین منادیان بیداری اسلامی، ایده‌هایی برای بازگشت به اوج عزت و شوکت ارائه نموده‌اند که در این جا به بررسی مهم‌ترین آنها می‌پردازیم. البته به مواردی اشاره می‌شود که به گونه‌ای امکان تحقق آنها وجود دارد و به راه کارهای آرمانی پرداخته نمی‌شود.

برای مثال، از طرح حکومت واحد اسلامی که همه ملیت‌ها و نژادها را حذف نموده و تنها یک حکومت اسلامی در نقشه جهانی ترسیم نماید، به دلیل غیرقابل تحقق بودن خودداری می‌گردد. در ادامه به بررسی طرح‌های مهم در حیطه سیاسی و یا ایده‌های اقتصادی برای جهان اسلام (با توجه به این‌که بسیاری از جهان اسلام، کشورهایی ثروتمند و دارای منابع زیرزمینی و یا درآمدهای بالا هستند) می‌پردازیم:

الف) تشکیل اتحاد جماهیر اسلامی (ایده دارالاسلام)

برخی اتحاد جماهیر اسلامی را این‌گونه بیان می‌کنند که هر یک از کشورهای اسلامی، جمهوری مستقلی باشند با حفظ ملیت، زبان، پرچم و پول خود، ولی با یک‌دیگر یک نوع هم‌بستگی و همکاری و تعاون در قلمرو سیاست خارجی، اقتصادی، صنعتی، فرهنگی، نظامی و مانند آن داشته باشند. این آرزو امری ممکن و عملی است و باید در اطراف این طرح، به بحث و مناظره پرداخت و برای آن اساسنامه و مقررات تدوین کرده و نحوه تحقق این همکاری را تعیین نمود. البته در صورت تحقق، باید برای همگون کردن سیاست خارجی، اقتصاد، پاسداری از فرهنگ، تمدن، قومیت‌ها، زبان‌ها و... برنامه دقیقی را طراحی کرد و به نظر می‌رسد هدف اصلی طراحان ایده تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی هم چنین چیزی بوده است ولی تا کنون این سازمان تنها در موارد خاصی، موفق بوده است (برگرفته از: واعظزاده خراسانی، پیشین، ص ۲۵۸).

اما عده دیگری نیز به گونه دیگری این طرح را مطرح و برخی اوقات با نام دارالاسلام از آن یاد می‌کنند.

برای مثال، دکتر سعید حوی از رهبران إخوان المسلمین سوریه بیان می‌کند که وضعیت جهان اسلام به گونه‌ای است که مسلمانان از مذاهب مختلف فقهی و یا اعتقادی تشکیل یافته و هر مذهب بر منطقه‌ای تسلط دارد... پس در دارالاسلام، هر منطقه‌ای که زبان واحدی دارد باید یک ایالت داشته باشد؛ منطقه شیعی‌نشین و یا سنی‌نشین باید ایالت جداگانه داشته باشد و مردم هر ایالت حاکمان خود

را انتخاب کنند و در عین حال، همه ایالات زیر نظر حکومت مرکزی باشند (فتحی شقاقی، ۱۳۸۶ش، ص ۶۱).

البته به نظر می‌رسد طرح اول در صورت هماهنگی همه مسلمانان (که متأسفانه فعلاً با توطئه‌های استعمار و وجود برخی حاکمان اسلامی، بعید به نظر می‌رسد) قابل تحقق است، ولی طرح دوم، دست‌کم در ظاهر امری ناشدنی است، زیرا جدا از دسته‌بندی مسلمانان به گروه‌های مختلف فقهی یا کلامی، ملت‌ها را نیز از هم جدا می‌کند و ممکن است در یک کشور و حتی در یک استان، چندین ایالت تشکیل شود و یا برخی از ایالت‌ها دارای دو یا سه ملیت باشد.

ب) وحدت رهبری یا شورای رهبری

۱) وحدت رهبری

طرح وحدت رهبری، به این معناست که یک نفر رهبری امت اسلامی را بر عهده بگیرد. در بین منادیان وحدت اسلامی در جهان، حامیان فکر وحدت رهبری کم نیستند، از جمله آنان می‌توان به افرادی مانند «دکتر کلیم صدیقی» رئیس مؤسسه تحقیقاتی اسلامی لندن، «ابراهیم زکزی» رهبر حزب وحدت اسلامی نیجریه، «استاد محمدهادی آونگ» رهبر انقلابی مالزی و... اشاره کرد که بر این نوع وحدت اصرار می‌کنند.

این طرح با سنت‌های اسلامی فریقین (شخصی با عنوان امام قیام) موافقت دارد و در قرون اولیه اسلام، وحدت رهبری در میان همه فرقه‌های اسلامی یک امر قطعی و ارتکازی شمرده می‌شده است. هم‌اکنون نیز این ذهنیت نزد اکثریت طرفداران اسلام سیاسی و انقلابی وجود دارد.

اگر روزی مسلمان‌ها بخواهند با طرح وحدت رهبری موافقت کنند، حتماً باید در کمیته‌ای مرکب از نمایندگان آنان شرایط و حدود آن را مشخص و به همه اعلام کنند و البته مشکل عمده برای تحقق آن، همان نفوذ بیگانگان و دولت‌های اسلامی وابسته به آنان می‌باشد (برگرفته از: واعظزاده خراسانی، پیشین، ص ۲۶۱ - ۲۶۵).

۲) شورای رهبری

شورای رهبری به چند شکل قابل فرض است که در این‌جا تنها به نوع موجه آن اشاره می‌گردد و آن به این صورت است که مردم هر یک از کشورهای اسلامی، از میان علما و پیشوایان مذهبی خود،

رهبری را برمی‌گزینند و شورای رهبری، جامع تمام این رهبران است و آنها وظایف رهبری امت اسلامی را بر عهده می‌گیرند.

این نوع از شورای رهبری، عملی‌ترین نوع وحدت سیاسی جهان اسلام به نظر می‌رسد که البته باید کیفیت انتخاب سایر رهبران و شرایط آنان، با شرایط قانون اساسی ایران، همگون و هماهنگ باشد.

با تحقق این شورا حکم رهبر انقلاب اسلامی ایران، با همان وظایف و اختیارات، در امور داخلی کشور نافذ است، ولی در مسائل جهان اسلام، با دیگر رهبران همکاری خواهد داشت و حکم شورای رهبری در این خصوص، نافذ خواهد بود. (پیشین، ص ۲۶۵ و ۲۶۶).

با تأسیس این شورای عالی، توانمندی‌های رهبران بیدارگری اسلامی برای برآورده کردن انتظارات مردم و فرهیختگان مسلمان بالا می‌رود و در عمل، رهبری مشترک بیداری اسلامی در جهان اسلام محقق می‌شود.

ج) پیمان‌ها و قراردادهای تعاون (سرمایه‌گذاری‌های مشترک)

تا زمانی که همکاری بین مجموعه کشورهای اسلامی ممکن نیست، نباید حداقل ارتباطات را هم کنار گذاشته و به آنها توجه نکرد. برای مثال، می‌توان در سطح منطقه‌ای، مبادلات بازرگانی و تجاری را گسترش داد تا قطب قدرتمندی در درون جهان اسلام به وجود آید.

گسترش این نوع همکاری‌های منطقه‌ای علاوه بر تقویت رشته‌های هم‌بستگی، تأثیر مثبتی بر روند توسعه این کشورها خواهد داشت. کشورهای اسلامی می‌توانند با تبلور اراده خود در قالب یک سازمان منطقه‌ای، قدرت مذاکره قوی‌تری با مستکبران داشته باشند (مظفری، ص ۳۶۹).

حقیقت این است که پیمان تعاون میان مسلمانان در تمامی ابعاد مختلف فرهنگی، دفاعی و اقتصادی، در متن اسلام نهفته است و در صفحات قبل به برخی از آیات و روایات پیرامون آن اشاره شد.

۱- «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده/۲).

۲- «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَتَنَادَىٰ يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۴) و «مَنْ أَصْبَحَ مِنْ أُمَّتِي وَ هَمَّتْهُ غَيْرُ اللَّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ أَقْرَبَ بِالذُّلِّ طَائِعًا فَلَيْسَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۸).

این متون نورانی و مقدس، ما مسلمانان را موظف می‌کند که با هم در تمام مسائل اسلامی، تعاون و هم‌فکری داشته باشیم و با دوری از انجام این وظایف، کیفری سخت در پیش خواهیم داشت.

در این‌جا باید به چند نکته اشاره نمود. نکته اول این‌که این پیمان می‌تواند میان همه کشورهای اسلامی یا تنها بین برخی از آنها منعقد شود. البته در هر دو نوع آن، مشکلاتی وجود دارد، زیرا بسیاری از این کشورها به دولت‌های بزرگ، از جمله آمریکا و انگلیس، وابسته هستند و این وابستگی، مانع می‌شود که مسلمانان به انعقاد چنین پیمان‌هایی میان خود اقدام کنند. (سجادی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۲).

تنها راه‌کار رفع این مشکل، انعقاد قرارداد بدون دخالت کشورهای غیرمسلمان است تا از شر دشمنان مصون بمانیم. پس گویی شرط مقدماتی هر تدبیری که در پی وحدت و به خصوص وحدت سیاسی مسلمین است، عدم وابستگی به ابرقدرت‌ها است، که متأسفانه با نگاهی گذرا به کشورهای اسلامی، متوجه می‌شویم که تحقق چنین امری با شرایط کنونی حکام اسلامی انجام شدنی نیست.

نکته دیگر آن است که ما نباید برای پیوستن کشورهای اسلامی به قراردادها و پیمان‌های سازمان‌های بین‌المللی، از قبیل سازمان ملل، شورای امنیت و پیمان‌های فرهنگی و مانند آنها مانع ایجاد کنیم، ولی باید برای این همکاری‌ها یک شرط قرار دهیم و آن این‌که این قراردادها دست مسلمانان را در همکاری و یاری دیگر کشورهای اسلامی، در هنگام نیاز آنان و مصلحت جهان اسلام، نبندد.

د) دیوان بین‌المللی اسلامی

در زمان کنونی معمولاً وقتی بین چند دولت اسلامی تنش‌ها به وجود می‌آید، کفار مستکبر برای حفظ نفوذ خود و به قصد افزایش اختلافات موجود، با بهانه دلسوزی و اصلاح، به دخالت می‌پردازند و متأسفانه برخی از کشورهای اسلامی نیز آنها را مرجع حل و فصل خود قرار می‌دهند؛ این در حالی است که خداوند ما را از این کار نهی کرده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱) و تنها مرجع ما برای حل و فصل مشکلات را، مراجعه به آیات و روایات می‌داند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ

۱- و هرگز خدا برای کافران راه تسلطی (در حجت و برهان) بر مؤمنان قرار نخواهد داد.

إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء / ۵۹) و
 اجتهاد را به عنوان روشی روشن و مشکل‌گشا در حل مسائل روز و اختلافات ما قرار داده است؛ «لَوْ
 رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (نساء / ۸۳).

البته طبق آیات قرآن کسانی که به رغم وجوب اطاعت از خدا و دوری از شیطان به دنبال حکم
 دشمنان می‌روند، منافقانی هستند که به پیامبر و خداوند پشت کرده‌اند؛ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ
 أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا
 أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا *» و إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ
 إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يُصَدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا *» (نساء / ۶۰ و ۶۱) و در مقابل، خداوند آنها
 را شکست خوردگانی می‌داند که با وجود قدرت و شوکت هیچ‌گاه پیروز نمی‌شوند، زیرا خداوند
 یاور و همراه مؤمنان است؛ «لَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِتْنَتَكُمْ شَيْئًا وَ لَوْ كَثُرَتْ وَ أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ»
 (انفال / ۱۹)

موضوع تشکیل دادگاه بین‌المللی عدل اسلامی، اولین بار در اجلاس سوم سران سازمان کنفرانس
 اسلامی مطرح شد و پس از بررسی در کمیته‌ها و اجلاس‌های متعدد، سرانجام اساسنامه آن در
 اجلاس پنجم سران در کویت به تصویب رسید و به رغم اختیاری بودن صلاحیت این دادگاه، اصلاح
 ماده سوم منشور کنفرانس اسلامی که آن را به عنوان رکن چهارم سازمان معرفی می‌کند، هنوز به
 تصویب دو سوم کشورهای عضو نرسیده است (مظفری، ص ۳۷۰).

- ۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که جانشینان معصوم
 پیامبرند) اطاعت نمایید. پس اگر درباره چیزی (از امور دین یا دنیا) نزاع داشتید آن را به خدا و رسولش
 برگردانید (اختلاف در دین را به وسیله فقیه و اختلاف در دنیا را به واسطه قاضی به کتاب و سنت
 بازگردانید) اگر ایمان به خدا و روز واپسین دارید، این (برای شما) بهتر و خوش‌عاقبت‌تر است.
- ۲- حال آن‌که اگر آن را به فرستاده خدا و صاحبان امرشان باز می‌گرداندند به یقین کسانی از آنان که اهل
 تحقیق‌اند، به حقیقت آن پی می‌بردند (و راه چاره می‌یافتند).
- ۳- آیا ننگریستی به کسانی که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و به آنچه پیش از تو (به پیامبران
 گذشته) نازل شده ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند (در موارد نزاعشان) به سوی طاغوت (حاکمان طغیانگر
 کفار) محاکمه برند در حالی که مأمورند به آن کفر ورزند؟! و شیطان می‌خواهد آنها را به گمراهی دور و
 درازی گمراه سازد * و چون به آنها گفته شود که به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی فرستاده او
 بیایید، منافقان را می‌بینی که به تو به شدت اعراض می‌کنند و دیگران را نیز باز می‌دارند.
- ۴- و هرگز جمعیتان هر چند بسیار باشد، چیزی (از عذاب خدا) را از شما دفع نخواهد کرد و (بدانید که)
 همواره خدا با مؤمنان است.

در این راستا سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند برنامه‌های مؤثری برای غلبه بر تمامی مشکلات موجود داشته باشد و برای رسیدن به این هدف‌ها که همگی در راستای مصالح جهان اسلام است، این سازمان باید ارکان فرعی و سازمان‌های تخصصی وابسته به خود را به جای متمرکز کردن در خدمت یک یا چند کشور معین، در خدمت تمام کشورهای اسلامی درآورد و به امور همه مسلمانان اهتمام‌ورزد.

هـ) مسئله حقوق بشر و عدم پذیرش نوع غربی آن

کشورهای اسلامی به طور خاص به دلیل ایمان مذهبی و پای‌بندی به مقررات دین مبین اسلام، نمی‌توانند مقررات حقوق بشر غربی را به‌طور کامل بپذیرند و نسبت به مواردی که با مقررات اسلام مغایرت دارد، بی‌تفاوت باشند.

علاوه بر آن، مسئله حقوق بشر، عاملی برای تحمیل ارزش‌های غربی به دیگران و ابزاری برای دخالت در کشورهایی است که سیاست مستقلی را دنبال می‌کنند و استکبار جهانی در نظم نوین خود چنین اهدافی را در دستور کار خود قرار داده است.

ما باید با ارائه نوع قرآنی آن که قابل مقایسه با نوع غربی نیست، تسلیم زورگویی‌ها و فشارهای آنان به بهانه حقوق بشر یا مبارزه با تروریسم نشویم.

از این رو پیشنهاد می‌شود در امر اجرایی کردن اعلامیه حقوق بشر که در تاریخ ۱۴ محرم ۱۴۱۱ق، مطابق ۱۳۶۹ش و برابر با ۱۹۹۰ م توسط وزرای خارجه کشورهای اسلامی در قاهره تصویب شده است، تسریع شود که این حرکت می‌تواند اثرات قابل توجهی در اصلاح عمومی اوضاع حقوق بشر در جهان اسلام داشته باشد.

اینها اهدافی است که مورد نظر بسیاری از بزرگان تقریبی می‌باشد، ولی نیازمند بررسی‌های بسیار دقیق است تا برای تحقق آنها و نیز تعیین وظایف و متولیان انجام آنها، برنامه‌ریزی جامعی صورت گیرد.

در کنار تمام این مباحث باید تلاش‌هایی میان مسلمانان کشورهای مختلف و مسئولان نظام‌های اسلامی، اعم از همه ملیت‌ها و مذاهب، صورت بگیرد و همه نیت‌های پاک با تمام توانایی‌هایشان به خدمت گرفته شوند.

نتیجه و پیشنهادها

راه کارهای مختلف بزرگان اسلام همگی تا اندازه‌ای قابلیت اجرا دارد. شاید در پتانسیل موجود کنونی راه کارهای ارائه شده بالا قابل اجرا به نظر نرسد. اما می‌توان با مثالی دردناک، عمق فاجعه عدم توجه به این راه کارها را درک کرد. به سؤال ذیل توجه کنید:

آیا می‌توان حقوق مورد اشاره مانیفست حقوق بشر را در تمام کشورهای عالم اجرا کرد؟ پس چرا هزاران سازمان مردم‌نهاد و دولتی وقت خود را صرف اجرای آن می‌کنند؟ اگر اجرایی نیست و بعضی حقوق در موارد خاص ناقض برخی حقوق دیگر است و برخی دیگر اصالتاً جزء حقوق اساسی و موازی با انسانیت نیست، پس چرا به این اندازه به آن توجه می‌کنیم؟

علت روشن پرداختن به حقوق بشر، مقبولیت عوام و حساسیت خواص است. این‌که نسبت به راه‌کارهای یاد شده، مقبولیت عام وجود ندارد، سخنی گزاف است، اما این‌که در این امور خواص صاحب حساسیت نیستند، قابل قبول است.

شاید لازم باشد با نگاهی عمیق‌تر و با حسن ظن به خدای متعال، اهداف بزرگ یاد شده را به اجرا نزدیک و نزدیک‌تر کرد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه مشکینی، علی، الهادی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۲. ابن ابی‌الحدید، ابوحامد عبدالحمید بن هبة الله مدائنی، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ق.
۳. ابوزهره، محمد، قرآن و وحدت اسلامی، ترجمه: سید محمد صدق سجادی، حماسه اتحاد، بی‌نا، بی‌جا، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۴. اقبال لاهوری، محمد، احیای فکر دینی، ترجمه: احمد آرام، انتشارات پایا، بی‌تا.
۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، هم‌بستگی مذاهب اسلامی، انتشارات دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۶. تسخیری، محمدعلی، ایده‌های گفت و گو با دیگران، ترجمه: محمد مقدس، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۷. حرانی، ابن‌شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۸. سجادی، سید عبدالطیف، اخوت و برادری در اسلام، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۹. شاه‌محمدی، رستم، تعامل علم و دین از دیدگاه اقبال لاهوری، فصل‌نامه ذهن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۲۱ و ۲۲، تابستان ۱۳۸۴ ش.

۱۰. صعیدی، عبدالمتعال، *سعی قدیم فی توحید المذاهب اسلامی*، مجله رساله الاسلام، سال هفتم، شماره اول.
۱۱. عرفانی، محمد، *راه کارهای تحقق انسجام اسلامی از منظر آیات و روایات*، فصل نامه اندیشه تقریب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. فتاحی شقاقی، عزالدین ابراهیم، *شیعه و سنی غوغای ساختگی*، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. قمی، محمد تقی، *لیکن شعارنا: المدرسه بجانب المسجد*، مجله رساله الاسلام، سال هشتم، شماره سوم.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۵ ش.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مجموعه مقالات، *آوای وحدت*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. _____، *بیداری اسلامی*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. _____، *منشور هم‌بستگی*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فقه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۹. حسنین، محمد مخلوف، *من المفتی الاکبر*، مجله رساله الاسلام، سال چهارم، شماره دوم.
۲۰. مطهری، مرتضی، *حج*، صدرا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. _____، *نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر*، صدرا، تهران، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. _____، *یادداشت‌های استاد مطهری ۷*، صدرا، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. _____، *یادداشت‌های استاد مطهری ۴*، صدرا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *هم‌بستگی امت اسلامی*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۲۵. واعظزاده خراسانی، محمد، *ندای وحدت*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

وحدت و انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه^۱

سید حنّان رضوی^۲

چکیده

مقاله حاضر پس از بررسی لغوی و اصطلاحی واژه وحدت و اتحاد، انواع وحدت را از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه بررسی نموده است. وحدت به اعتبار جامعه‌شناسی از نگاه دینی عمدتاً به سه قسم تقسیم می‌شود: وحدت در حوزه جوامع بشری؛ وحدت در حوزه ادیان توحیدی و وحدت در حوزه اسلامی. آنچه در این نوشتار بررسی و تحقیق شده است، وحدت در حوزه اسلامی می‌باشد. در حوزه اسلامی، به مبانی و محورهای وحدت اشاره شده است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان توحید، اسلام، قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دوستی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، برادری اسلامی، قبله مسلمین و مراسم عبادی حج معرفی کرد. هم‌چنین، راه‌کارهای عملی ایجاد وحدت اسلامی مانند: تحکیم مشترکات، تحمل عقاید متقابل، انتقاد بدون اهانت، ارتباط علمی دانشمندان اسلامی، اجتناب از تعصب، فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی، خیرخواهی متقابل از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، به طور مختصر بررسی گردیده است. آثار وحدت اسلامی، از قبیل: امنیت، عزت و اقتدار دینی، عزت و اقتدار ملی، رشد جامعه اسلامی، و افزایش نعمت‌های الهی، از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه از دیگر مطالب بررسی شده در این مقاله می‌باشد.

واژگان کلیدی: وحدت، انسجام اسلامی، قرآن، نهج البلاغه، محورهای وحدت، آثار وحدت اسلامی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسئله امت اسلامی که همواره در متون دینی، به خصوص قرآن و نهج البلاغه، مورد توجه و اهمیت ویژه قرار داشته است، وحدت و انسجام امت اسلامی است، زیرا اولین

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۵/۱۵؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۸/۲۳.

۲- محقق و نویسنده.

دعوت‌کننده به اتحاد بعد از خدا و رسول ﷺ، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام است که الگو و سرمشق وحدت برای تمام مسلمانان جهان بوده و با ایثار و فداکاری، وحدت امت اسلامی را حفظ و پاسداری کرد (نامه ۷۸: «وَلَيْسَ رَجُلٌ فَأَعْلَمُ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ ﷺ وَ الْفَتْهَا مَنِّي أَبْنَعِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَ كَرَمَ الْمَأْبِ»). از این رو مقاله حاضر با موضوع وحدت و انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه در پنج فصل به قرار زیر تدوین شده است.

۱- کلیات

وحدت و اتحاد در لغت هر دو از یک ماده تشکیل شده است که به معنای یکی بودن (ر.ک: فراهیدی، ج ۳، ص ۲۸۱؛ معلوف، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۲۱۵۲) و یگانگی (ر.ک: عمید، ص ۱۲۴۱) است، و در اصطلاح تقریب بین مذاهب اسلامی که با استفاده از نظرات بزرگان و دانشمندان اسلامی تعریف می‌شود عبارت است از: «هم‌بستگی مسلمانان بر مشترکات و مسلمت‌دین اسلام، در آمال و مقاصد آن با حفظ و رعایت مرزها، که به منزله مجموعه واحد به شمار آیند.» (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱۲-۲۱۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶/۱/۲۷؛ سبزیان، ۱۳۸۶ش، ص ۶۵ و ۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/۲/۱۵، خامنه‌ای، ۱۳۷۶ش، ج ۵، ص ۲۲۹).

روشن است که تعریف اصطلاحی وحدت و انسجام امت اسلامی با مقاصد قرآنی منافات ندارد، زیرا با وجود بعضی از اختلاف‌ها، فرقه‌های اسلامی ناگزیرند با هم کنار بیایند تا اهداف مشترک امت اسلامی تحقق یابد. از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه اگر حصول وحدت حقیقی یک‌باره ممکن نباشد، حصول تدریجی آن امکان‌پذیر است (مطهری، پیشین).

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید روشن شود نوعیت وحدت اسلامی است که از آرمان‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه و هم‌چنین تقریب بین مذاهب اسلامی است.

وحدت مقوله‌ای است که حسن آن ذاتی نیست، بلکه حسن و قبح آن به دو چیز برمی‌گردد؛ یکی محور اتحاد و دیگری هدف و مقصد آن، از این رو هر وحدتی از نظر قرآن مطلوب نیست، بلکه برخی اوقات وحدت داشتن در اموری مانند: سلیقه‌ها، اصناف، شغل و تجارت، در عرصه‌های علم و فکر و غیره باعث تراحم و هرج و مرج جامعه می‌شود و به طور قطع چنین وحدتی از نگاه دینی و عرفی باطل است؛ بلکه اختلاف در این موارد باعث رشد و تکامل جامعه می‌شود.

پس وحدت داشتن بر امر باطلی ولو از جهت شرعی، عقلی و یا عرفی باشد، از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه باطل و نامطلوب است. وحدتی که از نظر قرآن و نهج‌البلاغه مطلوب و مقدس است، چند ویژگی دارد؛ ۱- بر پایه و محوری باشد که قرآن بیان کرده است؛ ۲- دنبال‌کننده اهداف و مقاصدی باشد که قرآن و سنت مطرح کرده است.

در عرصه اجتماعی می‌توان به وحدت در حوزه جوامع بشری، وحدت در حوزه ادیان توحیدی و وحدت در حوزه اسلامی اشاره کرد.

از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، دعوت به دین اسلام جهان‌شمول است، زیرا یکی از تعبیرات و خطاب‌های قرآن با کلمه «ناس» است (حجرات/۱۳) و از دعوت‌های مهم قرآن و نهج البلاغه به تمام جهان، پذیرش دین اسلام است که رستگاری بشریت در آن می‌باشد؛ «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» (آل عمران/۱۹). البته این به این معنا نیست که قرآن برنامه‌ای برای تعامل با کسانی که منکر دین اسلام هستند نداشته باشد؛ «وَإِنْ جُنْحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْنَحْ لَهَا...» بلکه از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه کفار و مشرکین دو دسته‌اند؛ کفار و مشرکین حربی و کفار و مشرکین غیرحربی.

خداوند متعال مسلمانان را از هرگونه ارتباط با کفار و مشرکین حربی، منع کرده است (طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۶، ص ۱۷۹) که آیات متعدد به آن اشاره دارد (توبه/۵؛ مجادله/۲۲، ۱۴؛ توبه/۲۳؛ ممتحنه/۹). اما در کنار آن، ارتباط مسلمانان با جوامع بشری (کفار و مشرکین غیرحربی) را منع نکرده است؛ «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه/۶) بلکه به نیکی و عدالت در مورد آنان حکم کرده است؛ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/۸). چنان‌که در سیره و سخنان پیامبر اکرم ﷺ (ر.ک: حلبی، ۱۴۱۷ اق، ج ۱، ص ۱۵۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۹ اق، ج ۱، ص ۳۷۳) و حضرت امیر مؤمنان عليه السلام مشاهده می‌شود؛ «وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سُبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ أَمَّا أَحَدُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ أَمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ (نهج البلاغه، نامه ۱۹) اما با وجود این، دین اسلام مرز و حدود اتحاد در حوزه جوامع بشری را مطرح کرده است که یکی از آنها عدم تجاوز به حریم امنیت مسلمانان می‌باشد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ يُبَايِعُونَكُمْ... وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه/۹-۱).

اتحاد در حوزه ادیان توحیدی از این جهت مطرح می‌شود که قرآن به اهل کتاب تشخص خاصی داده است «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ...» (آل عمران/۶۴)، زیرا با مسلمانان مشترکات خاصی دارند، از این رو خداوند متعال اهل کتاب را به «کلمه سوی» دعوت می‌نماید؛ چنان‌که از نظر قرآن برنامه و هدت پیامبران الهی یکی بوده است؛ «وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَيْنَا وَ إِلَيْكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت/۴۶) هر چند در اثر اختلاف زمان و مکان متفاوت بودند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص ۱۱۰-۱۱۲) و امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام (نهج البلاغه، نامه ۵۱: «وَلَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُصْلًا وَلَا مُعَاهِدًا») برای حفظ منافع و ارزش‌های مشترک با اهل کتاب پیمان‌های مشترک امضا می‌کردند و ادیان توحیدی را در آمال و مقاصد به عنوان یک ملت تلقی می‌کردند و در عرصه اجتماعی حقوق همسان برای مسلمانان قائل بودند، گر چه آیاتی از قرآن شرک اهل کتاب را مطرح می‌کند، اما آن چه مسلم است به شهادت احادیث (کلبی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۳۹۸؛ برقی، بی تا، ص ۲۴۶، باب ۲۸، ح ۲۴۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۸۶، ح ۴۵/۴۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۲۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۲۳؛ قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۲۸۹) و گفتار صریح دانشمندان اسلامی و فهم متشرعان (خمینی، ۱۳۷۳ش، ج ۳، ص ۲۹۶؛ حکیم طباطبایی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۶۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۴۵؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۳۷) و عرف، نسبت شرک در این آیات به معنای اصطلاحی آن نیست، بلکه مجاز در اسناد به کار رفته است، چنان که این نوع شرک در مورد مسلمانان هم به کار رفته است؛ «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف/۱۰۶)؛ اما در کنار این ارتباطات و تعاملات با اهل کتاب، یک سری مرزها و حدود نیز مطرح شده است؛ برای نمونه، دوستی و اعتماد مطلق که موجب علاقه شدید بین مسلمانان و اهل کتاب بشود، منع گردیده است (مانده/۵۱).

۲- اتحاد اسلامی

اتحاد در حوزه اسلامی یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی است و از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه اهمیت بسیار زیادی دارد. از دیدگاه قرآنی الفت و اتحاد مؤمنان، یکی از نعمت‌های الهی و اختلاف و تفرقه امت‌ها عذاب خداوند می‌باشد. قرآن کریم یکی از ویژگی‌های زمان جاهلیت را به گودال آتش تفرقه و اختلاف تعبیر می‌کند که با نعمت اسلام به اتحاد و هم‌دلی تبدیل شد؛ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران/۱۰۳).

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید هیچ کس نسبت به وحدت و انس امت اسلامی، از من دلسوزتر نیست؛ «وَلَيْسَ رَجُلٌ فَأَعْلَمُ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ أَلْفَتْهَا مِنِّي أُنْتَعَى بِذَلِكَ حُسْنِ الثَّوَابِ وَ كَرَمِ الْمَآبِ.» (نهج البلاغه، نامه ۷۸)، و می‌فرمود هیچ امتی در اختلاف و تفرقه خیری ندیده است؛ «وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفِرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى، وَ لَا مِمَّنْ بَقِيَ» (پیشین، خطبه ۱۷۶). در سیره حضرت به روشنی دیده می‌شود که چه قبل از خلافت و چه در دوران خلافت به مسئله اتحاد امت می‌پرداخت و از موضوع تفرقه‌برانگیز پرهیز می‌کرد؛ «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النِّجَاةِ وَ عَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ

الْمُنَافِرَةِ وَ ضَعُوا تَبِجَانَ الْمُنَافِرَةِ أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ أَوْ اسْتَسْلَمَ فَأَرَّاحَ» (پیشین، خطبه ۵) (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۹). از نگاه حضرت، وحدت و اتحاد امت منشأ تجلی قدرت خدا است، و یکی از تعلیمات نهج البلاغه این است که امت اسلامی طاغوت زمان را بشناسند و با قدرت خدا (در سایه وحدت با هم‌دیگر) طاغوت را از بین ببرند؛ «يَا أَخَا بَنِي أَسَدٍ إِنَّكَ لَلْقَلْبُ الْوَضِيعُ تُرْسِلُ فِي غَيْرِ سَدَدٍ... وَ هَلُمَّ الْخُطْبَ فِي ابْنِ أَبِي سُفْيَانَ، فَلَقَدْ أَضْحَكَنِي الدَّهْرُ بَعْدَ إِكْبَانِهِ؛ وَ دَعَا عَنْكَ نَهْبًا صَبِيحَ فِي حَجْرَاتِهِ - وَ لَكِنْ حَدِيثًا مَا حَدِيثِ الرَّوَّاحِلِ» (پیشین، خطبه ۱۶۲).

۳- محورهای وحدت

قرآن و نهج البلاغه همان‌طور که به وحدت امت اسلامی اهمیت داده است، ملاک و محور آن را نیز بیان کرده است. دین اسلام ملاک و محور اتحاد امت اسلامی را به حبل الله تعبیر می‌کند؛ «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران/۱۰۳). قرآن و نهج البلاغه محورهای وحدت را توحید، اسلام، قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ، دوستی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، برادری اسلامی، قبله و حج معرفی می‌کند.

۱. توحید: بدون تردید یکی از پایه‌های دین اسلام توحیدمحوری است. قرآن کریم بهترین راه حل اختلاف را توحید معرفی می‌کند؛ «وَ اغْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» (حج/۷۸)؛ «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ...» (نساء/۵۹). از دیدگاه امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام توحید از اصول مشترک جامعه اسلامی است و آن حضرت در هنگام بروز اختلاف‌ها بدان تمسک می‌کرد؛ «وَ إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَ كِتَابُهُمْ وَاحِدٌ فَامْرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)؛ «وَ الظَّاهِرُ أَنَّ رَبَّنَا وَاحِدٌ وَ نَبِيَّنَا وَاحِدٌ وَ دَعْوَتَنَا فِي الْإِسْلَامِ وَاحِدَةٌ وَ لَا نَسْتَزِيدُهُمْ فِي الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَسْتَزِيدُونَنَا، الْأَمْرُ وَاحِدٌ إِلَّا مَا اِخْتَلَفْنَا فِيهِ مِنْ دَمِ عَثْمَانَ، وَ نَحْنُ مِنْهُ بَرَاءٌ...» (پیشین، نامه ۵۸).

۲. اسلام: بدون شک مهم‌ترین عامل وحدت جوامع عرب دین اسلام و اساس گسترش آن مبارزه شدید با هرگونه عوامل تفرقه بوده است (ر.ک: ابن‌خلدون، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۸۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۹۴). علی عَلَيْهِ السَّلَام هم به این نکته اشاره می‌کند که دین اسلام عامل وحدت‌بخش و منشأ خیر و برکت برای جامعه عرب جاهلی بوده است؛ «وَ الْعَرَبُ الْيَوْمَ وَ إِن كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶).

۳. قرآن: از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه یکی از مصادیق جبل الله قرآن است که مسلمانان در هنگام بروز اختلافها، به آن رجوع می کنند (ر.ک: طباطبائی، پیشین، ج ۳، ص ۳۴۲؛ سیوطی، پیشین، ج ۲، ص ۶۰؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۱۹۴؛ طوسی، ج ۲، ص ۵۴۵). حضرت علی علیه السلام اتحاد را احیای قرآن و تفرقه را موت قرآن معرفی می کند؛ «فَإِنَّمَا حُكْمُ الْحَكَمَانِ لِيُحْيِيَ مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ، وَيُمِيتَا مَا آمَاتَ الْقُرْآنُ وَ إِحْيَاؤُهُ الْجُمُعَاتُ عَلَيْهِ وَ آمَاتُهُ الْاِفْتِرَاقُ عَنْهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: قرآن کریم وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان اسوه و مرجع رفع اختلافها معرفی می کند؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب/۲۱)؛ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ...» (نساء/۵۹). حضرت علی علیه السلام نیز اتحاد را دستاورد نبوت بیان می فرماید؛ «دَفَّنَ اللَّهُ بِهِ الضَّعَائِنَ وَ أَطْفَأَ بِهِ النَّوَاتِرَ أَلْفَ بِهِ إِخْوَانًا وَ فَرَّقَ بِهِ أَقْرَانًا أَعَزَّ بِهِ الدَّلَّةَ وَ أَدَلَّ بِهِ الْعِزَّةَ كَلَامُهُ بَيَانٌ وَ صَمْتُهُ لِسَانٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۹۶).

۵. دوستی اهل بیت علیهم السلام: از دیدگاه قرآن و امیر مؤمنان علیه السلام محبت اهل بیت علیهم السلام یکی از مصادیق جبل الله و یک اصل مشترک است که به عنوان محور وحدت معرفی می گردد (نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۶۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۶۸). از دیدگاه نهج البلاغه دوستی اهل بیت علیهم السلام انگیزه پیروی «انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم و اتبعوا اثرهم فلن یرجوکم من هدی و لن یعیدوکم فی ردی فإن بددوا فالبددوا و إن نهضوا فانهضوا و لا تسبقوهم فتضلوا و لا تتأخروا عنهم فتهلکوا» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷) و چراغ روشن «أقیموا هذین العمودین و أوقیدوا هذین المصباحین» (پیشین، نامه ۲۳) برای تکامل امت اسلامی می باشد.

۶. برادری اسلامی: قرآن و نهج البلاغه یکی از نوآوریها و شکوفاییهای دین اسلام را نزدیکی و علاقه دو انسان و اخوت بیان می کند که مهم ترین عامل وحدت جوامع اسلامی می باشد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۱۷۳). از دیدگاه امیر مؤمنان علیه السلام اخوت عامل مهمی برای ایجاد وحدت می باشد؛ «وَ إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِینِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَیْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ، وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳) و دانشمندان اسلامی نیز بر این مسئله تأکید نموده اند (امینی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۰؛ سماک امانی، ص ۴۸).

۷. قبله مسلمین: بدون تردید قبله مشترک مسلمانان یکی از محورهای وحدت اسلامی است که قرآن «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا...» (بقره/۱۲۵) و نهج البلاغه «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِّلْإِسْلَامِ عِلْمًا وَ لِّلْعَانِذِینَ حَرَمًا» (نهج البلاغه، خطبه ۱) بر آن تأکید می کند.

۸. حج: یکی دیگر از محورهای اتحاد و انسجام اسلامی مراسم عبادی - سیاسی و کنگره بزرگ اسلامی حج است که قرآن از آن به عنوان شعائر الهی یاد می‌کند؛ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ...» (مائده/۲) و حضرت علی (علیه السلام) نیز بر آن تأکید فراوان کرده است؛ «فَرَضَ اللَّهُ الْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲).

۴- راه کارهای عملی وحدت

بدون شک تنها مطرح کردن محورهای وحدت کافی نیست، بلکه با الگو گرفتن از سیره قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) که «هدایت الی المطلوب» و نه «هدایت الی الطریق» می‌باشد لازم است که راه کارهای عملی وحدت و انسجام اسلامی مطرح گردد که در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱. تحکیم مشترکات: بی‌تردید مهم‌ترین مسئله برای وحدت و انسجام اسلامی توجه مسلمانان به مبانی فکری و اندیشه دینی آنها است. مسلمانان جهان با وجود تفاوت‌هایی که در فرهنگ ملی و بومی، آداب و رسوم خود دارند، در اصول و مبانی فکری دارای وحدت هستند. اسلام ضمن احترام به تفاوت‌ها و اختلاف‌ها، مسلمانان را متعلق به یک مجموعه وسیع به نام امت مسلمان می‌داند. امت مسلمان به واسطه مشترکات فکری خود با یک‌دیگر ارتباط دارند که آنها را با وجود پراکندگی خود به یک‌دیگر نزدیک می‌کند. بنابراین عامل اصلی وحدت و انسجام اسلامی همان مشترکات اعتقادی و فکری است که قرآن «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّينا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسى وَ عيسى أَنْ أقيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيه...» (شوری/۱۳) و نهج البلاغه «وَ الظَّاهِرُ أَنَّ رَبَّنَا وَاحِدٌ وَ نَبِينًا وَاحِدٌ وَ دَعْوَتَنَا فِي الْإِسْلَامِ وَاحِدَةٌ وَ لا نَسْتَزِيدُهُمْ فِي الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِهِ وَ لا يَسْتَزِيدُونَنَا، الْأَمْرُ وَاحِدٌ» (نهج البلاغه، نامه ۵۸) بر آن تأکید دارد.

۲. تحمل عقاید متقابل (مدارا): مدارا و اصل احترام متقابل یکی از اساسی‌ترین راهبردهای عملی وحدت اسلامی است که ضرورت آن از قرآن و نهج البلاغه (إِنِّي أكره لكم أَنْ تكونوا سبَّابِينَ اللَّعَّائِينَ شَتَّامِينَ تَشْتَمُونَ وَ تَتَّبِعُونَ) وَ لَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَّيْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَأَنْ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِي الْعُدْرِ وَ قُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ اللَّهُمَّ احْقِنِ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اهدِهِمْ مِنْ ضَلَّالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ جِهَلِهِ وَ يَرْعُوهُ عَنِ الْغَيِّ وَ الْعُدْوَانِ مِنْ لَهَجٍ بِهِ) (ابن مزاحم، ۱۳۶۴ش، ص ۱۰۳؛ مجلسی، پیشین، ج ۳۲، ص ۳۹۹؛ ابن ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۱۷۱؛ هاشمی خوئی، ۱۳۵۸ش، ج ۱۳، ص ۹۴) آشکار می‌گردد و مسئله برائت از دیدگاه قرآن «وَ لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا»

یَعْمَلُونَ» (انعام/۱۰۸) و حدیث در عرصه بینش با عرصه رفتار اجتماعی با هم متفاوت است، زیرا رفتار اجتماعی باید با شرایط زمان و مکان هماهنگ باشد.

۳. نقد بدون اهانت: یکی دیگر از راه کارهای عملی وحدت اسلامی در عرصه گفتمان دینی، رعایت ادب در نقد است که از دیدگاه قرآن و سیره ائمه معصومان علیهم السلام امری ثابت شده است؛ «لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ» (مجلسی، پیشین، ج ۷۵، ص ۸۱)؛ «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). در هر مذهب و فرقه‌ای، برخی از اعتقادات از ویژگی‌های آنها است و ممکن است در نظر فرقه‌ای بی‌پایه و اساس باشد، اما قرآن کریم روش برخورد مؤمنان را در چنین مواقعی مشخص کرده است؛ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/۱۲۵)؛ «وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»؛ (فصلت/۳۳)؛ «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (حج/۸).

۴. ارتباط علمی اندیشمندان اسلامی: از مؤثرترین راهبردهای عملی وحدت از دیدگاه قرآن «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَ فِرَادَى تُمْ تَتَفَكَّرُوا...» (سبأ/۴۶) «وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/۱۲۲) و سیره معصومان علیهم السلام (وَ أَكْثَرُ مَدَارِسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَاقَشَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ) (نهج البلاغه، نامه ۵۳) ارتباط علمی اندیشمندان اسلامی است؛ به این معنا که اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم دینی از فرقه‌های اسلامی در کنار هم قرار گرفته، گفت‌وگوهای علمی انجام دهند و با اصول و مبانی یکدیگر آشنا شوند، زیرا مهم‌ترین عامل اختلاف امت اسلامی، دوری و نبود ارتباط علمی بین دانشمندان بوده است. عدم ارتباط، سبب ایجاد ابهامات و توهمات نسبت به یکدیگر گردیده و نتیجه آن قضاوت‌ها و نسبت‌های ناروا می‌باشد.

۵. فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی: در قرآن کریم «وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴) و نهج البلاغه (فَرَضَ اللَّهُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةَ لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ) (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲)؛ (وَ وَصَلَتْ الْكِرَامَةُ عَلَيْهِ حُبُّهُمْ مِنَ الْجَائِنَابِ لِلْفُرْقَةِ وَ اللَّزُومِ لِلْأَلْفَةِ وَ النَّحَاصِّ عَلَيْهَا وَ التَّوَاصِي بِهَا) (پیشین، خطبه ۱۹۲) به امر به معروف و نهی از منکر اهمیت بسیاری داده شده است، زیرا ارزش‌های دینی بدون فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر نیست. از دیدگاه علی علیه السلام یکی از آسیب‌های وحدت و انسجام اسلامی، پشت کردن مردم به فرهنگ وحدت است که قدرت امت اسلامی را سست می‌کند.

۶. اجتناب از تعصب: دین اسلام با تعصب کورکورانه مبارزه نموده است، و از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه یکی از راه کارهای عملی اتحاد جوامع اسلامی پرهیز از تعصب است. در قرآن کریم مهم ترین عامل گمراهی، پیروی از تعصبات کورکورانه دانسته شده و از آن به عنوان یکی از اوصاف جاهلیت نام برده شده است؛ «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (فتح/۲۶). از آغاز طلوع دین اسلام، نژادپرستی، قومیت گرایی و تبعیض ناروا و ناپسند نفی گردیده است؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳). از دیدگاه علی عليه السلام تعصب ورزیدن، پیروی از شیطان است، چون شیطان پیشوای متعصبها است؛ کسی که به واسطه اصل خود بر آدم عليه السلام تعصب ورزید، و پست و خوار شد؛ «اغترضته الحمية فافتخر على آدم بخلقه و تعصب عليه لأصله فعدو الله إمام المتعصبين و سلف المستكبرين الذي وضع أساس العصبيّة و نازع الله رداء الجبريّة و ادّرع لباس التعزّز و خلّع قناع التذلل أ لا ترون كيف صغره الله بتكبره و وضعه بترفعه فجعله في الدنيا مدخوراً و أعد له في الآخرة سعيراً» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۷. خیرخواهی متقابل: خیرخواهی متقابل امت اسلامی، یکی از راه کارهای عملی برای ایجاد وحدت و انسجام اسلامی است؛ به این معنا که امت اسلامی باید علاوه بر این که یکدیگر را مسلمان می دانند، از تکفیر یکدیگر دست برداشته و از هم حمایت کنند و در حق یکدیگر دعا نمایند. یکی از ویژگی های فرهنگ اسلامی این است که برای هر موضوعی حریم قایل است، به ویژه برای حرمت مسلمان؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا..... وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا.....» (نساء/۹۴). از دیدگاه امیر مؤمنان عليه السلام مسلمان احترام ویژه دارد و رعایت حق و حقوق وی لازم می باشد؛ «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). حضرت بارها به موضوع هم بستگی و حمایت از یکدیگر اشاره نموده است؛ «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُنَنِ النَّجَاةِ وَ عَرِّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ وَ ضَعُوا تِيَجَانَ الْمُنَافَرَةِ» (پیشین، خطبه ۵). در جوامع حدیثی هر دو فرقه اسلامی روایات بسیاری در باب حمایت و کمک به هم دیگر و اصلاح امور یکدیگر نقل شده است؛ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۴).

۵- آثار وحدت

بدون تردید تأکید فراوان قرآن کریم و نهج البلاغه بر وحدت و انسجام اسلامی و پرهیز از تفرقه به خاطر آثار و ثمرات وحدت و پیامدهای شوم اختلاف و تفرقه می باشد، زیرا در گرو آن سعادت دنیا و

آخرت رقم می‌خورد. یکی از اهداف عالی و آرمانی قرآن کریم و نهج البلاغه رساندن جامعه اسلامی به تعالی و ایجاد مدینه فاضله می‌باشد. این ارزش‌های عالی بدون وحدت و انسجام اسلامی حاصل نخواهد شد.

در دین مبین اسلام تمام ارزش‌های اسلامی از آثار و برکات معنوی و مادی برخوردار است. وحدت و انسجام اسلامی نیز آثار و برکاتی دارد که نمونه‌هایی از آن به شرح ذیل است:

۱. امنیت جامعه: از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه اولین و مهم‌ترین اثر اتحاد امت‌ها امنیت است، زیرا امنیت و آسایش اولین شرط زندگی سالم است؛ «الملك یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم» (مجلسی، پیشین، ج ۷۲، ص ۳۳۱). خداوند متعال مهم‌ترین دستاورد اتحاد امت اسلامی را امنیت و آرامش و دور ماندن از جنگ و خون‌ریزی دانسته و اختلاف و تفرقه را عامل از بین رفتن امنیت و آرامش جامعه معرفی می‌نماید؛ «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰی شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذٰلِكَ يَبِيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيٰتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران/۱۰۳).

حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) تأمین امنیت را یکی از اهداف دین مبین اسلام معرفی نموده و به مالک اشتر نخعی حکم می‌کند که برای تأمین امنیت اجتماعی از راه صلح، دریغ نکنند؛ «وَ لَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ اِلَيْهِ عَدُوْكَ وَ لِلَّهِ فِيْهِ رِضًا فَاِنْ فِي الصُّلْحِ دَعَا لِحُجُوْدِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُوْمِكَ وَ اٰمَنًا لِّبِلَادِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲. عزت و اقتدار دینی: از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه دین مبین اسلام از عزت و اقتدار برخوردار است که اگر امت اسلامی آن را با اتحاد و انسجام پاس بدارند، خداوند اسلام را در تمام جهان حاکم خواهد کرد؛ «وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَ عَمَلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفُنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِي ارْتَضٰى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَعْبُدُوْنِيْ لَا يَشْرِكُوْنَ بِيْ شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ» (نور/۵۵). یکی از آرمان‌های قرآن کریم عزت و اقتدار دینی است و بدون تردید برای ایجاد این مهم، شرایطی لازم است که یکی از آنها اتحاد و انسجام اسلامی است تا از طریق آن اراده الهی محقق شود.

۳. عزت و اقتدار ملی: یکی از مهم‌ترین ثمرات اتحاد امت‌ها، بر حق باشند یا باطل، از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، اقتدار می‌باشد و اختلاف و تفرقه سبب ذلت و خواری می‌گردد. خداوند متعال یکی از مهم‌ترین آثار را که برای وحدت و انسجام امت‌ها برمی‌شمارد استواری و حفظ هیمنه و استحکام جامعه اسلامی است. قرآن کریم وحدت را مایه عزت و اقتدار ملی و اختلاف و تفرقه را مایه از بین رفتن هیمنه و استحکام امت اسلامی می‌داند؛ «وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ لَا تَنٰزَعُوْا فَيَفْشَلُوْا وَ تَذٰهَبَ

رِيحِكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶)؛ «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَوَعَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ...» (آل عمران/۱۵۲).

حضرت علی علیه السلام بارها امت اسلامی را به عبرت گرفتن از سرگذشت امت‌های گذشته و علل پیشرفت یا سقوط آنها فرا می‌خواند. حضرت می‌فرماید: عزت و سربلندی و تعالی هر امت در وحدت و یگانگی و هم‌بستگی آنها است. بزرگ‌ترین عامل قدرت و شوکت یک جامعه وحدت و اتحاد می‌باشد، در مقابل، سقوط و ذلت هر امت در تفرقه و پراکندگی آنها است؛ «فَانظُرُوا كَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتْ الْأُمَمَاءُ مُجْتَمِعَةً وَالْأَهْوَاءُ مُؤْتَلِفَةً وَالْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً وَالْأَيْدِي مُتْرَادِفَةً وَالسُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً وَالْبَصَائِرُ نَافِذَةً وَالْعَزَائِمُ وَاحِدَةً أَلَمْ يَكُونُوا أَرْبَابًا فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِينَ وَ مُلُوكًا عَلَى رِقَابِ الْعَالَمِينَ فَانظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ تَشْتَتَّتِ الْأَلْفَةُ وَ اخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَ الْأَفْتَدَةُ وَ تَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ وَ تَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ وَ قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كِرَامَتِهِ وَ سَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ وَ بَقِيَ قَصَصُ أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ عِبْرًا لِلْمُعْتَبِرِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۴. رشد جامعه اسلامی: از دیدگاه قرآن «... فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِبِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/۱۸۶) و نهج البلاغه جامعه اسلامی در سایه ایمان و وحدت به رشد و کمال می‌رسد. اگر جامعه رکود داشته باشد از نظر قرآن این جامعه قرآنی نیست و بدون شک یکی از دعوت‌های قرآن برای رشد جامعه اسلامی اعتصام به جبل‌الله و پرهیز از اختلاف‌هایی است که جامعه اسلامی را سست و راکد می‌سازد. از دیدگاه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام هم یکی از آثار وحدت و انسجام امت، رشد جامعه است؛ چنان‌که در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه به آن اشاره شده است.

۵. افزایش نعمت‌های الهی: از روشن‌ترین اثرات وحدت امت‌ها خیر و برکت در نعمت الهی است که قرآن و نهج البلاغه به آن اشاره می‌نماید؛ «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲). خداوند متعال سرگذشت بنی‌اسرائیل را به عنوان عبرت برای مسلمانان جهان مطرح می‌کند که چگونه وقتی اتحاد و اتفاق داشتند از نعمت‌های الهی برخوردار بودند، اما از وقتی که اختلاف و تفرقه جای وحدت و اتفاق نشست و به نعمت اتحاد کفران ورزیدند، ذلت و خواری نصیبشان گشت؛ «وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (یونس/۹۳).

از دیدگاه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام، خداوند در طول تاریخ بشر هیچ نعمتی را با وجود اختلاف، به امتی عنایت ننموده است، زیرا اختلاف نه تنها مانع نزول فیض الهی می‌شود، بلکه سبب سلب نعمت‌های موجود نیز می‌گردد «فَيَأْتِكُمْ وَ التَّلَوْنُ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ»

فُرْقَةٌ فِيمَا تُحْيُونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَىٰ وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ»
(نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

پس بر امت اسلامی لازم است که از سرگذشت امت‌های پیشین و تاریخ گذشته امت اسلامی عبرت گرفته، به وحدت و انسجام اسلامی رو بیاورد و بداند که وحدت و انسجام اسلامی یک شعار نیست، بلکه یکی از شعائر الهی است و برای اثبات ضرورت آن هیچ دلیل و برهان پیچیده‌ای لازم نیست، و این دغدغه قرآن و حضرت علی علیه السلام به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌باشد بلکه ضرورت آن در تمام زمان‌ها و مکان‌ها روشن است. مهم‌ترین آسیب در فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی عدم شناخت کافی از مفاهیم و اهداف تقریب بین مذاهب و ضرورت آن در حوزه و دانشگاه‌ها است و تا وقتی که شور اتحاد در حوزه و دانشگاه به وجود نیاید ایجاد آن در سطح مردم عادی امکان‌پذیر نیست.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ۴- ابن‌مزام، نصر، واقعه صفین در تاریخ، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۶۴ش.
- ۵- امینی، عبدالحسین (علامه امینی)، الغدير فی الکتاب و السنه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶ش.
- ۶- بحرانی، سیدهاشم، تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- ۷- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا.
- ۸- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، سنن الکبری، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- ۹- حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- ۱۰- حکیم طباطبائی، محسن، مستمسک العروة الوثقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۷ق.
- ۱۱- حلبی، علی بن برهان الدین، سیره حلبی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۷ق.
- ۱۲- خامنه‌ای، سید علی حسینی، حدیث ولایت، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، تهران، ۱۳۷۶ش.
- ۱۳- خمینی، روح‌الله، الطهاره، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
- ۱۴- رازی، فخرالدین، تفسیر مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.

- ۱۵- روزنامه کیهان، ۱۳۸۶/۲/۱۵، مصاحبه با ناصر مکارم شیرازی.
- ۱۶- سزبان، علی اکبر، *منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی*، انتشارات خادم الرضا علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
- ۱۷- سماک امانی، محمدرضا، *کاشف الغطاء: اذان بیداری* (طلایه داران تقریب ۳).
- ۱۸- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *دُر المنتور فی تفسیر المأثور*، کتابخانه آیه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۱۹- طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- ۲۱- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دار المعرفه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ۲۲- طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۲۳- طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
- ۲۴- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، امیر کبیر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۵ش.
- ۲۵- عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ق.
- ۲۶- فاضل لنکرانی، بیانات ایشان در دیدار با رهبر شیعیان پاکستان، ۲۷/۱/۱۳۸۶.
- ۲۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، دار احیاء التراث العربی، لبنان.
- ۲۸- فضل الله، محمدحسین، *تفسیر من وحی القرآن*، دارالملاک للطباعة و النشر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
- ۲۹- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، دارالکتب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
- ۳۰- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
- ۳۱- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ۳۲- مطهری، مرتضی، *تشنش مقاله*، انتشارات صدرا، قم، چاپ هفدهم، ۱۳۸۳ش.
- ۳۳- معتزلی، محمد بن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، دارالحبل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

- ۳۴- معلوف، لويس، المنجد، عربى - فارسى، ترجمه: محمد بندريگى، انتشارات ايران، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ش.
- ۳۵- مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، دار الكتب الاسلاميه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- ۳۶- نيشابورى، ابواسحاق احمد بن ابراهيم ثعلبى، تفسير الكشف و البيان عن تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۳۷- هاشمى خوئى، ميرزا حبيب الله، منهاج البراعة، مكتبة الاسلاميه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۵۸ ش.
- ۳۸- يعقوبى، احمد بن واضح، تاريخ يعقوبى، انتشارات دار الكتب الاسلاميه، بيروت، ۱۴۱۹ ق.

منابع

پیشگامان تقرب

یادآوری

یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام، وحدت و همدلی مسلمانان است و معرفی عالمانی که در اصلاح امت اسلامی کوشش‌هایی کرده، و تلاش خود را در این راه و جبهه همت خود قرار داده‌اند، نقش بسزایی در تحقق این آرمان دارد. در عصر حاضر سکوت در برابر هجوم‌های فرهنگی و اعتقادی دشمنان، اسلام را از هر زمان دیگر آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ چنان که در گذشته نیز در اثر بی‌کفایتی زمامداران حکومت‌های اسلامی و دامن زدن آنان به اختلافات فرقه‌ای، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی را از دست داده‌ایم و سال‌های درازی سرمایه‌های فکری و هنری خویش را صرف اختلافات بی‌اساس کرده‌ایم.

برای اسلام با همه غنا و دارایی بی‌نظیرش، هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده که آرزوهای خود را آن‌طور که شایسته است میان مسلمان محقق سازد. اکنون وقت آن است که نگاهی واقع‌بینانه‌تر و بی‌پیرایه‌تر به اسلام بیفکنیم و با بازگشتی دوباره به اخلاص و ایمان صدر اسلام، مشترکات مذاهب گوناگون اسلامی را در دستور کار خود قرار دهیم تا شاید اسلامی یکپارچه، قدرتمند و قوی را به ارمغان آوریم.

رسیدن به این هدف، عوامل گوناگونی را می‌طلبد که معرفی عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی یکی از این عوامل است. در ادامه به معرفی یکی از عالمان مسلمان می‌پردازیم که نقش مهمی در تقریب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و همدلی و بیداری اسلامی ایفا کرده است.

ابن شهر آشوب عالم تقریبی قرن ششم^۱

امان الله شفایی^۲

چکیده

ایده اصلی نوشتار حاضر ترسیم و توصیف منش و کنش تعامل‌گرای ابن شهر آشوب با اهل سنت است. ابن شهر آشوب به عنوان اندیشمند و عالم بزرگ شیعی قرن ششم هجری بر اساس روش اعتدال‌گرایی و عقل‌محوری، راه تعامل و تعاون با اهل سنت را در پیش گرفته بود. او کسی بود که بی‌پروا و فارغ از هر عصبیتی به مجامع علمی اهل سنت وارد می‌شد و در محضر هر آن کس که می‌توانست از او بیاموزد زانوی تلمذ به زمین می‌زد. از این رو وی در علم رجال و حدیث در هر کجا که به روایت شخصی از اهل سنت اطمینان حاصل می‌نمود آن روایت را در طریق روایی خود قرار داده و نام رجال حدیثی اهل سنت را ذکر می‌نمود. در عرصه علوم قرآن و تفسیر و نیز در سایر علوم به‌ویژه فقه و اصول، ابن شهر آشوب همین مشرب را در پیش گرفته بود. نکته جالب این‌که در علم کلام که میان شیعه و سنی علمی متمایز از سایر علوم شناخته می‌شود، ابن شهر آشوب باز هم از راه تعامل وارد شده و در مشهورترین کتابش «مناقب آل ابی طالب»، اساس ذکر فضایل معصومین علیهم‌السلام را بر روایت‌های معتبر اهل سنت قرار می‌دهد. گفتمان و منش تعامل‌گرای ابن شهر آشوب به‌ویژه در خصوص مباحثات علمی و فکری چنان بود که احترام بسیار زیاد رجال بزرگ دینی اهل سنت را نسبت به خود برانگیخته و بزرگانی از اهل سنت در رسای شخصیت فرافرقه‌ای وی عبارات نغز و تأمل‌برانگیزی را به کار برده‌اند.

واژگان کلیدی: ابن شهر آشوب، تعامل، اهل سنت، تشیع.

مقدمه

در میان علمای بزرگ شیعی قرون میانه، ابن شهر آشوب دارای چنان جایگاهی است که وی را پس از شیخ طوسی (ره) «شیخ طایفه ثانی» لقب داده‌اند. این شخصیت بزرگ در دوران نزدیک به یک قرن

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۱/۲۵.

۲- دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

حیات خود خدمات ارزنده‌ای به مکتب تشیع انجام داد و در حقیقت می‌توان وی را شخصیتی دانست که مشعل تشیع را در دوران عسرت روشن نگاه داشت. ابن شهر آشوب شخصیتی جامع داشت که از یک سو در حوزه‌های مختلف علوم حدیث و تفسیر سرآمد روزگار خود و از طرف دیگر فردی اجتماعی و جهان‌دیده بود. او روحیه‌ای بی‌قرار داشت و پیوسته برای کسب تجربیات جدید و تبلیغ مکتب تشیع مسافرت می‌نمود.

یکی از نکات برجسته در کارنامه ابن شهر آشوب تعامل وسیع و هدف‌مند او با فرقه کلامی اهل سنت بود. چنان‌که در دوران خود و حتی پس از خود در نزد عوام و خواص اهل سنت شخصیتی مورد احترام بود، به‌رغم آن‌که همگان بر شیعه بودن او آگاه بودند. ابن شهر آشوب فردی بود که برای کسب علوم هرگز خود را در پیچ و خم عقیده گرفتار نمی‌نمود؛ از این رو هر جا کسی را می‌یافت که می‌توانست از او توشه‌ای برگیرد، نزد وی زانوی تلمذ می‌زد. از این رو بسیاری از بزرگان اهل سنت معاصرش، نخستین و مهم‌ترین استادان دوران تحصیل او را تشکیل می‌دهند. ابن شهر آشوب زمانی که بر کرسی تدریس نشست و شخصیتی نامی شد، باز هم با علما و مجامع علمی اهل سنت قطع ارتباط نکرد. این در حالی بود که او با جدیت تمام در مسیر تبلیغ و ترویج مکتب تشیع اهتمام ورزید. کتاب «مناقب» او میزان عرق مذهبی و دقت علمی وی را در معرفی و اثبات حقانیت مکتب تشیع نشان می‌دهد.

نوشتار حاضر بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که ابن شهر آشوب به عنوان شخصیت بزرگ تشیع در قرن ششم هجری در رویارویی با اهل سنت چه رویکردی را در پیش می‌گرفت. از این رو در مبحث دوم نوشتار این فرضیه مورد تحلیل و توصیف قرار خواهد گرفت که ابن شهر آشوب به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت تشیع در دوران خود در رویارویی با اهل سنت فردی تعامل‌گرا بود و در منابع شیعه و سنی نمونه‌های بسیاری از تعاملات وی با رجال دینی و علمی اهل سنت وجود دارد.

زندگی و زمانه ابن شهر آشوب

ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب ملقب به زین‌الدین و معروف به ابن شهر آشوب در سال ۴۸۹ق چشم به جهان گشود و در سال ۵۸۸ق در شهر حله از دنیا رفت. (امین عاملی، ۱۳۰۴ق، ج ۱، ص ۸۲) او تحصیل علوم را نزد پدر و نیای خود آغاز کرد و از آنها اجازه اجتهاد گرفت و سپس به شهرهای بسیاری در ایران و عراق و سوریه سفر کرد و با علمای بسیاری هم‌نشین شد و عظمت ویژه‌ای یافت؛ چنان‌که پس از شیخ طوسی به «شیخ‌الطایفه» معروف شد (مدرسی، بی‌تا، ج ۴ و ۵، ص ۵۹).

همه شرح‌حال‌نویسانی که درباره او نوشته‌اند، او را به نیکی یاد کرده و ستایش و تمجید نموده‌اند. مرحوم شیخ عباس قمی در «سفینة البحار» از او چنین یاد کرده است: «ابن شهر آشوب السروی مازندرانی فخر شیعه و روح‌الشریعه و شیخ‌المشایخ امامیه است». او سپس می‌افزاید: «در فضیلت او

همین کافی است که برجستگان اهل سنت به بزرگواری و علو مقامش اذعان کرده‌اند.» (قمی، ۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۲۶).

نام کامل او در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی چنین آمده است: «ابوجعفر محمد بن علی بن شهرآشوب بن ابی نصر سروی مازندرانی ملقب به رشیدالدین و عزالدین» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۰ش، ج ۴، ص ۹۰). در نسبت سروی که به وی و پدر و جدش داده‌اند، بر می‌آید که اصل این خاندان از ساری مازندران بوده است، اما این که محل تولد خود او نیز در مازندران بوده است یا خیر نمی‌توان با اطمینان اظهار نظر کرد. وی از کودکی به تحصیل علم پرداخت، چنان که در هشت سالگی قرآن را از برداشت (پیشین). فیروزآبادی در کتاب «البلغه» او را جزء ائمه نحو و لغت دانسته است (طهرانی، ۴۰۸ق، ج ۱۶، ص ۲۴۳). و مرحوم شیخ عباس قمی هم شخصیت او را برای شیعه همانند خطیب بغدادی برای اهل سنت می‌داند که دارای تصانیف و تعلیقات و رجال و مراسیل و علوم دیگر است (قمی، پیشین).

وی از دانشمندان و برجستگان شیعه در زمان خود بود و به علوم مختلف از جمله علم حدیث، اصول، نحو، فقه، وعظ و منبر، احاطه کامل داشت و ظاهراً در این زمینه‌ها گوی سبقت را از دیگران ربوده بود. بی‌جهت نیست که درباره او گفته‌اند که «وی امام عصر خود و یگانه دهر بوده است.» (امین عاملی، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۶).

ابن شهر آشوب مسافرت‌های زیادی به بلاد مختلف اسلامی داشت و دارای آثار و تألیفات زیادی است و محضر استادان بزرگی را درک کرده و نیز شاگردان برجسته‌ای را تربیت کرده است. از آن‌جا که وی با مردان بزرگی دیدار کرده و در علوم مختلف تبحر یافته است، معلوم می‌شود که در جاهای مختلفی از بلاد اسلامی زندگی کرده است. درباره سفرهای علمی وی، تنها به این نکته اشاره شده است که به دنبال درگیری با حکمران مازندران، آن دیار را ترک کرده و رهسپار بغداد شده است. وی در این شهر به وعظ و مناظره پرداخت و نزد خلیفه وقت «مقتضی» منزلتی یافت، اما پس از مدتی اقامت در بغداد آن شهر را ترک کرده به موصل و سپس به حلب رفت. او در حلب درگذشت و در نزدیکی محلی به نام مشهدالحسین به خاک سپرده شد. وفات وی بنا بر نقل مورخین در سن ۹۹ سالگی در روز بیست و دوم شعبان سال ۵۸۸ اتفاق افتاده است (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۹۱).

منش و روش اعتدال‌گرای ابن شهرآشوب

از جمله ویژگی‌های ابن شهرآشوب، بر اساس تذکره‌ها، ملیح‌المحاوره بودن ایشان بوده است که این ویژگی به خودی خود، باعث تقویت ارتباط وی با فرقه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شده است (مدرسی، پیشین، ج ۸، ص ۵۸). در حقیقت زمانی می‌توان از تعامل‌گرایی در مورد شخصیتی سخن گفت که پیش از آن منش و روش اعتدال‌گرا و سعه صدر وی در قبال دیگران به‌ویژه مخالفانش به اثبات رسیده باشد. از این رو درباره ابن شهرآشوب می‌توان گفت که وی سینه فراخ و ذهنی گشاده

داشت که بسیاری از جمله اهل سنت در گفتمان تقریبی و اعتدال‌گرایی وی می‌گنجیدند. او که فردی شیفته علم‌آموزی و دانش‌اندوزی بود، با توجه به محدودیت دسترسی به اندیشمندان و مراکز علمی، به هر آنچه و هر آن کس که دست می‌یافت مراجعه می‌نمود. از این رو بسیاری از بزرگان اهل سنت در لیست استادان وی قرار دارند. هم‌چنین وی زمانی که به درجه استادی رسیده بود، در حلقه‌های درس وی دانشورانی از فرقه‌های مختلف اسلامی می‌نشستند و با او وارد مباحثه و یا مناظره می‌شدند. اسامی مخالفین تشیع و نظریات فرقه‌های مختلف کلامی در کتاب‌های وی که در علم حدیث و تفسیر تبحری بسیار داشت، دیده می‌شود. ایشان نظریات رجالی و تفسیری آنان را نقد و ارزیابی می‌نمود و در تمام این نقض و ابرام‌ها هرگز به کسی به صرف اعتقاداتش توهین و یا گستاخی نکرده و صرفاً از جنبه علمی موضوع را بررسی می‌نمود. در نمونه جالب زیر وسعت دید ابن‌شهر آشوب نسبت به فرقه‌های مختلف کلامی و دامنه کار او همراه با ادبیات عالمانه وی در حوزه نقادی به خوبی به دست می‌آید. ایشان در ذیل «آیه الكرسي» فراهی‌های مختلف آیه شریفه را متوجه نقد یکی از گروه‌های اعتقادی دانسته و در یگ گفتمان منطقی و عقلایی باورهای ناصواب مخالفین را رد می‌کند. او می‌نویسد:

«الله لا اله الا هو الحي القيوم»... رد بر تمامی (اقسام) کافران است. «الله» که اثبات خدا می‌کند رد بر «دهریه» است که قائل به عدم وجود خدا هستند. «لا اله الا هو» رد بر دوگانه‌پرست‌هاست، زیرا ایشان گویند خدا آفریننده خیر و ابلیس آفریننده شر و شریک خداست. «الحي» رد بر بت‌پرست است. «القيوم» رد بر اصحاب طبایع است که به کمون و ظهور [اشیا] باور دارند. «لا تأخذ سنة ولا نوم» رد بر کسی است که به خدایی عزیر و مسیح اعتقاد دارد. و هم‌چنین رد بر جهم است که گوید خداوند با علم محدث عالم است پس سهو بر او رواست. «له ما فی السموات وما فی الارض» رد بر مفوضه است که [می‌گویند] خداوند جهان را آفرید و کار آن را به شخص محدث سپرد. و نیز رد بر کسانی است که می‌گویند خداوند فقیر است و ما توانگریم. «من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه» رد بر کسی است که شفاعت را نفی می‌کند. «یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم» رد بر جبریه است که می‌گویند خداوند عالم به یک علم و قادر به یک قدرت است. «ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء» رد بر کاهنان و منجمان درباره اعتقاداتی است که پیرامون ستارگان دارند. «وسع کرسیه السموات والأرض» رد بر فلاسفه است که گویند جهان فقط زمین و افلاک است. «و لا یؤوده حفظهما» رد بر ابن باور یهود است که خداوند در آفرینش نخستین خسته شد و روز شنبه استراحت کرد» (ابن‌شهر آشوب، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۶).

نمونه یاد شده نشان می‌دهد که ایشان تا چه اندازه با مبانی کلامی جریان‌های مختلف کلامی آشنایی داشته و رویکرد نقد عالمانه وی بسیاری از نظریات و اعتقادات مخالفین تشیع را در بر می‌گرفته است. از این رو بسیاری از منهج‌شناسان تفسیر و رجال، ابن‌شهر آشوب را مفسر و محدثی اعتدال‌گرا می‌شناسند. همان‌گونه که بسیاری از عالمان دیگر این دوره مانند امین‌الاسلام طبرسی و

شیخ عبدالجلیل رازی چنین بودند. البته ابن شهر آشوب در عین اعتدال‌گرایی و عقل‌محوری، در جای خود صراحت لهجه و شفافیت قلم نیز دارد. برای نمونه او معاویه ابی سفیان را نخستین کسی می‌داند که در میان امت اسلامی عقیده جبرگرایی را ابراز کرد و در ترویج آن کوشید (رک: ملکی میانجی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲).

تمام آثار تألیفی برجای مانده از وی، از جمله کتاب معروف «مناقب آل ابی‌طلب» که بر محور توصیف فضایل ائمه اثنی‌عشری قرار دارد، از منش و روش معتدل او و پرهیز وی از افراط حکایت می‌کند. او در کتاب مناقب بدون تحدی به شخصیت‌های مورد احترام اهل سنت، اساس کتابش را در ذکر مناقب و فضایل معصومین علیهم‌السلام قرار داده است و در این راستا باز هم کوشش نموده است با امتزاج عقل و سنت، اصالت و حقانیت کلامی شیعه را به اثبات برساند. البته او در جای خود متعرض کلام اهل سنت نیز شده است اما مهم این است که او باز هم حد و مرز گفتمان اشکال و تشکیک را پاس داشته و از تندخویی و نابردباری پرهیز نموده است.

تعامل علمی با اهل سنت

پیرو منش و رویکرد اعتدال‌گرایی و عقل‌محوری ابن شهر آشوب، تعاملات گسترده‌ای میان ایشان با طبقات مختلف اهل سنت به ویژه با محدثان و مفسران اهل سنت در مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی به وجود آمد. ابن شهر آشوب از آن‌جا که روحی بی‌قرار داشت و حکمرانان مختلف نسبت به او حساسیت داشتند، نمی‌توانست برای مدت طولانی در نقطه‌ای بماند؛ از این رو پیوسته در حال مسافرت بود. او در سرزمین‌های اسلامی عربی و غیرعربی در هر جا که قدم می‌نهاد توجه اصحاب علم و اندیشه را به خود معطوف می‌داشت که در میان آنان شمار زیادی از علما و اندیشمندان اهل سنت وجود داشتند. به ویژه مسافرت وی از خطه مازندران و اسکان طولانی‌مدت او در بغداد شرایط تعاملات گسترده وی با رجال مذهبی و علمی اهل سنت را پدید آورد. در ذیل، تعاملات وی با بزرگان و اندیشمندان اهل سنت را در ابعاد مختلف بررسی می‌کنیم.

۱- تعامل با علمای اهل سنت

همان‌گونه که گفته شد، ابن شهر آشوب ذهنی روشن و منظری بلند داشت. از این رو در علم‌اندوزی و کسب دانش خویش را در دایره مکتب تشیع محصور نمی‌کرد. وی چه زمانی که در مازندران می‌زیست و چه زمانی که به سایر شهرهای ایران کنونی مسافرت می‌نمود و چه زمانی که در بغداد سکنی گزید و حتی زمانی که در شهرهای موصل، حلب و اقامت نموده بود، همواره در پی دانش‌اندوزی و رسیدن به حقایق بود. از این رو مورخان در شرح حال او در کنار علمای بزرگ شیعه، فهرستی از عالمان بزرگ اهل سنت را آورده‌اند که ابن شهر آشوب یا در محضر آنها تلمذ کرده است و یا این‌که با آنان در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در علم رجال و تفسیر همکاری داشته است.

مشهورترین اندیشمند سنی معاصر ابن شهر آشوب که وی در محضر او تلمذ کرده است «جارالله زمخشری معتزلی» (۴۶۸-۵۳۸م) است که کتاب «تفسیر کشاف» و «ربیع الابرار» و «الفایق فی غریب الحدیث» را که همه از تألیفات خود زمخشری است در نزد او خوانده است و از این استاد اجازه نقل روایت نیز گرفته است (رک: ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۸). جارالله زمخشری در سال ۵۲۸ق کتاب تفسیر کشاف را تألیف نموده و در سال ۵۳۸ق دار فانی را وداع گفته است. از این که ابن شهر آشوب کتاب‌های زمخشری را در نزد خودش خوانده و اجازه نقل روایت آنها را گرفته برمی‌آید که وی در بین سال‌های ۵۲۸-۵۳۸ به شهر خوارزم رفته و در آن‌جا با او ملاقات کرده و از وی کسب علم کرده است (موسوی بجنوردی، پیشین، ج ۴، ص ۹۰). با توجه به فاصله زیاد خوارزم از مناطق مرکزی سرزمین‌های اسلامی می‌توان عزم قاطع و اراده جدی ابن شهر آشوب را در تحصیل علوم و آن هم از شخصیتی غیر شیعی به دست آورد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر مسافرت‌های ابن شهر آشوب با تحقیقات علمی مرتبط بوده است بدون آن که برای وی اهمیتی داشته باشد که مقصد مسافرت او منطقه سنی‌نشین است و یا شیعه‌نشین، و بدون آن که برای وی تفاوت کند شخصیتی که وی از او می‌آموزد، شیعه است یا سنی.

ابن شهر آشوب در مورد علم رجال از مشایخ بسیاری در کتاب‌های خود نام برده که از جمله آنها ابو عبدالله محمد بن احمد نطنزی است. او مؤلف کتاب «الخصائص العلویه علی سائر البریه» است. ابن شهر آشوب که مدتی نزد وی شاگردی کرده است وی را در کتاب خود مورد ستایش قرار داده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۱۱۹).

ابن شهر آشوب از دیگر مشایخ حدیث همانند احمد غزالی، خطیب خوارزمی که از مفاخر رجالی اهل سنت در علوم حدیث هستند بهره برده است؛ همان‌گونه که برخی رجال حدیث اهل سنت در کتاب‌هایشان از ابن شهر آشوب روایت‌هایی نقل نموده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ابن طریق حلی، ابن ابی طی حلی و ابن زهره حلی (رک: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۲-۶). ابن شهر آشوب که در علم تفسیر تبحری شگرف دارد و به عنوان مفسری عمیق و دقیق در توصیف بزرگان اهل سنت معرفی شده است، در مباحث تفسیری خود بدون کمترین تعصب، از مفسران بسیاری از اهل سنت استفاده می‌کند. از جمله این مفسران می‌توان به سدی، مقاتل، زمخشری، جبایی، واحدی، ماوردی، زجاج، خراد، نجاتی، عون و... اشاره کرد.

وی در کتاب «مناقب آل ابی طالب» که معروف‌ترین اثر برجای مانده از ایشان است از دیدگاه‌های اهل سنت بسیار استفاده نموده و نام بزرگانی از آنها را ذکر می‌کند. این کتاب که نموداری از تحقیقات و مهارت وی در تاریخ و حدیث است، مشتمل بر تاریخ حیات چهارده معصوم و فضایل و مناقب آن ذوات مقدس است. ابن شهر آشوب در مقدمه مناقب به تفصیل و با عباراتی نغز علت تألیف کتاب را شرح می‌دهد و از کتاب‌های شیعه و سنی، گفتارهای علمای فریقین و شعرای مشهور عرب برای اثبات مدعای خود شاهد می‌آورد که از هر جهت جالب و با ارزش و حکایت‌کننده وسعت نظر و همت

عالی و شهامت آن بزرگمرد علم و دین است (دوانی، ۱۳۶۳ ش، ج ۳، ص ۵۰۲). ابن شهر آشوب در مقدمه این کتاب انگیزه خود را از تألیف آن بیان می‌نماید که خلاصه آن چنین است:

«چون دشمنی کافران و خوارج را با امیرالمؤمنین دیدم و این که شیعه و سنی در امامت او اختلاف کرده‌اند و اکثریت مردم از ولایت اهل بیت بریده‌اند و از ذکر آنها ترس دارند و از دوستی ایشان اکراه دارند، من از خواب غفلت بیدار شدم و این تنبیه برای من لطفی بود که به کشف احوال و بررسی اختلاف اقوال پردازم. پس به بررسی اخبار و احادیث مضطرب و مختلف از ناکثین و قاسطین و مارقین و ... پرداختم و در این میان ناب‌ترین این روایات را قصه غدیر و آیه تطهیر و خبر طبر دیدم. گروهی از این دشمنان به عللی اخبار اجماعی را تأویل می‌کردند، جمعی در اخبار می‌افزودند یا از آن می‌کاستند، فضایل وارده در مورد اهل بیت را به دیگران نسبت می‌دادند و در این میان بر آن شدم که با دیده انصاف و خالی از نصب و اغماض، شبهه را از حجت، بدعت را از سنت، صحیح را از سقیم، حدیث را از قدیم، حق را از باطل، مفضل را از فاضل از هم جدا کنم. در این میان، از کتب اصلی اهل سنت و جماعت مطالبی را یافتیم که هر دو بر آن اتفاق نظر کرده‌اند. در این مواردی که هر دو مذهب بر آن اخبار اتفاق نظر دارند، آن اخبار حاکم بر دو مذهب می‌شود و شاهدی می‌شود برای حقانیت در اعتقاد درست و حق در بین آن دو مذهب. اعتقاد پیدا کردم که فرقه‌ای که خلاف آن چه را که معتقد است روایت کند به درستی خطا کرده است. پس چگونه ممکن است که انسان روایت کند آن چه که در نزدش کذب است و شهادت دهد به آن چه که بر خلافش اعتقاد دارد. عجب است که در روایاتشان حجت‌هایی بر ضدشان وجود دارد. پس این کتاب را نگاشتم» (ابن شهر آشوب، پیشین، مقدمه).

همان‌طور که از کلمات ابن شهر آشوب برمی‌آید، انگیزه وی بیان فضایل ائمه و معصومین علیهم‌السلام از زبان اهل سنت است؛ یعنی آن چه که از مناقب ایشان در کتاب‌ها و اخبار آنها آمده است. البته وی به کتاب‌های شیعه هم مراجعه نموده و از آنها روایت نقل می‌کند.

۲- ابن شهر آشوب در منظر بزرگان اهل سنت

به‌رغم غرض‌ورزی‌هایی که از سوی برخی اهل سنت نسبت به مکتب تشیع و بزرگان آن صورت می‌گیرد، باید گفت که ابن شهر آشوب از این جریان مستثنی است، زیرا وی به مانند برخی دیگر از عالمان بزرگ شیعی، در سراسر حیات طولانی خود همواره بر اساس منطق اعتدال‌گرایی با اهل سنت در ارتباط بوده و با بسیاری از بزرگان و اندیشمندان اهل سنت رابطه دوستی داشت. گشاده‌رویی و اخلاق خوب ابن شهر آشوب سبب شده بود که محدثان، مفسران و فقهای اهل سنت چه در زمان حیات وی و چه پس از آن با احترام زیادی از او یاد کنند. عبارات برخی از رجال دینی و علمی اهل سنت در توصیف عظمت شخصیت ابن شهر آشوب چنان صادقانه و ارادتمندانه است که کسی باور نمی‌کند که این عبارات از سوی یک عالم دینی اهل سنت نسبت به یک عالم شیعی بیان شده است. در این جا به برخی از مهم‌ترین این توصیفات که در مکتوبات رجال بزرگ اهل سنت آمده است اشاره می‌کنیم:

۱- شمس‌الدین محمد بن علی بن احمد داودی مالکی یکی از شاگردان جلال‌الدین سیوطی در کتاب «طبقات‌المفسرین» درباره شخصیت علمی چندبعدی ابن‌شهرآشوب می‌نویسد: «یکی از مشایخ شیعه به حدیث پرداخت و با رجال حدیث دیدار کرد. سپس به فقه پرداخت و در فقه اهل مذهب خود به درجه نهایت رسید. او در علم اصول چیره گشت چندان که از آفاق به او روی آوردند. در دانش قرآن، قراءات، غریب، تفسیر و نحو تبحر یافت. او پیشوای زمان و یگانه دوران بود. اشتغال غالب او در دانش قرآن و حدیث بود. او نزد شیعه در تألیفات در زمینه تعلیقات حدیث و رجال حدیث، مراسیل، متفق و متفرق و دیگر انواع دانش حدیث به مانند خطیب بغدادی برای اهل سنت است. او دانش گسترده داشت و صاحب فنون بسیار بود» (سیوطی، ص ۹۶).

۲- حافظ بن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ق) در «لسان‌المیزان» درباره عظمت شخصیت ابن‌شهرآشوب می‌نویسد:

«ابن‌شهرآشوب از بزرگان شیعه است و ابن‌ابی‌بطنی در باره‌اش گفته است: ابن‌شهرآشوب به فراگیری علم حدیث اشتغال ورزید و در این راه با بسیاری از علمای حدیث ملاقات نمود. سپس به تحصیل علم فقه پرداخت و در آن به مقام عالی و نهایی رسید و در علم اصول نیز تتبع بیشتری نموده به مهارت کامل دست یافت و در علوم قرائت تفسیر از دیگران پیشی گرفت. او در مورد تمام علوم و معارف اسلامی، متفق، متفرق، مؤلف، مختلف، فصل و وصل و فرق بین رجال خاصه و عامه، یعنی اهل سنت و شیعه، کتاب‌هایی تألیف و تصنیف کرده است» (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۳۱۰).

۳- صلاح‌الدین صفدی از دیگر رجال نامدار قرن هشتم و نهم هجری در توصیف ابن‌شهرآشوب می‌گوید: «محمد بن علی بن شهرآشوب، یکی از سرشناسان شیعه است. او در هشت سالگی قرآن را حفظ کرده بود و در علوم اصول شیعه به حد نهایی رسید. وی در علوم قرآن و مشکلات حدیث و اخبار و لغت و نحو و موعظه در منبر در زمانی که خلیفه عباسی در بغداد بود تقدم داشت... وی دارای دانش وسیع بود، بیشتر عبادت می‌کرد و همیشه با طهارت بود.» (قمی، پیشین، ج ۱، ص ۷۲۶).

۴- مجدالدین بن محمد فیروزآبادی (متوفای ۸۱۷) در کتاب «البلغه» می‌نویسد: «ابن‌شهرآشوب دارای تألیفاتی است به نام «الفصول» در علم نحو... و در کتاب «الجديده» که فواید و گوهرهای بسیاری را در آن گرد آورده است...» (نوری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۸۵).

از مجموع اقوال بالا می‌توان چنین برداشت نمود که ابن‌شهرآشوب در پی تعاملات وسیع علمی و فکری که با اندیشمندان و علمای رشته‌های مختلف دینی اهل سنت داشت، در منظر آنان از چنان جایگاهی برخوردار است که بزرگانی همانند ابن‌حجر عسقلانی و فیروزآبادی و دیگران در رسای شخصیت وی عبارات بالا را به کار برده‌اند.

نتیجه گیری

در پی مشی اعتدال‌گرایی و خردورزی ابن‌شهرآشوب، طریق تعامل میان او و رجال بسیاری از بزرگان دینی و علمی اهل سنت گشوده شد. ابن‌شهرآشوب شخصیتی بود که خود را هرگز در قید و بند موطن و مکتب ننمود. از این رو وی بسیار سفر می‌نمود و در این سفرها تجربه‌های ارزشمندی اندوخت، به گونه‌ای که مسیر زندگی علمی و فکری وی را تغییر داد. او به مناطق مختلف اسلامی سفر می‌نمود و در هر جا که زمینه علم‌آموزی و دانش‌اندوزی را آماده می‌دید، رحل اقامت می‌افکند، فارغ از این که آن‌جا منطقه شیعه‌نشین است یا سنی‌نشین. او همواره به مراکز علمی اهل سنت و علمای بزرگ آن به دیده احترام می‌نگریست؛ از این رو وی قسمت بزرگی از زندگی خود را در بغداد و حلب گذراند. بغداد و حلب در آن شرایط از مناطق مهم اهل سنت محسوب می‌شد.

ابن‌شهرآشوب شخصیتی چندبعدی داشت. او از لحاظ اعتقادی سخت پای‌بند مکتب تشیع و آموزه‌های آن بود و برای اعتلای مکتب تشیع کتاب‌های گران‌قدری در ابواب حدیث، تفسیر، فقه و اصول نگاشت که به طور قطع مهم‌ترین کتاب وی «مناقب آل ابی‌طالب» در باب کلام است. وی در این کتاب باز هم بر اساس مشی اعتدال‌گرایی‌اش، از منابع و مصادر بسیاری از اهل سنت در خصوص فضایل معصومین علیهم‌السلام بهره برده است. همچنین در آثاری که در علوم قرآن و تفسیر از وی برجای مانده، و بی‌محابا اقوال و آرای اهل سنت را نقل نموده و آنها را مورد نقد و ارزیابی قرار داده است. نکته جالب توجه این که وی هنگام نقل آرای مخالفان، صرفاً نام افراد را ذکر می‌کند بدون آن که به گرایش کلامی آنان اشاره‌ای کند، تا آن‌جا که خواننده اگر اطلاعات قبلی دربارهٔ مذهب آنها نداشته باشد، گمان می‌کند شیعه‌اند.

به طور کلی می‌توان گفت با توجه به عظمت شخصیتی ابن‌شهرآشوب و منش تعامل‌گرای وی در قرن ششم هجری، حقیقت وجودی شخصیت وی به خوبی تبیین نشده است، به گونه‌ای که اگر کتاب «مناقب آل ابی‌طالب» نمی‌بود، تا همین اندازه هم از او یاد نمی‌شد. حال آن که وی بیش از آن که یک عالم کلامی باشد، یک محدث، یک مفسر و یک فقیه بزرگ است که آرای وی معیار داوری‌های کرسی‌های نظریه‌پردازی، در مجامع علمی شیعه و سنی، قرار می‌گیرد. تا آن‌جا که در بسیاری از طرق حدیثی و رجالی اهل سنت نام ابن‌شهرآشوب دیده می‌شود و بزرگان دینی اهل سنت، از جایگاه علمی و فکری وی به شایستگی یاد کرده‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن حجر عسقلانی، *لسان‌المیزان*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۵م.
- ۲- ابن‌شهرآشوب، *مناقب آل ابی‌طالب*، مطبعة العلمیه، قم، ۱۴۱۸ق.
- ۳- _____، *معالم‌العلماء*، مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف، ۱۳۸۰ق.
- ۴- _____، *متشابهات القرآن و مختلفه*، به کوشش آقای حسن مصطفوی، تهران، بی‌تا.

- ۵- امین عاملی، سید محسن، *اعیان الشیعه*، تحقیق: حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۰۴ق.
- ۶- دوانی، علی، *مفاخر اسلام*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
- ۷- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *طبقات المفسرین*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ۸- طهرانی، شیخ آقابزرگ، *الذریعه*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.
- ۹- قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، مصحح: علی اکبر الهی خراسانی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۶ق.
- ۱۰- مدرسی، محمدعلی، *ریحانة الادب*، نشر شفق، تهران، بی‌تا.
- ۱۱- ملکی میانجی، محمدباقر، *تفسیر مناہج البیان*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، بی‌تا.
- ۱۲- موسوی بجنوردی، سید کاظم، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، دفتر دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ش.
- ۱۳- نوری، محدث، *مستدرک الوسائل*، آل‌البیت، قم، ۱۴۱۵ق.





سرزمین های
جهان اسلام

کشورشناسی تانزانیا^۱

لیلا قلندرلکی سلطانی^۲

آمنه قلندرلکی سلطانی^۳

چکیده

تانزانیا یکی از کشورهای مهم قاره آفریقا می‌باشد. پایتخت آن دارالسلام است که از مهم‌ترین بنادر آفریقا نیز می‌باشد. حدود یک سوم از خاک این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند. طبق آمار، بیشتر جمعیت این کشور در روستاها زندگی می‌کنند و به کشاورزی مشغول‌اند. گروه‌های قومی زیادی در این کشور زندگی می‌کنند که بزرگ‌ترین این اقوام سوکوما نام دارد که حدود ۱۳٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. زبان رسمی تانزانیا سواحلی است که یکی از عوامل وحدت ملی به شمار می‌آید. قانون اساسی در این کشور در سال ۱۹۶۵ به مرحله اجرا درآمد. تشکیلات اساسی قانونی این کشور شامل قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضاییه می‌باشد. فرقه‌های مختلفی از مسلمان و مسیحی در این کشور هستند؛ از ارتدوکس و پروتستان تا مجمع مسلمانان تانگانیکا و باکوتا و بالوکتا. این کشور یکی از باسوادترین کشورهای آفریقایی است و حدود ۸۵٪ مردم آن باسوادند. با توجه به روستانشین بودن بیشتر جمعیت این کشور، اقتصادش بر پایه کشاورزی است و محصولاتی مانند چای، توتون، قهوه و نارگیل را صادر می‌کند.

این مقاله بر آن است تا موقعیت جغرافیایی، جمعیت، تاریخ سیاسی، قانون اساسی، تقسیمات کشوری، ادیان و مذاهب، وضعیت فرهنگی و اقتصادی و سیاست خارجی تانزانیا را بررسی نماید. **واژگان کلیدی:** آفریقا، تانزانیا، دارالسلام، باکواتا، بالوکتا، زبان سواحلی.

موقعیت جغرافیایی

تانزانیا با ۹۴۵۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، بیست و نهمین کشور جهان در نیمکره شرقی و در پایین خط استوا و در شرق قاره آفریقا قرار گرفته است. این کشور شامل بلندترین مناطق و پست‌ترین

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۱۰/۱۳؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵.

۲- مدرس ایثارگران دانشگاه رازی.

۳- دبیر آموزش و پرورش استان کرمانشاه.

مناطق آفریقا می‌باشد. از شمال با کنیا و اوگاندا و از غرب با رواندا، بروندي و زئیر هم‌مرز بوده و از سمت شرق به اقیانوس هند و از جنوب به زامبیا، مالاوی و موزامبیک محدود می‌گردد. جمهوری متحده تانزانیا از یک سرزمین اصلی به نام تانگانیکا و جزایر زنگبار و پمبا تشکیل شده است. تانزانیا دارای آب و هوایی با تغییرات جزئی می‌باشد و درجه حرارت در نقاط مختلف این کشور در طول سال از ۲۱ درجه الی ۳۵ درجه سانتیگراد تغییر می‌کند. هوای این کشور در مناطق ساحلی و جزایر، گرم و مرطوب و در صحرای مرکزی خشک و گرم است. ارتفاعات و دامنه کوه‌ها دارای هوای معتدل می‌باشد. این کشور به لحاظ قرار گرفتن در کناره اقیانوس هند از بارندگی بسیار خوبی برخوردار بوده و سالانه به طور متوسط ۱۲۰۰ میلیمتر بارندگی دارد.

مهم‌ترین جزایر تانزانیا عبارت است از: انگوجا، پمبا و مافیا. از نظر تقسیم‌بندی، به انگوجا و پمبا جزایر زنگبار گفته می‌شود و مافیا بخشی از استان ساحلی جنوب می‌شود. وجود رودخانه‌های متعدد و پرآب که از قابلیت بهره‌برداری جهت تولید نیروی برق و گسترش کشاورزی برخوردار است از ویژگی‌های این کشور می‌باشد. مهم‌ترین رودخانه‌های این کشور روفیجی، روو، وامی و پانگانی می‌باشد که پس از مشروب نمودن برخی نواحی تانزانیا به اقیانوس هند می‌ریزد. برخی رودخانه‌های کوچک دیگر مانند رووما، اوگالا، نیکونگا و کاگرا به باتلاق‌های داخلی یا دریاچه‌های تانگانیکا، ویکتوریا و نیاسا می‌ریزد. بزرگ‌ترین رودخانه تانزانیا روفیجی نام دارد که طول آن نهصد کیلومتر و میزان آب‌دهی آن به‌طور متوسط ۱۱۳۳ مترمکعب در ثانیه است و زمین‌های مرتفع جنوبی تانزانیا را آبیاری می‌کند و یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های آفریقا می‌باشد. بهره‌گیری از این رودخانه جهت کشت آبی در کناره‌های آن به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف کشاورزی دولت تانزانیا مطرح است. (کوک، ۱۳۷۳ش، ۵۴۹-۵۵۵).

بنادر این کشور عبارت است از: دارالسلام، زنگبار، تانگا، لیندی و امتوارا. دارالسلام مهم‌ترین بندر شرق آفریقا و به دروازه شرق آفریقا شهرت دارد. این بندر مبدأ ورودی کالاهای بسیاری از کشورهای همسایه تانزانیا محسوب می‌گردد. ۹۰٪ کالاهای زامبیا از طریق خط آهن تانزانیا به این کشور وارد می‌گردد. بعد از دارالسلام بنادر تانگا و زنگبار اهمیت بیشتری دارند. دولت تانزانیا در سال‌های اخیر تلاش نموده تا بندر زنگبار را به بندر آزاد تبدیل کند. دارالسلام مهم‌ترین بندر و مرکز صنعتی و تجاری و سیاسی کشور محسوب می‌گردد. دولت از دهه هشتاد به بعد سعی نموده است تا پایتخت را به دودوما در مرکز کشور منتقل کند. این امر به علت تنگناهای مالی به تأخیر افتاده و هنوز اهمیت دارالسلام به عنوان پایتخت همچنان پابرجاست. دیگر شهرهای مهم کشور عبارت است از: زنگبار، موانزا، تانگا، امبیا، تابورا و دودوما (پیشین).

ترکیبات جمعیتی

مطابق آمار سال ۲۰۰۰م ۲۴٪ از جمعیت تانزانیا مسیحی، ۷۰٪ از آنها مسلمان (اکبرزاده، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱) و بقیه نیز پیرو انواع ادیان و آیین‌های سنتی و طبیعت‌پرستانه بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، ۹۷٪ از جمعیت زنگبار و حدود یک سوم جمعیت خاک اصلی تانزانیا مسلمان بوده‌اند. بخش اعظم سکنه آسیایی تانزانیا اسماعیلی‌مذهب‌اند (فانی و دیگران، ۱۳۸۱ش، ج ۴، ص ۵۷).

مطابق آمار اعلام شده از سوی برنامه توسعه و عمران ملل متحد، تانزانیا در پایان سال ۲۰۰۲ میلادی بیش از ۳۷ میلیون و ۱۸۷ هزار نفر جمعیت دارد که ۶/۴۴٪ از آنها را افراد زیر چهارده سال، ۵/۵۲٪ افراد پانزده تا ۶۴ سال و ۹/۲٪ بقیه را افراد بیش از ۶۵ سال تشکیل می‌دهند. نرخ رشد جمعیت تانزانیا در جولای ۲۰۰۲ میلادی به ۶/۲٪ رسید. این کشور به ازای هر یک‌هزار نفر از جمعیت خود ۱۲/۳۹ نفر زاد و ولد، ۲/۱۳ نفر نرخ مرگ و میر و ۸٪ نفر نرخ منفی مهاجرت دارد. نرخ باروری زنان تانزانیا نیز حدود ۳۳/۵٪ است. (برگرفته از سایت روزنامه اطلاعات، اردیبهشت ۱۳۸۷).

در سال ۱۳۷۹ش/۲۰۰۰م، ۸۰٪ از مردم این کشور روستانشین و بقیه شهرنشین بوده‌اند. تراکم جمعیت در نواحی مختلف این کشور، بسیار متفاوت است. در اغلب نواحی داخلی (در مقابل ساحلی)، تراکم جمعیت نسبتاً کم است. جمعیت غیرشهری در اغلب بخش‌های کشور در خانه‌های منفرد و پراکنده ساکن‌اند. بالاترین تراکم (بیش از ۲۵۰ تن در هر کیلومتر مربع) در مناطق حاصل‌خیز کم‌شیب، مانند کناره‌های دریاچه مالای، است. در اغلب مناطق مرتفع و در ناحیه جنوب دریاچه ویکتوریا، معروف به «سرزمین سوکوما»، تراکم جمعیت نسبتاً زیاد است. شیوه سکونت جمعیت غیرشهری مانع توسعه کشور شده است، از این رو اساس برنامه توسعه، تلاش برای روستایی کردن، تمرکز سرمایه‌گذاری و ایجاد «اوجاما» (روستاهای خانوادگی، سکونتگاه‌های متمرکز و همیار) است (2000, Africa south of the sahara, page 1146).

بیش از ۱۲۰ گروه قومی در تانزانیا زندگی می‌کنند. بیشتر مردم، آفریقایی‌تبار و از بانو زبان‌ها هستند. بزرگ‌ترین گروه قومی، سوکوما نام دارد (که ۱۳٪ کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند) و در جنوب دریاچه ویکتوریا سکونت یافته‌اند. دومین گروه بزرگ قومی نیاموزی‌ها هستند (حدود ششصد هزار نفر) که در جنوب ناحیه سوکوماها زندگی می‌کنند و با همسایگان شمالی خود (کنیا و اوگاندا) پیوندهای فرهنگی و زبانی دارند. دیگر قبایل مهم عبارت است از:

هایا (روی هم با اوگاندا چهارصد هزار نفر) در شمال شرق؛ گوگو (حدود ۱۵۰ هزار نفر)؛ ایرامبا (حدود ۱۷۰ هزار نفر)؛ ماسایی (۱۵۰ هزار نفر که در کنیا هم وجود دارند) در شمال شرق دریاچه تانگانیکا؛ قبیله‌ها (بین دویست تا ۲۵۰ هزار نفر) در دامنه‌های قله کلیمانجارو، و شاگا (سیصد هزار نفر) (کوک، پیشین، ص ۵۴۶).

از جمله اقلیت‌های غیرآفریقایی ساکن در تانزانیا، آسیایی‌ها (بیشتر هندی‌ها و پاکستانی‌ها) و اروپایی‌ها و اعراب‌اند. به رغم این تنوع قومی، توزیع نسبی قبایل در سرتاسر سرزمین و واگذاری مناصب مهم به هریک از آنها، موجب ثبات نسبی تانزانیا شده است. (عرب احمدی، ۱۳۷۶ش، ص ۷۶ و ۷۷).

زبان رسمی تانزانیا سواحلی است که گفته می‌شود ۶۰٪ لغات آن از زبان عربی گرفته شده و بقیه واژگانش آمیزه‌ای از زبان‌های بانتو، عربی، انگلیسی و مقدار اندکی پرتغالی، فارسی و هندی است. این زبان تا قبل از استعمار تانزانیا توسط انگلستان به عربی نوشته می‌شد و در حال حاضر به حروف لاتین نوشته می‌شود. تقریباً تمام قبایل تانزانیا، علاوه بر لهجه بومی خود، به سواحلی سخن می‌گویند. حتی جوامع بسته آسیایی در این کشور نیز توانسته‌اند در مقابل نفوذ تدریجی سواحلی مقاومت کنند. به این ترتیب، سواحلی در تانزانیا عامل وحدت ملی است. چون تانزانیا در گذشته مستعمره‌ی انگلیس بوده، زبان انگلیسی در تجارت و آموزش عالی بسیار رایج است (پیشین، ص ۷۷ و اکبرزاده، ۱۳۸۰ش، ص ۱۲).

تاریخ سیاسی

آلمان در سال ۱۸۸۴/۱۳۰۱ تانگانیکا را اشغال کرد. در سال ۱۸۸۵/۱۳۰۲ تانگانیکا تحت‌الحمایه آلمان اعلام شد و سپس در مستعمرات آفریقای شرقی آلمان، شامل رواندا و بوروندی کنونی، ادغام گردید. مقاومت در برابر حاکمیت آلمان، در سال ۱۳۲۳ و ۱۹۰۵/۱۳۲۴ و ۱۹۰۶ با قیام ماجی ماجی در جنوب تانزانیا به اوج رسید. این قیام سرانجام با ایجاد قحطی، که به مرگ شمار زیادی از مردم منجر شد، سرکوب گردید. در سال ۱۹۲۰/۱۳۳۸ جامعه ملل، قیمومت تانگانیکا را به بریتانیا داد. در سال ۱۹۴۶/۱۳۲۵ تانگانیکا «سرزمین تحت قیمومت سازمان ملل متحد» اعلام شد و اداره آن بر عهده بریتانیا باقی ماند. «مجمع آفریقایی تانگانیکا» - که در سال ۱۹۲۹/۱۳۰۸ تأسیس شده بود - در اعتراض به واگذاری زمین به زارعان سفیدپوست مهاجر و سهم ناعادلانه نمایندگی آفریقایی‌ها در حکومت محلی، به مخالفت سیاسی پرداخت. در سال ۱۹۵۴/۱۳۲۳ مجمع آفریقایی تانگانیکا به ریاست نایره به «اتحادیه ملی آفریقایی تانگانیکا» تغییر نام داد. اتحادیه شکواییه‌ای به شورای قیمومت سازمان ملل نوشت و طی آن برای تانگانیکا تقاضای استقلال کرد. هیئتی از طرف سازمان ملل از تانگانیکا بازدید و به انگلستان تأکید کرد که شرایط لازم را برای استقلال تانگانیکا فراهم کند. متعاقباً در انتخابات دو مرحله‌ای در سال ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ / ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹، مجمع آفریقایی تانگانیکا پیروز شد و سپس شورای جدید وزیران شامل وزیران آفریقایی تشکیل گردید. در سال ۱۳۳۹ / ۱۹۶۰ انتخابات دیگری برگزار شد که در آن مجمع آفریقایی تانگانیکا هفتاد کرسی از ۷۱ کرسی مجمع را به خود

اختصاص داد و نایرره نخست‌وزیر تانگانیکا شد (Africa south of the sahara, page ۱۱۴۷, 2000).
(امینی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۰۳).

تانگانیکا در اردیبهشت ۱۳۴۰/مه ۱۹۶۱ در زمان نخست‌وزیری نایرره، خودمختاری داخلی به دست آورد. استقلال سیاسی تانگانیکا به طور رسمی در هجدهم آذر ۱۳۴۰/نهم دسامبر ۱۹۶۱ اعلام شد. زنگبار، پمبا و چند جزیره کوچک، که از سال ۱۳۰۷/۱۸۹۰ تحت‌الحمایه بریتانیا بود، در سال ۱۳۴۲/۱۹۶۳ به صورت سلطان‌نشینی مستقل درآمد. در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴ حکومت سلطان آن‌جا، سید جمشید بن عبدالله بن خلیفه (سلطان بن عبدالله)، در درگیری مسلحانه ملی‌گرایان آفریقایی با اقلیت عرب که در رأس قدرت بودند، واژگون شد. ملی‌گرایان جمهوری اعلام کردند و حزب افرو شیرازی به رهبری شیخ عبید امانی کُرومه، به قدرت رسید. در همان سال، نایرره سند اتحادی با کُرومه، رئیس‌جمهور زنگبار، امضا کرد و به این ترتیب دو کشور به یکدیگر ملحق شدند. پس از چندی، اتحادیه‌ای با عنوان «جمهوری متحد تانزانیا» به وجود آمد. در این اتحادیه، کُرومه معاون اول رئیس‌جمهور تانزانیا و رئیس شورای عالی انقلابی حاکم بر زنگبار شد. در سال ۱۳۴۴/۱۹۶۵ قانون اساسی جدیدی - که متضمن نظام سیاسی تک‌حزبی بود - به اجرا درآمد، هرچند در عمل تا سال ۱۳۵۶/۱۹۷۷ فضای سیاسی کشور تحت سیطره دو حزب اتحادیه ملی آفریقایی تانگانیکا و افرو شیرازی بود.

در سال ۱۳۴۴/۱۹۶۵ نایرره در پی انتخاباتی در تانزانیا، رئیس‌جمهور جمهوری متحد تانزانیا شد. او به طور پیاپی در سال‌های ۱۳۴۹/۱۹۷۰، ۱۳۵۴/۱۹۷۵ و ۱۳۵۹/۱۹۸۰ رئیس‌جمهور تانزانیا شد. کُرومه تا سال ۱۳۵۱/۱۹۷۲ مخالفان خود را در زنگبار سرکوب می‌کرد و در این تاریخ، گروهی از پناهندگان سیاسی زنگباری مستقر در دبی او را ترور کردند. نایرره، عبود جومبه را معاون اول خود و رهبر حزب افروشیرازی کرد.

در سال ۱۳۵۶/۱۹۷۷ با ادغام اتحادیه ملی آفریقایی تانگانیکا و حزب افروشیرازی، حزب انقلابی خلق تشکیل شد و مجمع ملی تانزانیا قانون اساسی دایمی را، که ضامن سلطه حزب انقلابی خلق در نظام حکومتی بود، تصویب کرد. در سال ۱۳۵۹/۱۹۸۰ انتخابات ریاست‌جمهوری و نهاد قانون‌گذاری برگزار شد که در آن نایرره بار دیگر رئیس‌جمهور گردید و نیمی از اعضای منتخب مجمع ملی، شامل چند وزیر، کرسی نمایندگی را از دست دادند. این ناکامی، بازتاب اعتراض رأی‌دهندگان به کمبود ارزاق عمومی و دیوان‌سالاری ناکارآمد کشور بود. در سال ۱۳۶۳/۱۹۸۴ مجمع ملی در قانون اساسی تغییراتی داد که بر اساس آن، اختیارات رئیس‌جمهور محدود و بر اختیارات مجمع ملی افزوده شد. در سال ۱۳۶۴/۱۹۸۵، چند مقام نظامی و غیرنظامی به اتهام دست داشتن در طراحی کودتا - که نافرجام ماند - دستگیر شدند. در آبان ۱۳۶۴/۱۹۸۵، نایرره در آستانه انقضای دوره ریاست‌جمهوری خود استعفا

کرد. علی‌حسن مووینی (از حزب انقلابی خلق) که از سال ۱۳۶۳/۱۹۸۴ رئیس‌جمهور زنگبار و معاون رئیس‌جمهور تانزانیا بود، رئیس‌جمهور تانزانیا شد. وی ژوزف واریوبا، وزیر پیشین دادگستری، را نخست‌وزیر و معاون اول خود کرد. نایره هم‌چنان رئیس‌حزب انقلابی خلق ماند. هم‌زمان، انتخابات مجمع ملی برگزار شد.

هم‌چنین در انتخابات ریاست‌جمهوری و قانون‌گذاری زنگبار در اکتبر ۱۹۸۴، ادیس عبدالوکیل رئیس‌جمهور زنگبار شد. در سال ۱۳۶۵ش/۱۹۸۶ مووینی از فساد و سوء مدیریت رایج در حزب انقلابی خلق انتقادات تندی کرد. طی ماه‌های بعد چند مقام حزبی و مدیر تشکیلاتی از کار برکنار شده یا تنزل رتبه یافتند و برخی از آنان نیز از حزب اخراج شدند.

تا سال ۱۳۶۶ش/اواخر سال ۱۹۸۷ دو دستگی درون حزب آشکار شد. سوسیالیست‌های محافظه‌کار هوادار نایره، در مقابل مصلحت‌گرایان مدافع مووینی - که مشی لیبرالی داشت - قرار داشتند. مقابله نایره و مووینی، با انتخاب مجدد نایره به ریاست حزب در سال ۱۳۶۵ش/۱۹۸۶ تشدید گردید. مووینی سه وزیر محافظه‌کار را، که با سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مخالفت داشتند، برکنار کرد. در سال ۱۳۶۷ش/اوایل ۱۹۸۸ بحران سیاسی در زنگبار فزونی گرفت که حاصل رقابت‌های اساسی میان ساکنان زنگبار و جزایر کوچک‌تر و پمبا، میان اعراب و آفریقایی‌های زنگبار و میان مدافعان و مخالفان وحدت با تانگانیکا بود (کوک کرافت، ۱۳۷۲ش، ص ۱۲۵-۱۲۶).

در سال ۱۳۶۹ش/۱۹۹۰ برخی اقدامات و رویدادهای سیاسی موجب تحکیم موقعیت مووینی شد. او سوسیالیست‌های تندرو را از کابین‌ها اخراج نمود و در پی کناره‌گیری نایره از حزب مووینی به ریاست حزب برگزیده شد و در ششم آبان ۱۳۶۹ش/۲۸ اکتبر ۱۹۹۰ دوباره رئیس‌جمهور گردید و جان مالکلا را نخست‌وزیر و معاون اول خود کرد. هم‌چنین در سال ۱۳۶۹ش/۱۹۹۰ انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری در زنگبار برگزار شد که در آن تنها نامزد ریاست‌جمهوری، سالمین‌آمور، رئیس‌جمهور شد.

در سال ۱۳۷۱ش/۱۹۹۲ قانون اساسی جمهوری متحد تانزانیا و زنگبار به منظور تأمین نظام سیاسی چندحزبی اصلاح شد و از اواسط سال ۱۹۹۲ چند سازمان سیاسی به صورت رسمی به ثبت رسید. با وجود این، حکومت، فعالیت‌های مخالفان را محدود می‌کرد. در همین سال زنگبار عضو سازمان کنفرانس اسلامی شد. رهبران سیاسی مسیحی، این اقدام را خلاف قانون اساسی تانزانیا دانسته و انتقادات بسیار تندی کردند. بحث‌های حادی نیز در مورد آینده سیاسی اتحادیه درگرفت. در سال ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳ کمیسیون ویژه مجلس تانزانیا اقدام حکومت محلی را خلاف قانون اساسی تلقی کرد و زنگبار از سازمان کنفرانس اسلامی خارج شد (۱۱۵۲-۱۱۴۸، page Africa south of the Sahara, 2000).

تحولات سیاسی تانزانیا در سال ۱۹۹۳/۱۳۷۲ حول دو مسئله شکل گرفت: سهم قدرت زنگبار و تانگانیکا در ساختار سیاسی و اداری اتحادیه، و اختلاف فزاینده مسلمانان و مسیحیان. طرح اصلاحیه قانون اساسی که مجمع ملی برای مستقل کردن نهادهای قانون‌گذاری و حکومتی تانگانیکا پیشنهاد کرده بود، با مخالفت رجال سرشناس چون نایره - که آن را خطری برای وحدت ملی می‌دانستند - منتفی شد. معضلات اقتصادی دولت و فعالیت فزاینده اسلام‌گرایان، حزب حاکم را با وضع دشواری روبه‌رو ساخت. در سال ۱۳۷۳/اواخر سال ۱۹۹۴ رهبری حزب انقلابی خلق دچار آشفتگی شد. نایره از مالکلا و هراکه کولیمبا (دبیرکل حزب) به شدت انتقاد کرد و خواستار کناره‌گیری آنان از مناصب خود شد و مووینی را نیز بی‌کفایت خواند. وزیران کابینه در حمایت از نایره، نشست دولت به درخواست مووینی را تحریم کردند. مووینی نیز در سیزدهم آذر ۱۳۷۳/چهارم دسامبر ۱۹۹۴ مجمع ملی را منحل و با انتصاب کلویا ماسویا به نخست‌وزیری، دولت جدید خود را اعلام کرد (اسمیت، بی‌تا، ص ۴۲).

تشکیل حکومت، قانون اساسی و تحولات آن

جمهوری متحده تانزانیا در ۲۶ آوریل ۱۹۶۲، هنگامی که تانگانیکا و زنگبار برای تشکیل یک حکومت ائتلافی یکی شدند تشکیل گردید. قانون اساسی موقت ۱۹۶۵ مقدمات قانون موقت اتحادیه را آماده کرد و ارگان‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی حکومت شروع به کار کرد. رئیس‌جمهور رئیس کشور، رئیس دولت و فرمانده کل نیروهای مسلح می‌باشد. نخست‌وزیر مسئول اداره امور دولت است و مجلس مسئول قانون‌گذاری است که طبق قانون اساسی اقتدار کامل دارد.

در ژوئن ۱۹۷۵ مجلس ملی لایحه اصلاح قانون اساسی موقت را که به صورت رسمی اصول اساسی سوسیالیسم و اعتماد به نفس را به قانون اساسی موقت ضمیمه می‌کرد، تصویب کرد و در سرزمین اصلی به حزب «تانو» تفوق قانونی اعطا نمود. در پنجم فوریه ۱۹۷۷ حزب جدید سی.سی.ام یا حزب انقلابی به دنبال ادغام احزاب تانو آفروشیرازی از زنگبار و پمبا تشکیل گردید. این حزب مسئولیت کلیه فعالیت‌های سیاسی و وظایف دولتی را پذیرفت. در ۲۵ آوریل ۱۹۷۷ مجلس ملی قانون اساسی دائمی مشتمل بر ده فصل و ۱۵۲ بخش را بر اساس آزادی، عدالت، برادری، صلح و اصول همکاری و برابری انسانی، سوسیالیسم، اعتماد به نفس و دموکراسی تصویب کرد. شورای انقلابی زنگبار در اکتبر ۱۹۷۹ قانون اساسی جداگانه‌ای را با مواردی برای انتخاب عمومی رئیس‌جمهور و شورای نمایندگان انتخابی توسط نمایندگان حزب سی.سی.ام پذیرفت. بنابراین در ژانویه ۱۹۸۰ لایحه‌ای برای اصلاح قانون اساسی تانزانیا در دستور کار قرار گرفت. اصلاحات بیشتر در اکتبر ۱۹۸۴

به تصویب رسید. قدرت مجلس ملی زیادت‌تر گردید و از جمله، تغییرات عمده‌ای در ترکیب آن صورت گرفت. قانون اساسی جدید زنگبار در ژانویه ۱۹۸۵ به اجرا در آمد و در آن انتخابات مستقیم پارلمان زنگبار «خانه نمایندگان» پیش‌بینی گردید.

تشکیلات حکومتی (قوای سه‌گانه)

ارکان حاکمیت در تانزانیا شامل قوه مقننه، مجریه و قضائیه می‌باشد.

الف) قوه مجریه

نهادهای تشکیل دهنده قوه مجریه عبارت است از: ریاست‌جمهور و دولت (نخست‌وزیر و کابینه). در تانزانیا کاندیدای ریاست‌جمهوری از طرف حزب سی.سی.ام. به مردم معرفی و برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود. رئیس‌جمهور دارای دو معاون می‌باشد و به موجب قانون اساسی تانزانیا، اگر رئیس‌جمهور تانزانیا اهل سرزمین اصلی (تانگانیکا) باشد، معاون اول وی می‌بایست از زنگبار انتخاب شود و اگر وی اهل زنگبار باشد معاون اول وی باید از سرزمین اصلی انتخاب شود. معاون رئیس‌جمهور مربوط به زنگبار در عین حال رئیس‌جمهور زنگبار محسوب می‌گردد. رهبری اداره امور اجرایی کشور با نخست‌وزیر است. رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزرا را از میان نمایندگان مجلس ملی انتخاب می‌کند. فرماندهی کل نیروهای مسلح و همچنین انتخاب مسئول قضایی کشور با رئیس‌جمهور است. رئیس‌جمهور بدون مراجعه به پارلمان حق وضع قانون ندارد. قبل از اجرای هر لایحه قانونی که توسط مجلس ملی وضع می‌شود موافقت رئیس‌جمهور نیز لازم است، اما اگر رئیس‌جمهور از قبول آن خودداری کند و لایحه قانونی بار دیگر با آرای دو سوم نمایندگان مجلس ملی به تصویب رسد رئیس‌جمهور قانوناً ملزم است ظرف ۲۱ روز موافقت خود را اعلام کند، مگر این‌که قبل از آن زمان مجلس را منحل نماید که در این مورد او باید از انتخابات جدید پشتیبانی کند. علاوه بر وزرای کابینه، رئیس‌جمهور نمایندگانی در بعضی از دستگاه‌های اجرایی دارد که به آنها وزیر دوم یا وزیر رابط رئیس‌جمهور گفته می‌شود. آنها گرچه در کابینه حضور ندارند ولی نقش وزیر مشاور را ایفا می‌نمایند.

ب) قوه مقننه

پارلمان (مجلس ملی) بالاترین مرجع قانون‌گذاری می‌باشد. مجلس کلیه قوانین مربوط به سرزمین اصلی را وضع می‌کند. امور داخلی زنگبار خارج از صلاحیت این مجلس بوده و توسط شورای

انقلابی زنگبار (امور اجرایی) و خانه نمایندگان (امور قانون گذاری) اداره می‌گردد. طبق مفاد اصلاحات قانون اساسی ۱۹۸۴ مجلس ملی شامل ۲۳۹ عضو به شرح ذیل است:

الف) اعضای انتخابی (۱۰۱ نماینده از سرزمین اصلی و ۵۵ نماینده از زنگبار)؛

ب) اعضای غیر انتخابی (پنج نماینده پیشنهادی خانه نمایندگان زنگبار، پانزده نماینده زن، پانزده نماینده از سازمان‌های توده‌ای حزب، پانزده نماینده منصوب رئیس‌جمهور، ۲۵ نماینده شامل استانداران).

تعداد نمایندگان مازاد بر این تعداد به نظر کمیسیون انتخابات بستگی دارد و بر همین مبنا تعداد نمایندگان در انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹۸۵ به ۲۴۴ نفر بالغ گردید.

دوره قانون گذاری پنج سال است مگر این که رئیس‌جمهور قبل از اتمام دوره پارلمان آن را منحل کند. ریاست پارلمان را «رئیس آدام سایی امکواوا» به عهده دارد. طبق مفاد قانون اساسی زنگبار که در ژانویه ۱۹۸۵ معرفی گردید، خانه نمایندگان زنگبار شامل پنجاه نماینده انتخابی، پنج استاندار، ده نماینده انتصابی رئیس‌جمهور و ده نماینده از سازمان‌های حزب و زنان می‌باشد.

لازم به یادآوری است که کاندیداهای مجلس قبل از معرفی به مردم می‌بایستی از طرف حزب سی.سی.ام تأیید شده باشند.

ج) قوه قضاییه

سیستم قضایی تانزانیا از کمیسیون دائمی بازرسی دادگاه استیناف، دادگاه عالی، دادگاه بخش و دادگاه مقدماتی تشکیل شده است.

دادگاه استیناف: شامل رئیس دادگستری و چهار قاضی استیناف می‌شود. دادگاه استیناف شرق آفریقا که به جرم‌های جنایی و غیرنظامی افراد کنیا، اوگاندا و تانزانیا رسیدگی می‌کرد در ژوئیه ۱۹۷۷ منحل شد و دادگاه استیناف تانزانیا در سپتامبر ۱۹۷۹ تأسیس گشت.

دادگاه عالی: مرکزش در دارالسلام است اما جلسات مرتبی در تمام مناطق دارد. این دادگاه شامل یک رئیس و ۲۹ قاضی می‌شود.

دادگاه بخش: در هر منطقه‌ای (استانی) قرار گرفته و توسط دادرس مقیم و یا دادرس بخش اداره می‌شود. این دادگاه‌ها قلمرو قضایی محدود دارند و حق استیناف به دادگاه عالی وجود دارد.

دادگاه مقدماتی: در هر بخشی وجود دارد و توسط دادرس‌های مقدماتی اداره می‌گردد.

آنها قلمرو قضایی محدودی دارند و حق استیناف به دادگاه‌های بخش و سپس به دادگاه عالی

وجود دارد. (امینی، پیشین، ص ۱۰۷-۱۰۹).

تقسیمات کشوری و اداری

از نظر تشکیلات اداری، حکومت تانزانیا دارای ۲۲ منطقه استان می‌باشد. بیست منطقه در سرزمین اصلی و دو منطقه دیگر در زنگبار واقع است. هر منطقه توسط یک مأمور عالی‌رتبه که در مقابل حکومت مرکزی مسئول است و از طرف رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود، اداره می‌گردد. این مناطق به ۹۶ ناحیه تقسیم می‌گردد که هر کدام زیر نظر یک مأمور ناحیه‌ای است. بیشتر شهرهای تانزانیا فاقد شهرداری و به طور ناحیه‌ای اداره می‌شود. در سرزمین اصلی، مأموران منطقه‌ای، دبیر منطقه‌ای حزب سی. سی. ام نیز می‌باشند. مأمور منطقه‌ای به نسبت محدوده مسئولیت خود دستیارانی دارد و از همکاری مدیران توسعه و سایر مقامات بهره‌مند می‌گردد که این افراد عضو شورای توسعه بوده و کار شورای توسعه، اداره منطقه یا حوزه می‌باشد. (پیشین، ص ۱۱۰).

تاریخچه ادیان و مذاهب

مسیحیان با روش‌های مختلف از یکصد سال پیش به تبلیغ مسیحیت پرداخته و روزبه‌روز در جهت افزایش پیروان مسیح و سوق دادن نسل‌های آینده به طرف مسیحیت بر دامنه فعالیت‌های خود می‌افزایند. مسیحیان با درک نیازهای مردم محروم منطقه با توسل به ابزار مورد نظر اهداف خود را به پیش می‌برند.

سابقه مسیحیت در شرق آفریقا به سال ۱۴۹۸ بازمی‌گردد. در آن سال سه کشتی بزرگ پرتغالی که بر روی عرشه یکی از آنها صلیب بزرگی حمل می‌شد در مالیندی پهلو گرفت و اولین مسیونرها به ساحل پا گذاشته به تبلیغ مشغول شدند. از آن زمان تا اواسط قرن نوزده فعالیت‌های مسیحیت با انقطاع و اغلب عدم توفیق همراه بوده است. در نیمه دوم قرن ۱۹ دوباره هیئت‌های مذهبی برای بررسی مسائل شرق آفریقا و چگونگی نفوذ اروپاییان و مسیحیت به آن منطقه گسیل شدند. از میان آنها باید از دکتر دیوید لیوینگستون نام برد که با مطالعات و فعالیت‌های خود کمک شایانی به توسعه مسیحیت و بازکردن پای استعمار نمود در حالی که در منطقه تانزانیا از او به نیکی یاد می‌کنند. او قبل از شروع سفر به تانزانیا در دانشگاه کمبریج گفته بود: «من به آفریقا بازمی‌گردم تا راه نجات مسیحیت را هموار سازم، از شما می‌خواهم توجه خود را به آفریقا معطوف کنید و راه مرا ادامه دهید و نگذارید دروازه آفریقا دوباره به روی اروپاییان بسته شود».

مسیونرها یکی از پس دیگری وارد شدند و در مومباسا، باگامویو، زنگبار و سایر مناطق ساحلی رحل اقامت افکندند. آرام آرام به درون قبایل رفتند و با ارائه ژست مخالفت با برده‌فروشی اعراب مسلط بر زنگبار و حتی اقدام عملی در این مورد جای خود و منافع کشورهایشان را باز کردند. مسیونرها از زنگبار به عنوان پلی برای ورود به داخل شرق آفریقا استفاده می‌کردند و ابتدا با اجازه

سلطان زنگبار و بعد رأساً یکی پس از دیگری از راه رسیدند و حاکمیت خود را تا نیمه دوم قرن بیستم به شکل‌های سیاسی و فرهنگی حفظ کردند. شمار مسیحیان تانزانیا در اوایل قرن بیستم کمتر از یک میلیون نفر بود ولی تعداد آنان در حال حاضر به شش تا هشت میلیون نفر می‌رسد (کورنون، بی‌تا، ص ۶۸-۷۲).

به شهادت تاریخ، حتی قبل از نفوذ مسیحیت به تانزانیا، بومی‌های آن کشور به خدای واحد اعتقاد داشتند و پیرو مذاهب یکتاپرستی اجدادشان بودند و هنگام برخورد با نامالایمات به درختان بزرگ و کوه‌ها و دهانه غارها پناه می‌بردند و در آن‌جا به عبارت می‌پرداختند. تاریخ ورود شیعیان امامیه یا اثناعشری به شرق آفریقا به سال‌های اواسط قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد که جمعی از ایرانیان (حسن بن علی و پسرانش که تاجر بودند) برای خدمت سلطان زنگبار وارد این سرزمین شدند. برخی از تاجر خوجه هندی نیز که به این سرزمین می‌آمدند شیعه امامی (و بیشتر آنها اسماعیلی) بودند (اکبرزاده، پیشین، ص ۱۱).

این شیعیان امامی مذهب از شیخ زین‌العابدین مازندرانی (متوفی ۱۳۰۹ق) تقاضا کردند یک روحانی برای اداره امور ایشان بفرستد و از این رو سید عبدالحسین مرعشی شوشتری در سال ۱۸۸۵م به این سرزمین اعزام شد. بعدها یک روحانی شیعه دیگر نیز به نام سید غلام‌حسین از حیدرآباد هند به این سرزمین آمد. تا سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۵م که آقاخان سوم، سلطان محمدشاه، از شرق آفریقا دیدن کرد تفکیک و تمایز چندانی میان خوجه‌های اثناعشری و خوجه‌های اسماعیلی مشهود نبود، اما آقاخان دستور داد اتباع او خود را از امامی‌ها جدا کنند و حاصل این کار آن شد که امامی‌ها دریافتند که مسجد و گورستان و جایی برای جمع شدن ندارند. این خوجه‌های امامی بعدها توانستند با کمک هند سروسامانی به اوضاع خود بدهند.

شیعیان امامی در خلال قرن بیستم میلادی از شهرهای ساحلی مثل مومباسا، مورونزا، تانگا، دارالسلام، لیندی، لامو و باگامویو به شرق آفریقا راه گشودند و به شهرهای نایروبی، آروشا، بوکوبا، موشی، مورونزا، کامیالا و سونگی رسیدند. گروه‌های کوچکی از این شیعیان در سال ۱۹۲۰ میلادی حتی به شهر اوسومبورا در زئیر راه یافتند. این شیعیان در گروه‌های سیصد تا هفتصد نفری عموماً در کار تجارت و دادوستد فعالیت می‌کردند. (فانی و دیگران، پیشین، ص ۵۸).

بسیاری از رؤسای قبایل، حتی در بخش‌هایی از اوگاندا، مسلمان شدند و با مسلمانان ساحلی همکاری کردند. با وجود این، تا پیش از حضور آلمان در شرق آفریقا در دهه ۱۸۸۰ (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۷)، نفوذ فرهنگ و زبان سواحلی و اسلام، هم‌چنان به نواحی پیرامون مسیرهای کاروانی و تجاری محدود ماند. این قبایل پذیرفتن اسلام را نشانه ترقی و برخوردارگی از موقعیت والا می‌دانستند (کتانی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۱۰-۲۰۹).

به رغم این که اکثریت مردم تانزانیا را مسلمانان تشکیل می‌دهند، اما بیشتر پست‌های کلیدی در اختیار مسیحیان قرار دارد. مسیحیان که خود در ابتدا ایجاد کننده مدارس بوده‌اند همچنان بر نظام آموزشی تسلط دارند و با کمک‌های مختلف در این زمینه و اعطای بورسیه و انتشار کتاب‌ها و نشریات موجب وابستگی افراد تحصیل کرده و منصوب شدن آنان در پست‌های کلیدی مملکتی می‌شوند. یکی از شواهد عدم دسترسی مسلمانان به تحصیلات عالی، در اقلیت بودن دانشجویان مسلمان در دانشگاه‌های تانزانیاست که با وجود جمعیت بیش از هفتاد درصدی مسلمانان، فقط ۱۰٪ دانشجویان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در سیستم آموزشی تانزانیا دانش‌آموزان مسلمان به علت فقر مالی پایه‌پای ورود به کلاس بالاتر از تعدادشان کاسته می‌گردد در حالی که مسیحیان به علت برخورداری از حمایت تشکیلات مسیحیت، تحصیلات خود را تا مراحل بالا ادامه می‌دهند و در نتیجه در امور مملکتی بیشتر دخیل هستند.

دولت تانزانیا با اتخاذ مشی سوسیالیسم در عین حال که غیرمذهبی (لایک) می‌باشد، اما طبق قانون اساسی به آزادی مذهب معتقد بوده و با تشکیلات مذهبی مختلف رابطه حسنه دارد. نظر به وجود قبایل بی‌شمار و همچنین نژادها و مذاهب متعدد و به منظور احتراز از اختلافات نژادی و مذهبی، دولت تانزانیا همواره سعی خود را بر آرامش، اتحاد و مسالمت بین مذاهب و عقاید مختلف مصروف داشته است. این امر تانزانیا را در طی سالیان گذشته به الگویی از ثبات و آرامش در قاره آفریقا تبدیل نموده است.

در تانزانیا روحیه تسامح و تحمل عقیده مخالف رایج می‌باشد. شاید زندگی در کنار اقوام گوناگون و سوابق تاریخی استعماری موجب این روحیه شده باشد. در این کشور روابط ادیان مختلف حسنه بوده و در کنار یکدیگر در آرامش زندگی می‌کنند و کشمکش و نزاع‌های مذهبی بسیار نادر است. مساجد و کلیساها در کنار یکدیگر قرار دارند. همچنین معابد و بتخانه‌های هندوان و جماعت‌خانه‌های اسماعیلی‌ها به راحتی در کنار مساجد و کلیساها تحمل می‌شوند و هر یک بدون این که مزاحم یکدیگر شوند به مراسم خاص خود مشغول هستند. از جمله عوامل تعیین کننده رابطه مسالمت‌آمیز ادیان، رابطه ظاهری یکسان سران مملکت با مسلمانان و مسیحیان است. دولت تانزانیا نه تنها عامل ایجاد تنش بین معتقدان مذاهب مختلف نبوده بلکه همواره حامی آرامش و حسن نیت بین آنها بوده است. مسئولان عالی‌رتبه دولتی تانزانیا همیشه از هرگونه تفرقه و اختلاف مذهبی، نژادی و قبیله‌ای پرهیز نموده و از اتحاد و آرامش و صلح و ثبات طرفداری کرده‌اند. (کورنون، پیشین، ص ۷۴).

فرقه‌های مسیحی تانزانیا

از شاخه‌های مسیحیت، کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس در تانزانیا دارای پیرو هستند. دو شاخه اول دارای میسیونری، کلیسا و پیرو هستند و پروتستان‌ها از فرقه‌های مختلف لوتران، انگلیکن، کلیسای خدا، میسیونری پروردگار، سون دیز و باپتیستها متشکل می‌باشند که اعضای شورای مسیحیت تانزانیا به حساب می‌آیند. این شورا که در اکتبر ۱۹۸۷ جشن شصتمین سال تأسیس و تشکیل و استقرار کامل خود را بر پا کرده بود در مقایسه با کاتولیک‌ها در اقلیت می‌باشد. در شورای مسیحیت تانزانیا افراد کلیسای کاتولیک عضویت ندارند و این شورا با شورای جهانی کلیساها که مرکز آن در هلند است، ارتباط دارد و تبلیغات و مسائل پروتستان‌ها را با آن هماهنگ می‌کند (Africa south of the sahara, 2000).

برخی از این فرقه‌ها به طور مختصر به شرح ذیل می‌باشد:

فرقه لوتران

لوتران‌ها وابسته به کلیسای لوتران در آلمان هستند و به واسطه سلطه آلمان بر تانزانیا در قرن نوزدهم در این کشور نفوذ کردند. هیئت‌های تبشیری آلمانی برای نخستین بار در شرق آفریقا شروع به فعالیت کردند و پس از پایان دوران سلطه آلمانی‌ها بر تانزانیا هم‌چنان به صورت میسیونری باقی ماندند. لوتران‌های آلمانی در ابتدای کار فعالیت‌های گسترده‌ای در کنیا، تانزانیا و اوگاندا داشته کلیساها، مدارس و مراکز تبلیغی زیادی بنا نهادند. در جریان جنگ‌های استقلال طلبانه و بروز خشونت تحمل‌ناپذیر از سوی آلمانی‌ها و هم‌چنین جنگ جهانی اول دامنه فعالیت لوتران‌ها محدودتر شد. پس از پایان جنگ جهانی دوم و پیشرفت‌های اقتصادی آلمان، بار دیگر برای توسعه مسلک و مذهب خویش برنامه‌ریزی وسیعی را شروع کردند و این بار با روشی متحول و نزدیک به خصوصیات فرهنگی بومیان بسیار مؤثرتر از گذشته شروع به پیشروی کردند.

فرقه انگلیکن^۱

این فرقه در سال ۱۸۶۴ توسط جامعه میسیونری وابسته به انگلیس در تانزانیا تأسیس گردید و با انجام خدمات خیریه و ایجاد امکانات آموزشی به تبلیغ پرداخت و در حال حاضر حدود نیم میلیون پیرو در سرتاسر تانزانیا دارد. مرکزیت فرقه انگلیکن در دودوما پایتخت آینده کشور است و در شهرهای

۱- کلیسای انگلیکن کاملاً پروتستان محسوب نمی‌شود و در مواردی با اعتقادات کاتولیک‌ها شباهت‌هایی دارد و کلاً کلیسای مستقلی است.

دارالسلام، بوکوبا، کوندا، مایفوتی، آروشا، ایرینگا، موشی، مواپوا، ماساسی، سونگیا، اوجی جی و زنگبار نیز مراکز عمده تبلیغی و کلیسای بزرگ دارد. در رأس این فرقه اسقف «وای مادیندا» در شهر دودوما قرار دارد که حدود پنجاه کلیسای بزرگ در شهرهای مختلف و تعداد بیشتری کلیسای کوچک را سرپرستی می‌کند.

مجتمع میسیونری پروردگار

این گروه از سوی مسیحیان آمریکا پشتیبانی می‌شود و هدف آن اتحاد مذاهب مختلف مسیحی با یکدیگر اعلام شده است. مراکز عمده فعالیت آنان در شهرهای دارالسلام، آروشا، دودوما، امبیا، موشی، موازنا، انجومه و کوکویو می‌باشد و مرکزیت آنها در دودوما است. آنان نیز مدرسه، بیمارستان و خانه جوانان در دودوما دائر کرده و در حدود بیست کلیسای بزرگ در تانزانیا دارند و تبلیغات خود را از طریق کتاب‌ها، نشریات و مراکز خاص خود اشاعه می‌دهند. رقم دقیق پیروان این کلیسا مشخص نیست، اما طبق اطلاعات موجود بسیار کمتر از پنجاه هزار نفر هستند.

باپتیست‌ها

این فرقه با ورود میسیونرهای آمریکایی در اوایل قرن بیستم به تانزانیا کار خود را در این کشور شروع کردند. باپتیست‌ها از امکانات مالی قابل توجهی برخوردار بوده و به همین جهت در امور خدماتی دست بازتری دارند. مراکز عمده فعالیت آنها شهرهای دارالسلام، آروشا، بوکوبا، کیگوما، لپندی، امبیا، موازنا، انجومه و ماچاما می‌باشد.

فرقه پدران نیکوکار پرامیهو

این گروه نیز از سوی مسیحیان آمریکا حمایت می‌شوند و دارای بیمارستان، مدرسه و چاپخانه هستند. آنان هشت کلیسای بزرگ و تعدادی کلیسای کوچک را اداره می‌کنند. مرکز اصلی فعالیت آنها در شهرک پرامیهو (نزدیکی سونگیا) است که یکی از مراکز مهم فعالیت مسیحیان تانزانیا محسوب می‌شود. این فرقه هم‌چنین دارای میسیونری خواهران در آن شهرک است.

فرقه سون دیز

این فرقه دو کلیسا در دارالسلام و دودوما و چندین کلیسای کوچک در شهرهای مهم دارد که از سوی کلیساهای آمریکایی حمایت می‌شود. تعداد پیروان این فرقه بسیار کم و کلیسای آنها در دارالسلام غالباً خالی است گرچه ساختمان خوبی داشته و در محله مسلمان‌نشین کاریاکو قرار دارد (امینی، پیشین، ص ۳۱-۳۴).

تشکیلات مذهبی مسلمانان تانزانیا

۱- مجمع مسلمانان تانگانیکا

در سال ۱۹۳۴/۱۳۱۳ مجمع مسلمانان تانگانیکا با هدف اتحاد مسلمانان و پرهیز از فرقه‌گرایی فرهنگی، آموزشی، نژادی و سیاسی شکل گرفت. به این ترتیب رهبران صوفی، حامیان جدید اتحادیه ملی آفریقایی تانگانیکا شدند (لایپدوس، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۹۱-۳۹۲).

۲- شورای عالی مسلمانان تانزانیا (باکواتا)

مهم‌ترین تشکل مسلمانان تانزانیا می‌باشد که در سال ۱۹۶۸م به دنبال اعلام بیانیه سوسیالیستی آروشا و انحلال «انجمن رفاه مسلمانان شرق آفریقا» به منظور هماهنگی کامل با رژیم سوسیالیستی ایجاد گردید. شورای مرکزی باکواتا هجده عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل دارد و در کلیه استان‌ها، شهرها و روستاها دارای شعبات می‌باشد. دولت‌های مصر، عربستان، لیبی و عراق با این شورا رابطه داشته و سالانه حدود ده طلبه معرفی شده آن را می‌پذیرند. باکواتا در عمل، از تز جدایی دین از سیاست پیروی می‌کند و در جهت تقویت مواضع دولت و مبارزه با سیاسی شدن علما و مردم و مساجد گام برمی‌دارد. باکواتا همواره مورد تأیید دولت تانزانیا بوده و دولت در امور مسلمانان تنها با آن شورا مشورت می‌کرده است. در اساسنامه باکواتا ذکر شده که این سازمان باید قرآن و سنت آموزش بدهد اما کار آن به برگزاری حج، جشن ولایت پیامبر ﷺ و اعیاد منحصر شده است. باکواتا در جهت امور آموزشی، اقتصادی و رفاه مسلمانان فعالیت نمی‌کند و اعتراضات سال‌های اخیر^۱ مسلمانان علیه آن ناشی از ۲۵ سال محرومیت مسلمانان از حقوقشان می‌باشد. مخالفین باکواتا ادعا می‌کنند که دلایل بسیاری وجود دارد که باکواتا به نفع مسیحیت کار می‌کند که از جمله آنها نگره‌داری مسلمانان به طور غیرمتحد و توسعه نیافته است.

بعد از تحولات بلوک شرق که اثرات خود را در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از جمله در کشورهای بسته آفریقایی گذاشت در تانزانیا نیز به دنبال زمزمه تغییر سیستم از یک‌حزبی به چندحزبی و آزادی بیان، مسلمانان جرأت پیدا کردند تا نظرات و انتقادات خود را نسبت به باکواتا ابراز کنند. مخالفین معتقدند که سران محافظه‌کار باکواتا توانایی لازم را برای رهبری و اداره مسلمانان ندارند (امینی، پیشین، ص ۱۹؛ شیخ، ۱۹۹۲م، ص ۲۳۸).

۱- در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ مخالفین باکواتا در گردهمایی‌های متعدد خواستار تحول در رهبری باکواتا شده‌اند.

۳- شورای قرائت قرآن تانزانيا (بالوکتا)

این سازمان بعد از باکواتا دومین تشکل مهم مسلمانان محسوب می‌شود. بالوکتا با باکواتا اختلاف نظرانی دارد و گرچه این سازمان نیز با دولت و هم‌چنین سازمان رابطه‌العالم در ارتباط می‌باشد اما از نظرات انقلابی‌تری برخوردار بوده و معتقد است سازمان‌های اسلامی باید در رسیدگی به مشکلات مسلمانان فعالیت بیشتری نمایند.

این سازمان در سال ۱۹۹۱ اعتراض مسلمانان روشن فکر را علیه باکواتا رهبری کرد. «برزه کو» عنوان اجلاسی بود که در دانشگاه دارالسلام تشکیل گردید و در آن باکواتا را بی‌اعتبار اعلام و کمیته پانزده نفره‌ای را به عنوان کمیته موقتی تا انتخاب رهبران اصلی تعیین کرد. ظاهراً به علت انسجامی که باکواتا در طی سالیان طولانی از آن برخوردار بود و دولت نیز از آن حمایت می‌کرد بالوکتا موفق نگردید جای آن را بگیرد. در سال ۱۹۹۲ شیخ یحیی حسین رهبر بالوکتا از فروشندگان گوشت خوک در دارالسلام خواست مغازه‌های خود را ببندند و در همین خصوص تعداد زیادی از مسلمانان با حمایت وی به خیابان‌ها ریخته و به کلیه قصابی‌هایی که گوشت خوک می‌فروختند حمله کردند. به دنبال این حرکت، دولت، بالوکتا را منحل و ۳۸ نفر را به همراه شیخ یحیی حسین دستگیر نمود. وی پس از آزادی به عربستان رفت (امینی، پیشین، ص ۲۰؛ شیخ، پیشین، ص ۲۴۰).

۴- جماعت خوجه شیعه اثنی عشری

نخستین تلاش‌ها برای ایجاد یک سازمان منطقه‌ای برای این شیعیان در سال ۱۹۴۵م با برگزاری یک کنفرانس از نمایندگان آنها در شهر دارالسلام انجام شد. در نتیجه برگزاری این کنفرانس، سازمانی به نام «فدراسیون جماعت شیعیان خوجه اثنی عشری آفریقا» تشکیل شد. شورای عالی این سازمان مرکب از این اعضا بود: از سرزمین اصلی تانزانيا ۲۶ نفر، از زنگبار و پمبا چهار نفر، از کنیا ده نفر، از اوگاندا پانزده نفر و از زئیر و موریس و سومالی هر کدام یک نفر، از جمهوری مالاگاسی چهار نفر. شش نفر دیگر نیز توسط رئیس جمهور منصوب شده بودند.

عده نمایندگان هر کشوری در این شورای عالی با عده شیعیان ساکن در آن کشور متناسب بود. این فدراسیون تعالیم مذهبی این طایفه را یک‌دست کرد و فعالیت‌های اجتماعی و آموزشی و غیر آن را در میان شیعیان شرق آفریقا بهبود بخشید. در سال ۱۹۶۴م در شهر تانگا «هیئت مذهبی مسلمانان بلال» تشکیل شد تا بومیان آفریقایی را تعلیم داده و تشیع را در میان ایشان تبلیغ کند. در نتیجه فعالیت این هیئت عده‌ای از بومیان آفریقایی شیعه شدند و پنج نفر از این آفریقاییان شیعه شده در سال ۱۹۶۸م/۱۳۴۷ش به نجف رفتند تا در آنجا تحصیل کنند و از آنجا نیز عازم لبنان و قم شدند. امروز بزرگ‌ترین جامعه شیعیان امامیه در شرق آفریقا در جمهوری تانزانيا زندگی می‌کنند و شمارشان

در سال‌های اخیر به بیش از ده هزار نفر رسیده است (فانی و دیگران، پیشین، ص ۵۸؛ اکبرزاده، پیشین، ص ۱۲).

۵- سازمان بلال مسلم میشن

در سال ۱۳۴۷ ش/ ۱۹۶۸ سید سعید اختر رضوی سازمان شیعی «هیئت بلال مسلم» را تشکیل داد که اساسنامه‌اش در جماعت خوجه شیع اثناعشری آفریقا تصویب شد. هدف عمده این سازمان تبلیغ اسلام به ویژه مذهب شیعه در میان آفریقاییان منطقه است. این سازمان دارای تشکیلات تابعه شامل مدرسه اهل البیت، حوزه لیمیا، مرکز سید خوبی، مکتبه الثقلمین، حسینیه حیدریه، چاپخانه و انتشارات است. مجله لایت به انگلیسی و صوت البلال به سواحلی متعلق به این سازمان است (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۵-۲۱؛ عرب احمدی، پیشین، ص ۱۵۷-۳۵).

در یک ارزیابی کلی به نظر می‌رسد که از اوایل دهه ۱۳۴۰ش / ۱۹۶۰م اعتقادات اسلامی در تانزانیا رو به گسترش بوده که در این امر، طریقت قادریه سهم داشته است. اتحاد زنگبار با تانگانیکا و تحکیم روابط تانزانیا با برخی کشورهای اسلامی (مانند الجزایر، لیبی، مراکش و مصر) موجب شد که نمایندگان سیاسی آن کشورها امکانات لازم را برای مطالعات اسلامی فراهم سازند و اطلاعاتی درباره نحوه زندگی مسلمانان در دیگر کشورهای اسلامی - که در تانزانیا نمایندگی ندارند - منتشر کنند؛ به این ترتیب هم‌بستگی جدیدی به وجود آمده که ممکن است زندگی اسلامی را در تانزانیا احیا کند (ونگا، ۱۳۷۸ش، ص ۴۲).

وضعیت فرهنگی تانزانیا

با وجود آن‌که تانزانیا یکی از ۲۵ کشور فقیر دنیا است، اما از باسوادترین کشورهای آفریقایی است و حدود ۸۵٪ از مردم آن خواندن و نوشتن را می‌دانند. بر طبق آمار سال ۲۰۰۲ نرخ باسوادی در مردان ۷۷/۵٪ و در زنان ۶۲/۲٪ بوده است. از اوایل دهه ۱۹۸۰/۱۳۶۰ مشکلات اقتصادی از تعداد کودکانی که به مدارس ابتدایی می‌روند، کاسته است. دانشگاه دارالسلام بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی کشور به شمار می‌رود. علاوه بر آن، دوازده دانشکده و مجتمع آموزش عالی وجود دارد. نرخ مدرسه-روی در تانزانیا برابر ۲۰٪ است و در سال ۱۹۷۰ بخش آموزش ابتدایی ۸۰۲۶۰۰ نفر و بخش متوسطه ۲۸۰۰۰ نفر دانش‌آموز داشته است و دانشگاه تانزانیا که در سال ۱۹۶۱م در دارالسلام تأسیس شده است در حال حاضر (سال ۱۹۷۰م) ۱۲۳ استاد و ۱۱۹۴ دانشجو دارد (کوک، پیشین، ص ۵۴۷).

مطبوعات تانزانیا متنوع و شامل بیش از ۱۴۰ عنوان است. از روزنامه‌های اصلی آنجا می‌توان به گاردین و دیلی نیوز، هر دو به انگلیسی، اوهورو و نیپاشه و ماجیرا، هر سه به زبان سواحلی اشاره کرد.

تنها خبرگزاری رسمی با عنوان «آژانس خبرگزاری تانزانیا(شیهاتا)» در سال ۱۹۸۱ در دارالسلام تأسیس شد. هم‌چنین تانزانیا دارای دو ایستگاه رادیویی، یکی در دارالسلام که در سال ۱۹۵۱م تأسیس شده است و دیگری در زنگبار می‌باشد و نیز سه تقویت کننده فرستنده دارالسلام در شهرهای آروشا و موازا تعبیه شده است. بنابراین رادیو مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی در این کشور است(عرب احمدی، پیشین، ص ۲۹-۳۱).

ویژگی‌های ارتباطی، مخابراتی و مواصلاتی

مطابق آمار سال ۲۰۰۹ در تانزانیا نزدیک به ۱۷۳ هزار شماره تلفن ثابت (رتبه ۱۳۰ در جهان) و حدود هفده میلیون و ۶۷۷ هزار شماره تلفن همراه، فعال است (رتبه ۴۲ در جهان). سیستم‌های مخابراتی در تانزانیا به مدد سرمایه‌گذاری‌های اخیر دولت این کشور به تدریج در حال مدرن شدن و نوسازی است، ولی سرعت تجهیز و توسعه شبکه‌های مخابراتی در این کشور هنوز پایین‌تر از میزان نیاز واقعی است (سایت مرکز آماری آمریکا).

مردم تانزانیا امواج دوازده شبکه رادیویی AM، یازده شبکه FM و دو شبکه رادیویی با طول موج کوتاه را دریافت می‌کنند. ضمن آن که حدود ۸/۸ میلیون گیرنده رادیویی در این جمهوری وجود دارد. برنامه‌های تلویزیونی تانزانیا نیز از طریق سه شبکه دولتی پخش می‌شوند و ۱۰۳ هزار گیرنده موجود در این کشور برنامه‌های مزبور را دریافت می‌کنند.

طبق آمار، شبکه‌های الکترونیکی و رایانه‌ای بالغ بر ۱۲۰ هزار کاربر در تانزانیا دارد. طول خطوط ریلی تانزانیا بالغ بر سه هزار و ۵۶۹ کیلومتر است که عرض محور ۲۶۰۰ کیلومتر از آن یک متر و عرض ۹۶۹ کیلومتر دیگر نیز یک متر و شش سانت می‌باشد (پیشین). هم‌چنین، طول راه‌های اصلی و فرعی تانزانیا نزدیک به ۸۵ هزار کیلومتر است که حدود چهار هزار و ۲۵۰ کیلومتر از آن شریان اساسی می‌باشد. راه‌های آبی تانزانیا در دریاچه‌های تانگانیکا، ویکتوریا و میان بنادر شرقی و «زان زیبار» تعبیه شده است.

وضعیت اقتصادی تانزانیا

تانزانیا یکی از فقیرترین کشورهای آفریقایی است که اقتصادش اتکای زیادی به بخش کشاورزی دارد. طبق آمار، حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی، ۸۵٪ از صادرات و بیش از ۸۰٪ از نیروی کار این کشور به بخش کشاورزی وابسته است. صنایع تانزانیا نیز در حد فرآوری محصولات کشاورزی و تولید کالاهای مصرفی توسعه یافته است. میزان تولید ناخالص داخلی این کشور در پایان سال ۲۰۰۱

میلادی با ۵٪ رشد نسبت به رقم سال پیش از آن، به ۱/۲۲ میلیارد دلار رسید. به همین نسبت، میزان متوسط درآمد سرانه ملی تانزانیا حدود ۶۱۰ دلار است.

بانک جهانی در گزارش اخیر خود اعلام کرد که بیش از ۴۰٪ از ساکنان این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در همین حال، افراد شامل دهک بالای درآمدی تانزانیا حدود ۳۰٪ از جمعیت و افراد مشمول دهک پایین درآمدی، نزدیک به ۸/۲٪ از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند.

نرخ تورم اقتصادی تانزانیا در پایان سال ۲۰۰۱ میلادی به ۵٪ رسیده که نرخ نسبتاً مناسبی است. تانزانیا حدود سیزده میلیون و ۴۹۵ هزار نفر نیروی کار دارد که ۸۰٪ از آنها در بخش کشاورزی و ۲۰٪ در بخش صنعت و خدمات شاغل‌اند. رقم بودجه سال ۲۰۰۲ تانزانیا حدود یک میلیارد و ده میلیون دلار بود که بخش عمده آن صرف هزینه‌های جاری شد.

تانزانیا منابع غنی از فسفات، سنگ آهن، طلا، سنگ آهک، گاز طبیعی، نیکل و زغال سنگ دارد. در بخش صنعتی نیز این کشور به طور نیمه توسعه یافته تولید کننده شکر، سیگار، فرآورده‌های کشاورزی، کفش، سیمان، منسوجات، فرآورده‌های چوبی، صنایع فلزی، نمک، تراش الماس و سایر سنگ‌های قیمتی است. بخش معدن ۶٪ تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد.

تانزانیا از بزرگ‌ترین تولید کنندگان ماهی در شرق آفریقا است. ماهی از سواحل دریا و آب‌های داخلی، به ویژه سه جزیره بزرگ ویکتوریا، تانگانیکا و نیاسا، صید می‌شود. تانزانیا هم‌چنین هشتصد کیلومتر ساحل مناسب برای ماهی‌گیری و ژرفاب دارد. ماهی‌گیری در ژرفاب به اندازه ماهی‌گیری ساحلی گسترش نیافته است و ماهی‌گیری ساحلی ۸۰ تا ۸۵٪ کل ماهی صید شده را تشکیل می‌دهد. ۹۹٪ ماهی توسط ماهی‌گیران خرده‌پا تولید می‌شود. این شکل تولید موجب تأخیر در توسعه لنگرگاه‌ها و تسهیلات تعمیر قایق‌ها، بازاریابی و حمل و نقل گردیده است، زیرا ماهی‌گیران برای تولید مقادیر بالا سازمان مناسب ندارند (امینی، پیشین، ص ۶۹-۷۱).

محصولات مهم کشاورزی در تانزانیا که صادر نیز می‌شود قهوه، پنبه، چای، توتون و بادام هندی است. قهوه و پنبه و نوعی کف به نام سیسال در تانگانیکا و نارگیل و گرد میخک در زنگبار و پمبا کشت می‌شود. هم‌چنین صیفی‌جات، ذرت، جو، گندم، کاساوا (نوعی میوه مخصوص مناطق گرمسیری)، موز و نارگیل نیز کشت می‌شود.

تانزانیا طی سال ۲۰۰۱ میلادی نزدیک به ۸۲۷ میلیون دلار کالا به خارج صادر کرد که عمدتاً شامل شمش طلا، قهوه و پنبه بود. در این سال، انگلستان ۲۲٪، هندوستان ۱۴٪، آلمان ۹/۹٪ و هلند ۵٪ از بازار صادراتی تانزانیا را به خود اختصاص دادند.

همچنین، تانزانیا در سال ۲۰۰۱ حدود یک میلیارد و ۵۵ میلیون دلار کالا از خارج خریداری کرد که بیشتر شامل کالاهای مصرفی، ماشین‌آلات و وسایل حمل و نقل، مواد اولیه صنعتی و نفت خام بود. در این سال، آفریقای جنوبی ۵/۱۱٪، ژاپن ۳/۹٪، انگلستان ۰/۷٪ و استرالیا ۲/۶٪ از بازار واردات تانزانیا را به خود اختصاص دادند.

تانزانیا نزدیک به شش میلیارد و هشتصد میلیون دلار هم بدهی خارجی دارد که سررسید پرداخت حجم زیادی از آن فرا رسیده است.

طبق آمار، مهم‌ترین اقلام صادراتی تانزانیا شامل قهوه ۲۷/۵٪، پنبه ۲۲/۹٪، میخک ۷/۱٪، تنباکو ۳/۷٪، چای ۴/۹٪، طناب و الیاف کنفی ۳/۴٪، بادام هندی ۳/۳٪، کاکائو ۰/۸٪ و بابونه ۰/۴٪ درصد می‌باشد. محصولات عمده وارداتی این کشور نیز عبارت است از: ماشین‌آلات و وسایل حمل و نقل ۳۹٪، مواد سوختی ۱۹٪، کالاهای صنعتی ۱۸٪، کالاهای شیمیایی ۱۲٪، کالاهای گوناگون ۵٪، مواد غذایی ۳٪، مواد خام ۲٪، روغن حیوانی و گیاهی ۲٪. بخش بزرگی از تجارت خارجی تانزانیا با کشورهای صنعتی اروپای غربی بوده است. ۵۳٪ از کل مبادلات این کشور با اروپای غربی، ۱۷٪ با خاورمیانه، ۱۶٪ با آسیا و اقیانوسیه، ۵٪ با آفریقا، ۴٪ با آمریکا شمالی، ۲٪ با اروپای شرقی و ۳٪ با دیگر کشورها می‌باشد. شرکای عمده تجاری تانزانیا کشورهای آلمان، انگلستان، ژاپن، آمریکا، سوئد، ایتالیا و هندوستان هستند (پیشین، ص ۹۰).

واحد پول این جمهوری «شیلینگ» نام دارد و هر ۹۳۰ واحد آن با یک دلار آمریکا برابری می‌کند (نرخ برابری سوم دسامبر ۲۰۰۲ میلادی).

عضویت در پیمان‌ها و سازمان‌های اقتصادی، بین‌المللی و منطقه‌ای

الف) خط مقدم

خط مقدم به کشورهای خط مقدم مبارزه با آفریقای جنوبی در طی دوران حاکمیت رژیم تبعیض‌نژادی اطلاق می‌گردد که عبارت بودند از: آنگولا، زامبیا، موزامبیک، زیمبابوه، بوتسوانا و تانزانیا. تانزانیا در میان کشورهای مزبور مهم‌ترین کشور مخالف سیاست‌های تبعیض‌نژادی آفریقای جنوبی بوده است.

ب) سازمان وحدت آفریقا

مرکز کمیته آزادی‌بخش سازمان وحدت آفریقا در دارالسلام قرار دارد و در حال حاضر ریاست سازمان را سلیم احمد سلیم نخست‌وزیر سابق تانزانیا به عهده دارد.

ج) جامعه آفریقای شرقی

در سال ۱۹۷۷ به علت اختلافات سیاسی متلاشی گردید و سه کشور تانزانیا، کنیا و اوگاندا از هم جدا گردیدند. سه کشور در سال‌های اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که عضویت در جامعه به نفع هر سه کشور است و بار دیگر درصدد احیای آن برآمده‌اند و در این راستا سران سه کشور در سال ۱۹۹۱ با یکدیگر دیدار نموده و توافق کردند که به عنوان اولین گام راه‌آهن و خط هوایی مشترک ایجاد کنند.

د) سادک

در سال ۱۹۸۰ به هدف کاهش وابستگی به آفریقای جنوبی سابق تشکیل گردیده است. اعضای آن ده کشور تانزانیا، زیمبابوه، زامبیا، موزامبیک، آنگولا، بوتسوانا، لسوتو، مالاوی، نامبیا و سوازیلند می‌باشند.

هـ) منطقه تجارت ترجیحی (پی.تی.ا)

در سال ۱۹۸۱ تأسیس و اعضای آن هجده کشور برون‌دی، کمور، جیبوتی، اتیوپی، کنیا، لسوتو، مالاوی، موریس، رواندا، سومالی، سوازیلند، تانزانیا، اوگاندا، زامبیا، زیمبابوه، آنگولا، موزامبیک، سودان و نامیبیا می‌باشند. هدف از تأسیس آن، کاهش و در نهایت، حذف تعرفه گمرکی و موانع غیر تعرفه‌ای و سرانجام تأسیس یک بازار مشترک است.

و) کمیسیون جنوب

گروه ۱۵ متشکل از شخصیت‌های پانزده کشور جهان سوم است و بودجه خود را از کمک‌های کشورهای جهان سوم تأمین می‌کند. ژولیوس نایرره رئیس‌جمهور سابق تانزانیا از فعالین این سازمان می‌باشد.

ز) کشورهای مشترک‌المنافع

تانگانیکا در سال ۱۹۶۲، یعنی یک سال پس از استقلال، به طور رسمی به جرگه کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان (کامنولث) پیوست.

ح) کنفرانس کشورهای عدم تعهد

تانزانیا یکی از اعضای قدیمی کشورهای غیرمتعهد است. نایرره از رهبران قدیمی این کنفرانس به شمار می‌رود. تحرک تانزانیا بیشتر بر محور مبارزه علیه تبعیض نژادی و کمک به کشورهای آفریقایی بوده است.

ط) سازمان ملل و سازمان‌های تخصصی آن

مانند: گات، صندوق بین‌المللی پول، فائو، انکتاد، یونیدو، آژانس بین‌المللی توسعه، یونسکو، یونیسف، سازمان بهداشت جهانی و...

ی) سازمان قهوه ممالک آفریقایی

ک) سازمان حوزه کاگرا

این سازمان مربوط به همکاری تانزانیا، رواندا و بروندي در امور آب می‌باشد. (پیشین، ص ۹۳-۹۵).

سیاست خارجی

به طور کلی سیاست خارجی تانزانیا حول محور دوستی با کشورهای مخالف تبعیض نژادی، مبارزه با استعمار آفریقا و همکاری با سازمان‌های وحدت آفریقا و جنبش عدم تعهد است. در زمان نایرره روابط این کشور با کشورهای غربی نسبتاً سرد بود، زیرا وی بیشتر متمایل به شوروی و چین و کشورهای کمونیستی اروپای شرقی بود. در این سال‌ها چین کمک‌های اقتصادی بسیاری به تانزانیا کرد که از شاخص‌ترین آنها احداث خط‌آهن تانزام (تانزانیا - زامبیا) به طول ۱۶۵۰ کیلومتر است. از سال ۱۹۸۵/۱۳۶۴ تاکنون تانزانیا مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای با آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان دارد. روابط تانزانیا با بیشتر کشورهای مسلمان مانند: مصر، گینه، جمهوری اسلامی ایران، اندونزی، نیجریه، پاکستان، الجزایر، سودان، لیبی، ترکیه و یمن خوب است و این کشورها در تانزانیا نمایندگی سیاسی دارند. مناسبات تانزانیا با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بهتر شده است. اشتراک مذهبی شیعیان خوجه با شیعیان ایران، در بهبود و توسعه مناسبات مؤثر بوده است. حمایت معنوی آنان از ایران اسلامی در سال‌های اولیه پس از انقلاب و به ویژه در جنگ تحمیلی از روابط دوستانه دو کشور حکایت می‌کند (عرب احمدی، پیشین، ص ۱۰۱ و ۳۳-۳۴).

مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با تانزانیا

ارتباطات رسمی اقتصادی میان ایران و تانزانیا از اوایل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و به دنبال محکومیت حملات رژیم بعث عراق از سوی دولت تانزانیا، گسترش یافت. وجود خطوط منظم حمل بار توسط ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران میان بندر شرق آفریقا و بندرعباس نیز امکان توسعه روابط تجاری فی مابین را فراهم ساخت.

با این حال، نوسانات و محدودیت تعداد کالاهای مبادله شده میان دو کشور، از عدم شناخت تجار ایرانی و تانزانیایی از توانمندی‌ها و نیازهای بازار مقابل حکایت دارد. پیش از تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، وزارت جهاد سازندگی فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه ساخت راه‌های مواصلاتی، توسعه شبکه‌های انتقال برق، آبرسانی و سایر فعالیت‌های خدماتی در تانزانیا داشت، اما به یکباره از حجم قراردادهای فنی و مهندسی میان دو کشور کاسته شد. در شرایط فعلی، علاوه بر وجود پتانسیل‌های قوی برای صدور خدمات فنی و مهندسی به این کشور، برپایی یک نمایشگاه از توانمندی‌های صادراتی ایران در دارالسلام و زان زیبار کمک شایانی به گسترش روابط تجاری میان دو کشور می‌کند.

فراموش نکنیم که تانزانیا به دلیل وجود بنادر مهم صنعتی در کرانه‌های شرقی این کشور، کانال مناسبی برای ورود کالاهای ایرانی به قاره آفریقا است و استفاده از توانمندی‌های ترانزیتی این کشور، تجار ما را در دسترسی به بازار کشورهای اطراف یاری می‌رساند. با سفر معاون رئیس‌جمهور تانزانیا به ایران در اسفند سال ۱۳۸۶ فصل نوینی در همکاری‌های اقتصادی دو کشور آغاز شد (برگرفته از روزنامه اطلاعات، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷).

منابع و مأخذ

- ۱- اسمیت، ویلیام ایجت، *نایرره*، ترجمه: عبدالله گله‌داری، انتشارات خوارزمی، تهران، بی‌تا.
- ۲- اکبرزاده،، *نگاهی کوتاه به وضعیت مسلمانان در تانزانیا*، هفته‌نامه خبری قرآنی گلستان قرآن، سال چهارم، شماره ۸۸، سال ۱۳۸۰.
- ۳- امینی، رحیم، *تانزانیا*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۴- سازمان تبلیغات اسلامی، *گزیده: فرقه‌های اسلامی در کشور تانزانیا*، بانک اطلاعات دفتر طرح و برنامه، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۵- سایت روزنامه اطلاعات، اردیبهشت سال ۱۳۸۷.
- ۶- سایت مرکز اطلاعات آماری آمریکا.
- ۷- عرب‌احمدی، امیر بهرام، *شیعیان تانزانیا*، دیروز و امروز، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۸- فانی، کامران، صدر حاج سید جوادی، احمد، خرمشاهی، بهاء‌الدین، *دایرة‌المعارف تشیع*، نشر شهید سعید محبی، تهران، ج ۴، ۱۳۸۱ ش.
- ۹- کتانی، علی، *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۰- کورنون، ماریان، *تاریخ معاصر آفریقا*، ترجمه: دکتر ابراهیم صدقیانی، انتشارات افق، تهران، بی‌تا.
- ۱۱- کوک کرافت، لارنس، *راه آفریقا، سفری از گذشته تا امروز*، ترجمه: خسرو قدیری، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۲- کوک، ژوزف، *مسلمانان آفریقا*، ترجمه: اسدالله علوی، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۳- لاپیدوس، ایرا ماروین، *تاریخ جوامع اسلامی: قرن نوزدهم و بیستم*، ترجمه: محسن مدیرشانه-چی، مشهد، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۴- ونگا، افریم‌ماندی، *اسلام در تانزانیا*، ترجمه: عباس فرمند، بولتن فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سال ۳، شماره ۲۲، ۱۳۷۸ ش.

15_ Africa south of the sahara 2001. 30th ed. London: Europa Publications 2000.

16_ Islam and Islamic groups: a worldwide reference guide. ed. Farzana sheikh. London. 1992.

منابع

انجمن محققان

سال هشتم / شماره بیست و نهم



گزارشی از
یک کتاب

اندیشه اتحاد در رساله «تنبيه الامه و تنزيه المله» ميرزای نايینی^۱

بهنام دارابی^۲

چکیده

ميرزای نايینی از علمای روشن فکر و آزاداندیشی است که نقش اساسی او در پیشگامی مبارزات مردمی با استبداد و استعمار و حکومت مشروطه و آغاز بیداری مسلمانان بارز است. وی در کتاب «تنبيه الامه و تنزيه المله» که فقه سیاسی است به تئوریزه کردن مشروطه و حکومت مردم‌سالاری و قانون می‌پردازد و نظام سیاسی پذیرفته شده در اسلام را تبیین نموده و به شبهات پاسخ می‌گوید. در این کتاب بیشتر به بعد مشروطه و حکومت‌داری توجه شده و یکی از مواردی که درباره آن پژوهش نشده است مسئله اتحاد اسلامی می‌باشد. ميرزای نايینی با چند روش مسلمانان را به هم‌بستگی دعوت نموده است: ۱. روش علمی مقارنه‌ای و رعایت ادب اختلاف؛ ۲. آگاهی یافتن از مسلمانان جهان و دلسوزی نسبت به امور آنان؛ ۳. طرح مسئله اختلاف و تفرقه به عنوان عامل و قوای استبداد؛ ۴. ارائه راه‌کار برای رفع آن.

واژگان کلیدی: ميرزای نايینی، تنبيه الامه و تنزيه المله، اختلافات، اتحاد اسلامی، راه‌کارها.

ميرزای نايینی

آیت الله محمدحسین غروی نايینی (۱۲۷۷-۱۳۵۵ هـ.ق) در نایین در خانواده‌ای اهل علم و تقوا متولد شد. پدرش شیخ‌الاسلام ميرزا عبدالرحیم از خاندان بزرگ منوچهری بود که پدرانیش نسل در نسل لقب شیخ الاسلامی داشتند. تولد او را در سال ۱۲۷۳ نیز نوشته‌اند (رک: ورعی، ص ۱۷). او تحصیلات ابتدایی خود را در نایین گذراند و پس از آن در هفده سالگی به اصفهان رفت و دروس عالی فقه، اصول، فلسفه و حکمت را از استادان این حوزه آموخت و پس از آن راهی نجف اشرف شد و سپس به سامرا رفت، زیرا آن دیار مقدس با حضور ميرزا محمدحسن شیرازی رونقی یافته بود و طلاب را به سوی خود جلب می‌کرد.

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۱۰/۱۷؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۰/۲۸.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی.

نایینی در آغاز ورود به حوزه سامرا در درس دو استاد این حوزه سید محمد طباطبایی فشارکی و سید اسماعیل صدر شرکت نمود و سپس در محفل درس میرزای شیرازی حضور یافت و به مدت نه سال از دانش او بهره برد. پس از رحلت میرزای شیرازی به همراه سید ابراهیم صدر راهی کربلا شد و سپس در سال ۱۳۱۶ق راهی نجف و مقیم آن جا گشت. وی در کنار تدریس در این حوزه در جلسات درس آخوند خراسانی نیز حاضر می‌شد. (علی لو، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴-۵۰).

وی سال‌ها به تدریس و پرورش طلاب پرداخت که سید محمود شاهرودی و سید محسن طباطبائی حکیم و سید محمدهادی میلانی و سید ابوالقاسم خوئی و عبدالحمید حلی از آن جمله‌اند. (امین، ۱۴۰۶ق، ص ۵۵).

نام میرزای نایینی برای اهل فضل یادآور اموری است که وی با آنها شناخته شده است؛ یکی از آنها اصول فقه است که میرزا در رونق آن زحمت بسیار کشید، تا جایی که او را «مجدد الاصول» خواندند و بیشتر معاصران از نظرات او استفاده می‌کنند و آن را هم‌سنگ نظریات آخوند خراسانی می‌شمارند.

امر دیگر که نقش میرزا در آن بارز بود نهضت مشروطه و مبارزه با استبداد و استعمار است. پس از شروع جنگ جهانی اول و اشغال عراق به دست نیروهای انگلیسی، علمای شیعه وارد صحنه شدند و علیه آنان حکم جهاد دادند و نقشه انگلیس را در جهت نشانیدن یک حاکم انگلیسی در عراق، پس از فروپاشی عثمانی باطل کردند و انتخاب فردی کافر برای حکومت مسلمانان را حرام دانستند. (حائری، ۱۳۶۰ش، ص ۱۷۵-۱۷۸).

میرزای نایینی در همه این عرصه‌ها از پیشگامان بود و این رخدادها موجب تبعید ایشان و آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به ایران شد. سرانجام ملک فیصل پادشاه وقت عراق در اثر فشار مردم و علما مجبور به عذرخواهی از آن دو شد و پس از یک سال دوری از نجف، ایشان را به این حوزه بازگرداند. به گفته محققین، نایینی احتمالاً نخستین اندیشمندی است که به صراحت از لزوم وجود قانون اساسی در دولت اسلامی سخن گفته است. (فیرحی، ۱۳۸۲ش، ص ۶۱) نام میرزا با نام مهم‌ترین کتابش «تنبیه الامه و تنزیه المله» عجین است. اما پیش از پرداختن به موضوع این کتاب، ذکر دو مورد از عوامل مؤثر در شخصیت و عملکرد وحدت‌گرای میرزا ضروری می‌باشد.

حوزه علمیه سامرا

برای انتقال حوزه علمیه نجف به شهر سامرا توسط میرزا محمد حسن شیرازی، علت‌های گوناگون بیان شده است که از جمله آنها خاموش کردن و فرو نشانیدن آتش اختلاف و از بین بردن نزاع‌های فرقه‌ای و قومی بین مسلمانان آن سامان، ایجاد الفت بین شیعه و سنی، آباد کردن شهر سامرا و گشایش امور زوار و برطرف کردن مشکلات آنان می‌باشد. انتقال حوزه بزرگ شیعه به سامرا باعث احیای علمی و فرهنگی آن دیار شد. (مجله حوزه، ش ۵۰-۵۱).

میرزای شیرازی با هدف تقریب مذاهب، حوزه علمیه را به سامرا که شهری سنی‌نشین بود منتقل کرد و در این حوزه به تربیت شاگردانی آزاداندیش موفق شد و در هم‌بستگی مسلمین نقش به‌سزایی داشت.

میرزای نایینی از شاخص‌ترین پرورش یافتگان این مکتب است که حرکت در راه هم‌بستگی مسلمین، از زندگی و آثار وی مشهود است.

رابطه با سید جمال‌الدین اسدآبادی

میرزای نایینی از زمان نوجوانی در اصفهان با سید جمال سابقه دوستی و مراوده بسیار داشت و سید جمال سالی چند بار به دیدار او می‌رفت و حتی گفته شده که میرزای نایینی امکان ملاقات سید جمال را با میرزای شیرازی در جهت تحریم تنباکو فراهم کرده است. (مجله حوزه، ش ۳۰). این رابطه عمیق با سید جمال‌الدین اسدآبادی و آشنایی با افکار و نظریات اصلاحی او به یقین موجب تأثیرپذیری نایینی از سید جمال در جهت اتحاد اسلامی و استبداد و استکبارستیزی بوده است.

کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله

تنبیه الامه و تنزیه المله معروف‌ترین اثر نایینی است که در ربیع‌الاول سال ۱۳۲۷ق (پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی توسط محمد علی شاه قاجار و پیش از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان) به زبان فارسی نوشته شد و در همان سال در بغداد به چاپ رسید. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷ش، ج ۲، ص ۵۳۵).

آخوند خراسانی در تقریظش بر این کتاب می‌نویسد: «رساله شریفه تنبیه الامه و تنزیه المله که از افاضات جناب مستطاب شریعتمدار صفوة الفقهاء و المجتهدين ثقة الاسلام والمسلمين، العالم العامل آقا میرزا محمد حسین نائینی غروی - دامت افاضاته - است، اجل از تمجید و سزاوار است که ان شاء الله به تعلیم و تعلم و تفهیم تفهّم آن، مأخوذ بودن اصول مشروطیت را از شریعت محقّه استفاده و حقیقت کلمه مبارکه (بموالاتکم علّمنا الله معالِمَ دیننا و أصلح ما کان فسَدَ من دنیانا) را به عین الیقین ادراک نمایند. ان شاء الله تعالی.»

و آیت الله عبدالله مازندرانی از مراجع تقلید عصر می‌نویسد:

« بحمدالله تعالی و حسن تأییده، رساله شریفه تنبیه الامه و تنزیه المله چنان که مرقوم فرموده‌اند، اجل از تمجید و برای تکمیل عقاید و تصدیق وجدانی مسلمین به مأخوذ بودن تمام اصول و مبانی سیاسیّه از دین قویم اسلام کافی و فوق مأمول است... » (علی‌لو، پیشین، ص ۱۰).

نکته مهمی که این بزرگان بر آن تأکید می‌کنند تعلیم و تعلم و تفهیم و تفهّم این کتاب است که از ارزش والای آن حکایت می‌کند.

این رساله اثری علمی و فقهی در مورد مشروطیت است که میرزای نایینی در آن به تبیین نظریه سیاسی مقبول و پذیرفته شده در اسلام می‌پردازد و به مبارزه با کج‌فهمی برخی از دین و سوء استفاده گروهی دیگر از آن می‌پردازد و در صدد آگاه کردن مردم به حقوق خود و بیداری است. آیت الله طالقانی در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «دقت و توجه به این کتاب برای هر کس مفید است، آنهایی که خواهان دانستن نظر اسلام و شیعه درباره حکومت‌اند، در این کتاب نظر نهایی و علمای اسلامی عموماً و شیعه را به خصوص با مدرک و ریشه خواهند یافت، برای علما و مجتهدین کتاب استدلالی و اجتهادی و برای عوام رساله تقلیدی راجع به وظایف اجتماعی است.» (پیشین).

شهید مطهری نیز در مورد این کتاب می‌نویسد: «انصاف این است که تفسیر دقیق از توحید عملی، اجتماعی و سیاسی را هیچ کس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ مرحوم میرزا محمد حسین نایینی توأم با استدلال‌ها و استشهادهای متقن از قرآن و نهج البلاغه، در کتاب ذی‌قیمت تنبیه الامه بیان نکرده است.... ولی افسوس که جو عوام‌زده محیط ما کاری کرد که آن مرحوم پس از نشر آن کتاب، یک‌باره مهر سکوت بر لب زده و دم فرو بست.» (مطهری، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۶).

تنبیه الامه در یک دیباچه، پنج فصل و یک خاتمه نوشته شده است:

فصل نخست: اصل حکومت دینی و عقلی مشروطه؛

فصل دوم: ادله وجوب محدود کردن سلطنت (وظیفه مسلمین)؛

فصل سوم: در لزوم تشکیل حکومت مشروطه؛

فصل چهارم: شبهات مخالفین مشروطه و پاسخ به آن؛

فصل پنجم: شرایط و وظایف نمایندگان مجلس؛

و خاتمه در دو بخش قوای استبداد و راه‌هایی از آنها.

هرچند این رساله در بیان مشروطه و حکومت است اما به مسائل و مشکلات جهان اسلام، از جمله اختلاف و تفرقه امت نیز می‌پردازد و ضرورت اتحاد مسلمین را که اساس سیاست داخلی و خارجی اسلام است بیان می‌کند.

اتحاد اسلامی در رساله تنبیه الامه و تنزیه المله:

حال باید به جست‌وجوی این اندیشه در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله و بررسی آن پرداخت.

روح هم‌بستگی و اتحاد اسلامی در جای‌جای این کتاب ارزشمند موج می‌زند و میرزا بدون هیچ‌گونه تعصبی مصالح امت را در نظر می‌گیرد و اهل فرقه‌گرایی نیست. تفرقه را عذاب الهی می‌داند و به صراحت می‌نویسد: «به مقتضای اخبار وارده در تفسیر آیه مبارکه «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (انعام/۶۵)، به دعای نبی رحمت ﷺ عذاب‌های آسمانی و زمینی نازل بر امم سابقه، از امت، مرفوع و به همین تفرق و به هم افتادن و بآس و شدت و قتل و نهب و هتک نوامیس و سایر عذاب دنیوی به هم‌دیگر چشانیدن، تبدیل شده است.» (غروی نایینی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۵۸).

این اندیشه میرزا به چند صورت در این کتاب قابل پی‌گیری است:

۱. روش علمی میرزای نایینی

یکی از عواملی که موجب هم‌بستگی مسلمین و نزدیکی مذاهب می‌شود، آشنایی پیروان مذاهب اسلامی با سایر مذاهب و مبانی آنهاست که فقه مقارن شاخص آن در حوزه‌های علمیه است. این روش علمی علاوه بر این که موجب شناخت مسلمانان از یک‌دیگر و از بین رفتن سوءبرداشت‌ها و دشمنی ناشی از جهل می‌شود، حاصل آن را نیز علمی‌تر و محققانه می‌کند و اثر را از انحصار در یک مذهب بیرون آورده و برای قاطبه مسلمین قابل استفاده می‌گرداند.

میرزای نایینی محقق فرامذهبی و آشنا با فقه و مبانی اهل سنت است و کتاب خود را فقط برای شیعیان نگارش نکرده است بلکه همانند طیبی دلسوز و آشنا با درد امت اسلامی نسخه می‌نویسد، برای نمونه، آن‌جا که در برابر کسانی که مشروعیت انتخابات را زیر سؤال می‌برند، به بیان مبانی آن می‌پردازد و بدون هیچ تعصبی مشروعیت آن را، هم بر اساس مبانی فقهی اهل سنت و هم امامیه بیان می‌کند:

«مشروعیت نظارت هیئت منتخبه مبعوثان، بنا بر اصول اهل سنت و جماعت که اختیارات اهل حل و عقد امت را در این امور متبع دانسته‌اند، بر نفس انتخاب ملت متحقق و متوقف بر امر دیگری نخواهد بود. اما بر اصول ما طایفه امامیه که این‌گونه امور نوعیه و سیاسات امور امت را از وظایف نواب عام عصر غیبت می‌دانیم، اشمال هیئت منتخبه بر عده‌ای از مجتهدین عدول و یا مأذونین از قبل مجتهدی و تصحیح و تنفیذ و موافقتشان در آرای صادره برای مشروعیتش کافی است.» (پیشین، ص ۳۱).

در جای دیگر می‌نویسد:

«به مقتضای آنچه اساس مذهب ما طایفه امامیه، بر آن مبتنی و کلمه الهیه عصمت را در ولایت بر سیاست امور امت معتبر دانستیم، درجه این محدودیت نه فقط بر همان خودسرانه تحکم و مستبدانه ارتکاب نداشتن واقف و به همین اندازه مقصور است. اما بنا بر اصول اهل سنت که نه عصمت و نه نصب الهی عز اسمه، هیچ یک را لازم ندانستند، هرچند درجه محدودیت به جایی که مذهب ما مقتضی است نباشد، لکن عدم تخطی از کتاب و سنت و سیره مقدسه نبویه را در نفس عقد بیعت، شرط لازم‌الذکر و اندک تخلف دل‌خواهانه و حکمرانی را منافی مقام و منصب دانسته و در لزوم جلوگیری متفق شدند و علی‌هذا، محدودیت سلطنت اسلامی به همان درجه اولی که عبارت از خودسرانه ارتکاب و استیثار نداشتن است، با اغماض از مرحله اهلیت تصدی و هم اغماض از آنچه لازمه مقام عصمت و خاصه مذهب ماست، قدر مسلم بین فریقین و متیقن علی‌المذهبین و متفق علیه امت و از ضروریات دین اسلام است.» (پیشین، ص ۵۹).

توجه به امت واحده بودن مسلمین، تسلط بر منابع اهل سنت، رعایت ادب اختلاف و احترام به نظر مخالف و روحیه و روش علمی فارغ از خودخواهی را در جای‌جای آثار این بزرگ می‌توان یافت.

۲. دلسوزی نسبت به امور تمام مسلمانان و آگاهی از وضع آنها

میرزا نه فقط برای ایران و شیعیان که برای کل مسلمانان نگران است، به خوبی با وضع آنان و کشورهای اسلامی آشنا است و می‌داند در بلاد اسلامی و حتی کشورهای غربی چه می‌گذرد و علاوه بر مسلمانان با غرب و قوانین و انقلاب‌های آن آشناست و تمام آزادی‌خواهان جهان را می‌ستاید. (رک: پیشین، ص ۴۵، ۸۷ و ۸۸).

میرزا بر خلاف بسیاری دیگر از هم‌عصرانش که بر طبل دشمنی شیعیان و سنی‌ها می‌کوبیدند، دوشادوش معاصرش آخوند خراسانی، مصالح امت را بر هر چیز ترجیح می‌دهد؛ آن‌جا که آخوند خراسانی خطر فروپاشی عثمانی و غرب‌زدگی را، فارغ از تعصبات مذهبی و توجه به سنی بودن آن منطقه، خیرخواهانه گوشزد می‌کند و پیام می‌دهد که :

«این سیل عظیم بنای تمدن بشری که از بلاد غرب به سمت ممالک اسلامی سرزیر است، اگر ماها رؤسای اسلام جلوگیری نکنیم و تمدن اسلام را کاملاً به موقع اجرا نگذاریم، اساس مسلمانی تدریجاً از آثار آن سیل عظیم محو و نابود خواهد شد.» (پیشین، ص ۱۰۲).

میرزا با تجلیل از آخوند و ذم متحجرین با ذکر این پیام در کتابش می‌نویسد:

«بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا! این مرد بزرگ در مقام حفظ اسلام با این که بحمدالله تعالی استقلال دولت علیه عثمانی هنوز کاملاً محفوظ است مع هذا عواقب را ملتفت و در حفظ اسلام چنین عاقبت‌اندیشی می‌فرماید و اقامه این اساس سعادت (توجه به رأی اکثریت) را از روی بداهت مأخوذ بودنش از کتاب و سنت اجرای تمدن اسلام می‌شمارد. (پیشین).

باید توجه داشت میرزا در عصری این سخن را می‌گوید که چندی پیش از آن بسیاری از عالم‌نمایان دربار صفوی و دربار عثمانی خون یک‌دیگر را مباح و غیر هم‌کیشان خود را بدتر از کفار می‌دانستند.

۳. طرح مستقیم مسئله اختلاف و علل و آثار آن

وی در خاتمه کتاب به شرح عوامل استبداد پرداخته و چند مورد را ذکر می‌کند که مستبدین با استفاده از این روش‌ها به زورگویی می‌پردازند. آن را قوای استبداد می‌نامد و سپس به ارائه راه‌کار در این مورد می‌پردازد.

عوامل استبداد از نظر میرزا چند چیز است: جهل مردم، استبداد دینی، نفوذ شاهپرستی (استبداد سیاسی) و القای خلاف فی مابین و تفریق کلمه است. در این مورد می‌نویسد:

«هرچند اصل این قوه خبیثه و اساسش و جهات و فعلیت خارجه‌اش غالباً به شعبه استبداد دینی و مقداری هم به شاهپرستی مستند است و مستقلاً در عرض آنها نباشد لکن چون تمام استبدادات واقعه در امم سابقه و این امت به همین تفرق کلمه ملیّه منتهی و قوای ثلاثه سابقه به منزله مقدمات آن و

نتیجه مطلوبه از آنها و همین تفرق و اختلاف و فی الحقیقه جزء اخیر علت و اصول سابقه معدّات آن است. « (پیشین، ص ۱۳۸).

میرزا اختلاف را مهم‌ترین عامل استبداد می‌داند و موضوع را این‌چنین تبیین می‌کند که اولاً سه اصل جهل، استبداد دینی و شاه‌پرستی (استبداد سیاسی) مقدمه و ایجاد کننده اختلاف است. از طرفی خود اختلاف موجب تقویت همان عوامل می‌شود و به راستی که بسیاری از به ظاهر عالمان و دین‌فروشان همواره بر طبل اختلاف و تکفیر می‌کوبند و خود را حق مطلق و دیگران را کفر مطلق می‌دانند.

میرزا برای هشدار دادن به این گروه به آیه ۳۱ سوره توبه و اخبار وارد شده در تفسیر آن استناد نموده و می‌نویسد: «از اخبار وارده در تفسیر آیه مبارکه «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ» که خدای خود قرار دادن نصاری، احبار و رهبانان را به همین تمکین و طاعت از پایان و پادریان، تفسیر فرموده‌اند، ظاهر است، هم‌چنان که گردن نهادن به اردات دل‌خواهانه سلاطین جور در سیاسات ملکیه، عبودیت آنان است، همین‌طور گردن نهادن به تحکّمات خودسرانه رؤسای مذاهب و ملل هم که به عنوان دیانت ارائه می‌دهند، عبودیت آنان است. « (پیشین، ص ۳۹).

و نیز به نکته مهم دیگری اشاره می‌فرماید: «استبعاد قسم اول به قهر و تغلب، مستند و در ثانی به خدعه و تدلیس مبتنی و اختلاف تعبیر آیات و اخبار که در قسم اول «عَبَدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ» و (اتَّخَذَهُمُ الْفِرَاعَنَةَ عِبَاداً) و در قسم دوم «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً» فرموده‌اند، ناظر به این معنا و فی الحقیقه، منشأ استبعاد قسم دوم، تملک قلوب است.» (پیشین، ص ۴۰).

عامل دیگر، استبداد سیاسی و شاه‌پرستی است. در این مورد نیز چند نکته اهمیت دارد: یکی آن که شاخه استبداد سیاسی و دینی به هم وصل است: «و از این‌جا ظاهر شد، جودت استنباط و صحت مقاله بعضی از علمای فن که استبداد را به سیاسی و دینی منقسم و هر دو را مرتبط به هم و حافظ یک‌دیگر و با هم توأم دانسته‌اند. « (پیشین).

استبداد دینی و عالم نمایان وابسته به ثروت و حمایت حکام‌اند و از طرفی حکام مشروعیت خود را از آنان می‌جویند و با خرید آنها بر اختلاف امت دامن می‌زنند تا خود در این میان قدرت مطلقه گردند و میرزای نایینی دریافته بود که هرگاه امت با هم متحد شدند دشمن داخلی و خارجی را شکست دادند و هرگاه که متفرق گشتند به خاک مذلت کشیده شدند.

میرزا عامل دیگری را موجب اختلاف می‌داند و آن جهل و تقلید صرف عوام از عالمان سوء است، که نقش آن نیز مشخص است.

وی پس از بیان قوای استبداد به عنوان فقیهی توانا به غور در آیات و روایات می‌پردازد و چنین نتیجه می‌گیرد: «در لسان آیات و اخبار تمام استبدادات را به همین تفرق کلمه ملیّه و تشتت هوا و اختلاف آرا مستند فرموده‌اند. قال عزّ من قائله: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعاً يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ...» (قصص/۴) کلمه مبارکه «شيعاً» را به معنای متفرقین، تفسیر

فرموده‌اند. دلالت آیه مبارکه، به ترتب فرعونیت و استعبادیه بودن سلطنت فرعون بر همین تفریق کلمه، بسی ظاهر و هویدا است.» (پیشین، ص ۱۳۸) و پس از آن نیز خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه را به صورت کامل در این راستا نقل می‌کند.

راه کارهای میرزای نایینی برای از بین بردن اختلاف و ایجاد هم‌بستگی

میرزای نایینی پس از طرح مشکل اختلاف و آثار شوم آن به حل این معضل و ارائه راه کار نجات از آن می‌پردازد و مسائل مهمی را مطرح می‌کند و فایده آن را «حفظ حریت رقاب و صیانت از حقوق ملیّه از اغتصاب و منع تعدیّات اشرار و دفع تجاوزات گرگان آدمی خوار» ذکر کرده و ادامه می‌دهد: «بلکه حفظ تمام موجبات شرف و نوامیس دینیه و استقلال قومیه و عدم وقوع در اشدّ از محنت بنی اسرائیل الی غیر ذلک، همه بر اتحاد کلمه و عدم تشتت آرا و مختلف نشدن اهوا مترتب است.» (پیشین، ص ۱۵۵).

۱. رفع جهالت امت

جهل از نظر میرزا از عوامل اصلی اختلاف و به تبع آن رقیّت است و مقدمه هر کار و اولین قدم در رسیدن به اتحاد برطرف کردن جهل عمومی و تبیین مسائل و آموزش همگانی است که خود میرزا با اقدام به انتشار این کتاب به فارسی و با زبان ساده اولین قدم‌ها را در این مسیر برداشت. علاوه بر آن که حذف استبداد سیاسی و دینی و جهل که ایجاد کننده اختلاف و دامن زنده به آتش آن و مقدمه ایجاد وحدت است و نایینی برای آن راه کار دارد پیشنهادهای نیز مطرح می‌سازد که به طور مستقیم به اتحاد مربوط است.

۲. تهذیب اخلاق

وی می‌نویسد: « شدت اهتمام شارع مقدس در تهذیب از اخلاق رذیله خودخواهی و نفس پرستی - به مراتب و درجاتش - و تخلق به مواسات و ایثار و نحو ذلک، همه برای استحکام مبانی اتحاد و قلع مواد تفرق است. چه بالضروره، مبدأ تفرق کلمه و تشتت اهوا و اختلاف آرا به همان رذیله خودخواهی و نفس پرستی و حرکت بر طبق اغراض شخصیّه و تقدّم و تحکّم آنها بر مصالح و اغراض نوعیه منتهی است. مادامی که این رذائل و ملکات بهیمیه، مالک اختیار و خودپسندی و نفس پرستی در کار، و مبادی مواسات و ایثار و لااقل گذشت از اغراض شخصیّه و تقدیم نوعیّات بر آنها، عند الدوران، در نفوس، متمکن نباشد، حفظ این حصن از محالات است... پس اولین وظیفه‌ای که بعد از رفع جهالت امت و تشریح حقیقت استبداد و مشروطیت و مساوات و حریت، فریضه ذمه دعوات حریت و توحید و حُمت دین و وطن و ترقی خواهان نوع است، بذل جهد و صرف مهجه در تهذیب اخلاق امت است.» (پیشین، ص ۱۵۶).

۳. گسترش سنت‌های وحدت‌آفرین اسلام

نایینی روح حاکم بر تمام احکام اسلامی را اتحاد می‌داند و گسترش سنت‌های وحدت‌آفرین اسلامی را موجب آن می‌شمارد: «از حکمت‌های منصوصه برای تشریح جمعه و جماعت، که هر شبانه‌روزی، پنج مرتبه مسلمانان در عبادات، با هم مجتمع و از حال یک‌دیگر با خبر شوند، همین حفظ اتحاد و در اخبار وارده منصوص است. هم‌چنین تحریص بر سایر جماعات موجب الفت و محبت و ترغیب به ضیافت‌های بی تکلف و احسان‌های بی‌منت و عیادات مرضی و تشییع جناز و تعزیت مصاب و معاونت بر قضای حوائج و اجابت خواهش و عفو و صفح از زلات و نسخ انزوا و رهبانیت و تحریم نیمه و ایذاء و تفتین و افساد، الی غیر ذلک از تشریحات راجعه به استحکام اتحاد و الفت و دفع و رفع منافرت، تماماً برای حفظ این حصن حصین امت است» (پیشین، ص ۱۵۳).

۴. تشکیل انجمن‌های علمی

«مقدمه مهمه در تحصیل حقیقت اتحاد، تشکیل انجمن‌های صحیحه علیه و مرتب نمودن آنها است از اعضای مهذب و کامل در علم و عمل و اخلاق و نوع‌خواهی و ترقی‌طلب و با درایت و کفایت در حفظ جامعه اسلامی و احیای رابطه نوعیه؛ نه مثل بعضی انجمن‌های تأسیس شده بر غرض‌ورزی و زورگویی و هنگامه‌جویی و مال مردم‌خوری و رفعت‌طلبی و اعمال هر نوع غرض و مرض شخصی که منتج، عکس مقصود و موجب رمیدن و انصراف قلوب از اصل دخول در وادی اتحاد و وسیله استبداد است.... بالجمله غرض از تشکیل انجمن‌ها و قرآن مجید و سایر معظمت‌دینیه را به میان نهادن و قسم یاد کردن، رفع ید از اغراض شخصیه و هم‌دستی بر اعلا کلمه اسلامی و حفظ جامعه نوعیه و ترقی دادن نوع است به عمل، نه هم‌دستی و مساعدت بر اغراض هم‌دیگر.» (پیشین، ص ۱۵۷).

نتیجه‌گیری

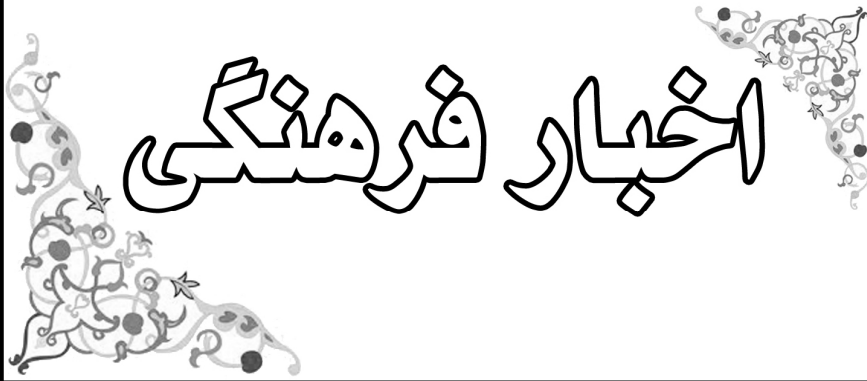
میرزای نایینی از اندیشمندان بزرگی است که شناخت آثار، فعالیت‌ها و تفکرات او، به خصوص در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله، برای گسترش فرهنگ تقریب و بیداری مسلمانان راه‌گشا است. کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله با استدلال‌های محققانه و فقهاتی ستودنی و در عین حال با زبانی ساده و همه‌فهم نگاشته شده است. روش علمی و مقارنه‌ای ایشان، رعایت ادب اختلاف، یک‌پارچه و امت واحده دانستن مسلمانان، توجه به عذاب الهی بودن تفرقه و آثار شوم آن، توجه به امور تمام مسلمانان و دلسوزی برای آنها از یک سو و طرح اختلاف به عنوان عامل استبداد از سوی دیگر است که در عین حال در کنار جهل و استبداد دینی مقدمه ایجاد آن نیز می‌باشد، و توجه به راه‌کارهای مطرح شده در این کتاب، توجه به این رساله شریف را در این زمان و در جهت هم‌بستگی مسلمین سودمند کرده است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ناظم الاسلام کرمانی، میرزا علی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، بنیاد فرهنگ ایرانیان، تهران، ۱۳۵۷ش.
- ۳- ورعی، سید جواد، *پژوهشی در اندیشه سیاسی نایینی*، دبیرخانه مجلس خبرگان، تهران.
- ۴- امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، تحقیق: سید حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ج ۶، ۱۴۰۶ق.
- ۵- حائری، عبدالهادی، *تشیع و مشروطیت*، تحقیق: سید حسن امین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰ش.
- ۶- علی لو، نورالدین، *میرزای نایینی ندای بیداری*، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ۷- فیرحی، داوود، *تحولات نظریه‌های نظام سیاسی در اسلام*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۲ش.
- ۸- غروی نایینی، میرزا محمد حسین، *تنبیه الامه و تنزیه المله*، تحقیق: سید حمید رضا محمودزاده حسینی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰ش.
- ۹- _____، *تنبیه الامه و تنزیه المله*، تصحیح: سید جواد ورعی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲ش.
- ۱۰- مجله حوزه، شماره ۳۰، سال ۱۳۶۷ و شماره ۵۰-۵۱.
- ۱۱- مطهری، مرتضی، *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴ش.



اخبار فرهنگي



بیداری اسلامی تحولی عظیم در امت اسلامی

رهبر انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی را برای امت اسلامی تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز دانسته و تصریح کردند: این حرکت، نشان دهنده یک حادثه بزرگ تاریخی است که تحولی عظیم در امت اسلامی به وجود خواهد آورد. امت اسلامی باید بر عوامل مذهبی، قومی و سیاسی تفرقه غلبه کند و راه‌های ایجاد اختلاف را ببندد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، هم‌زمان با ایام ولادت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و هفته وحدت، شرکت کنندگان در کنگره بین‌المللی شعر بیداری اسلامی با حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

در این دیدار که در فضایی صمیمی و آکنده از احساسات ناشی از انقلاب‌های منطقه و بیداری اسلامی برگزار شد، ابتدا شاعرانی از تونس، مصر، یمن، بحرین، لبنان، سودان، عراق، سوریه، عربستان، کویت و جمهوری اسلامی ایران اشعار عربی خود را در وصف پیامبر اعظم ﷺ، بیداری اسلامی و انقلاب‌های منطقه، فلسطین و قدس شریف و همچنین سی و سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و ایستادگی ملت ایران، قرائت کردند.

سپس رهبر انقلاب اسلامی در سخنانی با اشاره به نقش تأثیرگذار و برانگیزاننده اشعار برجسته و دارای مضامین والا، تأکید کردند: شعرای امت اسلامی باید با اشعار پرمحتوای خود، در حادثه عظیم بیداری اسلامی، نقش‌آفرینی کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر این که محتوای اشعار مربوط به بیداری اسلامی باید بصیرت امت اسلامی را تعمیق دهد، افزودند: در محتوای اشعار بیداری اسلامی به جهت‌گیری‌ها و اهداف عالی این تحول بزرگ، راه‌های منتهی به این هدف عالی، و دشمنان و موانعی که آنها ایجاد می‌کنند، توجه ویژه و خاص شود.

ایشان خاطر نشان کردند: در اشعار، باید به نقش دین، ایمان به خدا و معارف قرآنی در بیداری اسلامی نیز اهتمام جدی شود، زیرا هر نهضتی که به اعتقاد دینی متکی شود، آسیب‌ناپذیر و ماندگار خواهد بود.

رهبر انقلاب اسلامی حادثه بیداری اسلامی را تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز برای همه امت اسلامی دانستند و خاطرنشان کردند: این حرکت، یک بیداری حقیقی و هم‌چنین اسلامی و نتیجه عبرت‌های فراوان، درک‌های عمیق و همت‌های والای ملت‌های عرب در طول سالیان متمادی است و به همین دلیل نام «بهار عربی» برای این حرکت عظیم، ناقص است. حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید کردند: این حرکت، تمام شدنی نیست و ادامه خواهد داشت و تاریخ امت اسلامی به اذن پروردگار، تغییر خواهد کرد. ایشان افزودند: این حرکت، نشان دهنده یک حادثه بزرگ تاریخی است که تحولی عظیم در امت اسلامی به‌وجود خواهد آورد.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: شعرای امت اسلامی باید در چنین حادثه بزرگ و سرنوشت‌سازی نقش ایفا کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر لزوم اهتمام به وحدت اسلامی در اشعار بیداری اسلامی افزودند: تلاش‌های گسترده‌ای در جریان است تا با استفاده از ایجاد تفرقه میان مسلمانان، حرکت عظیم بیداری اسلامی شکسته و متوقف شود، اما امت اسلامی باید بر عوامل مذهبی، قومی و سیاسی تفرقه غلبه کند و راه‌های ایجاد اختلاف را ببندد.

ایشان هم‌چنین با اشاره به نقش لفظ و قالب در ارتقای هنر شعر، خاطرنشان کردند: باید با استفاده از الفاظ و قالب‌های مستحکم و از نظر هنری در رتبه بالا، اشعار برجسته و قوی سروده شود تا برای سالیان متمادی ماندگار و تأثیرگذار باقی بماند.

در این دیدار، آقای دکتر ولایتی دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی در سخنانی با اشاره به ضرورت گفتمان‌سازی و غنابخشی ادبیات بیداری اسلامی به عنوان مانعی در مقابل به انحراف کشیده شدن انقلاب‌های منطقه گفت: بر همین اساس کنگره بین‌المللی شعر بیداری اسلامی با حضور ۷۷ شاعر از ده کشور برگزار شده است.

وی برگزاری این کنگره را در راستای همایش بین‌المللی بیداری اسلامی و همایش بین‌المللی جوانان و بیداری اسلامی و گامی در جهت اهداف جنبش بیداری اسلامی دانست.

واکنش رسانه‌های خارجی به خطبه‌های نماز جمعه تهران

خطبه‌های نماز جمعه به اتمام نرسیده بود که بازتاب‌های بین‌المللی و منطقه‌ای آن شروع شد. سخنان رهبر انقلاب با توجه به شرایط و اتفاقات رخ داده در منطقه، آن قدر حساس و مهم بود که رسانه‌های مختلف منطقه و جهان نتوانستند بر طبق سیاست دائمی خود عمل کرده و سخنان رهبر

انقلاب را حذف و بایکوت کنند. البته برداشتها از سخنان خطیب نماز جمعه تهران متفاوت بود و به همین دلیل، واکنش‌های متفاوتی را در پی داشت.

از نکات جالب توجه برای بسیاری از رسانه‌های منطقه، ایراد خطبه به زبان عربی از سوی رهبر معظم انقلاب بود تا جایی که برخی رسانه‌ها در تیتراژ خبر مربوط به خطبه‌های رهبری به این موضوع اشاره کردند. بیشترین توجه رسانه‌ها بر دو محور از سخنان رهبر انقلاب، یعنی بیداری اسلامی و شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه، متمرکز بود. با این حال، تیتراژهای متفاوتی از سوی رسانه‌های مختلف مشاهده شد که به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

دعوت رهبر ایران به برپایی نظام اسلامی در مصر

تأکید رهبر انقلاب بر بُعد اسلامی و دینی قیام مردم مصر، نظر برخی رسانه‌ها همچون نسخه اینترنتی روزنامه عربستانی «الحیة»، «الإمارات الیوم»، «الصناره»، «القدس العربی» و «شبكة العهد» وابسته به تشکیلات خودگردان فلسطین را به خود جلب کرد.

روزنامه الحیة که بخش قابل توجهی از خطبه‌های رهبر انقلاب را منعکس کرده بود، با انتخاب سوتیتر نیز تلاش کرد فرمایش رهبر انقلاب درباره نوکری مبارک برای آمریکا و صهیونیست‌ها و نیز شکل‌گیری بیداری اسلامی را برجسته کند.

حمایت رهبر ایران از انتفاضه اسلامی در جهان عرب

حمایت رهبر ایران از انتفاضه اسلامی در جهان عرب عنوانی بود که رسانه‌هایی چون «رویترز»، «الشروق»، «swissinfo.ch»، «عرب ۴۸»، «وهج نیوز» و «news.egypt.com» برای خود انتخاب کرده بودند.

خبرگزاری رویترز در خبر خود به نقل از رهبر معظم انقلاب آورد: انقلاب اسلامی ایران که نظام شاهنشاهی را ساقط کرد، الگویی برای مردمانی است که تحت نظام‌های مشابه دیکتاتوری زندگی می‌کنند.

رسانه مصری الشروق نیز در خبر خود آورد: آیت الله خامنه‌ای، اتفاقات اخیر در جهان عرب را حرکت‌های آزادی‌خواهانه اسلامی توصیف کرد و گفت که مردم مصر مراقب اقدامات غربی‌ها برای به انحراف کشاندن این انقلاب باشند.

آمریکا درهای خود را به روی مبارک خواهد بست

تحلیل رهبر معظم انقلاب درباره رفتار آمریکا با حسنی مبارک پس از سقوط، از دیگر محورهایی بود که مورد توجه رسانه‌های خارجی قرار گرفت؛ «wmc» در خبر مربوط به خطبه‌های معظم‌له، تنها آن بخش از سخنان ایشان را منعکس کرد که بر سرسپردگی حسنی مبارک نزد آمریکا و صهیونیست‌ها تأکید شده بود. این رسانه به نقل از رهبری نوشت: حکومت مصر، سی سال خادم رژیم

صهیونیستی و آمریکا بود اما با این حال آمریکایی‌ها اولین کسی هستند که درهای خود را به روی حسنی مبارک می‌بندند؛ هم‌چنان‌که با بن‌علی و محمدرضا - شاه سابق ایران - چنین کردند.

حرکت‌های مردمی در تونس و مصر، نشانه‌های بیداری اسلامی

رسانه‌ها و پایگاه‌های خبری چون «دنيا الوطن»، «اهرام»، رادیو هلند، «الجریده»، «آسوشیتدپرس»، پایگاه خبری مجلس یمن، «مصراوی»، خبرگزاری «ترند» جمهوری آذربایجان، «مغرس»، «ماشی»، «النهار»، «سما»، «الرأی نیوز»، «عرب مدیا»، پایگاه عمانی «دنيا نیوز» و «اخبارنا» به نقل از رهبر انقلاب نوشتند: جنبش‌های مردمی در تونس و مصر، نشانه حدوث بیداری اسلامی است.

دنيا الوطن به نقل از رهبر انقلاب نوشت: دشمن اصلی برای ارتش مصر، رژیم صهیونیستی است نه مردم مصر.

این پایگاه هم‌چنین افزود: پایگاه اینترنتی رهبر ایران چند روز پیش، اظهارات آیت الله خامنه‌ای در دیدار یک گروه فلسطینی را منتشر کرد که در آن تصریح شده بود خاورمیانه جدید اسلامی ایجاد خواهد شد.

پایگاه مصری اهرام نیز در خبر کوتاهی به خطبه‌های نماز جمعه توسط رهبر انقلاب پرداخت و بدون پرداختن به اظهارات ولی امر مسلمین درباره خیانت‌های حسنی مبارک در حق مردم مصر و سیاست دولت‌های غربی در قبال تحولات اخیر نوشت: رهبر ایران، انقلاب تونس و اعتراضات مردمی در مصر را از نشانه‌های بیداری اسلامی دانست و مدعی شد که این اتفاقات برگرفته از انقلاب اسلامی ایران در سال ۷۹ میلادی است.

رادیو هلند نیز به اظهارات رهبر ایران در خصوص حدوث بیداری اسلامی و نیز ارتباط بین حسنی مبارک و آمریکا پرداخت و در ادامه اعلام کرد: رهبران و روزنامه‌نگاران ایرانی از آغاز شکل‌گیری اعتراضات مردمی در تونس، مصر، یمن و اردن به شکل وسیعی به موضوع بیداری اسلامی پرداختند و سایت اینترنتی وابسته به رهبر ایران نیز تصریحات آیت الله خامنه‌ای در مورد تشکیل خاورمیانه جدید بر مبنای اسلام را منتشر کرد.

رادیو هلند در پایان این خبر به نگرانی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از تبدیل شدن حکومت مصر به حکومتی شبیه نظام ایران اشاره کرد.

پایگاه منتسب به مجلس یمن نیز به انتشار خبری کوتاه از اظهارات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز اکتفا کرد و آورد: رهبر انقلاب ایران تصریح کرد که اتفاقات مصر، دلیلی بر بیداری اسلامی است و آن‌چه در شمال آفریقا و دولت‌های مسلمان می‌گذرد، از نتایج انقلاب اسلامی ایران است.

لازم به ذکر است این پایگاه در پایان این جملات، دو علامت تعجب آورد تا به نوعی مخالفت خود را با این اظهارات اعلام کرده باشد.

انقلاب مصر، شکست سیاست‌های آمریکا

شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه از جمله تیترهایی بود که رسانه‌هایی چون «الجزیره»، «العنکبوت»، «سبق»، پایگاه خبری مراکشی «هبه پرس»، «أناؤکم»، «الوسط» و پایگاه اماراتی «الرمس»، به آن پرداخته بودند.

پایگاه خبری «الاسلام الیوم» که اخبار ضد آمریکایی را پوشش می‌دهد اما مواضع خصمانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران دارد، این بار با این تیتر به استقبال خطبه‌های رهبر انقلاب در دانشگاه تهران رفت که: آمریکا با شکست تحقیرآمیزی در منطقه مواجه می‌شود.

این پایگاه خبری افزود: رهبر ایران در جمع نمازگزاران گفت که انتفاضه مردم مصر و تونس نشانه شکست تحقیرآمیز سیاست‌های آمریکا در منطقه است.

«سی‌ان‌ان عربی» هم که از قول رهبر انقلاب، انقلاب مصر را به معنای شکست سیاست‌های آمریکا تیتیر کرده بود، نوشت: رهبر ایران تأکید کرد که انتفاضه فعلی در مصر، ضربه‌ای بر سیاست‌های آمریکا در منطقه بود.

البته این شبکه خبری تنها به نقل این مطلب و نیز تصریحات رهبری درباره نگرانی صهیونیست‌ها از انقلاب مردم مصر اکتفا کرد و بقیه خبر خود را با مطالب دیگری هم‌چون اظهارات شخصیت‌های سیاسی ایران درباره تحولات مصر همراه کرد.

سیاست‌های آمریکایی مبارک، عامل قیام مردم مصر

پایگاه «روسیا الیوم» نیز در خبر مربوط به خطبه‌های نماز جمعه تهران از قول خطیب آن نوشت: سیاست‌های حسنی مبارک در پشتیبانی از آمریکا و اسرائیل، عامل قیام مردم مصر شد.

این پایگاه ادامه داد: رهبر ایران که بخش‌های قابل توجهی از سخنرانی خود را به تحولات اخیر مصر اختصاص داده بود، گفت: جنبش مردم مصر از مسجد آغاز شد و در سایه شعارهای دینی هم- چون «الله اکبر» شکل گرفت و مردم مصر به غرب اجازه نخواستند داد تا این حرکت اسلامی از بین برود.

دستپاچی صهیونیست‌ها

پایگاه مصری «الیوم السابع» نیز به این بخش از اظهارات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه توجه بیشتری کرد که ایشان گفتند: «البته امروز آمریکایی‌ها به شدت دستپاچه هستند و اسرائیلی‌ها بیشتر از آنها در قضیه مصر دستپاچه و دنبال‌علاجی هستند که البته علاجی هم پیدا نخواهند کرد.»

این پایگاه مصری همچنین به نقل از رهبر ایران نوشت: موفقیت مردم مصر در ساقط کردن نظام حسنی مبارک، پایه‌های رژیم صهیونیستی را متزلزل خواهد کرد.

بازگشت کرامت به امت اسلامی

شبکه ماهواره‌ای «الجدید» نیز در پایگاه اینترنتی خود به خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت آیت الله خامنه‌ای اشاره کرد و از قول رهبر ایران نوشت: اتفاقات مصر و تونس، کرامت را به امت اسلامی برمی‌گرداند.

این پایگاه همچنین بخش‌هایی از بیانات رهبر انقلاب درباره تشکیل نظام اسلامی در مصر و شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه را منتشر کرد.

عصبانیت برخی رسانه‌ها

در این بین رسانه‌های نزدیک به حکومت مصر مانند "anaonline.net" و یا پایگاه‌های خبری مانند «۱۴ مارس»، «الحوراء نت» و «یلاف» توانستند عصبانیت خود را از جمهوری اسلامی ایران و مواضع رهبر انقلاب پنهان کنند و با تحلیل‌های جهت‌دار و یا انعکاس موضوع‌گیری مخالفین جمهوری اسلامی هم‌چون مریم رجوی، سرکرده گروهک تروریستی منافقین، به بازتاب خطبه‌های نماز جمعه تهران پرداختند.

رهبر هیأت علمای اهل سنت عراق در گفت‌وگو با فارس:

منویات آیت الله خامنه‌ای چراغ راه امت اسلامی است / سخنان رهبری پاسخ کوبنده‌ای به همه توطئه‌ها بود

خبرگزاری فارس: رئیس شاخه جنوب هیأت علمای اهل سنت عراق منویات مقام معظم رهبری در نماز جمعه ۱۴ بهمن را نقشه راهی برای آرمان فلسطین و چراغ راه امت اسلامی دانست و گفت: مواضع رهبری امید کسانی را که بر سر اختلافات بین امت اسلامی شرط‌بندی کرده بودند نقش بر آب کرد.

"خالد عبدالوهاب الملا" رئیس شاخه جنوب هیأت علمای اهل سنت عراق در گفت‌وگو با خبرنگار بین‌الملل فارس با بیان این‌که هیأت متبوعش به دقت خطبه‌های نماز جمعه ۱۴ بهمن را پی‌گیری کرده است، گفت: رهبری ایران در سخنان خود به همه قضایای مهم جهان اسلام پرداخت.

وی با بیان این که رهبری با موشکافی امور پیش روی انقلاب‌های عربی ناشی از بیداری اسلامی، لزوم پاسداری از دستاوردهای این انقلاب‌ها را برای انقلابیون تبیین کرد، افزود: آرمان فلسطین مهم‌ترین و اصلی‌ترین قضیه جهان بوده و خواهد بود و از این رو می‌توانم مواضع آیت الله خامنه‌ای را درباره آرمان فلسطین به مثابه نقشه راهی برای این قضیه مهم مسلمانان جهان بدانم. این فعال سیاسی عراق لزوم بازیابی نقش فعال مسلمانان در عرصه جهانی را یکی دیگر از محورهای سخنرانی مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران خواند و افزود: هر چند اسلام به پا خاسته است ولی فرق زیادی بین به پاخاستگی اسلام و بازیابی نقش فعال مسلمانان در عرصه بین‌الملل به چشم می‌خورد.

وی خطبه عربی مقام معظم رهبری را یکی از دلایل به دل نشستن مواضع رهبر نزد ملت‌های عربی خواند و تصریح کرد که در عراق علاوه بر نخبگان و علمای دینی، مردم عادی نیز این مواضع را به دقت گوش داده و پی‌گیری می‌کنند. عراقی‌ها با خوشحالی و سرور از سخنان رهبری ایران استقبال کردند و امید زیادی به بروز تغییرات در جهان اسلام دارند.

عضو ائتلاف ملی عراق منویات مقام معظم رهبری در نماز جمعه ۱۴ بهمن را چراغ راه امت اسلامی خواند و افزود: همه افرادی که خیرخواه امت عربی و اسلامی‌اند می‌توانند مسیر را از طریق مواضع رهبری ایران ببینند.

وی جمهوری اسلامی ایران را یار و یاور قضایای مهم جهان اسلام خواند و افزود: ایران از طریق مواضع پیشینش چندین مرتبه چنین موضوعی را به اثبات رسانده است و جز وحدت امت اسلامی و پیشرفت و تمدن به موضوع دیگری نمی‌اندیشد.

الملا با هشدار نسبت به طرح‌های ددمنشانه غربی‌ها که وحدت امت جهان اسلام را هدف قرار داده‌اند، گفت: جمهوری اسلامی ایران همه توطئه‌های دشمنان امت اسلامی را به چالش کشانده و به‌ویژه مواضع رهبری در خطبه‌های اخیر نماز جمعه، امید کسانی را که بر سر بروز اختلافات بین امت اسلامی شرط‌بندی کرده بودند نقش بر آب کرد.

وی با اشاره به سیل عظیم توطئه‌ها برای برافروختن آتش فتنه مذهبی به‌ویژه در بحرین، مصر و عراق، سخنان مقام معظم رهبری را پاسخ کوبنده و قاطعی به همه این توطئه‌ها خواند.

الملا با اشاره به منویات رهبری مبنی بر تلاش آمریکا، صهیونیسم و برخی دیگر از کشورهای غربی برای بازسازی رژیم دیکتاتوری عربی جهت حفظ منافع خود در منطقه گفت: آمریکا و غربی‌ها به دنبال به سرقت بردن انقلاب‌های عربی هستند و از آنجایی که برخی از سران فعلی کشورهای عربی توسط ملت‌ها به حکمرانی نرسیده بلکه توسط همین غربی‌ها بر کرسی ریاست تکیه زده‌اند، دشمنان امت اسلامی آنها را برای پیاده‌سازی طرح‌های خود مناسب دیده‌اند.

برگزاری همایش «وحدت و بیداری در اندیشه امام خمینی» در مدینه

همایش «وحدت و بیداری در اندیشه امام خمینی» با حضور زائران اهل سنت ایرانی در سالن اجتماعات بعثه مدینه منوره برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حج وابسته به بعثه مقام معظم رهبری، حجت الاسلام نجفی روحانی مسئول بعثه مدینه منوره در این همایش در سخنانی امام خمینی را مظهر همه خوبی‌ها دانست و گفت هر چه جلوتر می‌رویم عظمت و عمق اندیشه امام خمینی بیشتر ظاهر می‌گردد.

وی امام خمینی را احیاگری بزرگ خواند و اظهار داشت: وحدت و بیداری در اندیشه امام خمینی تبلور دارد به گونه‌ای که این دو در رفتار و گفتار ایشان موج می‌زند. امام با تأسی به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ملاک قرار دادن آیه «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» همه مسلمانان را به هم‌دلی و وحدت فراخواند و همواره می‌فرمود: «تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه از رحمان» و امروز همه ما شاهد شکوفایی اندیشه امام در کشورهای منطقه هستیم که مردم آن متحد و بیدار شده و استکبار جهانی را به زانو درآورده‌اند.

وی در ادامه با اشاره به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» گفت: خداوند انسان‌ها را به احیای واقعی دعوت کرده است و رسول الله هم بیدار کردن انسان‌ها و ایجاد وحدت را سرلوحه کار خود قرار داده بود و در اولین قدم بین دو قبیله اوس و خزرج وحدت ایجاد نمود.

وی در ادامه با بر شمردن جایگاه عالم در اسلام گفت: در قیامت قبل از این‌که از جاهل بپرسند چرا نیاموختی، از عالم می‌پرسند چرا آموزش ندادی. به همین جهت علما و دانشمندان رسالت بیدار کردن انسان‌ها را برعهده دارند.

وی اضافه کرد: انقلاب اسلامی محصول بیداری و وحدت ملت رشید ایران بود. مسئول بعثه مدینه منوره، زیارت را عهد و پیمان بستن دانست و گفت: در مسجدالنبی با خدا و رسولش پیمان ببندید که با دوستان دین خدا دوست و با دشمنان دین او دشمن باشید.

وی همچنین با بیان این‌که دشمنان دین خدا همواره توطئه می‌کنند، گفت: دشمنان اسلام همواره مترصد هستند که از کوچک‌ترین اختلاف میان مسلمانان سوء استفاده کنند و نگذارند وحدت صورت پذیرد و از سوی دیگر سعی می‌کنند اختلافات میان خودشان را کم کرده و بین جهان کفر و استکبار هماهنگی ایجاد کنند.

حجت الاسلام نجفی در پایان با یادآوری این نکته که بسیاری از هم‌وطنان و دوستان و خویشان شما توفیق حضور در سرزمین وحی را پیدا نکرده‌اند، گفت: جا دارد فرصت را غنیمت بشمارید و برای

آنها دعا کنید. وی در ادامه پنج عمل را در خانه خدا توصیه کرد: ۱- طواف؛ ۲- نماز؛ ۳- تلاوت قرآن؛ ۴- سجده‌های طولانی؛ ۵- نگاه به کعبه.

در این همایش، مولوی حاج مهدی عطایی مقاله‌ای پیرامون حملات جهان کفر به کشورهای مختلف اسلامی از چین و کشمیر و فلسطین تا عراق و افغانستان قرائت کرد و آن را با شعری زیبا در همین باره به پایان برد.

مولوی سیدمهدی و خشوری نیز در سخنانی با اشاره به چندین آیه از آیات قرآن درباره حسن خلق و رفتار پیامبر و بخشایش او در ماجرای فتح مکه گفت: بهترین ارمغانی که ما باید قبل از سجاده و تسبیح و آب زمزم با خودمان ببریم اخلاق و رفتار خوش است. در این همایش هم‌چنین مولوی منیر احمد ربانی‌نژاد و گروه مولودی‌خوانی هاشمی‌نسب اشعاری را در ستایش پروردگار و پیامبر اسلام خواندند.

آزادی بیت‌المقدس گام بعدی مصری‌ها است

خطیب جمعه میدان تحریر قاهره با اشاره به دستاوردهای مصر در سرنگونی رژیم مبارک، گام بعدی آنها را آزادسازی بیت‌المقدس دانست.

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - «مظهر شاهین» تأکید کرد: حضور انقلابیون در میدان التحریر اولین گام برای آزادی بیت‌المقدس است.

وی افزود: مصر دارای هویت اسلامی است و مسیحیان شرکای ما در این کشور هستند، زیرا ماده دوم قانون اساسی به مثابه کوه استواری است که احدی نمی‌تواند در آن خللی وارد کند.

شاهین تصریح کرد: بقیه خواسته‌های انقلابیون باید محقق شده و همه فاسدین باید محاکمه شوند. میدان التحریر به همه مردم تعلق دارد و ارتش مصر می‌تواند دست به معجزه بزند و همیشه حامی انقلاب مردم مصر باشد.

خطیب جمعه میدان تحریر بیان کرد: هدف انقلابیون ۲۵ ژانویه مبارزه با فساد بود. اتحاد مردم فروپاشی نظام سابق را رقم زد، اما هر کشور خارجی که قصد ایجاد شکاف میان مردم مصر را داشته باشد با واکنش شدید انقلابیون روبه‌رو خواهد شد.

شاهین خطاب به رژیم صهیونیستی گفت: مصری‌ها برای آزادی بیت‌المقدس می‌آیند و برای شهادت در راه خدا آمادگی کامل دارند.

اختری در گفت و گو با مهر:

«تقریب مذاهب» زمینه‌ساز احیای تمدن اسلامی است

دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام با بیان این که امروز اسلام پاسخ‌گوی نیازهای بشری است، تقریب مذاهب اسلامی را زمینه‌ساز تعامل علمای اسلام برای این پاسخ‌گویی دانست و گفت: علمای اسلام می‌توانند با یک‌دیگر در این مسیر حرکت کنند و این نوع گفتمان‌ها در احیای تمدن بزرگ اسلامی و پیشرفت اسلام تأثیرگذار خواهد بود.

حجت‌الاسلام محمدحسن اختری دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، حوزه علمیه قم و الازهر قاهره را دو پایگاه اصلی دو طایفه شیعه و سنی خواند و در مورد نقش این دو در تقریب مذاهب اسلامی به خبرنگار مهر گفت: حوزه علمیه قم و الازهر به عنوان دو پایگاه علمی و دینی تشیع و تسنن در اساس اسلام و در همه مبانی دینی توافق دارند.

وی با اشاره به نقش آیت‌الله بروجردی و شیخ شلتوت در ایجاد ارتباط بین شیعه و سنی تصریح کرد: آنچه مورد توجه آیت‌الله بروجردی بوده و آن‌را با مرحوم شیخ شلتوت مطرح کرده و برای آن نماینده تعیین و نامه‌نگاری کردند، ایجاد ارتباط دو مذهب شیعه و سنی با مرکزیت علمی و محوریت دینی دو مذهب شیعه اثنی‌عشری و جامعه اهل تسنن بوده است.

وی تحولات سیاسی چهل سال اخیر را موجب عدم تأثیرگذاری فتوای شیخ شلتوت در جهان اسلام نسبت به شیعه دانست و گفت: به خاطر شرایط سیاسی امروز جهان و به ویژه مصر فتوای شیخ شلتوت نتوانست جایگاه اصلی خود را پیدا کند.

حجت‌الاسلام اختری افزود: پس از شیخ شلتوت با توجه به تحولات مصر در زمان جمال عبدالناصر و پس از آن سادات و مبارک شرایط به وجود آمده این مسئله را مسکوت گذاشت تا این که با استقرار جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام (ره) و بعد از ایشان عنایات رهبر معظم انقلاب این اندیشه دوباره زنده و عملی شد و در طی سال‌های اخیر کارهای تقریبی بزرگی انجام گرفت که بسیار تأثیرگذار بوده است.

دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام تأکید کرد: امروز می‌توانیم بگوییم که اکثریت جامعه اهل تسنن از جمله جامعه علمایی و جامعه دینی و مردم اهل سنت این اندیشه تقریبی را قبول دارند و در این مسیر حرکت می‌کنند. البته غیر از کشورهایی مثل عربستان سعودی که اندیشه‌های آنها نشأت گرفته از ابن تیمیه و وهابیت است و همواره تلاش می‌کنند بر اختلاف دامن بزنند.

وی بر لزوم تقویت گفتمان تمدن اسلامی در میان علمای اسلام تأکید کرد و افزود: تمدن اسلامی تمدنی عمیق و گسترده و دارای ذخایر بزرگ علمی، اجتماعی و فرهنگی بوده و هست؛ از این رو اگر به مسئله وحدت و تقریب خوب پرداخته شود و بتواند در جامعه نقش اجرایی خود را بیابد این

مسئله به ایجاد یک پارچگی برای اسلام و مسلمانان منجر خواهد شد و این تمدن اسلامی به نیرویی برای مقابله با توطئه‌های دشمن و برطرف شدن اختلافات و کینه‌توزی‌ها تبدیل می‌شود.

حجت الاسلام اختر با اشاره به فعالیت‌های مؤثر «مجمع تقریب مذاهب اسلامی» یادآور شد: علمای بزرگی از کشورهای مختلف هم‌چون عراق، مصر، لبنان، افغانستان و ... در مجمع عضویت دارند و برای دستیابی به این تمدن اسلامی باید گفت‌وگوهای علمی در میان دانشمندان گسترش یافته و مسائلی را که موجب شبهه می‌شود را در حلقه‌های گوناگون و پی در پی پاسخ داد و با برجسته کردن نقاط مشترک این ارتباط را تقویت نمود.

وی در پایان، پرداختن به مسائل عامه اسلامی و بشری را از جمله مباحث ضروری کنونی خواند و گفت: امروز اسلام می‌تواند پاسخ‌گوی نیازمندی‌های جامعه بشری باشد و علمای اسلامی می‌توانند با یک‌دیگر در این مسیر حرکت کنند و این نوع گفت‌وگوها در پیشرفت اسلام تأثیرگذار است.

لزوم تمرکززدایی از فعالیتهای فرهنگی مجمع تقریب

حجت الاسلام والمسلمین اوحدی، معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی، ریاست کمیسیون فرهنگی کنفرانس را برعهده دارد با اشاره به نشست‌های دو روزه کمیسیون اظهار داشت: کمیسیون فرهنگی به عنوان یکی از سه کمیسیون تخصصی کنفرانس، طی چهار جلسه، محورهای مهم فعالیتهای فرهنگی مجمع را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

اوحدی اضافه کرد: در ابتدای جلسات، بنده به عنوان رئیس کمیسیون یک شمای کلی از فعالیتهای فرهنگی مجمع ارائه کردم و پس از آن سرفصل‌های مهم فعالیت‌ها تک تک بررسی گردید. وی سرفصل‌های مهم فعالیتهای فرهنگی مجمع را «پژوهش‌ها، تألیفات، ارتباطات دانشگاهی، خبرگزاری و سایت‌های اینترنتی، چاپ و نشر و توزیع کتاب و برگزاری نمایشگاه‌های کتاب و محصولات فرهنگی» برشمرد و اظهار داشت: در کمیسیون فرهنگی کنفرانس، بیش از چهل نفر از اعضای مجمع عمومی شرکت داشتند و از نظر کیفی و کمی در سطح بالایی برگزار شد و حضور شرکت‌کنندگان در آن قابل توجه بود.

اوحدی با اشاره به دیدگاه‌های مطرح شده از سوی شرکت‌کنندگان در این کمیسیون گفت: مهم‌ترین پیشنهادی که در کمیسیون مطرح شد، این بود که شرکت‌کنندگان بر لزوم تمرکززدایی از

فعالیت‌های فرهنگی مجمع تأکید داشتند و معتقد بودند که فعالیت‌های فرهنگی باید قلمرو وسیع‌تری پیدا کند و همه کارها به ایران خلاصه نشود.

وی در این باره توضیح داد: شرکت کنندگان تأکید داشتند که مثلاً کار چاپ و نشر کتاب‌های مجمع نباید صرفاً در ایران انجام شود و آن‌گاه در دیگر کشورها توزیع گردد بلکه بهتر است با تمرکززدایی، کارها در سراسر جهان اسلام انجام شده و از توانایی مجموعه‌های بیرون از مرکز نیز استفاده شود.

به گفته اوحدی، در این نشست تخصصی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی تسخیری به عنوان مدیرعامل خبرگزاری تقریب نیز گزارشی از فعالیت‌های خبرگزاری ارائه داده و به معرفی جامع خبرگزاری به اعضای کمیسیون پرداخت.

گفتنی است، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن مظفری و دکتر محمدعلی آذرشب، نواب رئیس کمیسیون فرهنگی کنفرانس وحدت اسلامی بودند.

شیخ الازهر برای استقلال مصر از آمریکا صندوق پولی تأسیس نمود

خبرگزاری فارس: شیخ الازهر برای استقلال مصر از آمریکا صندوق پولی تأسیس نموده و اعلام کرده است که کمک‌های مالی آمریکا به مصر وسیله‌ای برای فشارهای غیر قابل قبول بر مصر شده است.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه خبری العربیه، احمد الطیب، شیخ الازهر در اقدامی جدید صندوقی را برای حمایت از اقتصاد ملی مصر تأسیس کرده و اعلام نموده است: این صندوق برای استقلال از کمک‌های مالی آمریکا به مصر که وسیله‌ای برای فشار بر مصر شده، تأسیس می‌شود.

وی از همه مصری‌ها در داخل و خارج از مصر برای کمک به این صندوق و جمع‌آوری پانصد تا هزار جنیه مصری دعوت کرده است.

این اقدام شیخ الازهر با استقبال همه جریان‌های اسلامی مصر از جمله سلفی‌ها، کانون شرفای مصر و طریقت‌های صوفیه روبه‌رو شده است.

این صندوق قرار است صندوق عزت و کرامت نام‌گذاری شود و ریاست آن را شیخ الازهر بر عهده گرفته و رهبران مسلمان و مسیحی و رؤسای احزاب سیاسی و شخصیت‌های برجسته مصری و کارشناسان اقتصاد مصر در اداره آن حضور داشته باشند.

توسط مجمع جهانی صلح اسلامی

سند پایانی هم‌اندیشی صلح عادلانه؛ گفت‌وگو مشترک جهانی منتشر شد

سند پایانی هم‌اندیشی «صلح عادلانه؛ گفت‌وگو مشترک جهانی» به مناسبت روز جهانی صلح (۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ - ۳۰ شهریور ۱۳۹۰) توسط مجمع جهانی صلح اسلامی منتشر شد. به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی صلح اسلامی، متن این سند به قرار زیر می‌باشد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با تأکید بر این که برقراری صلحی ماندگار و جاودان در عرصه جهانی و منطقه‌ای، آرزوی قلبی همه انسان‌ها و مورد تأکید همه ملت‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان است؛ با یادآوری این که ادیان الهی با پایه‌ریزی نظامی از روابط انسانی بر پایه کرامت و کمال بشر، معتبرترین الگوی استقرار صلح را ارائه نموده و پیامبران الهی در همین راستا تلاش‌های عینی را مدیریت نموده‌اند؛

با پذیرش و اذعان به این که میان ادیان الهی عناصر مشترک و متقنی در رابطه با صلح عادلانه وجود دارد و از این رو، صلح عادلانه یک گفت‌وگو مشترک جهانی در میان ادیان و فرهنگ‌های مختلف می‌باشد؛

با تمرکز و توجه به وضعیت موجود جامعه بین‌المللی و عدم پیشرفت چشم‌گیر در بهبود امنیت و آرامش ملت‌ها و انسان‌ها و متکثر شدن تهدیدهای فراروی آنها و با تأکید بر این که برداشتن گام‌های جدی در این راستا مستلزم هم‌دلی و همراهی نخبگان، سازمان‌های مردم‌نهاد و همه اقشار جامعه بشری می‌باشد؛

با تأکید بر لزوم فعال شدن ظرفیت‌های همکاری در سازمان‌های بین‌المللی و این که دستورکار این سازمان‌ها باید بر پایه التزام واقعی به تأمین نیازها و رفع تهدیدهای فراروی ملت‌ها متمرکز شود و با پذیرش این که مهم‌ترین انتظار در این زمینه، متوجه سازمان ملل متحد بوده و این سازمان باید برقراری عدالت مندرج در منشور ملل متحد را با مشارکت همه دولت‌ها و با رعایت منافع همه ملت‌ها پی‌گیری نماید؛

با جلب توجه جامعه مدنی جهانی به لزوم استقرار صلح بر محوریت عدالت و درخواست همراهی همه نهادها و نخبگان به این ضرورت مهم در روابط انسانی و بین‌المللی؛ با عزم راسخ به اتخاذ تصمیمی مؤثر بر تفکر بین‌المللی و مسیر راهبری صلح‌طلبی و صلح‌خواهی و ایجاد گفتگویی مشترک بر همه جهانیان که دارای معیارهای انسانی و مورد قبول اقوام، ملت‌ها، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و ادیان باشد؛ و با تصمیم به تکمیل قطع‌نامه ۶۷/۳۶ و ۵۵/۲۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد دائر بر تعیین ۲۱ سپتامبر به عنوان روز جهانی صلح و تأکید بر این‌که این سالروز باید مجالی برای توجه هر چه بیشتر به عدالت به عنوان خواست همه انسان‌ها و معیاری ناظر بر تنظیم و تعیین الگوی صلح باشد؛

هم‌اندیشی صلح عادلانه گفتگویی مشترک جهانی، بنا به تصمیم کارشناسان و نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد شرکت کننده در این نشست:

۱- روز جهانی صلح را به عنوان روز صلح عادلانه اعلام می‌نماید و از سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای به ویژه سازمان کنفرانس اسلامی می‌خواهد اعلام ۲۱ سپتامبر به عنوان روز جهانی صلح عادلانه را در دستورکار قرار دهند و از همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی درخواست می‌شود پیشنهاد اعلام سال ۲۰۱۲ به عنوان سال صلح عادلانه را به مجمع عمومی ملل متحد ارائه و مورد حمایت قرار دهند.

۲- از دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست می‌کند تشکیل کمیته‌ای در مجمع عمومی به منظور بررسی چگونگی برقراری عدالت جهانی در همه ابعاد به ویژه در زمینه صلح جهانی را پیش‌گیری نموده، کارگروه مطالعه صلح عادلانه را در دبیرخانه این سازمان یا مؤسسات مطالعاتی وابسته، ایجاد کند و ضمن دعوت از نخبگان جهان، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی را نیز در این زمینه مشارکت دهد.

۳- از نخبگان جهان و سازمان‌های مردم‌نهاد صلح‌طلب درخواست می‌نماید ضمن حمایت و عضویت در «کمیته نخبگان ائتلاف جهانی علیه تروریسم» که بر اساس مصوبه کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، در ژوئن ۲۰۱۱ تأسیس شده است، در برنامه‌ریزی و مطالعه روش‌های ایجاد و توسعه گفتگویی صلح عادلانه در جهان مشارکت نمایند.

ویژگی‌های متمایز انقلاب بحرین

برخلاف دیگر قیام‌های عربی - اسلامی، انقلاب بحرین دو ویژگی کاملاً متمایز از دیگر اعتراضات داشت:

۱. بایکوت شدید رسانه‌ای توسط رسانه‌های عربی و غربی؛

۲. فعالیت بسیار گسترده زنان و دختران بحرینی در تمام تجمعات خیابانی و حتی درگیری‌های میدانی.

بحرین کشوری است که با خدعه و سیاست‌بازی بریتانیا از ایران جدا شد و اقلیت ۸۵ درصدی شیعه‌اش (!) تحت لوای حکومت دست‌نشانده عربستان قرار گرفت.

شیعیان بحرین به‌رغم اکثریت جمعیتی، در سیستم نظام حکومتی حتی در مشاغل دولتی کمترین سهم ممکن را داشتند و ارتباط با شیعیان خارج از بحرین برای آنان سرنوشت شومی را رقم می‌زد، به‌طوری‌که با وجود ۲۵٪ جمعیت ایرانی‌الاصل در این کشور، داشتن عکس رهبران و کتب سیاسی چاپ‌شده در ایران مجازات اعدام داشت.

هم‌زمان با دیگر کشورهای عربی، در ۱۴ فوریه، شیعیان بحرین که در مناطق محروم و حومه آن بودند به میدان لؤلؤ آمده و به تجمع مسالمت‌آمیز، برپایی چادرهای تحصن، امضای طومار و اعتراضات نمادین اقدام نمودند. شروع اعتراضات و هم‌چنین روند ادامه آن به‌رغم سرکوب شدید آل خلیفه بسیار هوشمندانه مدیریت شد؛ شاید مدلی برگرفته از تجربه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران. با پرهیز از خشونت‌های کور و یا آشوب‌های گسترده و تخریب اموال عمومی، بهانه و دست‌مایه‌ای برای سرکوب ایشان به دولت بحرین نداده و هم‌چنان به تجمعات خیابانی به شکلی گسترده و از هر قشری ادامه دادند و رهبری دینی زمام امور این اعتراضات را بر عهده گرفت.

در میان کشورهای انقلابی (انقلابی موسوم به انقلاب بهار عربی به روایت غربی‌ها) هیچ کشوری مانند بحرین شاهد حضور گسترده زنان به‌عنوان نیروی انقلابی نیست. گواه این مدعا شمار زیاد زنان شیعه بازداشت شده و شکنجه شده بحرینی است. مرکز حقوق بشر بحرین در بیانیه‌ای که درباره وضعیت زنان در جریان انتفاضه ۱۴ فوریه منتشر کرد، تأکید نمود: «زنان به‌عنوان یکی از بخش‌های فعال و بسیار مؤثر در اعتراضات مردمی، در صفوف اول راه‌پیمایی‌های مسالمت‌آمیز حضور گسترده‌ای داشتند و همین مسئله باعث شد تا پیکان حملات سازمان‌های امنیتی به‌سوی آنها نشانه برود». زنان بحرینی به علت رفتار بسیار خشن و سرکوبگرانه، از جمله بازداشت و شکنجه پرستاران و پزشکان، حمله به مدارس دخترانه و بازداشت دانش‌آموزان و معلمان، حملات شبانه به منازل معترضان با گازهای سمی و تخریب منازل ایشان، به خط اول میدان مبارزه وارد شدند و در تمامی تجمعات اعتراضی در صفوف به هم پیوسته و پرتعداد در کنار مردان بودند. با وجود رفتار بسیار وحشیانه مزدوران آل خلیفه با زنان شیعه بحرینی که قلم از نوشتن آن شرم دارد، این حرکت از دیگر اعتراضات عربی مشابه خود فاصله گرفت و به جریانی بسیار فعال و پویا در مبارزات تبدیل شد، به‌طوری‌که زنان حتی مانند مردان پای به میدان مبارزات و نبردهای خیابانی گذاشتند.

در بیانیه مرکز حقوق بشر تأکید شده که تا لحظه صدور بیانیه بیش از یک‌صد زن بحرینی توسط سازمان‌های امنیتی آل خلیفه دستگیر شده‌اند که این امر در تاریخ بحرین بی‌سابقه بوده است. در این

بیانیه به نام‌های معروفی هم‌چون «دکتر خلود الدرازی» یکی از مشهورترین زنان متخصص زنان و زایمان منطقه خلیج فارس، «رولا الصفار» رئیس جمعیت پرستاران بحرین و «جلیله السلیمان» نایب‌رئیس جمعیت معلمان بحرین در کنار «آیات القرمزی» شاعر جوان بحرینی اشاره می‌شود که توسط نیروهای امنیتی دستگیر و شکنجه شده‌اند. این روزها بعد از توجه نکردن دولت بحرین و جامعه جهانی به اصلاح قوانین سیاسی و اجتماعی و به‌علت سرکوب شدن هر حرکت صلح‌آمیز و مدنی، مردم بحرین با شعار سقوط نظام دست‌نشانده مسیر مبارزه را به درگیری‌های پراکنده و سنگ‌پرانی و مقابله به مثل با سلاح سرد کشانده‌اند که در این میدان هم دختران بحرینی نه تنها از مردان عقب نمانده، بلکه با حرکت‌های نمادین خود به‌عنوان پایداری در برابر پلیس و ارتش و تمسخر نیروهای سرکوبگر و نیز با شرکت فعال در درگیری‌ها، امداد پزشکی و تأمین وسایل لازم نشان داده‌اند که با تأسی به شعار «هیئات منا الذله» و کاروان حسینی، پا را به مرحله عمل گذاشته و درختی را نشانده‌اند که هر چقدر زخم بر پیکرش می‌نشانند، ریشه‌اش خشک نمی‌شود؛ ریشه‌ای که در عطش کربلا سیراب شده است! حضور یکپارچه زنان با حجاب و پوشش کامل که حرکت زینب‌گونه‌شان را تکمیل کرد برخلاف تبلیغات شدید رژیم آل‌خلیفه که آن را ضد اسلامی قلمداد می‌نمود، نشان از پای‌بندی آنان به اسلام و دستورات آن داشت. آنان از تمام مردان می‌خواستند که برای پیروزی بیرون بیایند، وگرنه خود خارج خواهند شد. حرکت تهییجی و ترغیبی زنان با شعرخوانی «آیات القرمزی» و موج اعتراضات پس از دستگیری وی، هم‌چنین ربودن و شکنجه زنان پزشک و پرستار بحرینی، انقلاب بحرین را به انقلاب زنان علیه ظلم آل‌خلیفه مشهور کرد و باعث توجه بیشتر افکار عمومی جهان به آن شد.

برجسته‌ترین کتاب‌ها و شخصیت‌های تقریبی معرفی شدند

در مراسم پایانی بیست و پنجمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی دو کتاب و یک مجله به همراه یک شبکه تلویزیونی به عنوان برترین‌های تقریبی در بخش رسانه و نشر و دو شخصیت به عنوان پیشتازان تقریبی معرفی شدند.

در مراسم اختتامیه بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی که جمعه شب در هتل آزادی تهران برگزار شد، هفتمین دوره انتخاب کتاب سال تقریب به منظور تجلیل از داعیان راه حق که با قلم خود در راه هموار کردن وحدت و اخوت مسلمانان و تقویت انسجام اسلامی تلاش می‌کنند، برگزار شد.

بر این اساس، اثر آیت الله محمد مهدی آصفی با عنوان «چالش‌های معاصر و برنامه رویارویی اسلامی» و کتاب «هذا هو الاسلام» تألیف مرحوم عبدالرحیم السائح به عنوان کتاب‌های برتر سال، مجله بشری به مدیر مسئولی حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی خاموشی به عنوان نشریه برتر و شبکه تلویزیونی الوحده به مدیریت حجت الاسلام محمد جوادی به عنوان رسانه برگزیده فرهنگ تقریب معرفی شد.

در ادامه، از «دکتر محمد حسن تبرائیان» معاون بین‌الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و «استاد شهید برهان‌الدین ربانی» رئیس‌جمهور سابق افغانستان و عضو مجمع عمومی مجمع تقریب به عنوان شخصیت‌های پیشگام در تقریب مذاهب اسلامی تجلیل شد.

بیست و پنجمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۹ تا ۲۱ بهمن در تهران برگزار شد. مراسم اختتامیه با سخنرانی آیت الله محمدعلی تسخیری دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی و دکتر سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد و در پایان نیز، بیانیه مصوب شرکت کنندگان در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی قرائت گردید.

برای ترویج محتوای حلال،

فیس بوک اسلامی راه‌اندازی می‌شود

مهر: نخستین شبکه جهانی و اسلامی «سلام جهان» به عنوان نسخه حلال و اسلامی فیس بوک با هدف ممانعت از ارائه محتوای حرام شبکه‌های اجتماعی غربی و هدف گرفتن پنجاه میلیون کاربر ظرف پنج سال آینده راه‌اندازی می‌شود.

به گزارش روزنامه حریت ترکیه، عبدالواحد نیازوف یکی از متصدیان «سلام جهان» در نخستین اجلاس این شبکه در استانبول که با حضور ۲۵۰ نفر از چهل کشور جهان برگزار شد، گفت: مسلمانان جهان، نماینده خوبی در دنیای اینترنت ندارند.

قرار است وب سایت «سلام جهان» به عنوان یک شبکه پیشگام در عرصه شبکه اجتماعی اسلامی با هدف ایجاد یک فضای حلال برای مسلمانان در اینترنت راه‌اندازی شود.

عبدالواحد نیازوف از تاجران مسلمان اهل سبیری اظهار داشت: محتوای شبکه‌های اجتماعی کنونی چندان امن نبوده و مملو از محتوای حرام می‌باشد و ما نمی‌خواهیم جوانان ما این ایده‌ها را بپذیرند.

یک گروه از سرمایه‌گذاران ترک و روس ده‌ها میلیون دلار برای توسعه این سایت که قرار است به نسخه اسلامی فیس بوک تبدیل شود سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

سرکار در همایش کاربردهای دفاعی فناوری نانو مطرح کرد:

۴۵٪ تولید علم نانوی جهان اسلام در اختیار ایران / تأسیس مرکز نانومترولوژی در آینده نزدیک

خبرگزاری فارس: دبیر ستاد نانوی ریاست جمهوری با بیان این که ۴۵٪ تولید علم نانوی جهان اسلام در اختیار ایران گفت: مرکز نانومترولوژی در آینده نزدیک در کشور تأسیس خواهد شد. به گزارش خبرنگار گروه دانشگاه خبرگزاری فارس، سعید سرکار دبیر ستاد نانوی ریاست جمهوری در دومین همایش سراسری کاربردهای دفاعی علوم نانو که در دانشگاه امام حسین (ع) برگزار شد، با اشاره به این که تنها در سایه امنیت می توان به توسعه و پیشرفت علمی رسید، یکی از راه های دستیابی به امنیت را توسعه فناوری های نوظهور به خصوص فناوری پیشرفته نانو عنوان کرد. وی افزود: در آینده در حوزه نانو کلویی جهانی شکل خواهد گرفت که اعضای آن از میان کشورهای پیشرفته در این حوزه انتخاب خواهند شد و ما نیز باید بکوشیم تا از اعضای دائمی این کلوپ باشیم.

دبیر ستاد نانوی ریاست جمهوری آغاز فعالیت نانو توسط کشورهای پیشرفته را از ابتدای سال ۱۹۹۹ میلادی دانست و گفت: در کشور ما نیز ستاد فناوری نانو در سال ۲۰۰۳ میلادی شکل گرفت و برنامه های راهبردی آن از سال ۲۰۰۵ مصوب شد که این برنامه ها در سه فاز که دو فاز ابتدایی آن سه ساله و فاز آخر آن چهار ساله است، نهایی خواهد شد. وی اظهار داشت: هم اکنون در آغاز فاز سوم این برنامه قرار داریم و ارتقای کیفیت محصولات و ایجاد ثروت از اهداف نهایی این برنامه است.

سرکار با اشاره به اینکه شش عضو در مجموعه ساختار ستاد نانو از میان وزرای مختلف انتخاب می شوند، افزود: پنج عضو حقیقی در این ستاد فعالیت دارند. ضمن این که این ستاد زیر نظر معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به فعالیت می پردازد.

وی از صاحبان صنایع خواست با توجه به پیشرفت های شکل گرفته در عرصه نانو در کشور به میدان بیایند و از صاحبان فکر حمایت نمایند. در زمینه فعالیت های علمی دانش آموزی نیز هفتاد هزار دانش آموز در حال آموزش فناوری های نانو هستند. همچنین ایران اولین کشوری است که در این حوزه المپیاد دانش آموزی برگزار کرده است.

دبیر ستاد نانوی ریاست جمهوری تصریح کرد: هم اکنون در کشور هجده دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد، یازده دانشگاه در دوره دکترا و ۷۷ مؤسسه پژوهشی در حوزه فن آوری نانو مشغول آموزش دانشجویان و فعالیت در این حوزه هستند.

وی افزود: در زمینه تولید علم نیز در این حوزه رشد قابل توجهی داشته‌ایم. مثلاً در سال ۲۰۰۰ میلادی با ارائه هشت مقاله رتبه ۵۹ دنیا و ششم جهان اسلام را کسب کردیم، اما در سال ۲۰۱۱ تعداد مقالات ما در این حوزه به حدود ۲۵۰۰ مقاله مهم رسید و توانستیم رتبه دوازدهم دنیا و نخست جهان اسلام را کسب کنیم.

سرکار در ادامه گفت: ایران در زمینه اولویت‌دهی به علوم و فناوری نانو رتبه چهارم جهان را در اختیار دارد. همچنین کشور ما ۳٪ از کل تولیدات علمی نانو جهان را دارا است و در این زمینه از کشورهایی همچون روسیه، کانادا و استرالیا جلوتر هستیم.

وی با اشاره به این که ۵۰٪ از تولیدات علمی جهان در حوزه فناوری نانو در آسیا اتفاق می‌افتد، گفت: ۴۵٪ تولیدات علمی نانو جهان اسلام در اختیار ایران است.

دبیر ستاد نانو ریاست‌جمهوری یکی از نقاط ضعف کشور را در حوزه نانو عدم وجود تعداد پتنت کافی و عدم تعامل در این حوزه با سایر کشورهای جهان عنوان کرد و افزود: در حالی که در کشور آمریکا ۸۵٪ مقالات به عنوان پتنت ثبت می‌شود، در کشور ما این رقم زیر ۱٪ است.

سرکار از تأسیس مرکز نانومترولوژی در آینده‌ای نزدیک در کشور خبر داد و گفت: ایران به عنوان عضوی از گروه CAG است و حضور ایران در این گروه نشان‌دهنده پیشرفت‌های ارزنده کشور در این حوزه است.

وی افزود: با حمایت ستاد فناوری نانو مجموعه‌ای تشکیل شده است که در خصوص بازاریابی به ویژه جست‌وجوی بازارهای بین‌المللی فعالیت می‌کند. ضمن این که ایران در زمینه تبادلات علمی در حوزه فناوری نانو با کشورهای پیشرفته جهان برابری می‌کند.

دبیر ستاد نانو ریاست‌جمهوری در ادامه به حضور شرکت‌های زیادی در این حوزه اشاره کرد و افزود: ۳۵ شرکت در کشور در عرصه نانو در زمینه مواد فعالیت می‌کنند. همچنین شانزده شرکت در این حوزه در زمینه ساختمان، پانزده شرکت در زمینه سلامت، سیزده شرکت در حوزه نفت، یازده شرکت در حوزه نساجی، یازده شرکت در حوزه کشاورزی، هشت شرکت در حوزه خودروسازی و ۲۴ شرکت در حوزه تجهیزات آزمایشگاهی فعالیت می‌کنند.

وی افزود: با همکاری دانشگاه‌های کشور در زمینه فناوری نانو موفق به ساخت دستگاه نانوسکوپ شدیم و از کارهایی که این دستگاه می‌تواند انجام دهد می‌توان به حکاکی حروف و عبارات بر روی قطعه‌ای بسیار کوچک اشاره کرد.

سرکار در پایان خاطرنشان کرد: دوازده هزار متخصص در حوزه نانو در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا و ۲۶۰۰ عضو هیئت علمی در همین زمینه در کشور مشغول فعالیت هستند.

موضوع

نایشان

سال هشتم / شماره بیست و نهم

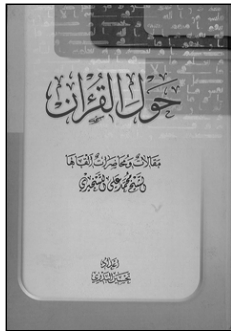
۱۵۶

مآخذ شناسی
انلیشه تقریب

مآخذشناسی اندیشه تقریب

سلمان حبیبی

(أ) آثار منتشر شده توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

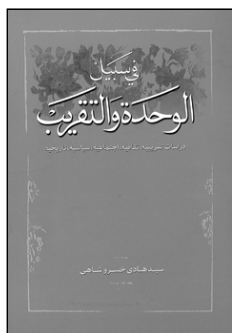


حول القرآن؛ مقالات و محاضرات ألقاها الشيخ محمدعلي التسخيري

محمدعلی تسخیری، گردآوری: تحسین البدری، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۲۸۸ صفحه، وزیری، عربی.
در این نوشتار مجموعه‌ای از مقالات و دیدگاه‌های علوم قرآنی و تفسیری آیت الله محمدعلی تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی در موضوعات مختلف اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی گردآوری شده است. در بخش اول از این کتاب کلیاتی از علوم قرآنی مانند تعریف علوم قرآن، اسامی قرآن، فضایل قرآن، تاریخ قرآن، نزول قرآن، سبب نزول، شأن نزول و راه‌های شناخت آن، مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌های قرآن، حکمت وجود متشابهات در قرآن کریم و سالم ماندن قرآن کریم از تحریف مطرح شده و دیدگاه‌های آیت الله محمدعلی تسخیری در این موضوعات منعکس گردیده است. در ادامه، برخی از شبهاتی مستشرقان نسبت به وحی و نزول قرآن و اعجاز آن مطرح و پاسخ مستدل آنها داده شده است. در بخش بعدی کتاب، دیدگاه‌های آیت الله محمدعلی تسخیری در مورد تفسیر علمی قرآن و بایسته‌های آن مطرح گردیده و نمونه‌هایی از تفسیر موضوعی ارائه شده از سوی ایشان ذکر گردیده است. در همین راستا مباحثی مانند فطرت الهی و ویژگی‌های آن، حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان نمونه‌ای از یک انسان متمدن و کامل، حضرت موسی علیه السلام نجات دهنده مستضعفان از یوغ و ظلم فرعون، آینده جوامع انسانی از منظر قرآن کریم و روابط بین دولت‌های اسلامی با ممالک غیر اسلامی و ارتباط دولت‌های اسلامی با یکدیگر مطرح شده و مقالاتی از ایشان در این موضوعات با مبنای قرآنی درج گردیده است.

(أ) آثار منتشر شده توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

نگارنده محترم به حسب دغدغه‌ها و مسئولیتی که در زمینه وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب اسلامی دارد بیشتر به مقولات سیاسی و اجتماعی قرآن که جنبه‌های وحدت‌بخشی در آنها پررنگ بوده پرداخته و عوامل وحدت و تقریب مذاهب اسلامی و آثار و برکات مترتب بر آن و راه کارهای عملی وحدت و تقریب را بررسی کرده و آفات وحدت و تقریب را نیز متذکر شده است.



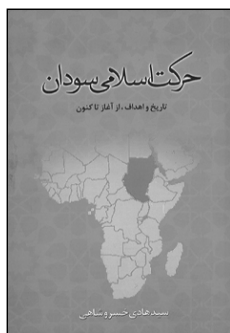
فی سبیل الوحدة والتقریب دراسات تقریبیه، ثقافیه، اجتماعیه،
سیاسیه، تاریخیه

سیدهدای خسروشاهی، ترجمه: شوقی شالباف، تهران، مجمع جهانی
تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ۴۷۲ صفحه، وزیری، عربی.
در این پژوهش از منظری اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، راه کارهای
دست‌یابی به وحدت اسلامی و تقریب بین مسلمانان بررسی شده است.
نویسنده ابتدا بر ضرورت وحدت و نزدیکی فکری و اعتقادی جهان عربی و
اسلامی تأکید کرده و عوامل چنین وحدت و تقریبی را برشمرده است.

وی عوامل اعتقادی وحدت و تقریب بین مسلمانان، مانند وحدت در شعائر اسلامی، یاری رساندن
و دوستی بین مسلمانان، امر به معروف و نهی از منکر، همکاری و تعاون بر خوبی‌ها، وحدت جغرافیایی
و سیاسی و وحدت تاریخی را بیان کرده و معتقد است مسلمان در هر جای دنیا باز هم مسلمان است و
مرز و جغرافیا نمی‌شناسد. از نظر وی باید تعریفی جامع و مانع از جهان اسلام با توجه به پراکندگی
مسلمانان صورت گیرد و تعداد مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت در کل جهان مشخص گردد تا
بتوان یک وحدت رویه و برنامه‌ای جامع برای آنان ارائه نمود. وی بر وحدت قومیت‌های عرب و
مسلمان تأکید کرده و معتقد است نباید کشورهای مهمی مانند ایران که اکثر غریب به اتفاق آن
مسلمان هستند به خاطر قومیت عربی از جهان اسلام جدا در نظر گرفته شود. وی قضیه فلسطین را
عاملی برای وحدت اعراب با ایرانیان دانسته و اهتمام نسبت به انقلاب فلسطین پس از وقوع انقلاب
اسلامی در ایران را ستوده و اتحاد اعراب و ایران را در این مسئله خواستار شده است.

در ادامه، نویسنده به چشم‌انداز روابط تمدنی ایران و مصر پرداخته و نقش اخوان المسلمین و شیعه
در رسیدن به وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی را تجزیه و تحلیل نموده و فعالیت و اندیشه‌های
برخی از شخصیت‌های اصلی اخوان المسلمین مانند حسن البنا و سید محمد قطب و شیخ عمر
التلمسانی و نقش آنان در ایجاد وحدت بین مسلمانان را تشریح نموده است. در بخش پایانی کتاب،
نویسنده به جنبش فدائیان اسلام در ایران به رهبری سید مجتبی نواب صفوی و افکار و فعالیت‌های

سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید هبة‌الدین شهرستانی، محمدنصر فرید و دکتر کلیم صدیقی در زمینه وحدت و تقریب مذاهب اسلامی اشاره کرده و معتقد است که مسلمانان در هر جای دنیا باید به قرآن کریم و معارف اسلامی اصیل و ناب بازگردند تا به وحدت و تقریب سازنده و پایدار برسند.



حرکت اسلامی سودان، تاریخ و اهداف، از آغاز تا کنون

سیده‌ادی خسروشاهی، تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، چاپ

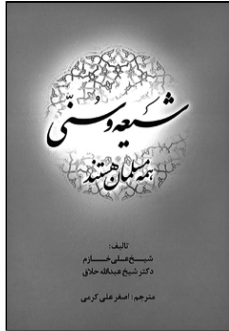
اول، ۱۳۹۰، ۲۴۸ صفحه، رقعی.

در این اثر مباحث متعددی درباره حرکت‌های اسلامی یک قرن و نیم اخیر در کشور اسلامی سودان مطرح شده و قیام‌ها و جنبش‌های مختلف مانند قیام مهدی سودانی و ادامه این قیام با عناوین گوناگونی مانند حرکت اسلامی، جنبش اخوان، جبهه‌های ملی اسلامی و... و برخی از قیام‌های

کنونی در این کشور که به شکل‌های گوناگون به وقوع می‌پیوندد تجزیه و تحلیل گردیده است. نویسنده، تاریخ و مواضع گوناگون این نهضت‌ها و حرکت‌ها را در امور داخلی کشور سودان و مسایل مربوط به آفریقا و یا جهان اسلامی بررسی نموده و با استناد به اسناد و مأخذ معتبر تاریخی حقایق جریان یافته در آن را تبیین کرده است. وی همچنین بر مسئله بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا اشاره کرده و از منظری علمی و تاریخی به پژوهش درباره ریشه‌یابی بهار عربی و حوادث جاری فعلی در جهان اسلام و کشورهای عربی خاورمیانه پرداخته است.

نویسنده ابتدا از منظری تاریخی به مهم‌ترین حوادث سودان اشاره کرده و شکل‌گیری مهدی‌گری در سودان، آغاز حرکت اخوان المسلمین در این کشور، وقوع کودتای نظامی و حرکت اسلامی در آن و تأسیس جبهه ملی - اسلامی در سودان را تجزیه و تحلیل نموده است. وی به فراز و نشیب‌های قیام‌های صورت گرفته از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۸۴ میلادی نیز اشاره کرده و تحلیلی از این قیام و آثار و اهداف آنها ارائه نموده است. در بخش دیگری از کتاب، نویسنده به بیداری اسلامی و ایجاد جنبش‌های اسلامی در سودان با هدف وحدت‌گرایی قومی و محلی‌گرایی ملی پرداخته و مواضع سیاسی جنبش بیداری در قبال طرح‌های وحدت‌بخش را بررسی نموده است. نویسنده روش‌های ایجاد وحدت بین اقوام و گروه‌های مذهبی در سودان را نیز ذکر کرده و مشکلات عملی ایجاد وحدت در این کشور به ویژه اختلافات قسمت شمال سودان با منطقه جنوب و دامن زدن کشورهای استعماری به اختلافات قومی در این کشور عربی اسلامی را تشریح نموده است.

شیعه و سنی همه مسلمان هستند



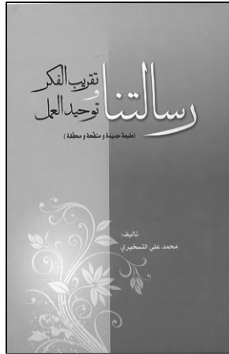
شیخ علی خازم و دکتر عبدالله حلاق، مترجم: اصغر علی کرمی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ۱۰۴ صفحه، رقعی.

در این نوشتار ضمن بررسی چالش‌های مهم پیش روی مسلمانان جهان بر اثر اختلافات فرقه‌ای و مذهبی، به ضرورت وحدت و یک‌پارچگی جهان اسلام و رفع اختلافات شیعیان و اهل سنت پرداخته شده و دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان مشهور از فریقین در این زمینه منعکس

گردیده است. نویسنده، آخرین فتاویٰ نخبگان فکری و فرهنگی شیعه و سنی و عکس‌العمل آنان نسبت به برخی از فتاویٰ اختلاف‌برانگیز و وقوع فتنه‌های مذهبی و تعصبات دینی و نژادی را که سرانجام همه این مسایل، تضعیف جهان اسلام و قدرت امت اسلامی می‌باشد، منعکس کرده و به بیان مشترکات فراوان شیعه و اهل سنت و اتحاد آنان حول این مشترکات دینی پرداخته است. در همین راستا وی ابتدا دیدگاه‌های علمای شیعه در مورد اهل سنت و وحدت شیعه و سنی را مطرح کرده و نظرات علمایی چون شیخ محمدجواد مغنیه، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی حسینی سیستانی، آیت‌الله سید محمدحسن فضل‌الله و آیت‌الله سید محمدسعید حکیم را در این باره مطرح کرده است. وی در ادامه معیارهای کفر و دین‌داری را از منظر احادیث شیعه بررسی نموده و پس از آن دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان اهل سنت مانند امام محمد غزالی، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد ابوزهره، شیخ محمد غزالی (از علمای معاصر اهل سنت)، عزالدین توفیق، شیخ سلمان بن فهد العوده، شیخ علی بن عمر بادحدح، ادريس الکتانی و ابن سالم و سید محمد سید طنطاوی را در مورد شیعیان منعکس کرده و به نقد و ارزیابی دیدگاه‌های افراطی برخی از علمای وهابی و اظهار نظرهای تند آنان نسبت به شیعیان و کفر آنان پرداخته است.

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده به دنبال پاسخ مناسبی به این سؤال می‌گردد که آیا شیعه و سنی از قرآن مشترکی بهره می‌گیرند یا این که قرآن آنان با هم متفاوت است، و معتقد است طبق دیدگاه‌های علمای اهل سنت و شیعه به جز علمای افراطی وهابی، شیعه و اهل سنت در قرآن مشترک هستند.

در فصل پایانی کتاب، نویسنده به معرفی اجمالی برخی از مراکز و پایگاه‌های تقریب مذاهب اسلامی پرداخته و فعالیت‌های علمی و عملی این مراکز و پایگاه‌ها را در نزدیک‌تر کردن هرچه بیشتر فرقه‌های مسلمان و کم کردن اختلافات دینی و مذهبی آنان گزارش نموده است.



رسالتنا تقریب الفکر و توحید العمل

محمد علی تسخیری، تحقق: محمد الساعدی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ۲۴۰ صفحه، وزیری، عربی.

در این اثر به بحث درباره وظایف علمای مسلمان در بازسازی فکر و عملکرد جوامع مسلمان و گروه‌های مختلف اسلامی در رسیدن به یک وحدت پایدار و تقریب مذاهب اسلامی پرداخته شده است. نویسنده ابتدا کلیاتی در مورد مفاهیم مربوط به وحدت و تقریب اسلامی مطرح نموده و بر معنای لغوی، اصطلاحی، قرآنی و روایی وحدت را بررسی کرده و بر ضرورت گفت‌وگوی منطقی بین مذاهب مختلف اسلامی و کنار گذاشتن

اختلافات فرقه‌ای و مذهبی را تأیید نموده است. وی اهل بیت پیامبر اسلام را مرجع علمی و تفسیر قرآن معرفی کرده و علوم والای ایشان را در خدمت مصالح امت اسلامی عنوان نموده و ایشان را محور وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی خوانده است. وی با توجه به اهمیت گفت‌وگوی شیعه و اهل سنت، محورها و عناصر این گفت‌وگو را بیان کرده و بر ضرورت زندگی مسالمت‌آمیز گروه‌های مختلف مسلمان را تأکید نموده است.

نویسنده هم‌چنین به خطرات و عواقب اختلافات مذهبی اشاره کرده و بایسته‌های تقریب بین مذاهب اسلامی و اصول و مبانی حاکم بر آن را بررسی نموده و پرهیز از تکفیر گروه‌های مسلمان نسبت به یک‌دیگر، احترام کردن آنان نسبت به هم در گفت‌وگوهای علمی و دینی، رعایت آزادی، انتخاب مذهب، پرهیز کردن از توهین به مقدسات یک‌دیگر و تعاون و همکاری مسلمانان نسبت به امور مشترک بین آنان را از لوازم تقریب مذاهب اسلامی عنوان کرده است.

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده ضمن بررسی برخی از عناصر وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب، به رسالت‌ها و وظایف مجمع تقریب مذاهب اسلامی که یک مرکز بین‌المللی در مورد نزدیک کردن فرقه‌ها و مذاهب اسلامی است، اشاره نموده و محورهای فعالیت این مجمع در زمینه‌های مختلف فقه و عقاید را تبیین کرده و نمونه‌های متعددی از محورهای وحدت بین مسلمانان مانند عاشورای حسینی و تعظیم شعائر اسلامی را در این زمینه بررسی نموده است. وی هم‌چنین امکان تقریب و وحدت شیعه و سنی را اثبات کرده و دیدگاه‌های افراطی و افتراهای آنان را نسبت به شیعه نقد و ارزیابی نموده است. وی اعتدال و عقلانیت را در دستور کار مجمع تقریب مذاهب اسلامی دانسته و معتقد است بر محور عقلانیت و اعتدال می‌توان به این مهم دست یافت.

✽✽✽✽✽

ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقریب

پاسخ به پرسش‌ها از دیدگاه مذاهب اسلامی (۱)



جمعی از نویسندگان، تهیه کننده: مؤسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی، قم، آثار نفیس، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ۱۴۴ صفحه، رقعی.

در این کتاب که نخستین جلد از این مجموعه است، مجموعه‌ای از سؤالات فقهی، اعتقادی، تاریخی و اجتماعی مهم و مورد ابتلا گردآوری شده و پاسخ مستدل آنها با استناد به دیدگاه‌های فقهی و کلامی شیعه امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت ارائه گردیده است. هدف از گردآوری این سؤالات بررسی مشترکات فکری شیعه و اهل سنت و تقریب بین مذاهب

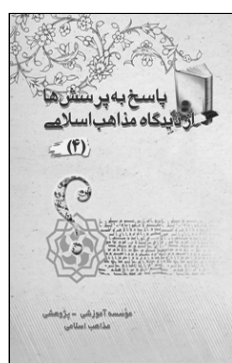
اسلامی و رفع برخی از سوءتفاهمات در زمینه‌های مختلف اسلامی بین آنان است. از این رو نگارنده (گردآورنده) با توجه به دیدگاه‌های مشترک آنان به گردآوری و پاسخ به این سؤالات همت گمارده و مهم‌ترین پرسش‌های فقهی و اعتقادی مد نظر فریقین را درج نموده است. پرسش‌های مطرح شده در این مجلد درباره اموری مانند: احکام نماز و روزه، ولایت فقهی، زنده بودن حضرت عیسی، محبت اهل بیت علیهم‌السلام، نحوه صلوات بر پیامبر اسلام، زیارت قبور مؤمنین و امامان در فقه شیعه و اهل سنت، معاویه از دیدگاه شیعه و سنی، وهابیت، نماز تراویح و مشروعیت و عدم مشروعیت آن، مشروعیت عزاداری، خلافت از منظر شیعه و اهل سنت، تعداد همسران پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، احکام رضاع (شیر دادن)، نوع حجاب و پوشش بانوان، لقب ام‌المؤمنین برای زنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، احکام ازدواج، توسل به اولیای الهی، تولد امام مهدی (عج)، سجده بر مهر و خاک و حکم فقهی آن، شب قدر، زنده شدن مردگان هنگام ظهور، شفا خواستن از اولیای الهی، عمر طولانی امام زمان (عج)، بشارت‌های قرآن نسبت به ظهور آن حضرت، احکام خمس و کفاره قسم خوردن به غیر خدا، احکام وضو، احکام محرمیت، ازدواج

تحمیلی و حکم آن، دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت در مورد صحابه، فعالیت‌های اجتماعی زنان در خارج از خانه، حکم لعن یزید و احکام طلاق و برخی دیگر از مسایل فقهی، تاریخی و اعتقادی از منظر فریقین، می‌باشد که با حفظ دیدگاه‌های آنان، پاسخ به آنها لحاظ شده است.

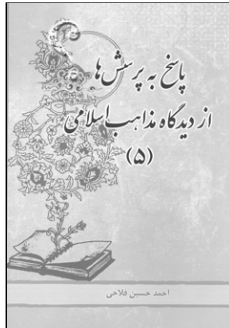
پاسخ به پرسش‌ها از دیدگاه مذاهب اسلامی (۴)

جمعی از پژوهش‌گران مؤسسه مذاهب اسلامی، کوثر کویر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷، ۲۴۸ صفحه، رقعی.

در این نوشتار که چهارمین مجلد از این مجموعه است، برخی دیگر از سؤالات فقهی، اعتقادی، قرآنی و تاریخی در موضوعات مختلف اسلامی گردآوری شده و پاسخی مستدل (عقلی و نقلی) به آنها داده شده است. هدف گردآورندگان این سؤالات انعکاس دیدگاه‌های مذاهب فقهی و کلامی شیعه و اهل سنت و مشترکات فکری آنان در زمینه‌های گوناگون



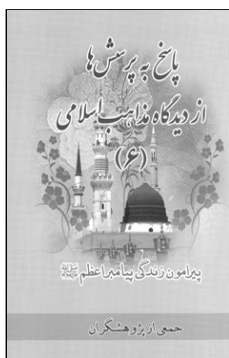
علوم اسلامی و تقریب و وحدت مذاهب اسلامی است. از این رو دیدگاه‌های فقهی شیعه و اهل سنت در مورد آنها بیان شده است. سؤالات و شبهاتی که در این جلد گردآوری و پاسخ آنها نیز درج شده است عمدتاً در موضوعاتی مانند: علت اختلاف فتاوی مراجع تقلید شیعه، مفهوم جبر و اختیار، تحلیلی از قیام امام حسین علیه السلام، باور شیعیان مبنی بر خالی نبودن زمین از حجت خدا، حکم خالکوبی در فقه شیعه و اهل سنت، حکم کشیدن سیگار و مصرف مواد مخدر در فقه فریقین، مشروعیت یا عدم مشروعیت تصوف از منظر آنان، تعداد خلفای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، فرقه بهائیت، علایم ظهور حضرت مهدی عج، حقیقت صراط، مباحثی در مورد قیامت و بهشت و جهنم، امتیازات نظام ولایی، فرقه زیدیه، ولایت فقهی، احکام ازدواج با اهل کتاب، فلسفه تعدد زوجات در اسلام، مباحثی در مورد توحید صفاتی، منظور از مکر خداوند، امکان یا عدم امکان رؤیت خدا در دنیا و آخرت، منظور از دین حداقلی و حداکثری، تصدیق یا عدم تصدیق محتویات تورات و انجیل توسط قرآن کریم، خصوصیات بهشت آدم علیه السلام، تنبیه بدنی زن توسط مرد، ازدواج موقت، کاتبان وحی، فرق معجزه با کارهای مرتاضان، دلایل جاودانگی دین اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، علت حرمت ریش تراشی، اسباب خودسازی و تهذیب نفس، رابطه زن و مرد نامحرم، نسبی بودن یا مطلق بودن اخلاق، حکم دروغ مصلحت‌آمیز و برخی دیگر از سؤالات فقهی و اعتقادی است. پاسخ به این سؤالات با در نظر گرفتن دیدگاه‌های فقهی و کلامی شیعه و اهل سنت ارایه شده است.



پاسخ به پرسش‌ها از دیدگاه مذاهب اسلامی (۵)

احمدحسین فلاحی، قم، آثار نفیس، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۱۵۲ صفحه، رقی.

در این مجموعه که کتاب حاضر پنجمین مجلد از آن است، با هدف تقریب بین مذاهب اسلامی و انعکاس اشتراکات فکری، فقهی و عقیدتی در مسایل مختلف اسلامی بین مذاهب مختلف شیعه و اهل سنت، برخی از سؤالات مربوط به تاریخ اسلام، فقه اسلامی، کلام اسلامی و آداب و رسوم رایج بین مسلمانان مطرح و دیدگاه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت و شیعه امامیه در مورد این سؤالات به صورت مستدل و مستند گردآوری شده است. در پاسخ به این سؤالات سعی شده است برخی از مسایل اختلافی و سوء تفاهمات موجود در زمینه‌های مختلف فقهی و اعتقادی برجسته شده و تحلیلی معتدل و قابل قبول برای همه فرقه‌های مسلمان در این موضوعات ارایه گردد. سؤالات مطرح شده در این مجلد در مورد مباحثی مانند: حکم فقهی سجده بر خاک، زمین، سنگ، فرش، موکت و امثال آنها، سرنوشت انسان در دنیا و آخرت، تحلیلی از بزرگداشت واقعه کربلا و دلایل قرآنی و روایی مربوط به آن، جایگاه امام حسین علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، رابطه شفاعت با عدل الهی، حکم اقتدا کردن بر صحابه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با وجود اختلاف شدید میان آنان، حکم خواندن قرآن و فاتحه در بزرگداشت و شهادت ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام و بدعت بودن یا نبودن آن، دلایل ولادت و وجود حضرت مهدی (عج)، ابعاد فقهی خمس و ازدواج موقت (متع)، علم امامان شیعه به امور غیبی، تحریف قرآن، وحی برای پیامبران و غیر پیامبران، نسبت بین سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با سیره و سنت اهل بیت آن حضرت، حکم ساختن گنبد بر قبور امامان علیهم السلام، جایگاه عایشه در میان مسلمانان، حکم توسل به انبیا و اولیای الهی، حکم شرکت در مجالس عزاداری حسینی علیه السلام و سینه‌زنی برای ایشان، قدرت امامان در پاسخ‌گویی به حوایج مردم و نسبت آن با قدرت خداوند در این زمینه و مسایلی در مورد قدرت اموات در قبر، گردآوری شده و در پاسخ به این سؤالات دیدگاه‌های مذاهب اسلامی با هدف تقریب بین آنان منعکس گردیده است.



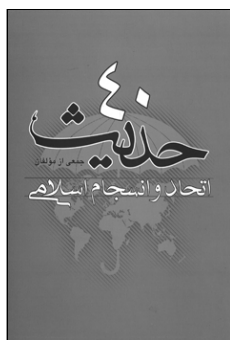
پاسخ به پرسش‌ها از دیدگاه مذاهب اسلامی (۶)

جمعی از پژوهش‌گران مؤسسه مذاهب اسلامی، قم، نشر آثار نفیس، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۲۱۶ صفحه، رقی.

در این مجموعه که کتاب حاضر ششمین مجلد از آن است برخی از شبهات و سؤالات مربوط به شخصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و عصمت و نبوت آن حضرت گردآوری شده و پاسخ‌های مستدلی به این سؤالات

شبهات ارایه گردیده است. هدف نویسندگان از گردآوری این شبهات و سؤالات، انعکاس دیدگاه‌های مشترک مذاهب اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت در مورد شخصیت پیامبر اسلام ﷺ و تقریب بین مذاهب اسلامی عنوان گردیده است. از این رو در استدلال‌های نقلی صورت گرفته در مورد مباحث مربوط به نبوت، امامت، شخصیت پیامبر اکرم ﷺ و معرفی خاندان و اهل بیت علیهم‌السلام ایشان از منابع شیعه و اهل سنت بهره گرفته شده است. سؤالات مطرح شده در این کتاب درباره مسائلی مانند: بشارت تورات و انجیل در مورد نبوت پیامبر اسلام و بردن نام آن حضرت در این کتاب‌ها، موحد بودن اجداد پیامبر اسلام ﷺ، تاریخ هجرت رسول خدا ﷺ، دلایل خاتمیت رسول گرامی اسلام و علل خاتمیت دین اسلام، فرق میان ختم رسالت و نبوت، علل مخالفت کردن صحابه با سفارش‌های مؤکد پیامبر اسلام ﷺ درباره امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، جریان اعلام امامت امام علی علیه‌السلام در غدیر خم، جریان فدک، علت حرمت ازدواج با زنان رسول خدا ﷺ، سیره پیامبر اسلام ﷺ در رفتار با فاطمه زهرا علیه‌السلام و امام علی علیه‌السلام، سیره رفتاری و گفتاری رسول خدا ﷺ در مورد معاویه بن ابی سفیان، دلایل عقلی و قرآنی عصمت رسول خدا ﷺ، معنای امی بودن پیامبر اکرم ﷺ، سیره گفتاری ایشان در مورد حضرت مهدی (عج)، علت رکود اسلام پس از رحلت رسول خدا ﷺ، جایگاه اجتهاد در دین خاتم، مفهوم ادامه نسل پیامبر اسلام از جانب دختر ایشان، علت باقی نماندن پسران رسول خدا ﷺ، تفاوت دین اسلام و مسیحیت و شرح و تحلیل برخی از روایات نبوی در موضوع خلافت، امامت، فاطمه زهرا علیه‌السلام و حوادث پس از رحلت ایشان می‌باشد که نویسندگان سعی کرده‌اند با نگرشی استدلالی (عقلی و نقلی) پاسخ آنها را داده و به این ترتیب موجبات وحدت بین مذاهب اسلامی را فراهم آورند.

سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقریب



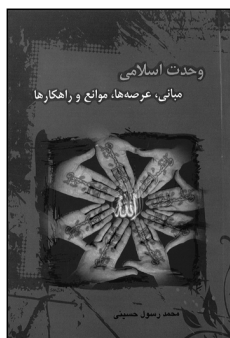
چهل حدیث در مورد انسجام اسلامی (انسجام اسلامی از دیدگاه روایات)

جمعی از نویسندگان، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۲۱۶ صفحه، رقعی.

در این نوشتار که به مناسبت نام‌گذاری سال ۱۳۸۷ توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» به نگارش در آمده است چندین مقاله در موضوع اتحاد و انسجام اسلامی گردآوری شده است. محور اصلی مقالات بررسی عوامل پایداری و گسست وحدت در جامعه

اسلامی، اهمیت و ابعاد اتحاد و انسجام مسلمانان، سیره پیامبر اسلام ﷺ و دیدگاه رهبری در مورد اتحاد و انسجام اسلامی است. در مقاله اول، عوامل وحدت و محورهای آن و همچنین دلایل ناپایداری جوامع مسلمان بررسی شده و اموری مانند اطاعت از رهبری، دین اسلام، اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ، برابری نوعی و برادری دینی و اخوت اسلامی از عوامل ایجاد وحدت، و دامن زدن به اختلافات، کناره‌گیری از مردم، مفاخره و برتری‌جویی، گوش دادن به فریب‌کاری شیطان، تحقیر و تذلیل برادر مسلمان از عوامل ایجاد تفرقه بین مسلمانان و کینه‌توزی، سوءظن و بدفهمی و جهل و نادانی از موانع وحدت بین آنان عنوان شده است. ضرورت وحدت و انسجام اسلامی، تلاش برای حفظ آن، آثار و برکات وحدت و پیامدهای منفی تفرقه بین مسلمانان از محورهای دیگر این مقاله است. در مقاله دوم، اهمیت و ابعاد اتحاد و انسجام اسلامی بیان شده و چهل حدیث در موضوع اهمیت ایجاد سازگاری میان مسلمانان و عدم تفرقه آنان نقل و شرح داده شده است. در این احادیث اهمیت اصلاح امور مسلمین، معنای اسلام و ایمان و احترام نفس و مال مسلمانان، اهمیت محبت میان آنان و حقوق مسلمانان نسبت به هم نیز بررسی شده است.

در مقاله سوم، وحدت اسلامی و اتحاد و انسجام از منظر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری تبیین شده و راه‌کارهای عملی برای انسجام اسلامی و اتحاد ملی از دیدگاه ایشان و مراجع تقلید بیان گردیده است. اتحاد و انسجام در احادیث نبوی عنوان مقاله چهارم است که در آن سیره عملی رسول خدا ﷺ و تأکیدهای ایشان در مورد ضرورت حفظ وحدت بین مسلمین و پرهیز از دشمنی آنان با یک‌دیگر برجسته گردیده است. عنوان آخرین مقاله «بازشناسی اتحاد و انسجام اسلامی» است که در این مقاله نیز مبانی وحدت و انسجام اسلامی، اهمیت و ضرورت آن، عوامل ایجاد وحدت، عوامل افتراق وحدت و انسجام اسلامی و آثار آن بررسی شده و در این مورد به روایاتی استناد گردیده است.



وحدت اسلامی مبانی، عرصه‌ها، موانع و راه‌کارها

محمدرسلول حسینی، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۲۳۲ صفحه، رقعی.

در این اثر سعی شده است ضمن بیان ابعاد مختلف وحدت اسلامی، موانع و عوامل ایجاد وحدت در جوامع اسلامی تجزیه و تحلیل گردیده و راه‌کارهایی در مورد وحدت بین مسلمانان ارائه گردد. نویسنده، نخست کلیاتی درباره مفهوم وحدت و تقریب و تفاوت آنها با هم ارائه کرده و

تقریب را از نگاه اندیشمندان مسلمان بررسی نموده و شبهاتی در مورد مفهوم وحدت و تقریب و امکان وحدت بین مسلمانان مطرح کرده و به آنها پاسخ داده است. آن گاه وحدت و جایگاه وحدت در قرآن و حدیث را بیان کرده و چندین تن از شخصیت‌های مسلمان اعم از شیعه و سنی را که جز منادیان وحدت اسلامی بوده و در این خصوص تلاش‌های فراوانی نموده‌اند معرفی کرده است. در ادامه، نویسنده به بحث درباره مبانی و محورهای وحدت پرداخته و دین اسلام، قرآن کریم، پیامبر اسلام ﷺ و سنت آن حضرت و محبت اهل بیت ایشان را از مبانی و محورهای اصلی وحدت عنوان کرده و عرصه‌های وحدت مسلمانان اعم از وحدت سیاسی و وحدت علمی و فرهنگی را شرح داده است. در همین راستا وی به وحدت سیاسی مسلمانان اشاره کرده و تشکیل حکومت واحد اسلامی، دفاع در برابر دشمن واحد، و هم‌سویی در مصالح و منافع مشترک را از آثار وحدت سیاسی مسلمانان دانسته و الگوهای وحدت سیاسی در سیره بزرگان دین و ائمه اطهار علیهم‌السلام را معرفی کرده است. وی همچنین نمونه‌های متعددی از عملکرد وحدت‌گرایانه ایشان را شرح و گزارش نموده است. در مورد وحدت علمی و فرهنگی مسلمانان نیز نویسنده، به بیان حل مشکلات علمی جامعه اسلامی و روابط علمی امام صادق علیه‌السلام با پیشوایان اهل سنت، تعامل علمی علمای شیعه با علمای اهل سنت و ذکر نمونه‌هایی از آن پرداخته است.

در بخش دیگری از کتاب حاضر، نویسنده به بررسی موانع وحدت بین مسلمانان پرداخته و موانع بیرونی و درونی آن را تبیین نموده و تأثیر اموری مانند تعصبات قومی و نژادی، دادن نسبت‌های ناروا به یک‌دیگر، تکفیر هم‌دیگر، تعصبات مذهبی شدید، از موانع درونی، و اموری مانند تفرقه‌افکنی دشمنان در صدر اسلام و عصر کنونی، ظهور فرقه‌های انحرافی، نامشخص کردن مرزها و دامن زدن به اختلافات مذهبی و قومی، از عوامل بیرونی مانع وحدت، را بررسی نموده است. در پایان، نویسنده راه‌کارهایی برای ایجاد وحدت بر اساس گفت‌وگو و مشارکت و تعامل فکری، شناخت درست عقاید هم‌دیگر و تأسیس مراکز علمی مشترک ارائه نموده و پرهیز از توهین و اهانت به مقدّسات یک‌دیگر، بیداری و هوشیاری در مقابل توطئه‌های دشمنان و رسمیت یافتن مذاهب اسلامی را از دیگر عوامل وحدت‌زا عنوان کرده است.

نتیجه‌گیری

نمایه مجله از شماره ۱ تا شماره ۲۸

شماره ۱

- مقالات اندیشه‌ای / غرب و خیزش اسلامی؛ نگاهی ویژه به کتاب: آینده اسلام و غرب / محمدعلی تسخیری، ص ۷
- _____ / اتحادیه‌ی امت اسلامی (طرحی در پی آمد و ساختار جهان شمولی اسلام) / پروفیسور حمید مولانا، ص ۳۳
- _____ / آثار حقوقی ساخت دیوار حایل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین / دکتر ناصر قربان‌نیا، ص ۴۵
- _____ / گفت و گوی تمدن‌ها؛ چیست؟ چرا؟! چگونه؟ / محسن اراکی، ص ۷۱
- _____ / وضعیت انسان مسلمان در جهان معاصر (بررسی وضعیت مسلمانان در مقایسه با پیروان سایر ادیان) / دکتر مهدی محسنیان راد، ص ۷۹
- پیشگامان تقریب / علامه شرف‌الدین عاملی؛ وحدت‌گرای مبارز / دکتر مرضیه بهبهانی، ص ۹۹
- _____ / رشیدرضا؛ اصلاحگر وحدت‌طلب / علی علی‌محمدی، ص ۱۰۹
- سرزمین‌های جهان اسلام / چند و چون عقب‌نشینی مسلمانان از اسپانیا / دکتر عبدالله همتی‌گلپان، ص ۱۱۷
- ادبیات جهان اسلام / سعدی، از منظر فکر و فرهنگ / دکتر مهناز جعفریه، ص ۱۳۹
- گزارش از یک کتاب / اسلام در اوراسیا (بررسی اعتقادی جمهوری‌های آسیای میانه) / ابراهیم حاج عبیدی، ص ۱۵۳

شماره ۲

- مقالات اندیشه‌ای / ایده‌هایی درباره استراتژی تقریب / محمدعلی تسخیری، ص ۹
- _____ / روند تقریب مذاهب اسلامی در سرزمین شام / وهبه مصطفی الزحیلی، ص ۲۷
- _____ / طرح تقریب و مشکلات آگاهی دینی (قرآنی در منطق تقریب و گونه‌های فرهنگ‌دینی) / حیدر حب الله، ص ۳۹
- _____ / تأملی در ناهمسازگری‌ها و پیشینه تلاش‌های همسازگرایانه در جهان اسلام / محمدحسین امیراردوش، ص ۷۵
- _____ / مذاهب فقهی جهان اسلام در رویارویی با چالش فقر / محمد اسماعیل توسلی، ص ۹۱
- پیشگامان تقریب / الف) شیخ محمدحسین بن علی آل کاشف الغطاء، ص ۱۲۳
- _____ / ب) شیخ محمدعبده، پرچمدار اصلاح، ص ۱۳۵
- سرزمین‌های جهان اسلام / اسلام در اندونزی / عبدالمجید ناصری داوودی، ص ۱۵۰
- نقد و نظر / معرفی کتاب «اسلام در دنیای در حال جهانی شدن»، ص ۱۶۲

شماره ۳

- مقالات اندیشه‌ای / ابعاد تمدنی میانه روی اسلامی / محمدعلی تسخیری، ص ۱۰
_____ / اجتهاد فقهی و تاثیر آن در تقریب مذاهب اسلامی / دکتر عبد الستار الهیتی / ص ۲۱
_____ / رسالت مجمع تقریب و افق‌های آن / دکتر شیخ احسان بعدرائی، ص ۵۳
_____ / شریعت صلح و رحمت / سید مصطفی میرمحمدی، ص ۶۳
_____ / طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان زمینه‌ها، چیستی و پیامدها / مرتضی شیروودی، ص ۸۳
پیشگامان تقریب / الف) شیخ محمدجواد مغنیه فقیهی نوگرا، ص ۱۰۹
_____ / ب) شیخ محمدغزالی، پرچمدار اصلاح، ص ۱۲۱
سرزمین‌های جهان اسلام / اسلام در مالزی / عبدالمجید ناصری داوودی، ص ۱۳۶
نقد و نظر / معرفی کتاب «تدارک جنگ بزرگ» / مرتضی شیروودی، ص ۱۵۰

شماره ۴

- مقالات اندیشه‌ای / بحثی در ابتدای ماه‌های قمری / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۰
_____ / از سرگیری جنبش تمدن و تقریب / دکتر محمدعلی آذرشب، ص ۱۹
_____ / زمینه‌های طرح مسأله وحدت اسلامی در ایران قاجاری و امپراتوری عثمانی / محمدحسین امیراردوش، ص ۳۵
_____ / توحید در مذاهب کلامی / عزالدین رضائزاد، ص ۴۸
_____ / ارتداد به مثابه امری اجتماعی نه مقوله فکری / علی محمدیان کبریا، ص ۶۶
_____ / تعامل امام علی (ع) با خلفا در جهت وحدت اسلامی / اسماعیل دانش، ص ۸۸
پیشگامان تقریب / ا. شیخ محمدرضا مظفر «اصلاح‌گر حوزه‌ها» / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۱۷
_____ / ب. شهید سید قطب «شاهد بیدار»، ص ۱۳۰
سرزمین‌های جهان اسلام / اتیوپی از نخستین پایگاه اسلام تا جایگاه فعلی مسلمانان / ع - امیردهی، ص ۱۴۸
گزارشی از یک کتاب / معرفی و نقد کتاب پایان دموکراسی / مرتضی شیروودی، ص ۱۶۸

شماره ۵

- مقالات اندیشه‌ای / تجدید در اندیشه اسلامی و انعطاف‌پذیری در شرع / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۰
_____ / نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان / سید مهدی بزرگی، ص ۲۶
_____ / آثار حقوقی واگذاری عضو انسان مرده یا مبتلا به مرگ مغزی / میر سجاده هاشمی، ص ۵۰
_____ / مسائل عرفانی حج / عبدالعلی باقری، ص ۷۲
_____ / همزیستی مذهبی / دکتر محمد علی خالدیان، ص ۸۲
پیشگامان تقریب / ا. آیت‌الله بروجردی: آیت اخلاص / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۰۱
_____ / ب. شیخ محمود شلتوت: آیت شجاعت، ص ۱۱۹
سرزمین‌های جهان اسلام / آلبانی یگانه کشور مسلمان اروپایی / ع. ر - امیردهی، ص ۱۴۲
گزارشی از یک کتاب / معرفی و نقد کتاب نتایج انقلاب اسلامی / مرتضی شیروودی، ص ۱۶۶

شماره ۶

- مقالات اندیشه‌ای / نمودهای تعادل در قانون اساسی ایران / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
_____ / ایران و مصر در راه تقریب / حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی، ص ۳۱
_____ / قاعده اصلح از دیدگاه متکلمان اسلام / مهدی نکویی سامانی، ص ۴۷
_____ / درآمدی بر شناخت موسیقی قرآن / اکرم دینانی، ص ۶۵
_____ / مؤلفه‌ها و مقوم‌های نظریه وحدت اسلامی در سده سیزدهم هجری / دکتر محمد حسین امیر اردوش، ص ۸۱
پیشگامان تقریب / شهید سید محمدباقر صدر / رحیم ابوالحسینی، ص ۹۹
_____ / حسن بن احمد بن عبدالرحمن البنا / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۱۵
سرزمین‌های جهان اسلام / جمهوری ترکیه / ع. ر - امیردهی، ص ۱۳۳
گزارشی از یک کتاب / معرفی و نقد کتاب «الفرقان الحق» / عزالدین رضائزاد، ص ۱۶۳

شماره ۷

- مقالات اندیشه‌ای / مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی / آیت الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
 _____ / استراتژی تقریب / دکتر محمد رضا رضوان طلب، ص ۲۵
 _____ / نگاهی به جنبش نرم‌افزاری قرآن کریم در رشته تاریخ و بی‌آمدهای آن / سید منذر حکیم، ص ۴۵
 مقالات اندیشه‌ای / الگوهای اعتمادساز در روابط بین‌المللی با تأکید بر کشورهای اسلامی خلیج فارس / مرتضی شیرودی، ص ۵۷
 _____ / نقش عالمان دین در ایجاد همبستگی پیروان مذاهب اسلامی / محمد حسین فصیحی، ص ۷۷
 _____ / سید محسن بن عبدالکریم امین عاملی شقراوی (بلندای استقامت) / رحیم ابوالحسینی، ص ۹۵
 _____ / عبدالمجید سلیم (مرزبان شریعت)، ص ۱۱۳
 سرزمین‌های جهان اسلام / سودان پهناورترین کشور جهان اسلام / ع. ر. - امیردهی، ص ۱۴۵
 گزارشی از یک کتاب / معرفی دو میراث مکتوب غربیان در نقد دموکراسی، ص ۱۷۱

شماره ۸

- مقالات اندیشه‌ای / گفتاری پیرامون «وحدت اسلامی» و «تقریب مذاهب» / آیه‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۳
 _____ / حقوق و تکالیف مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی / دکتر وهبه مصطفی الزحلی، ص ۲۵
 _____ / جهانی شدن، جهان اسلام و سیاست‌های جهانی / حسام الدین واعظ، ص ۴۹
 _____ / از مواخات تا تکفیر! بیان معیارهای مسلمان بودن و مرز کفر؛ زمینه‌ساز اخوت اسلامی / سید محمد مهدی افضل، ص ۶۹
 _____ / حماس: گذشته، حال و آینده / مرتضی شیرودی، ص ۸۳
 پیشگامان تقریب / شیخ عبدالکریم بن محمد رضا زنجانی (شکوه بیداری) / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۱۳
 _____ / شهید دکتر فتحی شقاقی (مبارزی وحدت‌طلب) / عزالدین رضانزاد، ص ۱۲۹
 سرزمین‌های جهان اسلام / سومالی سرزمین قبیله‌ها / ع. ر. امیردهی، ص ۱۳۹
 گزارشی از یک کتاب / جهانی شدن، جهان سوم، جهان اسلام و فعال‌گرایی مذهبی / مرتضی شیرودی، ص ۱۶۱

شماره ۹

- مقالات اندیشه‌ای / اقلیت‌های اسلامی؛ پای بندی به اصول یا عمل به مقتضیات شهروندی / آیه‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۳
 _____ / مهاجرت؛ فرصت‌ها و چالش‌ها / دکتر محمد علی آذرشب، ص ۳۷
 _____ / حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها با تکیه بر حقوق اقلیت‌های مسلمان / سید مصطفی میرمحمدی، ص ۵۵
 _____ / اقلیت‌های اسلامی و چالش‌های فرهنگی / دکتر عبدالستار ابراهیم الیهیتی، ص ۷۷
 _____ / تسامح و تساهل در آموزه‌های پیامبر اعظم ﷺ و تفاوت‌های آن با تسامح و تساهل در لیبرالیسم / عباس نیکزاد، ص ۹۳
 پیشگامان تقریب / ۱- سید هبه‌الدین شهرستانی
 _____ / ۲- شیخ محمد عرفه، ص ۱۲۵
 سرزمین‌های جهان اسلام / تونس / ع. ر. امیردهی، ص ۱۳۵
 گزارشی از یک کتاب / نقد و بررسی کتاب احساس محاصره / مرتضی شیرودی، ص ۱۵۵

شماره ۱۰

- مقالات اندیشه‌ای / اسلام و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۹
 _____ / جامعه‌سازی دینی در سیره نبوی / علی محمدی آشنائی، ص ۱۹
 _____ / امام ابو حنیفه و روایت حدیث / عبدالصمد مرتضوی، ص ۴۱
 _____ / هم‌گرایی و بحران‌های وحدت‌آفرین در روابط متقابل کشورهای حوزه خلیج فارس / مرتضی شیرودی، ص ۵۳
 _____ / فرهنگ صلح و هم‌زیستی / بسام الصباغ، ص ۸۱
 پیشگامان تقریب / سید محمد تقی حکیم، محقق و پژوهشگری تقریب‌گرا / عزالدین رضانزاد، ص ۱۰۳
 سرزمین‌های جهان اسلام / مصر از هرم تا حرم (۱) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۱۱
 گزارشی از یک کتاب / تلخیص و نقد کتاب تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی / مرتضی شیرودی، ص ۱۳۹

شماره ۱۱

- مقالات اندیشه‌ای / پدیده عاطفی انسانی در رفتار و کردار پیامبر اکرم ﷺ / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۱
 _____ / آیین نبوی ﷺ در ریشه کنی فتنه‌ها / دکتر اسعد السحمرانی، ص ۳۱
 _____ / ویژگی‌های پیامبر اعظم ﷺ و اخلاق انسانی آن حضرت / سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۴۱
 _____ / وحدت گزایی در سیره اهل بیت علیهم‌السلام / مهدی نکویی سامانی، ص ۵۷
 _____ / تبرک جستن و شفاعت به نبی مکرم اسلام ﷺ / محمد علی خیراللهی، ص ۸۳
 پیشگامان تقرب / علامه حلی یوسف بن مطهر (آفتاب حله) / رحیم ابوالحسنی، ص ۹۵
 _____ / شیخ محمد مصطفی مراغی، جوان‌ترین مفتی تقریبی الازهر / عزالدین رضائزاد، ص ۱۱۳
 سرزمین‌های جهان اسلام / مصر از هرم فرعون تا حرم اسلامی (۲) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۲۱
 گزارشی از یک کتاب / گزارشی از کتاب «شرف‌النبی و معجزاته» / عباس برومند اعلم، ص ۱۴۵

شماره ۱۲

- مقالات اندیشه‌ای / طرح وحدت اسلامی / آیت‌الله محمد مهدی آصفی، ص ۱۳
 _____ / ارزش‌ها و منافع، پایه روابط میان مسیحیان و مسلمانان / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۳۳
 _____ / ویژگی‌های پدیده تکفیر و موضع سنت نبوی ﷺ نسبت به آن / احمد میلی، ص ۳۹
 _____ / رویارویی انقلاب اسلامی با نظریه مسیحیت صهیونیستی / مرتضی شیرودی، ص ۴۹
 _____ / حدیث ثقلین، حدیث صحیح و متواتر / دادکریم رسولی، ص ۸۵
 پیشگامان تقرب / عبدالرحمن کواکبی، عالمی اصلاح‌گر و استبداد ستیز / عزالدین رضائزاد، ص ۱۰۹
 سرزمین‌های جهان اسلام / جمهوری اسلامی پاکستان (۱) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۱۷
 گزارشی از یک کتاب / بررسی و نقد کتاب علم و دین از تعارض تا گفت‌وگو / مرتضی شیرودی، ص ۱۳۳

شماره ۱۳

- مقالات اندیشه‌ای / بررسی برخی از رفتارهای منفی حرکت‌های اسلامی / محمد علی تسخیری، ص ۱۱
 _____ / راه‌کارهای تحقق انسجام اسلامی از منظر قرآن و روایات / محمد عرفانی، ص ۲۱
 _____ / جهان اسلام و ریشه‌های بحران / عبد الخالق قاسمی، ص ۴۷
 _____ / اقلیت‌های اسلامی در غرب؛ واقعیت‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازها «نمونه اروپا» / دکتر محمد بشاری، ص ۷۱
 _____ / گفت‌وگو میان مذاهب اسلامی / دکتر خالد زهری، ص ۱۰۱
 پیشگامان تقرب / عباس محمود عقاد؛ شاعر، ادیب و نویسنده اصلاح‌گر مصری / عزالدین رضائزاد، ص ۱۲۳
 سرزمین‌های جهان اسلام / جمهوری اسلامی پاکستان (۲) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۳۳
 گزارشی از یک کتاب / چپستی علم مقدس / مرتضی شیرودی، ص ۱۵۱

شماره ۱۴

- مقالات اندیشه‌ای / گفتارهایی درباره «تقریب مذاهب» / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۹
 _____ / تحلیل برنامه عمل ده ساله سازمان کنفرانس اسلامی در رویارویی با چالش‌های امت اسلامی در قرن ۲۱ / سید مصطفی میرمحمدی، ص ۴۱
 _____ / نقش دولت‌های اسلامی در اتحاد مسلمانان / امان‌الله شفاپی، ص ۵۹
 _____ / غرب مسیحی، جهان اسلام و نبرد آخرالزمان / مرتضی شیرودی، ص ۸۳
 _____ / مواضع شیخ محمود شلتوت در قیام پانزده خرداد / حسن شمس آبادی، ص ۱۱۳
 پیشگامان تقرب / ابن نجار شافعی بغدادی، مسلمانی بیدار / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۲۹
 سرزمین‌های جهان اسلام / جمهوری آذربایجان از آتش تا تسلیم / علاءالدین ملک اف، ص ۱۳۹
 گزارشی از یک کتاب / جامی، شواهد النبوة و هم سخنی بین مذاهب اسلامی / حسین سرمد محمدی، ص ۱۶۳

شماره ۱۵

- مقالات اندیشه‌ای / تنوع مذهبی: عامل هم‌گرایی / آیة‌الله محمد علی تسخیری، ص ۹
 _____ / تئوری‌های ده‌گانه / دکتر یورگن تودن هوفر، ص ۲۹
 _____ / نگرشی تطبیقی به تقرب مذاهب و ناسیونالیسم / قربانعلی هادی، ص ۵۷
 _____ / جایگاه وحدت، در سیاست خارجی دولت اسلامی / ضامن علی حبیبی، ص ۸۷
 _____ / نقش مشترکات کلامی شیعه و اهل سنت، در تقرب مذاهب اسلامی / اسماعیل دانش، ص ۱۰۹
 پیشگامان تقرب / شیخ سعید نورسی، اصلاحگری عارف و قرآن‌پژوهی قابل / ع. ر. امیردهی، ص ۱۳۵
 سرزمین‌های جهان اسلام / بوسنی و هرزگوین (تهدیدها و فرصت‌ها) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۴۹
 گزارشی از یک کتاب / گزارش کتاب «جامعه مسلمانان مسکو از قرن چهاردهم تا قرن بیستم» / حسین سرمد محمدی، ص ۱۶۳

شماره ۱۶

- مقالات اندیشه‌ای / گام‌های مطلوب برای تحقق امنیت اجتماعی در جهان اسلام / آیة‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۱
 _____ / راه کارهای تقویت اتحاد در میان مذاهب اسلامی / سید رحمت اله دانش میر کهن، ص ۲۱
 _____ / بررسی مقایسه‌ای اندازه هم‌پوشانی روایات شیعه و سنی، با رویکرد تقرب بین مذاهب / سید جواد مؤمنی، ص ۳۳
 _____ / جایگاه اسلام در نظام آینده جهانی / مرتضی شیرودی، ص ۵۵
 _____ / اتحاد جهان اسلام (در دوره صفویه و افشاریه) / ابوالفضل عابدینی، ص ۹۷
 پیشگامان تقرب / علامه شیخ محمد تقی قمی؛ همزیست دار التقرب / ع. ر. امیردهی، ص ۱۱۱
 سرزمین‌های جهان اسلام / بوسنی و هرزگوین (۲) (تحولات سیاسی قرن هفدهم - بیستم) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۲۳
 گزارشی از یک کتاب / گزارش کتاب «تغییرات اجتماعی و توسعه» / مرتضی شیرودی، ص ۱۴۱

شماره ۱۷

- مقالات اندیشه‌ای / وضعیت زن مسلمان و نقش وی در اجتماع / آیة‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۵
 _____ / مروری بر اندیشه «اقبال لاهوری و اتحاد جهان اسلام» / امیر شیرزاد، ص ۳۳
 _____ / انجیل درباره محمد چه می‌گوید (شیخ احمد دیدات) / مترجم: علی حسن‌نیا، ص ۵۵
 _____ / محورهای تقرب مذاهب اسلامی / محمدطاهر اقبالی، ص ۷۵
 _____ / امام موسی صدر و وحدت اسلامی / محمد جواد اخگری، ص ۹۳
 پیشگامان تقرب / میرزای شیرازی مبارزی وحدت‌گرا / ع. ر. امیردهی، ص ۱۱۱
 سرزمین‌های جهان اسلام / بوسنی و هرزگوین در سده بیستم (۳) / عزالدین رضائزاد، ص ۱۲۱
 گزارشی از یک کتاب / زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن / مرتضی شیرودی، ص ۱۴۹
 نمایه مجله از شماره ۱ تا شماره ۱۶، ص ۲۰۴

شماره ۱۸

- مقالات اندیشه‌ای / فقه «مقاصدی» و حجیت آن (با نگاهی به: شیوه شهید صدر*) / آیة‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
 _____ / شیوه تعامل با غیرمنصوص در شریعت اسلامی از نگاه فریقین / تحسین بدری، ص ۴۵
 _____ / استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی* / مصیب ایرانی، ص ۶۹
 _____ / سیره فقهی امام علی علیه السلام از منظر اهل سنت / محمد علی خیراللهی، ص ۸۳
 _____ / جهنمی از نفوذ و سلطه (مصادق‌ها و ابزارهای سلطه گری صهیونیستی) / مرتضی شیرودی، ص ۹۱
 پیشگامان تقرب / آیة‌الله شهید مطهری؛ اندیشمندی وحدت‌گرا و تفرقه‌ستیز / عزالدین رضائزاد، ص ۱۱۵
 سرزمین‌های جهان اسلام / الجزایر؛ سرزمین یک میلیون شهید / ع. ر. امیردهی، ص ۱۳۵
 گزارشی از یک کتاب / نقد و بررسی کتاب «موانع توسعه سیاسی در ایران» / حسین بشیریه / م. طویلی‌زاده، ص ۱۶۵

شماره ۱۹

- مقالات اندیشه‌ای / چالش‌های فراروی «تقریب» / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
_____ / مبانی فقهی مقاومت مسلحانه / آیت‌الله محمد مهدی آصفی، ص ۲۱
_____ / برنامه‌ای برای پیاده‌کردن «حقوق بشر» / توفیق‌علی وهبه، ص ۳۳
_____ / حزب‌الله لبنان و هم‌گرایی اسلامی (دیدگاه‌ها، اهداف و تأثیرات) / امان‌الله شفاپی، ص ۶۹
_____ / چگونگی شکل‌گیری و پیدایش صهیونیسم / م.ع.، ص ۸۹
پیشگامان تقریب / آیت‌الله طالقانی مجاهدی نستوه و تجسّمی از وحدت و هم‌دلی / عزالدین رضائزاد، ص ۱۰۳
سرزمین‌های جهان اسلام / مراکش (۱) (نظام سلطنتی - دینی) / ع.ر. امیردهی، ص ۱۱۷
گزارشی از یک کتاب / نقد و بررسی کتاب «تاریخ و عوامل غرب‌گرایی در کشورهای اسلامی» / مرتضی شیرودی، ص ۱۳۹

شماره ۲۰

- مقالات اندیشه‌ای / اقلیت‌های مسلمان در آفریقا؛ وضع موجود - پیشنهادها / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۹
_____ / چالش‌های وحدت و راهبرد رویارویی کنکاشی در تشخیص موانع وحدت و «تقریب» و راه‌های بر طرف
ساختن آنها / دکتر محمد عبده، ص ۱۹
_____ / عدل‌گستری و ستم‌ستیزی در قرآن کریم / سید منذر حکیم، ص ۳۱
_____ / آرماگدون و مسیحیت صهیونیستی / حسین سیاح، ص ۵۵
_____ / بررسی روایات و آرای بزرگان شیعه و اهل سنت درباره شفاعت / علی اشرف کرمی، ص ۹۱
_____ / اندیشه تقریب و امنیت جهان اسلام با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ع) / حکیمه عزیزاللهی، ص ۱۰۹
پیشگامان تقریب / شیخ محمد بخت مطیعی؛ عالم و نویسنده‌ای تقریبی / ع.ر. امیردهی، ص ۱۲۷
سرزمین‌های جهان اسلام / مراکش (۲) (نظام سلطنتی - دینی) / عزالدین رضائزاد، ص ۱۳۷
گزارشی از یک کتاب / نقد و بررسی کتاب «دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی»
/ مرتضی شیرودی، ص ۱۵۷

شماره ۲۱

- مقالات اندیشه‌ای / مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی‌سازی / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
_____ / پرورش جامعه اسلامی بر فرهنگ نیرومندی، مقاومت و عزت / دکتر احمد عبدالرحیم السایح، ص ۲۳
_____ / مفهوم انحطاط در اندیشه سیاسی برخی از اندیشمندان مسلمان / مرتضی شیرودی، ص ۴۳
_____ / نگرش تطبیقی به وحدت اسلامی و ملی‌گرایی / قربانعلی هادی، ص ۶۹
_____ / تأسیس حکومت عادل‌شاهیان در دکن و سیاست‌های مذهبی یوسف عادل‌شاه / محمود صادقی علوی، ص ۹۱
_____ / پیشگامان تقریب / گذری بر زمینه‌های تقریب در اندیشه شیخ طوسی / علی اصغر احمدی، ص ۱۰۳
سرزمین‌های جهان اسلام / یمن (۱) از تمدن کهن تا صنّاعدن / ع.ر. امیردهی، ص ۱۱۷
گزارشی از یک کتاب / گزارش و نقدی بر کتاب «تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران» / م.طوبی‌زاده، ص ۱۲۹

شماره ۲۲

- مقالات اندیشه‌ای / دو وضع متناقض: «مذهب‌گرایی» و «فرقه‌گرایی»؛ نمودهای آنها و علل انحراف / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
_____ / امام ابوحنیفه در اندیشه و رفتار / سید جلال میر آقایی، ص ۲۹
_____ / بررسی تطبیقی نظریات علامه طباطبایی و طبری پیرامون روایات مشترک در تفاسیرشان / علی‌اشرف کرمی، ص ۳۹
_____ / هم‌گرایی اسلامی در اندیشه و عمل شهید نواب صفوی / امان‌الله شفاپی، ص ۵۷
_____ / توسل از نظر اهل سنت / محمد ابراهیم اخلاقی، ص ۷۳
پیشگامان تقریب / امام خمینی، فقیه و عالمی تقریبی / علی اشرف کرمی، ص ۸۹
سرزمین‌های جهان اسلام / یمن (۲) از تمدن کهن تا صنّاع و عدن / ع.ر. امیردهی، ص ۱۰۵
گزارشی از یک کتاب / تلخیص و نقد کتاب: روشن‌فکران عرب و غرب / مرتضی شیرودی، ص ۱۲۵

شماره ۲۳

- مقالات اندیشه‌ای / توازن میان ویژگی‌های فردی، محلی و مصالح عام امت در «گفتمان اسلامی» / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
 _____ / حضرت مهدی (عج) در روایات معتبر فریقین (حدیث اثنا عشر و نسب‌شناسی مهدوی) / غلام‌محمدفخرالدین، ص ۱۷
 _____ / بررسی جواز فروش مسجد و متعلقات آن در فقه مقارن / عمر سلطانی آذر، ص ۴۱
 _____ / جهانی شدن، اسلام و فضای سایبر / ابوالفضل کاوندی کاتب و میثم میرزایی، ص ۵۹
 _____ / علامه شهید سید اسماعیل بلخی رحمته و راهبرد وحدت اسلامی / محمدطاهر اقبالی، ص ۷۹
 پیشگامان تقریب / نقش مجاهد شهید، ماموستا شیخ الاسلام در تقریب مذاهب اسلامی / رحمان غریبی، ص ۱۰۵
 سرزمین‌های جهان اسلام / یمن (۳) از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران / ع.ر. امیردهی، ص ۱۱۹
 گزارشی از یک کتاب / گزارشی از کتاب «هم‌سخنی بین مذاهب اسلامی در کتاب الفصول المهمة فی تألیف الأمة» / حسین سرمد محمدی، ص ۱۳۳

شماره ۲۴

- مقالات اندیشه‌ای / هم‌ستگی در حقوق و وظایف زن در پرو منشور «حقوق بشر اسلامی» / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
 _____ / رویداد ۱۱ سپتامبر و جهان اسلام: بازتاب‌ها و پی‌آمدهای سیاسی و حقوقی / سید مصطفی میرمحمدی، ص ۳۵
 _____ / وحدت اسلامی از نگاه شهید آیت‌الله حکیم / محمدجواد اخگری، ص ۵۵
 _____ / وحدت از دیدگاه قرآن و سنت / قربانعلی هادی، ص ۶۹
 _____ / روش‌های نقد احادیث در المیزان علامه طباطبایی و جامع البیان طبری / دکتر مجید محمدی و علی اشرف کرمی، ص ۹۷
 پیشگامان تقریب / روان‌شناسی سیاسی حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته / ابراهیم برزگر و حمید ابهچی، ص ۱۱۹
 سرزمین‌های جهان اسلام / کشورشناسی اندونزی و عوامل حضور و گسترش اسلام در آن / دکتر سید میرصالح حسینی جلیلی، ص ۱۳۵
 گزارشی از یک کتاب / خلاصه و نقد کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر / مرتضی شیرودی، ص ۱۶۵

شماره ۲۵

- مقالات اندیشه‌ای / تعدد مذاهب و مسئله تقریب و وحدت اسلامی / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
 _____ / مسئله‌شناسی دکترین وحدت اسلامی / حجت‌الاسلام دکتر محمود احمدی میانجی، ص ۲۵
 _____ / جریان‌های روشن‌فکرانه گروه‌های مسلمان اندونزی / دکتر سید میرصالح حسینی، ص ۳۷
 _____ / نگاهی به اندیشه وحدت‌گرایی اقبال لاهوری در اشعار فارسی / بشیر احمد بت، ص ۴۷
 _____ / فرقه‌آحابش (جمعیة المشاریع الخیریه) / جلال محمودی، ص ۵۹
 پیشگامان تقریب / «هم‌زیستی گروه‌های مختلف در اندیشه فتح‌الله گولن» / علاءالدین ملکاف، ص ۷۹
 سرزمین‌های جهان اسلام / سلطنت‌نشین عمان / دکتر عزالدین رضانزاد، ص ۱۰۱
 گزارشی از یک کتاب / بررسی و نقد کتاب اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب / مرتضی شیرودی، ص ۱۲۷

شماره ۲۶

- مقالات اندیشه‌ای / بررسی تطبیقی آیات صفاتی خداوند از دیدگاه علامه طباطبایی و رشیدرضا / علی اشرف کرمی، ص ۱۱
 _____ / صهیونیسم در فرآیند بحران‌های گذشته و چالش‌های پیش رو / مرتضی شیرودی، ص ۳۱
 _____ / علی احمد باکتیر؛ شاعری که در راستای تحقق وحدت تمام مسلمانان در حل مسئله فلسطین تلاش کرد / سوده نوذری، ص ۵۵
 _____ / نقش حوزه‌های علمیه در تقریب مذاهب اسلامی / امان‌الله شفاپی، ص ۶۵
 پیشگامان تقریب / سید محمدکاظم طباطبایی یزدی وحدت‌گرای استعمارستیز / دکتر عزالدین رضانزاد، ص ۹۱
 سرزمین‌های جهان اسلام / بحرین (سرزمین مروارید) (۱) / ع.ر. امیردهی، ص ۱۰۷
 گزارش از کتاب «مجمعنا فی الفکر والتراث الشهدید السید محمدباقر الصدر» / سید محمد حسن حکیم، ص ۱۲۹

شماره ۲۷

- مقالات اندیشه‌ای / مبانی مرجعیت علمی اهل بیت رسول خدا ﷺ از دیدگاه اهل سنت دکتر محسن رفیعی / دکتر معصومه شریفی / ص ۱۱
- _____ / بررسی دلایل انحطاط تفکر اسلامی و راه‌های احیای آن در اندیشه‌های استاد مطهری و اقبال لاهوری / بشیر احمد بت / ص ۳۹
- _____ / عقل بعنوان منبع استنباط احکام شرعی (قسمت اول) / سید غلام حسین عابدی / ص ۵۹
- _____ / ایمان والدین پیامبر و ابوطالب در نگاه شیعه و اهل سنت / عبدالرحیم رضاپور / ص ۷۹
- _____ / وحدت اسلامی و فعالیت‌های قرآنی بحرینی‌ها / احمد بحرینی / ص ۹۵
- پیشگامان تقرب / آخوند خراسانی؛ طلایه‌دار تقرب و اتحاد در عرصه عمل / امان‌الله شقایق / ص ۱۱۳
- سرزمین‌های جهان اسلام / بحرین (سرزمین مروارید) (۲) / ع. ر. امیردهی / ص ۱۳۱

شماره ۲۸

- مقالات اندیشه‌ای / اجتهاد نوین، محور فرهنگی پویا؛ لزوم آموزش دیدگاه فرهنگی اسلامی / آیت‌الله تسخیری / ص ۱۱
- _____ / تأثیرات عاشورا در وحدت مسلمانان / قربانعلی هادی / ص ۲۳
- _____ / هم‌بستگی اسلامی از دیدگاه قرآن / محمد رضا زند و کیلی / ص ۵۱
- _____ / عقل به عنوان منبع استنباط احکام شرعی (قسمت دوم) / سید غلام حسین عابدی / ص ۶۷
- _____ / بررسی تطبیقی روش‌های حل تعارض غیرظاهری در احادیث متعارض بین شیخ طوسی و ابن‌قتیبه دینوری / لیلا قلندرکی سلطانی؛ فاطمه آباریکی / ص ۸۷
- پیشگامان تقرب / سید بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ق)؛ پرچم سبز حله / رحیم ابوالحسینی / ص ۱۰۹
- سرزمین‌های جهان اسلام / بحرین (سرزمین مروارید) (۳) / ع. ر. امیردهی / ص ۱۳۷

ویژه‌نامه شماره ۱

- مقالات اندیشه‌ای / عوامل نخستین پیروزی اسلام / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۱
- _____ / پیامبر رحمت ﷺ از نگاه مستشرقان / دکتر محمدحسن زمانی، ص ۳۵
- _____ / جامعیت شریعت پیامبر گرامی اسلام ﷺ / سید حسین هاشمی، ص ۶۵
- _____ / عوامل و مؤلفه‌های موفقیت پیامبر اعظم ﷺ در حاکمیت اسلام با رویکردی به آثار استاد شهید مطهری ﷺ / دکتر محمد جواد رودگر، ص ۱۰۳
- _____ / پیامبر اعظم ﷺ و تشکیل حکومت در دیدگاه امام خمینی ﷺ / عزالدین رضائزاد، ص ۱۲۳
- _____ / استراتژی پیامبر اکرم در برخورد با انحرافها / عباس خادمیان، ص ۱۳۱

ویژه‌نامه شماره ۲

- مقالات اندیشه‌ای / وجدانیت حقوق، مخالف تجاوز به مقدسات / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۱
- _____ / پاسخ به شبهه افکنی پاپ در مورد پیامبر اعظم ﷺ / عباس نیکزاد، ص ۱۷
- _____ / عرفان خردگرا در سیره نبوی / دکتر محمدجواد رودگر، ص ۴۱
- _____ / بازخوانی دیدگاه پنج اندیشمند غربی درباره پیامبر اعظم ﷺ / مرتضی شیرودی، ص ۶۹
- _____ / خاتمیت و جامعیت دین اسلام در آثار امام خمینی ﷺ / عزالدین رضائزاد، ص ۹۳
- _____ / تحقیقی در سیره‌نبوی و فقه‌اسلامی درباره حدیث «بعثت علی الحنفیة السمحة السهلة» / دکتر محمدعلی خیراللهی، ص ۱۰۷
- _____ / احیای حلف الفضول، سمبل عدالت در سیره رسول ﷺ / مجید حبیبیان نقیعی و سیده شریفه نبوی، ص ۱۱۷
- _____ / گزارشی از یک کتاب / «الفرقان الحق» کوشش نافرجام در تحریف قرآن / علی حسن‌نیا، ص ۱۴۱

ویژه‌نامه شماره ۳

- مقالات اندیشه‌ای / دین و انسجام اجتماعی / غلامرضا بهروزلک، ص ۱۱
- _____ / اهمیت استراتژیکی و نقش ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی در وحدت‌مسلمین / ع. ر. امیردهی، ص ۳۷
- _____ / ارزیابی توان و ظرفیت نظامی کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز / مرتضی شیروودی، ص ۶۵
- _____ / جهانی شدن، انسجام اسلامی، ظرفیت‌ها و راه‌کارها / عبدالخالق قاسمی، ص ۸۹
- _____ / اتحاد و انسجام اسلامی در آئینه چهل حدیث (چهل آئینه، چهل اسرار) / بشیر احمد، ص ۱۰۳
- _____ / آمایش سرزمین؛ برقرار کننده عدالت اجتماعی اسلامی در جهت تحکیم انسجام اسلامی / محمد سریرافراز و فاطمه فهیمی فر، ص ۱۳۳



خلاصة المقالات

الاجتهاد والتجديد

آية الله التسخيري^١

ان التنمية والتحولات السريعة التي شهدتها حياة البشر وظهور مسائل مستحدثة وجديدة في الحياة الاجتماعية كان لها آثار فقهية وحقوقية خاصة ومعقدة. كان يجب على الاسلام باعتباره ديناً جامعاً وخالداً وشمولياً ان يقول فيها كلمته على مختلف الصعد. والكاتب مع تأكيده على التجديد الديني - الى جانب رده النظريات الليبرالية والديمقراطية - التزم بأصول الاسلام كما اشار الى نظريات الاجتهاد التي تتناسب مع مقتضيات الزمان والمكان (نظرية الامام الخميني عليه السلام) والاجتهاد الشورائي (نظرية هاشمي رفسنجاني) والتجربة الناجعة لها على صعيد المجمع العالمي للفقهاء الاسلامي ونظرية منطقة الفراغ.

الكلمات المحورية: المسائل المستحدثة، الاجتهاد والتجديد، الآثار، نظرية منطقة الفراغ، المجمع العالمي للفقهاء الاسلامي، الاجتهاد الشورائي.

١- الامين العام للمجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

استراتيجية النبي الاعظم ﷺ في تأسيس ثقافة الوحدة الاسلامية

الدكتور السيد علاء الدين شاهرخى^١

قام النبي الاعظم ﷺ الذى يقع على عاتقه مسؤولية تبليغ الدين الاسلامى بنشر التعاليم الاسلامية والانسانية الجامعة فى المجتمعات البشرية والتي من جملتها موضوع وحدة الامة الاسلامية بنحو ملموس من خلال الاستعانة بالقابليات الفكرية والاجتماعية لتلك المجتمعات. وقد تجلت بعض تلك الاستراتيجيات فى اطار الثقافة الاسلامية فى امد قصير، و من جملة مزايا تلك الثقافة هى عدم انحصارها فى اطار مكاني او زمانى خاص، من هنا يتوقع من خلال انتشار الثقافة الاسلامية دعم وحدة الامة الاسلامية كركيزة من ركائز ثقافة التنمية. بينما نجد انه تم التغافل عن هذا الجانب من الثقافة الاسلامية كباقي الجوانب عقب وفاة النبي ﷺ. تناول هذا المقال - من خلال الاستفادة من المنهج التحليلى والتاريخى - الى بيان المحاور المهمة لمواقف النبي ﷺ فى تمهيد ارضية الاتحاد العقائدى والاخلاقى والسلوكى فى الثقافة الاسلامية الى جانب استعراض موضوع الوحدة الاسلامية فى السيرة النبوية، وتعد توعية المجتمع ومناهضة العصبية الجاهلية غير المنطقية والتحلى بالاخلاق الاسلامية من أبرز سمات استراتيجية النبي الاعظم ﷺ فى تأسيس ثقافة الوحدة الاسلامية.

الكلمات المحورية: النبي الاعظم، الاتحاد الاسلامى، الاستراتيجية، الثقافة، العالم الاسلامى، القران، السنة.

نظير

سال هشتم / شماره نبيست و نهم

١- استاذ مساعد فى قسم التاريخ بجامعة لرستان.

استعراض رأى ابن تيمية فى انكار تلمذ ابن عباس عند الامام على عليه السلام ونقده اعتماداً على مصادر أهل السنة

الدكتور محسن رفيفي^١
الدكتورة معصومة شريفى^٢

كانت المرجعية العلمية للامام على عليه السلام من جملة المسائل المطروحة فى المجتمع الاسلامى بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم، بنحو شغلت بال اغلب المحدثين والمفسرين والمتكلمين والفقهاء والمؤرخين، وقد بلغ علم الامام على عليه السلام بمكان ان كبار الصحابة كابن عباس المعروف بحبر الامة، والبحر، وترجمان القران، ورئيس المفسرين، وفقه العصر، كان يفتخر بتلمذه عند الامام عليه السلام. الا ان ابن تيمية قد انكر تلمذ ابن عباس عند الامام على عليه السلام فى حين قد صرح ابن عباس مراراً - باعتراف مصادر اهل السنة - بانه اغترف من نمير علم الامام على عليه السلام فى التفسير.

وقد سلك ابن تيمية مسلك التكذيب والتضعيف والتوجيه فى مواجهة اهل البيت عليهم السلام بهدف ابعاد المرجعية العلمية عنهم وخلق مراجع وهمية للاخرين، متجاهلاً الحقائق الروائية والتاريخية المسلمة، ولا شك ان وجهة نظره تلك وبسبب تعارضها مع تلك الحقائق لا يمكن الرضوخ اليها والاذعان بها.

الكلمات المحورية: المرجعية العلمية، الامام على عليه السلام، ابن عباس، ابن تيمية، أهل السنة.

١- عضو الهيئة التعليمية لمجمع التعليم العالى للنبي الاعظم صلى الله عليه وسلم (تربيت معلم آية الله طالقانى - قم).
٢- عضو الهيئة التعليمية لمجمع التعليم العالى للنبي الاعظم صلى الله عليه وسلم (تربيت معلم السيدة معصومة عليها السلام - قم).

آليات القرآن في الوحدة والتقريب الاساليب المتبعة لاجراء التقريب والسير بهدى القرآن نحو الوحدة

فاطمة ناصر معدلى^١

تطرق هذا المقال الى مسالة ان التقريب و تضييق هوة الخلافات بين اتباع المذاهب الاسلامية للوصول الى امة اسلامية واحدة رهن بتحقيق آليات عملية واضحة فى المجالات العلمية والثقافية والسياسية والاقتصادية.

ويبدو من الضرورى بيان هذه النكتة وهى ان المراد من المذاهب الاسلامية هى المدارس الفقهية المعروفة والتي تستند الى الكتاب والسنة، و كلما ورد اسم المذاهب فمرادنا منها هى المذهب الشافعى والحنفى والمالكى والحنبلى لأهل السنة و المذهب الزيدى والائتنى عشرى للشيعة والمذهب الاباضى.

الكلمات المحورية: آليات التقريب، المذاهب الاسلامية، ميثاق الوحدة، الصحة الاسلامية، اتحاد المسلمين، وحدة القيادة.

الدراسة والتقريب

سال هشتم / شماره بيست و نهم

١- ماجستير علوم القرآن والحديث.

الوحدة والانسجام الاسلامى من منظار القران ونهج البلاغة

السيد حنان رضوى^١

تناول هذا المقال بعد سرده المعنى اللغوى والاصطلاحى لمفردة الوحدة والاتحاد، تناول انواع الوحدة من وجهة نظر القران ونهج البلاغة والتي تنقسم الى ثلاثة اقسام: الوحدة على صعيد المجتمعات البشرية، الوحدة على صعيد الاديان التوحيدية والوحدة على الصعيد الاسلامى، وما يبحث عنه فى هذا المقال هو الوحدة على الصعيد الاسلامى. وقد أشار الى محاور الوحدة على الصعيد الاسلامى و التي تتبلور فى التوحيد والاسلام والقرآن والنبي ﷺ وحب أهل البيت والاخوة الاسلامية والقبلة ومراسم الحج. كما استعرض السبل العملية الكفيلة بايجاد الوحدة الاسلامية من منظار القران ونهج البلاغة، وهى تحكيم آواصر المشتركات وتحمل عقائد الآخرين، والنقد البناء، والتواصل العلمى مع علماء المسلمين، والاحتراز عن التعصب وتأصيل الوحدة الاسلامية، وحب الخير. وتعرض ايضا الى آثار الوحدة الاسلامية من زاوية القران ونهج البلاغة من قبيل: الامن والعزة والافتدار الدينى، والعزة والافتدار الوطنى، وازدهار المجتمع الاسلامى، وزيادة النعم الالهية.

الكلمات المحورية: الوحدة، الانسجام الاسلامى، القران، نهج البلاغة، محاور الوحدة، آثار الوحدة الاسلامية.

ابن شهر آشوب من طلائع التقريب فى القرن السادس

امان الله شفائى^١

تدور الفكرة الاساسية لهذا المقال حول سيرة ابن شهر آشوب و كيفية تعامله مع أهل السنة، و هو من كبار علماء الامامية عاش فى القرن السادس الهجرى و اتخذ منهج الاعتدال والعقلانية سبيلا للتعامل مع أهل السنة، و كان يتردد على محافلهم و انديتهم العلمية دون وجل او تعصب. من هنا كان يدون الاحاديث التى نقلها عنهم فى كتبه الروائية فيما لو حصل الوثوق بها مع ذكر رجال السند، كما اتخذ الاسلوب ذاته فى علوم القرآن والتفسير وفى سائر العلوم لاسيما الفقه والاصول، ولم يكتف بذلك بل انه اعتمد على الروايات المعتبرة لأهل السنة عند ذكر فضائل ومناقب أئمة أهل البيت عليهم السلام فى أشهر كتبه (مناقب آل ابى طالب).

ان اسلوب حوار و تعامل ابن شهر آشوب خاصة فى المباحث العلمية والفكرية قد حاز على احترام وتقدير كبيرين لدى كبار علماء أهل السنة، مما دفعهم الى اطلاق عبارات الثناء فى مدح هذه الشخصية التى تسامت على المذهبية والطائفية.

الكلمات المحورية: ابن شهر آشوب، التعامل، أهل السنة، التشيع.

الشيخ الخليل

سال هشتم / شماره بيست و نهم

١- من طلاب الحوزة العلمية بقم المقدسة وماجستير فى العلوم السياسية.

تنزانيا

ليلي قلندرلكى سلطاني^١
آمنة قلندرلكى سلطاني^٢

تعد تنزانيا من الاقطار المهمة فى القارة الافريقية وعاصمتها دار السلام، و تعتبر من أهم موانئها، يشكل المسلمون ثلث سكانها، وطبقا للاحصاءات فان معظم سكانها يقطنون القرى والارياف ويمتهنون الزراعة، ويعيش فيها العديد من الاقوام اكبرها قوم سوكونا الذين يشكلون نحو ١٣٪ من نفوسها، ولغتها الرسمية هى اللغة السواحيلية التى تعتبر من عوامل وحدتها الوطنية، وقد دون قانونها الاساسى عام ١٩٦٥ م، وتنقسم القوى السياسية فيها الى قوة تنفيذية وقوة تشريعية وقوة قضائية، كما ان هناك فرقا اخرى مسلمة ومسيحية منها الارثوذكس والبروتستانت ومجمع مسلمى تانكانيكيا وباكواتا وبالوكتا، وقد انخفضت فيها نسبة الامية الى حد كبير، حتى بلغ عدد الذين يجيدون القراءة والكتابة نسبة ٨٥٪، و تتمتع باقتصاد عماده الزراعة وتصدر محاصيل زراعية كالشاي والتبغ والقهوة والنارجيل.

تناول المقال جغرافيا تنزانيا ونفوسها وتاريخها السياسى و قانونها الاساسى و تقسيماتها الادارية و اديانها ومذاهبها و وضعها الثقافى والاقتصادى والسياسى.

الكلمات المحورية: افريقيا، تنزانيا، دار السلام، باكواتا، بالوكتا، اللغة السواحيلية.

١- مدرسة فى الجامعى الاسلامية الحرة - فرع كرمانشاه

٢- معلمة فى محافظة كرمانشاه

فكر الاتحاد في رسالة (تنبيه الامة وتنزيه الملة) للميرزا النائيني

بهنام دارابي^١

كان الميرزا النائيني صاحب رأى حر، وقد تمثل دوره الرئيسى فى الجهاد ضد الاستبداد والاستعمار والدعوة الى الحكومة الدستورية وصحوة المسلمين، فهو فى كتابه (تنبيه الامة وتنزيه الملة) الذى هو فقه سياسى تطرق فيه الى التنظير للحكومة الدستورية وحكومة السيادة الشعبية والقانون كما بين النظام السياسى المطروح من قبل الاسلام ثم تصدى للاجابة عن الشبهات، وقد سلط الاضواء فى هذا الكتاب على ابعاد الحكومة الدستورية، ومن المسائل التى لم تقع تحت مجهر البحث هى مسألة الاتحاد الاسلامى، حيث دعا الميرزا النائيني المسلمين الى الوحدة والاتحاد بعدة أساليب: ١- الاسلوب العلمى المقارن ورعاية ادب الاختلاف ٢- التواصل مع مسلمى العالم وبذل النصح لهم ٣- ابراز مسألة الاختلاف والتشتت كأحد عوامل الاستعمار والاستبداد ٤- استعراض السبل الكفيلة لتقريب الخطى.

الكلمات المحورية: الميرزا النائيني، تنبيه الامة وتنزيه الملة، الاختلافات، الاتحاد الاسلامى، سبل الحل.

الشيخ
مختار

سال هشتم / شماره بيست و نهم

١- طالب ماجستير فى الفقه المقارن وقانون الجزاء الاسلامى بجامعة المذاهب الاسلامية.

**Concept of Unity according to Mirzaye Na'ini's book entitled,
"Tanbih Al-Ommah Wa Tanzih Al-melah"**

By: Behnam Darabi¹

Abstract

Mirzaye Na'ini was one of the open-minded scholars who played a major role against tyranny and colonial regime and helped start of constitutionalism and awakening of Muslims. In his book entitled, "Tanbih Al-Ommah Wa Tanzih Al-melah" which is about political jurisprudence, he explains the theory of constitutionalism and democracy and law. He elaborates on the political system accepted by Islam and answers relevant questions.

The book mostly deals with constitution and ruling issues. One of the issues which has not been studied about his book is Islamic unity. Mirzaye Na'ini has invited Muslims towards unity through different methods: first, scientific simultaneity and respecting differences in viewpoints; second, learning about world's Muslims and being sensitive about them; third, considering discords and disagreements as the tool used by autarky; fourth, suggesting methods as solutions to the question.

Keywords: Mirzaye Na'ini, Tanbih Al-Ommah Wa Tanzih Al-melah, disagreements, Islamic unity, methods.

1 - MA student of Contemporary Jurisprudence and Islamic Criminal Law- Islamic Religions University.

About Tanzania

By: Leila Qhalandar-Laki Soltani¹
and Amene Ghalandar-Laki Soltani²

Abstract

Tanzania is one of the major countries within African continent. The capital is Dar Al-Salam which is one of the main ports of Africa. One third of the population is Muslim. According to statistics, most of the people live in rural areas and do agriculture. There are several races living in the country. The official language is Swahili which is considered as an elements causing national unity. The constitution was implemented in 1965. The constitution is divided into the three sections as the legislative, the judiciary, and the administrative. There are different religions in the country, e.g. Muslims, and Christians, including Orthodox, Protestant, Tangagiga Muslims, and Bakulta Muslims. The country has the highest ranks in terms of literacy within Africa and about 85 per cent of the nation is literate. Since the majority of people live in rural areas, the economy is based on agriculture and the country exports agricultural products, such as tea, tobacco, coffee, and cocoanuts.

This paper intends to assess geographical situation, population, political history, constitution, national divisions, religions and sects, culture, economy and international policy of Tanzania.

Keywords: Africa, Tanzania, Dar Al-Salam, Bakowata, Balukta, Swahili language.

1 - Lecturer in Razi University.

2 - High School teacher in Kermanshah Province.

Ibn Shahr Ashub, the 6th century scholar seeking proximity of Islamic sects

By: Aman Allah Shafaei ¹

Abstract

The main idea behind this paper is to present attitudes and behavior of Ibn Shahr Ashub who had a good relationship with the Sunnies. As a great scholar of the 6th century, Ibn Shahr Ashub, based on his moderate and reasoning attitude, had a moderate and compromising relationship with the Sunnies. He would enter into Sunni societies without any fear and he would learn from anyone who could teach him. Accordingly, in the Rejal and Hadith sciences, whenever he made certain about a tradition quoted by a Sunni scholar, he would refer to such tradition. He had the same approach in other sciences, e.g. in the Quran and exegesis of the Quran and particularly in Jurisprudence and Principles of Islamic Laws. Interestingly, Ibn Shahr Ashub had a compromising approach even in Theology which is known to be different from other Islamic sciences. In his famous book, entitled, "Manaqeb Ale Abi Talib" he would refer to authenticated Sunni traditions as the main sources for explaining about virtues of the Ahl-e Bayt (a.s). His attitudes and behavior particularly concerning scientific issues was such that the Sunni scholars had great respect for him and some of the Sunni scholars said great and inspiring things about his open-mindedness.

Keywords: Ibn Shahr Ashub, relationship, the Sunnies, the Shiite.

1 - Alumni of Al-Mustafa University and postgraduate student of Politics.

Islamic unity and solidarity according to the Quran and Nahj Al-Balaqa

By: Syed Hanan Radhavi¹

Abstract

The present paper assesses terminology of "unity and solidarity" and then analyses various types of unity according to the Quran and Nahj Al-Balaqa. According to sociology, unity in religion is divided into three types: first, unity in societies, second, unity in the field of Ibrahimic religions, and third, Islamic unity. This paper intends to study Islamic unity.

In Islamic unity, the author deals with the principles and major factors of unity; such as monotheism, Islam, the Quran, the Prophet of Islam (s.a), love of Ahl-e Bayt (a.s), Islamic brotherhood, Muslims' Qiblah and Hajj pilgrimage.

Also the paper assesses major ways for achieving Islamic unity; e.g. boosting commonalities, tolerating others' belief, critiquing without disrespecting, academic exchange between Muslim scholars, refraining from fanaticism, promoting Islamic unity, and having good will for each other. Such issues are assessed based on the teachings of the Quran and Nahj Al-Balaqa.

Other issues assessed in this paper based on the Quran and Nahj Al-Balaqa include the outcome of Islamic unity such as security, dignity, religious power, national solidarity and honor, growth of Islamic society, and increase in divine blessings.

Keywords: Unity, Islamic solidarity, the Quran, Nahj Al-Balaqa, major parts of unity, outcome of Islamic unity.

1 - Author and researcher.

**Methods of the Quran for unity and proximity of Islamic sects
Strategies and policies regarding establishment of proximity
and moving toward unity based on Quranic approach**

By: Fatemeh Naser Mo'adeli¹

Abstract

Having explanatory-analytical approach, the present paper explains that there are practical and clear academic, cultural, political and economic ways for establishing proximity and cohesion among Islamic sects. It is hoped that through establishing such cohesion, great steps are taken in unity of Muslims.

It should be mentioned that by Islamic sects we mean jurisprudence-based Islamic religions which refer to the Quran and traditions as their main sources of reference, i.e. Shafe'i, Hanafi, Maleki, Hanbali and the Sunni ones as: Zeidi, Ethna Ashari, and Abazi.

Keywords: ways of proximity, Islamic sects, unity covenant, Islamic awakening, Islamic nations union, leadership unity.

1 - MA. Quran and Hadith Sciences (concentrating on Quranic exegesis).

Assessing the theory of Ibn Tamimiye regarding denying Ibn-e Abbas as the student of Imam Ali (a.s) and critiquing the theory according to Sunni resources

By: Dr. Mohsen Rafi'e¹

Dr. Masume Sharifi²

Abstract

Imam Ali's (a.s) religious authority became one of the issues in Islamic society after demise of the Prophet of Islam (s.a). This issue has been so outstanding that many of Mohadethan, commentators, jurists and historians wrote about it. Imam Ali (a.s) was so prominent that many of the great companions of the Prophet were proud of being student of him, namely Ibn-e Abbas, who was given various titles as "Habr Al-A'emeh, Bahr, Tarjoman Al-Quran, Ra'is Al-Mofaserin and Faqih Al-Asr'. He was one of students of Imam Ali (a.s) and considered this fact as an honor.

Ibn-e Tamimiye denies the fact that Ibn-e Abbas was Imam Ali's student; whereas, according to Sunni resources, Ibn-e Abbas has stipulated that the origin of his knowledge in exegesis of the Quran was Imam Ali (a.s). Ibn-e Abbas has introduced Imam Ali (a.s) as his best teacher after the Prophet (s.a).

Confronting Ahl-e Bayt (a.s) and intending to weaken the position of Imam Ali's religious authority and promoting such authority for others, Ibn-e Tamimiye constantly attempted to ignore or justify several of the indisputable historical realities. His viewpoints regarding denial of Ibn-e Abbas's studentship with Imam Ali (a.s) is not acceptable due to the historical facts and the issue requires assessment.

Keywords: Imam Ali's religious authority, Imam Ali (a.s), Ibn-e Abbas, Ibn-e Tamimiye, Sunni.

1 - Faculty member of Peyambar A'zam College.

2 - Faculty member of Peyambar A'zam College and Masume Teacher Training Institute.

Method of the Holy Prophet (s.a) concerning promoting Islamic unity

Dr. Syed Ala Al-Din Shahrokhi ¹

Abstract

The Prophet (s.a) who was responsible for delivering the teachings of Islam, provided mankind with comprehensive and ethical Islamic teachings including unity of Islamic nations. He delivered this message using social and intellectual capacity of the nations. Consequently, some of the Prophet's strategies were reflected in the form of Islamic culture not so long after He delivered the message. The capacities and specifications of Islamic culture moved His message beyond boundaries and time. Therefore, it was expected that the Islamic culture and Islamic unity, (as one of the elements of Islamic culture), develop and increase equally; however, after demise of the Prophet (s.a) this part of the Islamic culture, like the other parts was neglected.

Using analytical-historical method, this paper assesses the issue of Islamic unity in the attitude and behavior of the Prophet (s.a) and explains His major measures for preparing the belief-related, ethical and behavioral groundworks in Islamic culture for Islamic unity. The Prophet's (s.a) major strategies for preparing the culture of Islamic unity were namely, informing people, fighting against extremism and bios behavior, rejecting sectarianism, promoting monotheism as the main axis of unity, presenting common human rights, and applying Islamic ethics.

Keywords: the Holy Prophet (s.a), Islamic Unity, strategy, culture, Islam world, the Quran, Traditions.

¹ - Assistant Professor in the Faculty of History- Lorestan University.

Ijtihad and New Thinking

By: Ayatollah Taskhiri¹

Abstract:

Today the fast developments and changes in human's life and occurring of new issues in social life have caused complex jurisprudential and legal implications. As a comprehensive, everlasting and universal religion, Islam should respond to such developments.

Emphasizing on religions new thinking, the author rejects Liberal Democracy theories and adherence to Islamic principles, but refers to Ijtihad theories which are based on the time and situation, e.g. the theory of Imam Khomeini (r), the council-based Ijtihad (Hashemi Rafsanjani's theory) and its successful application in International Society of Islamic Jurisprudence, and the theory entitled "Mantaqat Al-Feraq".

Keywords: new issues, Ijtihad and new thinking, outcomes, theory entitled "Mantaqat Al-Feraq", International Society of Islamic Jurisprudence, Council-based Ijtihad

Secretary General of the World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought.

1 - Secretary general of the World Forum for Proximity of Islamic Religions.

ABSTRACT

In The Name Of God